

نہدوست
در قرآن و حدیث

جلد دوم

محمد حسن صافی کلپانگانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .


ہدویت

در قرآن و حدیث

جلد دوم



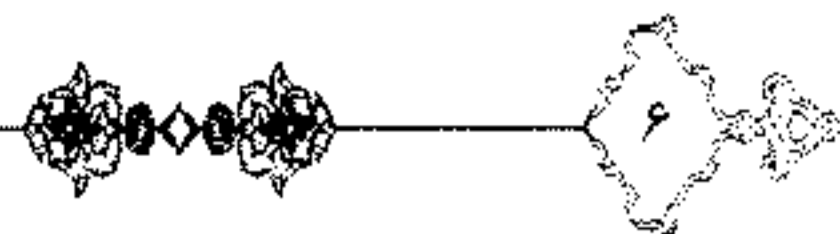
محمد حسن صافی

سرشناسه	: صافی، محمدحسن
عنوان و نام پدیدآور	: مهدویت در قرآن و حدیث / محمدحسن صافی
مشخصات نشر	: تهران، انتشارات منیر، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهر	: ۳۰۰ ص
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۶۴۶-۴۲
وضعیت فهرست	: 
یادداشت	: فهرست‌نویسی بر اساس جلد دوم ۱۳۹۷.
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: مهدویت
موضوع	: صافی، محمدحسن -- وعظ
موضوع	: محمد بن حسن (ع)، امام دوازدهم ۲۵۵ق
موضوع	: مهدویت -- جنبه‌های قرآنی -- احادیث
رده‌بندی کنگره	: ی ۱۳۹۰ م ۲ ص ۴ / ۲۲۴ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۶۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۶۴۴۲۸

- نام کتاب: ■ مهدویت در قرآن و حدیث (ج ۲)
- مؤلف: ■ محمدحسن صافی
- ناشر: ■ مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
- چاپ اول: ■ رجب‌المرجب ۱۴۳۹ / بهار ۱۳۹۷
- شمارگان: ■ ۳۰۰۰
- بها: ■ 
- شابک: ■ ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۶۴۶-۴۲
- وبسایت: ■ <http://www.monir.com>
- پست الکترونیک: ■ info@monir.com
- آدرس پستی: ■ تهران / خیابان مجاهدین / چهارراه آبرودار / ساختمان پزشکان / واحد ۹
- تلفن و فاکس: ■ ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

فهرست مطالب

مقدمه ناشر	۱۹
جلسه اول	۲۵
توفیق درک ماه مبارک رمضان	۲۶
ماه مبارک رمضان از منظر امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>	۲۶
دعای امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> در دخول ماه مبارک رمضان	۲۷
ماه مبارک رمضان راه تقرب به خداوند	۲۹
ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن	۳۰
فضیلت ماه مبارک رمضان بر سایر ماهها	۳۰
درخواست شناخت فضیلت ماه مبارک رمضان از خداوند	۳۲
فلسفه روزداری از منظر امام سجاده <small>علیه السلام</small>	۳۳
قضیه سید بحر العلوم	۳۴



- ۳۵..... فضیلت گوش دادن به صوت قرآن و ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام
- ۳۵..... خودداری از رفتن به مجالس لهو.....
- ۳۵..... ترک محرمات در ماه مبارک رمضان
- ۳۶..... صحبت کردن افراد با قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام
- ۳۷..... صحبت فضه خادمه با قرآن
- ۳۸..... انجام تکلیف جهت کسب ثواب الهی
- ۳۸..... فضیلت ماه مبارک رمضان در روایات
- ۳۸..... ماه مبارک رمضان از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۳۹..... فضیلت روزه‌داری
- ۴۰..... خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه ماه مبارک رمضان
- ۴۱..... ماه مبارک رمضان، ماه صبر
- ۴۲..... ثواب افطاری دادن در ماه مبارک رمضان

جلسه دوم..... ۴۵

- ۴۶..... مصداق اولی الامر در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام
- ۴۸..... امیرالمؤمنین علیه السلام عالم‌ترین افراد به تفسیر و تاویل قرآن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۵۲..... اهل بیت علیهم السلام مصداق اولی الامر
- ۵۳..... معیت اهل بیت علیهم السلام با قرآن کریم
- ۵۴..... اهل بیت علیهم السلام واسطه فیض بین خدا و مخلوقات
- ۵۵..... نام مبارک دوازده امام علیهم السلام در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۵۶..... روایات درباره ائمه اثنی عشر علیهم السلام و نام‌هایشان در کتب فریقین
- ۵۷..... اهمیت کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام
- ۵۸..... پرسش‌های جوان یهودی از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره تعداد امامان
- ۵۹..... تعداد امامان امت اسلام
- ۶۰..... جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام در بهشت



جلسه سوم..... ۶۱

- ۶۳..... تطبیق آیه شریفه بر ائمه اثنی عشر علیهم السلام
- ۶۳..... ائمه معصومین علیهم السلام مصداق بارز باب بهشت
- ۶۵..... تمسک به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام تنها راه نجات
- ۶۶..... معرفی حجت‌های خداوند بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۶۶..... ولایت امام علی علیه السلام و امامان علیهم السلام ولایت خداست
- ۶۷..... تعداد ائمه معصومین علیهم السلام در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۶۸..... تعداد ائمه علیهم السلام برابر با تعداد ماه‌های سال
- ۶۸..... تعداد ائمه معصومین علیهم السلام برابر تعداد نقبای بنی اسرائیل
- ۷۰..... معرفی دوازده امام علیهم السلام به ابوذر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۷۳..... تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله بر تکریم اهل بیت علیهم السلام
- ۷۴..... تعداد امامان علیهم السلام برابر با تعداد نقبای بنی اسرائیل
- ۷۴..... سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به نیکی کردن با اهل بیت علیهم السلام
- ۷۵..... امامان دوازده‌گانه از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۷۶..... امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام مصداق جبل‌الله
- ۷۷..... معیت ائمه معصومین علیهم السلام با حق

جلسه چهارم..... ۷۹

- ۸۰..... انتخاب پیامبر و امام توسط خداوند
- ۸۱..... ویژگی‌های نقیب
- ۸۲..... انتخاب دوازده نقیب توسط خداوند در زمان حضرت موسی علیه السلام
- ۸۲..... استشهاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آیه مربوط به نقبای بنی اسرائیل
- ۸۴..... اهمیت کتاب کفایة الاثر
- ۸۵..... امیرالمؤمنین علیه السلام هادی، مبلغ و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۸۷..... مبارزه امام علی علیه السلام بر تأویل قرآن

- ۸۸..... تعداد ائمه علیهم السلام برابر با تعداد نقبای بنی اسرائیل
- ۸۹..... حضرت مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۸۹..... اوصاف و ویژگی‌های امام علیه السلام
- ۹۰..... ائمه معصوم علیهم السلام از ذریه اسماعیل علیه السلام
- ۹۲..... اسامی دوازده امام علیهم السلام در تورات
- ۹۴..... اعتراف عالم مسیحی به وجود دوازده امام علیهم السلام

جلسه پنجم..... ۹۷

- ۹۸..... حکمت عدد دوازده
- ۹۹..... روایات در مورد پیشوایان دوازده گانه
- ۱۰۰..... حتمی بودن قیام امام زمان علیه السلام
- ۱۰۳..... منظور از ماه‌های دوازده گانه در قرآن
- ۱۰۵..... منظور از ماه‌های حرام در قرآن
- ۱۰۷..... امامان دوازده گانه در کلام امام صادق علیه السلام
- ۱۱۰..... اسامی مبارک دوازده معصوم علیهم السلام بر روی برگه خرما
- ۱۱۱..... مکتوب بودن نام دوازده امام علیهم السلام قبل از خلقت آدم علیه السلام
- ۱۱۲..... اسامی امامان دوازده گانه در کتب اهل سنت
- ۱۱۳..... حدیث لوح و اسامی دوازده امام علیهم السلام

جلسه ششم..... ۱۱۵

- ۱۱۶..... منظور از عدد دوازده در قرآن
- ۱۱۷..... دیدگاه اهل سنت در مورد عدد دوازده
- ۱۱۹..... عزت و فضیلت قریش به خاطر وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۲۱..... احتجاج به حدیث ولایت در غدیر خم
- ۱۲۱..... ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام همانند ولایت رسول اکرم صلی الله علیه و آله



- ۱۲۳..... ولایت امام علی علیه السلام اتمام نبوت و اکمال دین خدا
- ۱۲۳..... اختصاص آیه اکمال دین و اتمام نعمت به حضرت علی علیه السلام و اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۲۴..... معرفی اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم
- ۱۲۵..... معیت قرآن و اهل بیت علیهم السلام
- ۱۲۶..... اهل بیت علیهم السلام مصداق آیه تطهیر
- ۱۲۸..... شاهد بودن رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر مردم
- ۱۲۹..... احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام به آخرین خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۲۹..... ابراز ناراحتی عمر از فضایل امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام
- ۱۳۱..... اهل بیت علیهم السلام شاهد، حجت و گنجینه علم الهی
- ۱۳۲..... احتجاجات امیرالمؤمنین علیه السلام به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۳۳..... حدیث دوازده امام در کتب اهل سنت و شیعه

جلسه هفتم..... ۱۳۷

- ۱۳۸..... معرفی دوازده امام در مذهب تشیع
- ۱۳۹..... حدیث لوح و نامهای دوازده امام علیهم السلام
- ۱۴۲..... گفتگوی امام صادق علیه السلام با جابر بن عبدالله درباره حدیث لوح
- ۱۴۳..... توصیف حدیث لوح از زبان جابر
- ۱۴۶..... درخواست امام باقر علیه السلام از جابر برای عرضه حدیث لوح
- ۱۴۷..... متن حدیث لوح
- ۱۴۷..... توصیه به توکل بر خدا در همه کارها در حدیث لوح
- ۱۴۸..... تکریم پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام
- ۱۵۱..... ذکر اسامی امامان از نسل امام حسین علیه السلام در لوح
- ۱۵۲..... ظهور فرقه‌های جدید بعد از شهادت امام موسی کاظم علیه السلام
- ۱۵۳..... تکذیب امام رضا علیه السلام تکذیب همه امامان علیهم السلام
- ۱۵۴..... امام رضا علیه السلام حامل ثقل نبوت



- ۱۵۴.....مظلومیت امام رضا علیه السلام
 ۱۵۵.....فضایل و کرامات امام جواد علیه السلام
 ۱۵۶.....شرایط عصر ظهور در حدیث لوح

جلسه هشتم ۱۵۹

- ۱۶۰.....توسل حضرت موسی علیه السلام به اتوار پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت
 ۱۶۲.....حضرت موسی علیه السلام و دوازده چشمه
 ۱۶۳.....سوالات نعتل یهودی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 ۱۶۵.....توصیف خداوند توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 ۱۶۶.....اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 ۱۶۸.....شهادت نعتل یهودی به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 ۱۶۹.....معرفی اسباط توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 ۱۷۱.....اشعار نعتل یهودی در وصف ائمه معصومین علیهم السلام
 ۱۷۴.....توسل به اهل بیت علیهم السلام عامل نجات و رستگاری
 ۱۷۵.....شناخت امام زمان علیه السلام و وظیفه هر شیعه

جلسه نهم ۱۷۷

- ۱۷۷.....مذهب جعفری، دین حق
 ۱۷۹.....سعید بن جبیر مفسر بزرگ قرآن و از اصحاب خاص امام علی علیه السلام
 ۱۸۱.....نزول حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور امام زمان علیه السلام
 ۱۸۲.....حکومت واحد جهانی در عصر امام زمان علیه السلام
 ۱۸۳.....فضیلت دعای افتتاح در ماه مبارک رمضان
 ۱۸۳.....اعتبار کتاب ینابیع الموده
 ۱۸۴.....پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین مخلوقات
 ۱۸۶.....برتری پیامبران بر ملائکه



- ۱۸۷..... برتری پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ بر سایر پیامبران
- ۱۸۷..... ثمره دوستی با اهل بیت ﷺ
- ۱۸۸..... برتری مقام ائمه ﷺ از فرشتگان
- ۱۸۹..... ارواح پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ اولین مخلوق خداوند
- ۱۸۹..... تعظیم ملائکه در مقابل شأن و عظمت اهل بیت ﷺ
- ۱۹۰..... اهل بیت ﷺ معلم ملائکه
- ۱۹۲..... سجود ملائکه بر آدم ﷺ به خاطر وجود انوار ائمه معصومین ﷺ
- ۱۹۳..... اقتدای جبرئیل و فرشتگان به پیامبر ﷺ در معراج
- ۱۹۴..... جدایی جبرئیل از پیامبر ﷺ در معراج
- ۱۹۶..... اسامی معصومین ﷺ بر سر پرده عرش

جلسه دهم..... ۱۹۹

- ۲۰۰..... اهمیت و جایگاه ولایت در اسلام
- ۲۰۲..... ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین ﷺ رسالت پیامبر اکرم ﷺ
- ۲۰۲..... ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین ﷺ و وظیفه همگانی
- ۲۰۴..... منظور از مؤمنون در آیه شریفه.....
- ۲۰۷..... خلقت اهل بیت ﷺ از نور خداوند
- ۲۰۸..... آمرزش الهی منوط به پذیرش ولایت علی ﷺ و جانشینان وی
- ۲۰۹..... مشاهده انوار مقدسه معصومین ﷺ در شب معراج توسط پیامبر ﷺ
- ۲۱۰..... امام زمان ﷺ منتقم خون امام حسین ﷺ و مظلومان شیعه
- ۲۱۰..... فضائل اهل بیت ﷺ در کتب اهل سنت
- ۲۱۱..... مناجات حضرت موسی ﷺ با خداوند
- ۲۱۴..... خلقت انوار اهل بیت ﷺ قبل از خلقت انوار



جلسه یازدهم ۲۱۷

- ۲۱۷..... وجوب شناخت امام و حجت خدا در هر عصر
- ۲۱۸..... راه شناخت امام زمان علیه السلام از طریق قرآن و روایات
- ۲۱۹..... آیات و روایات درباره امام زمان علیه السلام
- ۲۲۰..... توصیه امام رضا علیه السلام به تقیه
- ۲۲۲..... تقیه در عصر غیبت
- ۲۲۴..... ائمه معصومین علیهم السلام میزان عدل
- ۲۲۵..... ویژگی‌های امام زمان علیه السلام
- ۲۲۷..... قصیده مدارس
- ۲۲۹..... گریه امام رضا علیه السلام در وصف امام زمان علیه السلام
- ۲۳۰..... زمان ظهور امام زمان علیه السلام

جلسه دوازدهم ۲۳۵

- ۲۳۶..... دشمنی با اهلیت علیه السلام و جلوگیری از نشر فضائل آنان
- ۲۴۰..... دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق حسنین علیهم السلام
- ۲۴۰..... پیشبینی شهادت امام حسین علیه السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۴۱..... ثواب زیارت امام حسین علیه السلام
- ۲۴۳..... اسامی امامان معصوم علیهم السلام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۴۴..... انکار یکی از امامان به منزله انکار و رد پیامبر صلی الله علیه و آله و خدا
- ۲۴۵..... حزب علی علیه السلام، حزب الله است
- ۲۴۶..... حق با علی علیه السلام و علی علیه السلام با حق است
- ۲۴۶..... ولایت اهل بیت علیهم السلام به منزله ولایت خدا
- ۲۴۷..... دشمن اهل بیت علیهم السلام، دشمن خدا و رسول خدا
- ۲۴۸..... نور خدا خاموشی ندارد
- ۲۴۹..... جان فشانی عالمان و بزرگان شیعه در راه نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام



- ۲۴۹..... قاضی نورالله شوشتری رحمته مروج فضائل اهل بیت علیهم السلام
- ۲۵۰..... اهمیت تبلیغ ولایت اهل بیت علیهم السلام
- ۲۵۱..... امام زمان علیه السلام مرابط اسلام
- ۲۵۲..... امام زمان علیه السلام رحمة للعالمین

جلسه سیزدهم ۲۵۵

- ۲۵۶..... ائمه معصومین علیهم السلام و امام زمان علیه السلام پیشوایان و وارثان روی زمین
- ۲۶۱..... دوستان اهل بیت علیهم السلام مانند یاران موسی علیه السلام
- ۲۶۲..... دشمنان اهل بیت علیهم السلام پیروان فرعون
- ۲۶۳..... تفرقه و استضعاف مردم در راستای حفظ حکومت ظالمین
- ۲۶۶..... امام زمان علیه السلام ناظر بر اعمال شیعیان
- ۲۶۸..... تشرف مقدس اردبیلی رحمته خدمت امام زمان علیه السلام
- ۲۶۹..... اهمیت زیارت امین الله
- ۲۷۱..... جواب سؤالات و مشکلات علمی توسط امام علی علیه السلام
- ۲۷۲..... نقل کرامات و تشرفات معتبر
- ۲۷۳..... اهل بیت علیهم السلام وسیله و واسطه تقرب به خدا

جلسه چهاردهم ۲۷۵

- ۲۷۵..... فضایل و مناقب امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۲۸۰..... مکارم اخلاق و فضایل و مناقب امام حسن علیه السلام در روایات

جلسه پانزدهم ۲۸۵

- ۲۸۶..... شناخت خدا از طریق معرفت حجت خدا
- ۲۹۲..... عبادت و شناخت خداوند از طریق معرفت اهل بیت علیهم السلام
- ۲۹۳..... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واسطه فیض الهی
- ۲۹۵..... شکر نعمت های الهی

- ۲۹۸..... شفاعت پیامبر ﷺ از دوستان اهل بیت ﷺ در روز قیامت
- ۳۰۰..... دوستدار اهل بیت ﷺ با پیامبر ﷺ محشور میشود
- ۳۰۰..... تمسک به اهل بیت ﷺ راه شناخت و تقرب به خدا
- ۳۰۱..... حضرت مهدی ﷺ از عترت پیامبر ﷺ
- ۳۰۲..... اشعار زید بن علی در وصف خاندانش

جلسه شانزدهم..... ۳۰۵

- ۳۰۶..... جنگ بدر و یاری فرشتگان از پیامبر ﷺ
- ۳۰۷..... سه هزار منقبت در جنگ بدر برای امیرالمؤمنین ﷺ
- ۳۰۸..... تعداد یاران امام زمان ﷺ به تعداد اصحاب پیامبر ﷺ در جنگ بدر
- ۳۰۹..... ویژگی‌های امام زمان ﷺ
- ۳۱۲..... نشانه‌های زمان خروج امام زمان ﷺ
- ۳۱۵..... اولین سخن امام زمان ﷺ پس از ظهور
- ۳۱۶..... تأثیر دعا در تعجیل فرج
- ۳۱۸..... حدیث بیانگر ۳۱۳ یار امام مهدی ﷺ
- ۳۱۸..... سیره امام زمان ﷺ، سیره پیامبر اکرم ﷺ
- ۳۱۹..... جبرئیل اولین بیعت کننده با امام زمان ﷺ

جلسه هفدهم..... ۳۲۱

- ۳۲۱..... علل غیبت امام زمان ﷺ
- ۳۲۲..... مقام سعید بن جبیر مفسر بزرگ قرآن
- ۳۲۳..... روایت سعید بن جبیر درباره جانشینی پیامبر ﷺ
- ۳۲۴..... یاران امام زمان ﷺ ثابت قدم در دین
- ۳۲۵..... غیبت طولانی بعضی از انبیای گذشته
- ۳۲۵..... امتحان مردم یکی از سنت‌های الهی

- ۳۲۷.....توصیه به خواندن دعای غریق در عصر غیبت
- ۳۲۸.....غیبت امام زمان علیه السلام از اسرار الهی
- ۳۲۹.....تواتر روایات مربوط به امام زمان علیه السلام
- ۳۳۰.....غیبت امام زمان علیه السلام سنت الهی
- ۳۳۱.....حکمت غیبت امام زمان علیه السلام
- ۳۳۲.....عدم آگاهی انبیا از حکمت الهی
- ۳۳۴.....اسرار نهفته الهی در غیبت امام زمان علیه السلام
- ۳۳۵.....غیبت امام زمان علیه السلام حکمت الهی
- ۳۳۷.....حکمت و فایده غیبت امام عصر علیه السلام
- ۳۳۹.....چگونگی بهره‌مندی از امام علیه السلام در عصر غیبت

۳۴۳ جلسه هجدهم

- ۳۴۴.....فضیلت و عظمت شب قدر
- ۳۴۵.....نزول تدریجی و نزول دفعی قرآن
- ۳۴۶.....منظور از لیلۃ القدر
- ۳۴۸.....تشریح هر ساله ملائکه نزد ائمه معصومین علیهم السلام در شب قدر
- ۳۵۰.....نزول ملائکه و جبرئیل بر ائمه علیهم السلام و امام زمان علیه السلام در شب قدر
- ۳۵۲.....عرضه رویدادها و حوادث امت بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام در شب قدر
- ۳۵۳.....علم امام زمان به حوادث روی زمین علیه السلام
- ۳۵۴.....تأثیر دعا در شب قدر
- ۳۵۵.....عرضه قرآن بر امام زمان علیه السلام در شب قدر
- ۳۵۶.....حضرت فاطمه علیها السلام مصداق لیلۃ القدر
- ۳۵۷.....فلسفه نام‌گذاری حضرت فاطمه علیها السلام

جلسه نوزدهم ۳۶۱

- ۳۶۱..... قسم‌های قرآن
- ۳۶۲..... ذکر خدا، پیامبر ﷺ و امامان ﷺ عبادت است
- ۳۶۴..... وصی پیامبر اکرم ﷺ برترین اوصیا
- ۳۶۴..... ثمرات وجود اهل بیت ﷺ
- ۳۶۶..... منظور از سوگند به آسمان دارای برجها
- ۳۶۸..... حکمت قسم خوردن در قرآن
- ۳۷۰..... امامان معصوم ﷺ مصداق بارز شمس و ضحی
- ۳۷۲..... بنی‌امیه مصداق بارز «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»
- ۳۷۳..... روایت دیگر درباره «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»
- ۳۷۴..... دوستان و دشمنان اهل بیت ﷺ مانند یاران موسی ﷺ و فرعون
- ۳۷۶..... ائمه حق و ائمه جور در قرآن و روایات

جلسه بیستم ۳۸۱

- ۳۸۳..... منظور از عصر در قرآن
- ۳۸۴..... توصیه به مواسات با برادران دینی
- ۳۸۵..... توصیه به حق یعنی توصیه به امامت
- ۳۸۶..... توصیه به صبر در برابر مشکلات در عصر غیبت
- ۳۸۷..... مفهوم صاحب‌العصر و صاحب‌الزمان
- ۳۸۹..... فلسفه عمر طولانی امام عصر عجل الله فرجه
- ۳۹۱..... داستان حاج میرزا احمد کفایی
- ۳۹۳..... سجده فرشتگان بر آدم به خاطر انوار ائمه معصومین ﷺ
- ۳۹۴..... امام زمان عجل الله فرجه صاحب امر
- ۳۹۵..... سن و چهره مبارک امام زمان عجل الله فرجه



جلسه بیست و یکم ۳۹۹

- ۴۰۰..... آیات مربوط به غیبت امام زمان علیه السلام
- ۴۰۲..... امام زمان علیه السلام صاحب فضائل و کمالات تمام انبیا و ائمه علیهم السلام
- ۴۰۳..... مقام و منزلت امام زمان علیه السلام نزد اهل بیت علیهم السلام
- ۴۰۴..... امام زمان علیه السلام عصارة انبیا و ائمه علیهم السلام
- ۴۰۶..... امام زمان علیه السلام صاحب کمالات انبیا
- ۴۰۹..... منظور از کمال موسی علیه السلام
- ۴۱۱..... منظور از بهای عیسی علیه السلام
- ۴۱۲..... امام زمان علیه السلام دارای صبر ایوب علیه السلام
- ۴۱۴..... خواندن دعای عهد و یاد امام زمان علیه السلام در همه احوال
- ۴۱۵..... تأکید مراجع به مبلغین بر یاد امام زمان علیه السلام در مجالس و منابر
- ۴۱۶..... ملاقات علامه حلی با امام زمان علیه السلام

جلسه بیست و دوم..... ۴۱۹

- ۴۲۰..... امام زمان علیه السلام وارث حکومت الهی
- ۴۲۱..... زدودن بدعت‌ها با ظهور امام زمان علیه السلام
- ۴۲۲..... امامان معصوم علیهم السلام ناهیان و منکران واقعی
- ۴۲۴..... امام زمان علیه السلام احیاء کننده امر به معروف و نهی از منکر
- ۴۲۶..... امام زمان علیه السلام مرابط و واسطه خداوند بر روی زمین
- ۴۲۷..... شفاعت پیامبران علیهم السلام
- ۴۲۸..... شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از گناهکاران
- ۴۲۹..... جواز توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام بعد از حیاتشان
- ۴۳۱..... امام زمان علیه السلام مشتاق دیدار و ملاقات با شیعیان
- ۴۳۱..... عریضه نویسی
- ۴۳۲..... عریضه نویسی آخوند ملا محمدجواد صافی و جواب آن

۴۳۳..... شب جمعه، شب رحمت و آمرزش

۴۳۴..... عریضه جهت درخواست حاجت

۴۳۵..... توجه امام زمان علیه السلام به شیعیان و وظیفه شیعیان

۴۳۵..... پاسخ به شبهات اعتقادی توسط مراجع

۴۳۶..... وظیفه اصلی حوزه‌های علمیه تبلیغ امر ولایت

۴۳۹ جلسه بیست و سوم

۴۴۱..... توصیه به خضوع، توکل و اعتماد به خدا در معراج

۴۴۲..... ائمه معصومین علیهم السلام معیار شناخت دوست و دشمن

۴۴۳..... امامان معصوم علیهم السلام واسطه رحمانیت و رحیمیت الهی

۴۴۳..... تطهیر زمین از کافران به واسطه ظهور امام زمان علیه السلام

۴۴۶..... خدمات علما در احیای آثار مورد توجه امام زمان علیه السلام

۴۴۹..... فضیلت مسجد مقدس جمکران

۴۵۰..... حکایتی در باب شفا گرفتن در مسجد جمکران

۴۵۳..... توسل به امام زمان علیه السلام در مشکلات و ناراحتی‌ها

۴۵۵ کتاب‌نامه

مقدمه ناشر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یکی از اصول و ارکان مذهب شیعه اثنی عشری امامت است. شیعه بسان باورداشت نبوت، امامت را نیز باور دارد و معتقد است که خاتمیت پیامبر اکرم ﷺ با نصب امام ﷺ پذیرفتنی است، چراکه اگر خداوند متعال رسولان و پیامبران خویش را برای هدایت و راهنمایی بشر به سمت و سوی کمال و سعادت فرستاده با ختم نبوت پریش گری امت پایان نمی یابد و تا قیام قیامت باید راهنما و پاسخ گویی وجود داشته باشد و این امام است که تمام وظایف انبیای الهی را عهده دار است، تا جایی که، بر اساس نص صریح قرآن مجید، شرط ابلاغ رسالت ختمی مرتبت ﷺ معرفی امام پس از خود است:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». ^۱ بلکه بالاتر، تعیین امام اکمال دین و اتمام نعمت است که پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ در روز غدیر خم در آن اجتماع بی نظیر برای اکمال و اتمام دین دست امیرمؤمنان، مولای متقیان، علی بن ابی طالب ﷺ را بالا می برد و می فرماید: هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ». ^۲

امام رضا ﷺ در روایت مفصلی به امر امامت می پردازند که در این مقال به برخی از فقرات آن حسب وسع و مجال پرداخته می شود. حضرت می فرمایند:

«همانا خدای عزوجل پیغمبر خویش را قبض روح نفرمود تا دین را برایش کامل کرد، پیغمبر ﷺ از دنیا نرفت تا آنکه معارف و آداب دین خدا را برای امتش بیان کرد و راه ایشان را روشن ساخت و آنها را بر شاهراه حق قرار داد و علی ﷺ را به عنوان پیشوا و امام منصوب کرد و هر چیزی را که امت به آن نیاز داشت، بیان کرد. پس هرکس گمان کند که خدای عزوجل دینش را کامل نکرده است، قرآن را رد کرده است و هرکس قرآن را رد کند، به آن کافر شده است.»

۱. مائده، ۶۷. «ای پیامبر، آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل به مردم برسان، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.»

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۱۸ - ۱۱۹، ۱۵۲؛ ج ۴، ص ۲۸۱، ۳۶۸، ۳۷۲؛ کلینی،

الکافی، ج ۸، ص ۲۷؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۷۱ - ۱۷۲؛ حاکم نیشابوری،

المستدرک، ج ۳، ص ۵۳۳.

و در ادامه می‌فرمایند: «آیا آنها ارزش رهبری و جایگاه آن را نسبت به امت می‌دانند تا برای آنها گزینش امام جایز باشد. همانا امامت قدرش والاتر و شأنش بزرگ‌تر و منزلتش عالی‌تر و جایگاهش بلندتر و ژرفایش عمیق‌تر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند و یا با رأی و نظرشان آن را دریابند و یا به انتخاب خود امامی را تعیین کنند، همانا امامت مقامی است که خدای عزوجل، ابراهیم خلیل را پس از احراز رتبهٔ پیامبری و دوستی در مرتبهٔ سوم به آن اختصاص داده و او را به آن فضیلت شرافت بخشید و نامش را بلندآوازه و استوار کرد»^۱.

و نیز می‌فرمایند: «همانا امامت، جانشینی خدا و رسول خدا ﷺ است و جایگاه امیرمؤمنان علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. همانا امامت زمام دین و مایهٔ نظم و انتظام مسلمانان و صلاح دنیا و سرافرازی مؤمنان است، همانا امامت پایه و اساس بارور اسلام و شاخهٔ بلند آن است، کامل شدن نماز، زکات، روزه، حج و جهاد و زیاد شدن غنیمت و خیر و احسان و اجرای حدود و احکام و پاسداری مرزها، اطراف و کناره‌های کشور اسلامی به وسیلهٔ امام است، امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌کند و احکام و حدود الهی را به‌پا می‌دارد و از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت و اندرز زیبا و حجت رسا مردم را به طریق پروردگارش دعوت می‌کند».

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۹؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶ - ۲۱۷؛ همو،

الامالی، ص ۶۷۴ - ۶۷۵.

«امام همانند خورشید فروزان است که نورش عالم را فرا می‌گیرد؛ درحالی که در افق قرار دارد، به گونه‌ای که دست‌ها و دیدگان به آن نمی‌رسد، امام ماه تمام تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره‌ای است هدایت‌گر و راهنما در شدت تاریکی‌ها و گذرگاه‌های شهرها و کویرها و گرداب دریاها و ژرف (یعنی زمان جهل و فتنه و سرگردانی مردم) است. امام آب گوارای زمان تشنگی است و راهنمای هدایت و نجات‌بخش از هلاکت است، امام آتش روشن بر بالای تپه (راهنمای گم‌گشتگان) است، امام وسیله گرمایی بخش برای کسانی است که از آن خود را گرم کنند و راهنمای هلاکت‌گاه‌هاست؛ هرکس از او جدا شود، هلاک شود.»

«امام ابری است پر باران، بارانی است سرشار و فراوان، خورشیدی است فروزنده، آسمانی است گسترده، زمینی است پهناور، چشمه‌ای است پر و جوشنده و امام برکه و باغ و بستان است؛ امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر پاره تن، مادر دلسوز به کودک، پناهگاه بندگان خدا در بلا و گرفتاری سخت است، امام امین خداست در میان خلقتش و حجت او بر بندگان و خلیفه او در شهرهای خداست.»

«امام دعوت‌کننده به سوی او و دفاع‌کننده از حرم الهی است؛ امام از گناهان پاک و از عیب‌ها برکنار و دور است، به دانش مخصوص است و به بردباری مشهور است، موجب نظام دین و عزت مسلمانان و خشم منافقان و هلاک کافران است؛ امام یگانه زمان خود است، کسی به پایه او نمی‌رسد، دانشمندی با او برابری نمی‌کند، جایگزین ندارد، مانند و هم‌تا ندارد، به همه فضیلت‌ها مخصوص است، بی آنکه خود او در طلبش رفته و به دست آورده باشد، بلکه امتیازی است که خدا به فضل و بخشش به او عنایت فرموده است.»



کیست که امام تواند شناخت یا انتخاب امام برای او ممکن باشد، «هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ»^۱ از بیان امام رضا علیه السلام و ظاهر کلام وحی استفاده می‌شود که جایگاه امامت در عداد نبوت و رسالت است. خداوند عزوجل به حضرت ابراهیم علیه السلام که مقام نبوت و مقام خلیل الهی داشت ترفیع درجه داد و او را به فضیلت و برتری یعنی به مقام امامت در مرتبه سوم شرفیاب نمود: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^۲.

و چون چنین است و امام از این جایگاه رفیع برخوردار است، در روایت مرگ بدون شناخت امام علیه السلام را مرگ جاهلی برمی‌شمرد: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۳.

در روایت دیگر می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا، وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا»^۴ «کسی که امام زمان خود را نشناسد پس بمیرد یهودی یا نصرانی». کوتاه سخن اینکه امام علیه السلام را باید شناخت و نیز شناساند؛ از این روی از استاد فرزانه و فرهیخته، حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج محمدحسن صافی - دامت توفیقاته - درخواست شد

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. بقره، ۱۲۴. «(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود، و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم».

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۹۶.

۴. فخر رازی، المسائل الخمسون، ص ۷۱.

در ماه ضیافت الهی برای فضیلتی که به دلایلی، توفیق تبلیغ نصیبشان نگردیده، بحثی را داشته باشند و چه زیباتر و بهتر از بحث پیرامون آیات مهدوی، که آنچنان که شایسته است، به آن پرداخته نشده است. پس از آنکه یک سال را تجربه کردیم و دیدیم که مشتاقان فراوانی حضور پیدا می‌کنند، این جلسات ادامه پیدا کرد و بحمدالله در دومین سال نیز موفق‌تر از قبل جلسات برگزار شد که نتیجه و خروجی مباحث، حسب درخواست عزیزانی که موفق به شرکت نشده بودند و برخی از حاضرین جلسه درس و نیز برای حفظ و ماندگاری و استفاده بیشتر از مباحث، بر آن شدیم تا به همان شکل محاوره‌ای در قالب کتاب تقدیم دیگران نیز بشود، باشد که مرضی قطب عالم امکان حضرت حجة بن الحسن العسکری - ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - قرار گیرد.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

وَأَهْدِنَا إِلَى السَّدَادِ فَإِنَّكَ خَيْرٌ مُوقِّعٍ وَهَادٍ

ربيع الاول ۱۴۳۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ
مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْمُعْصُومِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ
إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱.

۱. بقره، ۱۸۳. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی

که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید».

توفیق درک ماه مبارک رمضان

خداوند بزرگ را شاکر هستیم که توفیق بسیار بزرگی را نصیب ما نمود تا دوباره ماه مبارک رمضان، شهرالله الاکبر را درک کنیم. ان شاءالله تعالی بتوانیم با عنایات و توجهات حضرت بقیةالله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - از برکات این ماه بهره‌مند شویم. سال گذشته بحث‌هایی درباره آیات مهدوی و تفسیر آیاتی که درباره امام عصر علیه السلام نازل شده بود، از طریق روایات و احادیث معتبر داشتیم، ان شاءالله تعالی امسال نیز همین مسیر را ادامه می‌دهیم و از این فیوضات بزرگی که خداوند متعال به صائمین و روزه‌داران عنایت می‌فرماید، ما هم بهره‌مند شویم.

به مناسبت اینکه شب اول ماه مبارک رمضان است، دعای چهل و چهارم از صحیفه سجادیه را می‌خوانم و اهمیت این ماه را برایتان بیان خواهم کرد. روایات بسیار زیادی درباره ماه مبارک رمضان آمده که فضیلت این ماه را از زبان معصومین علیهم السلام بیان می‌کند. اگر کسی فرصت بکند و این روایات را بخواند، متوجه می‌شود که چقدر معارف اهل بیت علیهم السلام در این روایات نهفته است.

ماه مبارک رمضان از منظر امام زین‌العابدین علیه السلام

امام زین‌العابدین علیه السلام دعایی در دخول ماه مبارک رمضان و دعایی در وداع ماه مبارک رمضان دارند. اگر کسی در دخول شهر رمضان به این دعا توجه داشته



باشد، متوجه می شود هنگامی که حضرت با ماه مبارک رمضان وداع می کنند، چه گوهر گران بهایی را از دست می دهد.

دعای امام زین العابدین علیه السلام در دخول ماه مبارک رمضان

حضرت عرضه می دارد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ»؛ خداوند بزرگ را حمد

۱. الصحيفة السجادية، دعای ۴۴، ص ۱۸۶ - ۱۸۸. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ؛ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ، وَسَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ، حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا؛ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّيَامِ، وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ الطَّهْوَرِ، وَشَهْرَ التَّمْجِيسِ، وَشَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمُؤَفَّرَةِ، وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا، وَحَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ إِكْرَامًا، وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا لَا يُجِيزُ - جَلَّ وَعَزَّ - أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَلَا يُقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ. ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةَ وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَسَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ، تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمٌ الْبَرَكَةِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَإِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَالتَّحْفُظَ بِمَا حَظَرْتَ فِيهِ، وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجُورِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ، وَلَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى هَوٍ، وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورٍ، وَلَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ، وَحَتَّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَلْتَ، وَلَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلْتَ، وَلَا نَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَلَا نَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِي يَقْبَلُ مِنْ عِقَابِكَ...».

می‌کنم به خاطر آنکه ما را برای حمد و سپاسگزاری خود هدایت کرد. خدا ما را هدایت کرده که حمد خدا را به جای آوریم، سپاس خدا را به جای آوریم؛ «وَجَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ»؛ و خدا را سپاس می‌گوییم که ما را اهل سپاس و شکر خودش قرار داد که «وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ»^۱.

ان شاء الله ما جزو همان قلیل باشیم که شاکر نعمت‌های الهی هستیم؛ «لِنَكُونَنَّ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ»؛ تا اینکه ما بر احسان خداوند از شاکرین باشیم. این همه خداوند به ما احسان کرده، لطف فرموده، نعمت‌های بی‌کرانی را که به ما عنایت کرده، ان شاء الله از شاکرین این نعمت‌ها باشیم. «وَلِيَجْزِيَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ»؛ امام زین‌العابدین علیه السلام می‌فرماید: تا اینکه خداوند متعال پاداش محسنین را به ما عنایت بفرماید. اگر ما از شاکرین باشیم و شکر خدا را به جای آوریم، در مقابل خداوند متعال هم پاداش محسنین و کسانی که اهل احسان هستند را به آنها عنایت می‌فرماید.

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَّأَنَا بِدِينِهِ»؛ خدا را شکر می‌کنیم که به ما دین خودش را عنایت کرده و به ما دینش را مرحمت فرمود، این دین شریعت نبوی را. «وَإِخْتَصَّأَنَا بِمِلَّتِهِ»؛ ما را به ملت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص داد و ما جزو امت پیامبر آخرالزمان قرار گرفتیم. «وَسَبَّلْنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ»؛ خدا را شاکر هستیم به خاطر اینکه راه‌های احسانش را به ما نشان داد احسانی را که می‌گوییم ما باید این

۱. سبأ، ۱۳. «ولی عده کمی از بندگان من شکر گزارند».

احسان را شکر بکنیم. راه احسان را هم به ما نشان داد. «لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ»؛ تا ما این راه‌ها را بپیماییم، راه‌های احسان را که به سوی رضوان خداوند متعال است، آنها را ان شاء الله بپیماییم آن‌طور که باید و شاید. «حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا»؛ چطور حمد بکنیم خدا را بر این احسانش و راه‌های احسان که راه احسان را بعداً بیان می‌فرماید. حمدی که خداوند متعال او را از ما قبول کند «وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا»؛ و خداوند راضی شود به حمد خودش از ما. ان شاء الله بتوانیم حمد او را به جای آوریم. خدا را شاکر هستیم که از این راه‌های احسان، شهر خودش و ماه خودش شهرالله، شهر رمضان را به ما نشان داد.

ماه مبارک رمضان راه تقرب به خداوند

یکی از راه‌های احسان که ما را به طرف خداوند متعال می‌رساند، ماه مبارک رمضان است «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ». شهرالله، شهر او؛ یعنی شهر خداوند متعال، شهر صیام، شهر روزه و شهرالاسلام؛ شهری که منسوب به اسلام است، ماه اسلام، ماه رمضان است و شهرالطهور، شهری که انسان باید در این ماه خود را از جمیع گناهان و معصیت‌های الهی پاک و منزّه کند. «وَشَهْرَ التَّمْحِیصِ» و شهر پاک نمودن، شهر امتحان، شهری که باید در این شهر، بتوانیم خودمان را پاک کنیم و برای لیلۃ‌القدر آماده شویم.



ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن

«وَشَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»؛

شهری که خداوند متعال در این شهر قرآن را نازل کرد. ماه نزول قرآن، ماهی که هدایت مردم به وسیله این قرآن در این ماه شد: «وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»^۱.
 بینه‌های الهی، آیات الهی، نشانه‌های الهی در این ماه به وسیله قرآن برای مردم نازل شد. این شهر این همه اهمیت دارد؛ یعنی در واقع سالگرد نزول قرآن کریم که قرآن وسیله هدایت و ارشاد مردم، دستور آسمانی و قانون اساسی اسلام است. سالگردش در این ماه مبارک رمضان است و ما باید سالگرد نزول قرآن را گرامی بداریم.

فضیلت ماه مبارک رمضان بر سایر ماهها

«فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ»؛ امام زین العابدین علیه السلام می فرمایند: خداوند متعال فضیلت این ماه را بر سایر ماهها معلوم کرد. چطور معلوم فرمودند؟ «بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمُؤَفُّورَةِ»؛ آن قدر خداوند برای این ماه احترام گذاشت که برای سایر ماهها چنین احترامی نبوده است. «وَالْفَضَائِلِ الْمُشْهُورَةِ»؛ خداوند متعال فضائل بسیار مشهوری را برای این ماه قرار داد. «فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ»؛ آنچه که در

۱. اشاره به آیه ۱۸۵ سوره بقره.

ماه‌های دیگر حلال است، در این ماه حرام فرمود. همان‌طور که مشاهده می‌کنید مفطرات روزه در ماه‌های دیگر حرام نیست؛ مثل خوردن، آشامیدن، کارهایی که روزه را باطل می‌کند، اما در این ماه خداوند این حرمت را برای ماه مبارک رمضان قرار داد. چرا آنها را حرام کرده است؟ «إِعْظَامًا»، به خاطر عظمت این ماه؛ این ماه خیلی عظمت دارد. انسان وقتی می‌خواهد برود پهلوی شخصیت بزرگواری، یک عالم دینی، چطور خودش را آماده می‌کند برای اینکه خدمت این آقا برسد، خودش را پاک و منظم می‌کند، برای این ماه هم خداوند یک چنین تشریفات خاصی را قرار داده که برای ماه‌های دیگر قرار نداده است. این ماه خیلی ارزش دارد، خیلی احترام دارد، خیلی مهم است.

«وَحَبَّرَ فِيهِ الْمُطَاعِمَ وَالْمُشَارِبَ إِكْرَامًا»؛ خداوند طعام‌ها، شراب‌ها و نوشیدنی‌ها را در روز ماه مبارک رمضان بر مسلمانان حرام کرده و نمی‌توانند از اطعمه و اشربه که در سایر ماه‌ها استفاده می‌کنند، در این ماه در روز ماه مبارک رمضان استفاده کنند؛ به خاطر کرامتی که این ماه دارد، این چند ساعت باید انسان خودش را برای قرب الهی و رسیدن به آن مقامات والایی که خداوند متعال برای روزه‌دار قرار داده، آماده کند. «وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا»؛ خداوند یک وقتی را برای ما قرار داده که ماه مبارک رمضان است. بعد می‌فرماید: «ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِيهِ شَهْرٍ»؛ یک شبش را به عنوان لیلۃ‌القدر که «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱ قرار داد.

۱. قدر، ۳. «شب قدر بهتر از هزار ماه است».

درخواست شناخت فضیلت ماه مبارک رمضان از خداوند

بعد می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ»؛ خدایا معرفت فضل این ماه را به ما عنایت بفرما، فضیلت ماه را بفهمیم. همین دعا را امشب از خدا بخواهیم. خدایا فضیلت این ماه را به ما نشان بده که این ماه چقدر فضیلت دارد. اگر کسی فضیلت این ماه را درک کند، آن وقت می داند در این ماه با این ماه چطور باید رفتار کند، چطور در مقابل خداوند متعال قرار بگیرد. اگر انسان فضیلت چیزی را بداند در مقابل آن چیز احترام خاصی دارد. امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ»؛ خدایا معرفت فضل این ماه را به ما نشان بده، الهام بفرما که فضیلت این ماه بزرگ را بشناسیم. چه کلمات نورانی است که امام سجاد علیه السلام بیان می کند. «وَإِجْلَالَ حُرْمَتِهِ» و عظمت و حرمت این ماه را به ما عنایت بفرما تا این ماه را محترم بشماریم و این ماه را تعظیم بداریم و بین این ماه و سایر ماهها فرق بگذاریم.

«وَالْتَحَفُظَ مِمَّا حَظَرَتْ فِيهِ»؛ آنچه که در این ماه آن را محذور کردی و برای ما ممنوع کردی، خودمان را از آنها حفظ کنیم. خودمان را از چیزهایی که سبب باطل شدن روزه ما می شود، حفظ کنیم. زبانمان، چشم هایمان و گوش هایمان را حفظ کنیم.



فلسفه روزداری از منظر امام سجاده علیه السلام

«وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ»؛ خدایا ما را بر روزه این ماه کمک کن؛ بعد حضرت می فرماید که چگونه ما را کمک کند. معلوم می شود فلسفه واقعی روزه همین است. «وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ»؛ خدایا اعضا و جوارح ما را نگه دار خودت از اینکه معصیت و گناه نکنیم. روزه واقعی این است. «وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ»؛ ما را بر صیام و روزه این ماه کمک کن؛ به ما کمک کن که اعضا و جوارح ما، گوش ما، چشم ما، دست ما، حتی قلب ما و فکر ما به فکر گناه و معصیت نباشد؛ «بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ»؛ آن وقت این روزه واقعی می شود. چند نوع روزه داریم که در روایات آمده است، از قبیل: روزه لسان هست، روزه آل الله، که با همه روزه ها فرق می کند، روزه ای است که تمام اعضا و جوارح انسان صائم باشد.

«وَأَسْتَعْمَلُهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ»؛ خدایا این اعضا و جوارح را به ما کمک کن در آنی که تو می خواهی، آنی که تو راضی می شوی، در آن استعمال کنیم. چشمان را کجا به کار ببریم، گوشمان را کجا به کار ببریم، دستمان را کجا به کار ببریم، با این قدم های خودمان کجا راه برویم. همه جا نمی توانیم وارد بشویم، مجلس، مجلس معصیت است، مجلس غیبت است، مجلس دروغ، مجلس تهمت است یا مجلس اطاعت است و مجلسی است که تقرب مجلس به ذات اقدس الهی است یا مجلسی است که عنایات و توجهات امام زمان علیه السلام در آن مجلس است.

«حَتَّى لَا نُضْفِي بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ»؛ حضرت این طور دعا می کنند: خدایا! ما را طوری قرار بده در این ماه که جوارح و اعضای خودمان را قرار بدهیم آن گونه که تو دوست داری، نشنویم با این گوش هایمان لغوی را، چیزی که بیهوده است، چیزی که لغو است، چیزی که باعث گناه است را با این گوشمان نشنویم. مصادیقش را می دانیم، آنها را نرویم دنبالش. لهو و لعب را دنبالش نرویم. وقتی ما کلمات قرآنی و روایات اهل بیت علیهم السلام داریم؛ چرا سراغ چیزهای دیگر برویم. شما اگر می خواهید از گوش هایتان استفاده کنید، بهترین صدایی که به گوش می خورد، صوت قرآن است.

قضیه سید بحر العلوم

قضیه سید بحر العلوم رحمته الله را خودتان می دانید که نوشته اند وقتی وارد حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام شد، یک وقت شاگردانی که با ایشان بودند، دیدند که ایشان توقف کردند بعد شروع به خواندن این شعر کردند. بعد از مدتی از ایشان پرسیدند برای چه این شعر را خواندید؟ فرمود: وقتی وارد حرم شدم، دیدم وجود مقدس امام زمان علیه السلام کنار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام است و دارند قرآن می خوانند و ایشان هم شروع کرد این شعر را خواندن:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

فضیلت گوش دادن به صوت قرآن و ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام

بهترین صدایی که به گوش انسان باید بخورد، صدای قرآن است، صدای دلنواز روایات اهل بیت علیهم السلام، مناجات امیرالمؤمنین علیه السلام، دعای سحر ماه مبارک رمضان، دعای ابوحمزه ثمالی است. چقدر شیعیان در سابق از این صداها لذت می بردند، دعای ابوحمزه ثمالی را در قنوت نماز وترشان می خواندند، اینها چه بوده؟ چقدر لذت می بردند، شاید دو ساعت طول می کشید، آنهم با انابه و تضرع، زاری و گریه دعای ابوحمزه ثمالی را می خواندند. می فرماید: «حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ»؛ تا اینکه با گوش هایمان لغوی را نشنویم.

خودداری از رفتن به مجالس لهو

«وَلَا تُسْرِعْ بِأَبْصَارِنَا إِلَى هُوٍ»؛ و با چشم هایمان لهوی را نینیم. سرعت نگیریم و برویم به طرف آنجایی که لهو و لعب باشد، چشم را خدا داده برای عبادت، برای اینکه با این چشم نگاه کنیم به آیات و روایات، به احادیث اهل بیت علیهم السلام و به ضریح و مرقد های مطهر ائمه معصومین علیهم السلام نگاه کنیم، به مساجد، به کتابخانه ها، به حسینیه ها. اینها برای این است که انسان بتواند استفاده بهتری از چشم هایش داشته باشد.

ترک محرّمات در ماه مبارک رمضان

«وَحَتَّى لَا تَبْسُطَ أَيْدِينَآ إِلَى مَحْظُورٍ»؛ با دست هایمان به طرف آنچه که تو منعش کردی، نرویم. آنچه برای ما انجام دادنش را ممنوع کردی، انجام ندهیم. خداوند

از ما چه خواسته؟ چقدر برای ما منیهاتی آورده، محرماتی آورده، به طرف آنها نرویم. روزه واقعی این است و از خدای متعال بخواهیم روزه ما این طوری باشد.

«وَلَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَىٰ مَحْجُورٍ»؛ از خدا بخواهیم با پای خودمان نرویم آن جایی که تو نمی خواهی ما باشیم. خدا می خواهد ما کجا باشیم، دوستان اهل بیت علیهم السلام کجا باشند، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام باید کجا باشند و کجا نباید باشند. خداوند این پا را داده برای عبادت که با این پا راه برویم به جایی که عبادتگاه الهی است، حالا عبادت یک وقت مسجد است، قضای حوائج مردم را انجام می دهد و مشکلات مردم را برطرف می کند. مثلاً اول افطار برای شخصی افطاری می برد. اینها همه جزء آن چیزهایی است که ما باید از خداوند متعال بخواهیم قدم ما در این راه برداشته شود، نه در جایی که معصیت خداست.

«وَحَتَّىٰ لَا تَعِيَ بَطُونَنَا إِلَّا مَا أَخْلَلَتْ»؛ و شکم هایمان جمع نکند و گرد نیورد جز آنچه تو حلال گردانیده ای.

صحبت کردن افراد با قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام

«وَلَا تَنْطِقَ أَلْسِنُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ»؛ و زبان هایمان گویا نشود جز به آنچه تو خبر داده و بیان فرموده ای. اگر بخواهیم سخن بگوییم، سخنی بگوییم که تو از آن راضی هستی، نطق ما نطق قرآنی باشد، سخن ما سخن روایی باشد، گفته ما گفته حدیثی اهل بیت علیهم السلام باشد، خوشابه حال کسانی که با قرآن و روایات صحبت می کنند. بعضی از اصحاب و دوستان اهل بیت علیهم السلام بودند، شاید الآن هم بعضی باشند، صحبتشان صحبت قرآن است.



صحبت فضة خادمه با قرآن

مثل فضة خادمه (خادم حضرت صدیقه طاهره علیها السلام) که می گویند تمام عمرش را با قرآن صحبت می کرد.^۱ اینها چه فضیلت های بزرگی دارند! خداوند چند سالی به آنها عمر داده، عمرشان را اینچنین در راه اطاعت خداوند می گذرانند. چه لذتی بالاتر از این! با قرآن صحبت کرده، با روایات اهل بیت علیهم السلام شعر می خوانند؛ شعر مدائح و مرثی اهل بیت علیهم السلام؛ اینها لذت دارد، نه اشعار لهو و لعب و اشعار شیطانی. اینها به غیر از اینکه عمر انسان تباه می شود؛ آنجا مرتع و چراگاه شیطان است، چیز دیگری نیست.

چند روز پیش حدود نوزده جلد از اشعار درباره امام زمان علیه السلام آورده بودند. آن هم اشعار فارسی، مثلاً از قرن هفتم تا به حال، چقدر شعرا برای امام زمان علیه السلام، یا برای امام حسین علیه السلام، یا برای سایر ائمه معصومین علیهم السلام شعر گفته اند. چه لذتی دارد! خداوند متعال چه نعمتی به آنها داده است! باید قدرش را بدانند. «لِكُلِّ بَيْتٍ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»^۲ خداوند برای هر یک از این اشعار، خانه و قصری را در بهشت به آنها خواهد داد. اشعاری که ما را به طرف خداوند متعال ببرد، تقرب به درگاه الهی باشد.

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۳ - ۳۴۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۷ - ۷۸.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷؛ طبری، بشارة المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ مجلسی،

بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۳۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتٌ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ تَعَالَى لَهُ بَيْتٌ فِي

الْجَنَّةِ»؛ «هرکس یک بیت شعر درباره ما بگوید خداوند در بهشت برای او خانه ای می سازد».

انجام تکلیف جهت کسب ثواب الهی

«وَلَا تَكْلَفْ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ»؛ و رنج نکشیم جز در آنچه ما را به پاداش تو نزدیک گرداند. ثواب تو را جمع بکنیم؛ زحمتی که می‌کشیم ما را به ثواب تو نزدیک بکند. ببینیم چه چیزی باعث می‌شود ثواب الهی داشته باشیم؟ دعای چهل و چهارم امام سجاد علیه السلام مفصل است، ان شاء الله مطالعه فرمایید و از خداوند بخواهید که واقعاً آن طوری که ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند، روزه‌دار باشیم.

فضیلت ماه مبارک رمضان در روایات

روایات درباره ماه مبارک رمضان زیاد است. من تيمناً و تبركاً بعضی از روایات را بیان می‌کنم. کتاب بسیار بافضیلتی به نام «فضائل الأشهر الثلاثة» از شیخ القمین، مرحوم شیخ صدوق است. کسی که به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمده و این همه عمرش برکت دارد، تابه حال هم ایشان باقی است، زنده است. کتاب‌هایش برای ما کتاب‌هایی است که همه قابل استفاده است. کمال‌الدین ایشان، کتاب‌های فقهی و کتاب‌های روایی ایشان. کتابی دارند به نام «فضائل الأشهر الثلاثة» در این کتاب فضیلت ماه رجب، ماه شعبان و ماه مبارک رمضان را دارد.

ماه مبارک رمضان از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد که: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَمَّا أَحْضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، مَاذَا يَسْتَقْبِلُكُمْ وَمَاذَا تَسْتَقْبِلُونَ؟ قَالُوا ثَلَاثًا»؛^۱ وقتی که ماه مبارک رمضان می‌آمد

۱. صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۴۰.

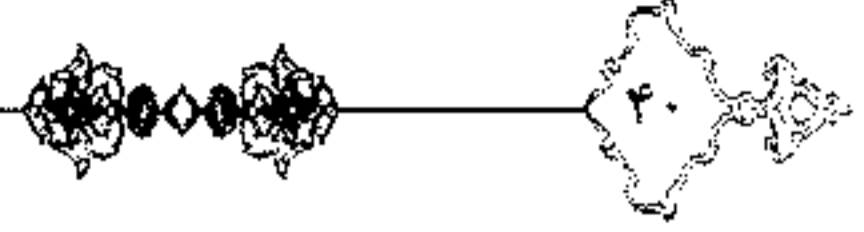


حضرت سه مرتبه فرمودند: «سُبْحَانَ اللَّهِ، مَاذَا يَسْتَقْبِلُكُمْ وَمَاذَا تَسْتَقْبِلُونَ؟». شما مردم دارید چه چیزی را استقبال می‌کنید و چه چیزی دارد به سوی شما می‌آید، می‌دانید؟ کسی پرسید این گونه که شما دارید می‌فرمایید، آیا دشمنی دارد به طرف ما می‌آید؟ مثل اینکه ترسید. حضرت فرمود: آیا می‌دانید چه چیزی دارد به طرف شما می‌آید؟ او کیست؟ یکی از اصحاب پرسید: «عَدُوٌّ حَضْرًا»؛ آیا دشمنی ترسناک است؟ حضرت فرمود: نه، ماه مبارک رمضان در حال نزدیک شدن است. بعد می‌فرماید: «لَا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ لِكُلِّ أَهْلِ الْقِبْلَةِ»؛ خداوند متعال در اول ماه مبارک رمضان، تمام کسانی که اهل قبله هستند را می‌آمرزد؛ همهٔ دوستان اهل بیت، موالیان اهل بیت، همه در این ماه آمرزیده می‌شوند که انسان با آمرزش و با پاکی از گناه وارد این ماه می‌شود.

فضیلت روزه‌داری

در روایت دیگری حضرت در فضیلت روزه می‌فرماید: «مَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا»؛ اگر کسی یک روز روزه بگیرد؛ اینجا تطوع به معنای استحباب است. روزه استحبابی در غیر این ماه و یا بگوییم که نه تطوع به معنای رغبت و یا اینکه خودش آمادگی داشته باشد برای اینکه روزه الهی را بگیرد. می‌فرماید که: «فَلَوْ أُعْطِيَ مِلْءَ الْأَرْضِ ذَهَبًا مَا وُفِّيَ أَجْرُهُ دُونَ يَوْمِ الْحِسَابِ»؛^۱ خداوند تمام دنیا را به او طلا بدهد، به اندازه یک روز ماه رمضان که روزه گرفته است، ارزش ندارد؛ یعنی اگر ارزش تمام دنیا را در مقابل یک روز ماه رمضان بگذاریم؛ می‌بینیم که روزه و ارزش ماه رمضان بیشتر است.

۱. صدوق، معانی الاخبار، ص ۴۰۹.



خطبه پیامبر اکرم ﷺ در آستانه ماه مبارک رمضان

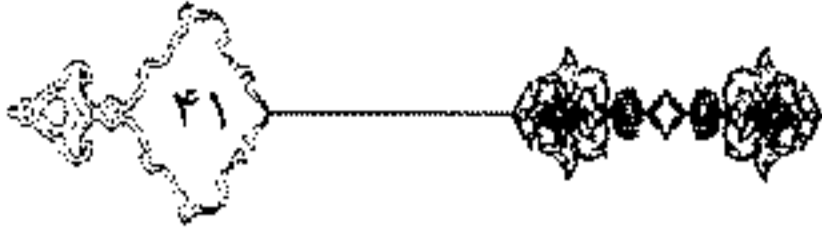
روایات زیادی درباره فضیلت ماه رمضان است، از جمله خطبه‌ای که امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرموده است.^۱

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ». این روایت غیر از آن روایت معروفی است که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ».^۲

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آخرین جمعه ماه شعبان خطبه‌ای خواند و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: «ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۹۴ - ۹۵؛ همو، الامالی، ص ۴۱ - ۴۲؛ همو، الخصال، ص ۲۵۹. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَظْلَكُمْ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ، فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ، وَجَعَلَ قِيَامَ لَيْلَةٍ فِيهِ كَمَنْ تَطَوَّعَ بِصَلَاةِ سَبْعِينَ لَيْلَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَجَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخُصْلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةَ مَنْ قَرَأَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ أَدَّى فَرِيضَةَ مَنْ قَرَأَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَهُوَ شَهْرُ الصَّيْرِ، وَإِنَّ الصَّيْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَهُوَ شَهْرُ الْمُوَاسَاةِ، وَهُوَ شَهْرٌ يَزِيدُ اللهُ فِيهِ رِزْقَ الْمُؤْمِنِ، وَمَنْ فَطَرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِبًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى. فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ لَيْسَ كُنَّا نَقْدِرُ عَلَى أَنْ نَفْطَرَ صَائِبًا. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ مِنْكُمْ لِمَنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَذَقَةٍ مِنْ لَبَنِ يُفْطَرُ بِهَا صَائِبًا أَوْ شُرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ أَوْ تُمْرَاتٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ...».

۲. صدوق، الامالی، ص ۹۳؛ همو، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۷؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲.



أَظْلَكُمْ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ شهری بر شما سایه افکنده که این شهر در آن شبی است که از هزار ماه بهتر است. «وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ، فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ، وَجَعَلَ قِيَامَ لَيْلَةٍ فِيهِ كَمَنْ تَطَوَّعَ بِصَلَاةِ سَبْعِينَ لَيْلَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ»؛ اگر کسی این ماه را روزه بگیرد و هر شب یک نماز مستحبی بخواند، مانند کسی است که هفتاد نماز در ماه‌های دیگر خوانده است. «وَجَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخُصْلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ هر کس در این ماه یک کار خیر انجام دهد، ثوابش مانند کسی است که فریضه‌ای از فرائض الهی را انجام داده است. اگر در این ماه یک کار مستحبی انجام بدهیم، مانند کسی هستیم که فریضه الهی را انجام داده است. «وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ فِيمَا سِوَاهُ»؛ اگر انسان در این ماه یک فریضه الهی را انجام دهد، مثل این است که هفتاد فریضه را در ماه‌های دیگر انجام داده است.

ماه مبارک رمضان، ماه صبر

«وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ»؛ این ماه، ماه صبر است. «وَإِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ»؛ و ثواب و جزای صبر بهشت است. اگر کسی در این ماه صبر کند و روزه بگیرد، بسیار مشکل است، آن‌هم در ماه مبارک رمضان، در فصل گرما؛ تشنگی دارد، گرسنگی دارد، اما خداوند ثواب بهشت را به او می‌دهد، ثواب صابرين را به او می‌دهد.

«إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱؛ خداوند آن قدر به صابرين اجر می دهد که حسابش دست ملائکه و فرشتگان نیست، بلکه دست خداوند است. کسی که می فرماید: «الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزَى بِهِ»^۲؛ روزه برای من است، من خودم پاداش او را می دهم یا «وَأَنَا أُجْزَى بِهِ»؛ یا اصلاً پاداش او خودم هستم. خداوند می فرماید: صوم برای من است و پاداش آن هم خودم هستم. کسی که در این ماه مبارک رمضان صبر داشته باشد و گرسنگی و تشنگی را تحمل کند، پاداشش نزد من است.

ثواب افطاری دادن در ماه مبارک رمضان

«وَهُوَ شَهْرُ الْمَوَاسَاةِ»؛ این ماه، ماه همراهی و همدردی است. «وَهُوَ شَهْرٌ يَزِيدُ اللَّهُ فِيهِ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ»؛ خداوند در این ماه رزق مؤمنین را زیاد می کند. «وَمَنْ فَطَرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ»؛ هر کس در این ماه روزه داری را اطعام کند و افطار دهد، از پاداش بسیار زیادی بهره مند می گردد و به منزله این است که بنده ای در راه خدا آزاد کند. «وَمَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى»؛ خداوند تمام گناهان گذشته اش را می آمرزد، به خاطر اینکه روزه داری را افطاری داده است.

«فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ كُلُّنَا نَقْدِرُ عَلَى أَنْ نَفْطَرَ صَائِمًا»؛ به پیامبر ﷺ عرض شد که ما نمی توانیم؛ زیرا برخی از مردم وضع زندگی شان بد است. ما توانایی نداریم

۱. زمر، ۱۰. «به درستی که صبرکنندگان اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند».

۲. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۵؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۵۲.

که این کار را انجام دهیم. «فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ مِنْكُمْ لِمَنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَذْقَةٍ مِنْ لَبَنِ يُفَطَّرُ بِهَا صَائِئًا»؛ حضرت فرمود: خداوند متعال کریم است، اگر به اندازه جرعه‌ای شیر در اول افطار به کسی بدهید، این ثواب را به شما می‌دهد. «أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ»؛ یا اگر آبی به روزه‌دار تشنه‌ای بدهید، خداوند ثوابش را به شما می‌دهد. «أَوْ ثَمِيرَاتٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ»؛ یا اگر به روزه‌داری خرما بدهید، خداوند ثواب یک بنده را که در راه خدا آزاد کنید، به شما می‌دهد. خوشا به سعادت کسانی که از این ماه به بهترین وجه استفاده می‌کنند.

امیدواریم که خداوند متعال ما را هم از بهترین صائمین و روزه‌داران این ماه قرار بدهد. چون جلسه اول است به همین قدر بسنده می‌کنیم. البته روایات دیگری هم آورده بودم، ان شاء الله در شب‌های آینده ادامه بحث گذشته را خواهیم داشت. خداوندا! به بهترین صائم این ماه، یعنی امام زمان عجل الله فرجه ما را هم از صائمین واقعی این ماه قرار بده! اعمال ما، روزه‌های ما، عبادات ما و اطاعات ما را مقبول درگاه خودت قرار بده، امیدواریم که ان شاء الله بتوانیم از برکات و فضائل این ماه بهره‌مند شویم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»^۱

سال گذشته مطالب مهمی را درباره آیاتی که در شأن مقدس حضرت ولی

عصر علیه السلام نازل شده بود، بیان کردیم. البته همان طور که می دانید این آیات بسیار

۱. نساء، ۵۹. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر خدا و

اولوالامر [اوصیای پیامبر] را، و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر

بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای

شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

زیاد هستند که بعضی از علما تا دویست و بیست آیه هم درباره امام زمان علیه السلام بیان کرده‌اند که بعضی از روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کتب اهل سنت و شیعه مطرح است و همچنین روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام درباره این آیات آمده را سال گذشته بیان کردیم. برای تکمیل مباحث گذشته و مطالب تازه‌ای که بیان می‌کنم باز به کتاب‌هایی که درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام است و همچنین تفاسیری که در این باره نقل شده مراجعه نمودیم، هم تفاسیر اهل سنت و هم تفاسیری که از علمای شیعه هست که برای ما معلوم شود مسئله امام زمان علیه السلام مسئله بسیار مهمی است. همچنین آیاتی که درباره امام زمان علیه السلام است. این مسئله بسیار مهم است که از زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مردم و امت را برای ظهور موفورالسرور حضرت حجت علیه السلام آماده می‌کردند.

مصدق اولی الامر در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام

آیه‌ای که بیان می‌کنم، آیه ۵۹ سوره نساء است. سال گذشته درباره این آیه صحبت کردیم، اما روایات دیگری که در ذیل این آیه هست و از وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است را بیان خواهیم داشت.

آیه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ اطاعت کنید خداوند متعال را و اطاعت کنید رسول او را و اولی الامر از شما؛ کسانی که ولی امر شما هستند، آنها را اطاعت کنید».

﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾؛ اگر در موضوعی یا مسئله‌ای با هم نزاع کردید و بحثتان شد، آن را به خدا و رسول برگردانید، ببینید خدا و رسول در این باره چه می‌فرمایند. ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾؛ اگر واقعاً به خدا و روز قیامت ایمان دارید، باید تمام امور بازگشتشان به خدا و پیامبر خدا باشد. خدا درباره امامت چه گفته، خدا درباره ولایت چه گفته، همچنین پیامبر اکرم ﷺ این نزاع و این مسئله را چگونه حل کردند؟ ﴿ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾؛ این برای شما بهتر است و بهترین بازگشت برای کارهایتان و مراجعه به کارهای خودتان بهترین رجوع این است که به خدا و پیغمبر خدا رجوع کنید. وقتی که ما به تفاسیر مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که خداوند متعال در این آیه می‌فرماید اطاعت من و اطاعت پیامبر من واجب است و در کنار اطاعت پیامبر و اطاعت خدا، اطاعت اولوالامر را قرار داده که برای مسلمانانها اطاعت آنها واجب است.

این اولوالامر چه کسانی هستند؟ آیا هرکسی امور را در دست بگیرد، از نظر قرآن کریم به او اولوالامر می‌گوییم یا باید به تفاسیر اهل بیت ﷺ مراجعه بکنیم؟ در طول تاریخ خلفای بنی‌عباس و خلفای بنی‌امیه بودند؛ هر کدام ادعایی داشته، لذا باید ببینیم از لسان رسول اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ اولوالامر را برای ما بیان کرده‌اند.

روایات در این باره زیاد است. کتابی که روایات از آن بیان می‌شود، کتاب شریف *منتخب الاثر* است که سال گذشته نیز از آن روایاتی را بیان کردم. ترجمه فارسی آن در شش جلد است، از بهترین کتاب‌هایی است که تا به حال درباره امام زمان ﷺ نوشته شده و برای محققین و کسانی که اهل دقت و تحقیق هستند، این کتاب بسیار مفید و پرفایده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام عالم‌ترین افراد به تفسیر و تأویل قرآن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

روایات در مورد امام زمان علیه السلام در این کتاب و سایر کتب اهل بیت علیهم السلام زیاد است. کتاب **منتخب الاثر** از کتاب شریف **کمال الدین** نقل می‌کند^۱ که قبلاً گفته شد،

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۴ - ۲۸۵؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۶۸ - ۷۰، ح ۹۵. «حَدَّثَنَا سُلَيْمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا عليه السلام يَقُولُ: مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا، وَأَمَلَاهَا عَلَيَّ، وَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي، وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا، وَدَعَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِي أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهَمَّهَا وَحَفِظَهَا، فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلِمًا أَمَلَاهُ عَلَيَّ، فَكَتَبْتُهُ، وَمَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ، وَلَا أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ، وَمَا كَانَ أَوْ يَكُونُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَحَفِظْتُهُ وَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفًا وَاحِدًا، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ صَدْرِي وَدَعَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَمَلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَفَهْمًا وَحِكْمَةً وَنُورًا؛ لَمْ أَنْسَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا، وَلَمْ يَفْتِنِي شَيْءٌ لَمْ أَكْتُبْهُ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَتَخَوَّفُ عَلَيَّ النَّسِيَانَ فِيمَا بَعْدُ؟ فَقَالَ عليه السلام: لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ نَسِيَانًا وَلَا جَهْلًا، وَقَدْ أَخْبَرَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ اسْتَجَابَ لِي فِيكَ وَفِي شُرَكَائِكَ الَّذِينَ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِكَ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ شُرَكَائِي مِنْ بَعْدِي؟ قَالَ: الَّذِينَ قَرَّبْتَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِنَفْسِهِ وَبِي، فَقَالَ: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾، الْآيَةَ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمْ؟ قَالَ: الْأَوْصِيَاءُ مِنِّي إِلَى أَنْ يَرِدُوا عَلَيَّ الْخَوْضَ كُلُّهُمْ هَادِينَ مَهْدِيْنَ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَهُمْ، هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لَا يُفَارِقُهُمْ وَلَا يُفَارِقُونَهُ، بِهِمْ تُنصَّرُ أُمَّتِي، وَبِهِمْ يُمَطَّرُونَ، وَبِهِمْ يُدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءُ وَيُسْتَجَابُ دَعَاؤُهُمْ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمَّهِمْ لِي. فَقَالَ: ابْنِي هَذَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ رَأْسِ الْحَسَنِ، ثُمَّ ابْنِي هَذَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، ثُمَّ ابْنُ لَهُ يُقَالُ لَهُ: عَلِيٌّ، وَسَيُولَدُ فِي حَيَاتِكَ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ، ثُمَّ تَكْمَلُهُ اثْنِي عَشَرَ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمَّهِمْ لِي رَجُلًا فَرَجُلًا. فَسَمَّاهُمْ رَجُلًا رَجُلًا، فِيهِمْ وَاللَّهُ يَا أَخَا بَنِي هِلَالٍ مَهْدِيُّ أُمَّةٍ مُحَمَّدِ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَاللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُ مَنْ

يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ».

شیخ القمیین، مرحوم شیخ صدوق که به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمدند و خدمات بسیار زیادی را به عالم اسلام و تشیع نمودند؛ از جمله آن کتاب‌ها که به امر مبارک امام زمان علیه السلام نوشته شده، همین کتاب *کمال الدین و تمام النعمة* است.

در کتاب *کمال الدین* اسناد را نقل می‌کند تا می‌رسد به: «حَدَّثَنَا سُلَيْمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَلِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ: مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا؛»^۱ سلیم بن قیس می‌گوید: من از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم هیچ آیه‌ای از آیات قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل نشد، مگر اینکه پیامبر آن آیه را برای من خواندند. هر آیه‌ای که نازل می‌شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را برای امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خواندند؛ «وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ؛» و آن آیه را بر من انشاء می‌کردند. «وَكَتَبْتُهَا بِحَطِّي؛» و من آن آیه را با خط خودم می‌نوشتم. «وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا؛» هر آیه‌ای که نازل می‌شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأویل آن را برای من بیان می‌فرمود، تفسیرش را به من یاد می‌داد، ناسخ و منسوخ آن آیه را به من یاد می‌داد که هر کدام از اینها بحث مفصلی دارد. ناسخ چیست؟ منسوخ چیست؟ اینها را مفسران در جای خودش بیان کرده‌اند؛ و محکمت و متشابهات آیات را برای من بیان می‌فرمود؛ اینکه کدام آیات از محکمت است و کدام یک از متشابهات است و من همه را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرا گرفتم.

«وَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِي أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهَمَّهَا وَحِفْظَهَا؛» و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدا برای

من خواست و دعا کرد تا اینکه به من یاد بدهد، فهم قرآن را به من یاد بدهد و

۱. سلیم بن قیس از اصحاب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.

اینکه من آنها را حفظ بکنم. «فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»؛ لذا یک آیه از کتاب خدا را فراموش نکردم، تمام آنها در سینه من هست و من همه آنها را از اول تا آخر می دانم؛ «وَلَا عَلِمًا أَمْلَأُهُ عَلَيَّ فَكَتَبْتُهُ»؛ هر علمی از آیات خداوند بود، پیامبر به من یاد داد، من آنها را نوشتم و هیچ کدام از آنها را فراموش نکردم.

«وَمَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ وَلَا أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ، وَلَا مَا كَانَ أَوْ يَكُونُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ»؛ و پیامبر اکرم ﷺ نیز چیزی را که خداوند متعال به او یاد داد، ترک نکرد؛ یعنی هرچه خداوند به پیامبر ﷺ یاد داد، ایشان نیز به من و امتش یاد داد، حلال و حرام بود، امر و نهی بود، اوامر و نواهی خدا آنچه که بود، آنچه که می آید. اطاعت خدا باشد یا معصیت خدا باشد، «إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَحَفِظْتُهُ»؛ مگر اینکه پیامبر ﷺ آنها را به من یاد داد و من نیز آنها را حفظ کردم. تمام اوامر خدا را می دانم، همه نواهی خدا را می دانم، تمام چیزهایی که باعث اطاعت خدا می شود را می دانم، آن چیزهایی که باعث معصیت می شود، همه را من حفظ کردم. «وَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفًا وَاحِدًا»؛ یک حرف را از آنها فراموش نکردم. این امیرالمؤمنین ﷺ است. وقتی که می فرماید: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا»؛^۱ باب مدینه العلم امیرالمؤمنین ﷺ است؛ از این رو می فرماید: «وَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفًا وَاحِدًا». هر کس می خواهد علم اول و آخر «مَا كَانَ أَوْ يَكُونُ» را بداند از امیرالمؤمنین ﷺ بپرسد.

۱. مفید، الفصول المختارة، ص ۲۲۰؛ طوسی، الامالی، ص ۵۵۹؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل،

ج ۱، ص ۱۰۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۴.

«ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِي وَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَمْلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَفَهْمًا وَحِكْمَةً وَنُورًا»؛

سپس پیامبر اکرم ﷺ دستش را بر روی سینه من قرار داد؛ از خدا خواست که به من علم بدهد، قلب مرا مالا مال از نور و علم قرار دهد، پر از فهم و پر از حکمت قرار دهد. پیامبر ﷺ از خدا خواست که اینها را به من عنایت کند. «لَمْ أَنْسَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا، وَلَمْ يَفْتِنِي شَيْءٌ لَمْ أَكْتُبْهُ»؛ من هم هیچ کدام از آنهایی را که پیامبر ﷺ به من داده (علم، نور، حکمت و فهم)، فراموش نکردم و چیزی از من فوت نشد که آن را ننویسم. همه را نوشتم و تمام و کمال آنها را ضبط کردم. آنچه که از دهان مبارک پیامبر اکرم ﷺ، این ڈرها بیرون می آمد، من آنها را می گرفتم و ضبط می کردم، و نمی گذاشتم آنها از بین بروند. هرچه پیامبر اکرم ﷺ می فرمودند، امیرالمؤمنین ﷺ این ڈرها را نزد خود ضبط می کرد و نگه می داشت.

«فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَتَخَوَّفُ عَلَى النَّسِيَانِ فِيمَا بَعْدُ؟»؛ بعد خدمت پیامبر اکرم ﷺ

عرض کردم ای رسول خدا! آیا می ترسی که بر من نسیان حاصل بشود و در آینده من اینها را فراموش کنم و اینها را ترک کنم؟ آنچه از علم و حکمت به من دادی، رها کنم؟ «فَقَالَ: لَا، لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ نَسِيَانًا وَلَا جَهْلًا»؛ پیامبر ﷺ فرمود: من هرگز در این مسئله نسبت به تو نمی ترسم، می دانم تو فراموش کار نیستی. تنها کسی که علم پیامبر ﷺ را دارد و باید ودایع ایشان را نگه بدارد، امیرالمؤمنین ﷺ است. «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»^۱.

۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۹؛ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۸، ۱۵۶؛ طوسی، الامالی، ص ۲۵۳. «تو

نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی، جز اینکه بعد از من پیامبری نیست».

بعد فرمود: «لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ نِسْيَانًا وَلَا جَهْلًا، وَقَدْ أَخْبَرَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ اسْتَجَابَ لِي فِيكَ»؛ بر نسیان و فراموشی تو نمی ترسم. خداوند متعال به من خبر داده آنچه من از او درباره تو خواسته‌ام، همه را به استجابت رساند. من از خداوند خواستم به تو علم، فهم، نور و حکمت بدهد و سینه تو را از حکمت و نور لبریز نماید. «قَدْ اسْتَجَابَ لِي فِيكَ وَفِي شُرَكَائِكَ الَّذِينَ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِكَ»؛ همه را خداوند به تو و شرکای تو عنایت کرد، آنهایی که در امر ولایت با تو شریک هستند نیز حکمت و دانش عطا کرد.

اهل بیت علیهم السلام مصداق اولی الامر

از اینجا تفسیر آیه شریفه‌ای که تلاوت کردم شروع می‌شود. «فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ شُرَكَائِي مِنْ بَعْدِي؟»؛ عرض کردم ای رسول خدا! شرکای من بعد از من چه کسانی هستند؟ شرکای بعد از من چه کسانی هستند که شما درباره آنها نیز دعا کردید و دعای شما درباره آنها نیز مستجاب شده است؟ «قَالَ: الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِنَفْسِهِ وَبِي»؛ فرمود: کسانی هستند که خداوند متعال آنها را به نفس خودش مقرون کرده است؛ «بِنَفْسِهِ وَبِي» هم به خدا مقرون کرده و هم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

کجا آنها را کنار خدا قرار داده؟ در کجا کنار پیامبر قرار داده؟ آنجا که فرموده است: «فَقَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛

در این آیه شریفه، خداوند می‌فرماید که، نخست خدا را اطاعت کنید، بعد رسولش را؛ سپس کنار خدا و کنار رسول خدا، اولی الامر را قرار داده است. «فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمْ؟» من دوست دارم آنها را بشناسم، آنها چه کسانی هستند که خداوند آنها را کنار خودش قرار داده و کنار رسولش قرار داده است؟ «قَالَ: الْأَوْصِيَاءُ مِنِّي حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ الْحَوْضِ» فرمود: آنها اوصیای من هستند تا اینکه در روز قیامت در حوض کوثر بر من وارد شوند. آنها عترت و اوصیای من تا روز قیامت هستند که ان شاء الله بر حوض کوثر بر من وارد شوند. «كُلُّهُمْ هَادِينَ مَهْدِيَيْنَ»، همه اینها هادی هستند، اینها هادی هستند؛ یعنی خودشان هدایت‌کننده هستند. همه اینها مهدی هستند؛ یعنی هدایت‌شده از طرف خداوند هستند که ان شاء الله درباره هادی و مهدی از آیه شریفه قرآن صحبت خواهیم کرد. «لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ»؛ هیچ کس نمی‌تواند به آنها ضرر برساند؛ خیال می‌کنند که اگر امیرالمؤمنین علیه السلام را کنار زدند، به ایشان ضرر می‌رسانند؛ نه، مقام امیرالمؤمنین علیه السلام همیشه پابرجاست.

معیت اهل بیت علیهم السلام با قرآن کریم

«هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ». خیلی کلام بزرگی است. «هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ»؛ آنها با قرآن هستند و قرآن از آنها جدا نخواهد شد و با آنهاست. اگر قرآن می‌خواهد باشد، بدون آنها نمی‌تواند باشد؛ قرآن بدون آنها قرآن نیست. «وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ» و قرآن هم باید با آنها باشد. اگر ان شاء الله فرصتی بود درباره معیت اهل بیت علیهم السلام با قرآن کریم بحث خواهیم کرد. «لَا يُفَارِقُهُمْ وَلَا يُفَارِقُونَهُ»؛ قرآن از آنها جدا نمی‌شود و آنها از قرآن جدا نمی‌شوند. قرآن اگر می‌خواهد قرآن باشد، باید همراه آنها

باشد. آنها نیز با قرآن هستند؛ بنابراین بین قرآن و عترت هیچ وقت جدایی نخواهد بود. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي»^۱.

اهل بیت علیهم السلام واسطه فیض بین خدا و مخلوقات

«بِهِمْ تُنصَرُ أُمَّتِي»؛ به واسطه اوصیای خودم و به واسطه این شرکا، امت خودم را منصور قرار می‌دهم و به واسطه آنها امتم را پیروز می‌کنم. «وَبِهِمْ يُمَطَّرُونَ»؛ اگر خداوند متعال بخواهد رحمتش را از آسمان نازل کند، به واسطه وجود ائمه معصومین علیهم السلام است، چنان که می‌فرماید: «وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ، وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»^۲؛ آنچه در آسمان و زمین است، به واسطه وجود نعمت ائمه معصومین علیهم السلام است. «وَبِهِمْ يُدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءُ»؛ به واسطه اوصیا و ائمه معصومین علیهم السلام بلا را از مردم دفع می‌کنم. «وَيُستَجَابُ دُعَاؤُهُمْ»؛ اگر می‌خواهید، دعایتان مستجاب شود، باید به وسیله ائمه معصومین باشد. «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^۳. وسیله ما، چهارده معصوم علیهم السلام هستند. اگر به وسیله آنها خدا را خواندید، دعای شما مستجاب خواهد شد. اینها فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام است.

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲؛ همو، کمال الدین، ج ۱، ص ۶۴، ۲۳۴؛ خزاز قمی، کفایة الاثر،

ص ۱۳۷، ۱۶۳. «من در میان شما دو چیز با ارزش یادگار می‌گذارم، کتاب خدا و عترت و خاندانم».

۲. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۶؛

طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۹.

۳. مائده، ۳۵. «و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید».



نام مبارک دوازده امام علیهم السلام در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله

«قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِّهُمْ لِي»؛ بعد عرض می‌کند که ای رسول خدا! نام مبارک آنها را برای من بفرماید که اینها چه کسانی هستند؟ «فَقَالَ: ابْنِي هَذَا، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ»؛ امام حسن مجتبی علیه السلام کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود، حضرت دست مبارکش را بر سر امام حسن مجتبی علیه السلام گذاشتند و فرمودند: «ابْنِي هَذَا»؛ این فرزندم بعد از تو اولین آنهاست. «ثُمَّ ابْنِي هَذَا، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ»؛ سپس فرمود: این فرزندم و دست مبارکش را بر سر امام حسین علیه السلام گذاشت. «ثُمَّ ابْنٌ لَهُ يُقَالُ لَهُ: عَلِيُّ وَسَيُؤَلِّدُ فِي حَيَاتِكَ»؛ سپس فرزند امام حسین علیه السلام که نامش علی علیه السلام است و در زمان تو به دنیا می‌آید و تو نوه خودت امام سجاد علیه السلام را می‌بینی. «فَأَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامُ»؛ سلام من را به او برسان؛ «ثُمَّ تَكْمَلُهُ اثْنِي عَشَرَ»؛ سپس تا امام دوازدهم کامل می‌شود.

در این روایت نام آنها نیامده، ولی در روایاتی دیگر نام‌های مبارک ائمه علیهم السلام تا امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده است.

«فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِّهُمْ لِي رَجُلًا فَرَجُلًا»؛ عرض کردم ای رسول خدا نام‌های مبارک یک‌یک ایشان را برای من بیان بفرماید. «فَسَمَّاهُمْ رَجُلًا رَجُلًا»؛ حضرت تمام نام‌های مبارک ائمه اثنی عشر علیهم السلام را برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیان کردند.

سپس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به راوی این حدیث که سلیم بن قیس هلالی است، می‌فرماید: «وَاللَّهِ يَا أَخَا بَنِي هِلَالٍ فِيهِمْ مَهْدِيٌّ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ»؛ ای فرزند بنی هلال؛

یعنی ای سلیم بن قیس هلالی، در میان اینها وجود مقدس ولی خداوند، حضرت حجت بن الحسن المهدی علیه السلام است. امامی که زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و جور و ستم شده است، از قسط و عدل پر می‌کند: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

بعد امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَأَبَائَهُمْ وَقَبَائِلَهُمْ»؛ من الآن زمان ظهور حضرت را مشاهده می‌نمایم، آن کسانی که برای بیعت با امام زمان علیه السلام، بین رکن و مقام، در خانه خدا، در مسجدالحرام آمدند را می‌شناسم و نام پدران و قبیله‌های آنان را نیز می‌دانم. ان شاء الله اسم‌های ما هم در میان آنها باشد. همه را به اسم می‌شناسد؛ پدرانشان، قبیله‌هایشان، عشیره‌هایشان، خانواده‌هایشان و فامیل‌هایشان؛ همه را می‌دانند که چه کسانی با امام زمان علیه السلام بیعت می‌کنند. این روایت بسیار مهم و زیبایی بود که بیان شد درباره تفسیر آیه شریفه که می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». کسانی که خداوند متعال در این آیه شریفه اسامی آنها را مقرون به خودش و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده، آنها اولی الامرند. آنها کسانی هستند که وصی بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام هستند تا وجود مقدس امام زمان علیه السلام.

روایات درباره ائمه اثنی عشر علیهم السلام و نام‌هایشان در کتب فریقین

درباره ائمه اثنی عشر علیهم السلام روایات بسیار زیادی هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت داریم که ان شاء الله در شب‌های آینده خواهیم گفت. روایاتی از ائمه معصومین

پیغمبر آمده که اگر کسی واقعاً انصاف داشته باشد و اینها را بداند، برایش مانند روز روشن است که امام زمان علیه السلام حی است و در پس پرده غیبت است و کسی است که تمام انبیای الهی منتظر آمدنش هستند و منتظر ظهور موفورالسرور ایشان هستند و باید به ایشان ایمان بیاورند، مگر کسی که در قلبش مرضی باشد یا غرضی داشته باشد یا آنطور که باید وضعیت اخلاقی خوبی نداشته باشند؛ و آلا اگر از نظر پدر و مادر انسانهای پاکی باشند، مسلم است که به امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه اثنا عشر علیهم السلام ایمان می آورند؛ زیرا روایات از خود اهل سنت است و روایات خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. ما نمی توانیم منکر این همه روایاتی باشیم که درباره ائمه اثنا عشر علیهم السلام آمده است. درباره همین آیه شریفه و اینکه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»^۱ که سال گذشته هم عرض کردم. ان شاء الله باز هم مطالبی را در این باره خواهم گفت.

اهمیت کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام

اما روایت دیگری درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام آمده است، چون بحث ما روایی است و آیات مهدوی را از این روایات می توانیم تفسیر و تبیین کنیم. این روایت در کتاب شریف *منتخب الاثر* است. اگر وقت داشتید، این کتاب را بگیرید و با دیگر دوستان، علما و فضلائی محترم مباحثه کنید. بعضی از علما بودند به من گفتند که این کتاب اصلاً جزء کتاب درسی ماست. یکی از آقایان می گفت وقتی جلد اول کتاب *منتخب الاثر* را گرفتم (کتاب *منتخب الاثر* شرحی

۱. توبه، ۳۶. «تعداد ماهها نزد خداوند، دوازده ماه است.»

دارد، اوایل یک جلدی بود) پای هر ورقی را که خوانده‌ام، اشک چشمم جاری شد و آن را برای عالم قبر و قیامت نگه داشتم؛ یعنی هر ورقی از آن را خواندم گریه کردم و اشک ریختم. بعضی افراد این‌طور هستند، علاقه و اشتیاق بسیار زیادی به امام زمان علیه السلام دارند، از خودشان بی‌خود می‌شوند و غیر از امام زمان علیه السلام انگار چیز دیگری نمی‌بینند، عاشق واقعی امام زمان علیه السلام می‌شوند. امیدواریم که ان‌شاءالله چنین عشق و علاقه‌ای در وجود ما نیز ایجاد بشود.

پرسش‌های جوان یهودی از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره تعداد امامان

منتخب الاثر از کتاب شریف کمال الدین شیخ صدوق علیه السلام نقل می‌کند.^۱ بعد از نقل اسنادش می‌فرمایند: «عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَحْيَى الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ»، حدیث خیلی طولانی است. «ذَكَرَ فِيهِ أَسْئَلَةُ شَابٍّ مِنَ الْيَهُودِ مِنْ عَلِيٍّ وَمَا أَجَابَ عَنْهَا».

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۹۷ - ۲۹۹؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۷۳ - ۷۴، ح ۱۰۱. «عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَحْيَى الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ ذَكَرَ فِيهِ أَسْئَلَةُ شَابٍّ مِنَ الْيَهُودِ مِنْ عَلِيٍّ وَمَا أَجَابَ عَنْهَا».

قَالَ: فَأَخْبِرْنِي كَمْ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ إِمَامٍ هُدَى هَادِينَ مَهْدِيَّيْنَ لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانُ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَأَخْبِرْنِي أَيْنَ مَنَزِلُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله مِنَ الْجَنَّةِ، وَمَنْ مَعَهُ مِنْ أُمَّتِهِ فِي الْجَنَّةِ؟
قَالَ: أَمَّا قَوْلُكَ كَمْ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ إِمَامٍ هُدَى هَادِينَ مَهْدِيَّيْنَ لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانُ مَنْ خَذَلَهُمْ، فَإِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا هَادِينَ مَهْدِيَّيْنَ لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانُ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَأَمَّا قَوْلُكَ أَيْنَ مَنَزِلُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله فِي الْجَنَّةِ؟ فَفِي أَشْرَفِهَا وَأَفْضَلِهَا جَنَّةِ عَدْنٍ، وَأَمَّا قَوْلُكَ مَنْ مَعَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله مِنَ أُمَّتِهِ فِي الْجَنَّةِ فَهَؤُلَاءِ الْإِثْنَا عَشَرَ أُمَّةً هُدَى.
قَالَ الْفَتَى: صَدَقْتَ فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عِنْدِي بِإِمْلَاءِ مُوسَى وَخَطِّ هَارُونَ بِيَدِهِ...».

جوانی یهودی آمد خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام از ایشان سؤال‌هایی کرد و حضرت هم جواب داد. از جمله آن سؤالاتی که پرسیده بعضی از آن سؤالات را نقل کردند.

«قَالَ: فَأَخْبِرْنِي كَمْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ إِمَامٍ هُدَىٰ هَادِيْنَ مَهْدِيْنَ»؛ ای امیرالمؤمنین علیه السلام به من خبر دهید که از این امت چند نفر امام هستند، که اینها امام هدایتند؟ هدایت‌کننده‌اند و خودشان نیز هدایت‌شده هستند. از نحوه سؤال کردن جوان یهودی معلوم است کتاب‌هایی را قبلاً خوانده و متوجه شده که ائمه اثناعشر علیهم السلام چه صفاتی دارند.

از این روایت معلوم می‌شود: «لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانُ مَنْ خَذَلَهُمْ»؛ که هیچ‌کس نمی‌تواند به ائمه معصومین علیهم السلام ضرری برساند. آن مقامی که خداوند متعال به آنها عنایت کرده و عطا کرده، باقی خواهد ماند تا امام زمان علیه السلام ظهور کنند.

«وَأَخْبِرْنِي أَيَّنَ مَنْزِلُ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجَنَّةِ؟»؛ به من خبر بدهید مقام و منزل حضرت محمد صلی الله علیه و آله در بهشت کجاست؟ «وَمَنْ مَعَهُ مِنَ أُمَّتِهِ فِي الْجَنَّةِ؟» و مقام و منزل کسانی که با او هستند، در بهشت کجاست؟

تعداد امامان امت اسلام

«قَالَ علیه السلام: لَهٗ: أَمَّا قَوْلُكَ كَمْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ إِمَامٍ هُدَىٰ هَادِيْنَ مَهْدِيْنَ لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانُ مَنْ خَذَلَهُمْ؛ فَإِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا هَادِيْنَ مَهْدِيْنَ»؛ امام علیه السلام فرمود: اما اینکه سؤال کردی امامانی که اینها هدایت‌کننده و هدایت‌شده هستند، چند نفرند؟ همانا برای امت اسلام دوازده امام است. «لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانُ مَنْ خَذَلَهُمْ»؛ در روایات این عبارت خیلی زیاد آمده است. هیچ‌کس نمی‌تواند به آنها ضرر برساند. بله ضرر مادی و ضرر دنیوی، به نظر ما

رسیده، وقتی آنها را شهید کردند، نعمت وجود آنها را از ما گرفته‌اند، اینها ضرر نیست. آن مقامی که خداوند متعال برای آنها قرار داده، کسی نمی‌تواند آن را از ایشان بگیرد.

جایگاه پیامبر ﷺ و امامان ﷺ در بهشت

«وَأَمَّا قَوْلُكَ أَيْنَ مَنَزَلُ مُحَمَّدٍ فِي الْجَنَّةِ؟»؛ اما اینکه پرسیدی پیامبر اکرم ﷺ در بهشت در کجای بهشت هستند؟ «فَفِي أَشْرَفِهَا وَأَفْضَلِهَا جَنَّةِ عَدْنٍ»؛ در باسرف‌ترین و بهترین جای بهشت؛ جایی که پیامبر اکرم ﷺ است، باسرف‌ترین جا، و بهشت عدن، جای پیامبر اکرم ﷺ است. «وَأَمَّا قَوْلُكَ وَمَنْ مَعَ مُحَمَّدٍ مِنْ أُمَّتِهِ فِي الْجَنَّةِ؟»؛ چه کسانی در بهشت با او هستند؟ «فَهُؤُلَاءِ الْإِثْنَا عَشَرَ أَيْمَةً أَلْهَدَى»؛ این دوازده امام ﷺ نیز خدمت ایشان هستند.

«قَالَ الْفَتَى: صَدَقْتَ»؛ جوان یهودی گفت درست فرمودی. «فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عِنْدِي بِإِمْلَاءِ مُوسَى وَخَطِّ هَارُونَ بِيَدِهِ»؛ به خدا سوگند آن کسی که من نوشته‌اش را دارم و در دست من است، به املاي حضرت موسی و به خط هارون برادر ایشان است. آن نوشته‌ها همین است که شما فرمودید و در آنجا مکتوب است. روایت مفصلی است - ان شاء الله - بعداً بعضی از آنها را باز عرض خواهیم کرد.

الحمد لله رب العالمين ماه مبارك رمضان است، ماه برکت است، ماهی است که ما باید از خداوند متعال توفیق عبادت بخوایم و بهترین عبادت ذکر امامت و ولایت ائمه معصومین ﷺ است. امروز بهترین عبادت ذکر ولایت و امامت امام زمان ﷺ است. امیدواریم چنین عبادت بزرگی را که خدا نصیبمان کرده، به بهترین وجه ممکن از آن استفاده کنیم و همه ما را از منتظران واقعی امام زمان ﷺ قرار بدهد.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾^۱

۱۰. مائده، ۱۲. «خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می‌پوشانم [می‌بخشم]؛ و شما را در باغ‌هایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هرکس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.»

یکی از آیات قرآن کریم که می‌توان از آن درباره امامت حضرت مهدی علیه السلام استفاده کرد، همین آیه شریفه است.

روایات درباره این آیه شریفه و اینکه می‌توان از آیه شریفه درباره ائمه اثناعشر علیهم السلام و وجود مقدس حضرت حجت علیه السلام استفاده نمود، بسیار زیاد است. ترجمه ظاهری آیه این است: خداوند متعال از بنی اسرائیل پیمان گرفت و برای آنها دوازده نقیب فرستاد. نقیب به معنای انسان‌هایی که صالح بودند و امور مردم در دست آنها بود و سرپرستی امت را به عهده داشتند که از آنها به عنوان نقیب یاد کرده‌اند. ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾؛ خداوند دوازده نقیب که سرپرستی امت را بر عهده بگیرند، برای آنها مبعوث نمود. ﴿وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي﴾؛ خداوند فرمود من با شما هستم اگر نماز را به‌پا دارید و زکات بدهید و به انبیای من ایمان داشته باشید، من هم با شما هستم. ﴿وَعَزَّزْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا كُفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا دُخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾؛ و اگر فرستادگان مرا شما عزیز بدارید شما را عزیز می‌داریم و اگر بتوانید به خداوند متعال قرض بدهید، قرضی که حسنه باشد؛ هرآینه ما گناهان شما را می‌آمرزیم و شما را وارد بهشتی می‌کنیم که نهرهای الهی در آن بهشت جاری است. ﴿فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾؛ هرکس بعد از این کفر ورزد، به تحقیق راه راست را گم کرده است.



تطبیق آیه شریفه بر ائمه اثنی عشر علیهم السلام

این آیه شریفه درباره بنی اسرائیل و رسولانی که از طرف خداوند متعال برای هدایت آنها فرستاده شده، می باشد. از ظاهر آیه استفاده می کنیم که خداوند متعال دوازده فرمانده و سرپرست امور، برای آنها فرستاده است؛ به تعبیر دیگر خداوند برای حضرت موسی علیه السلام دوازده وصی قرار داد. ما می توانیم از کلمه دوازده که در آیه شریفه است، طبق روایات که این روایات را هم اهل سنت نقل می کنند و هم از طریق شیعه نقل شده است، استفاده کنیم که درباره ائمه اثنی عشر علیهم السلام است. درباره ائمه اثنی عشر علیهم السلام روایات زیاد است. امروز درباره همین آیه شریفه مطالعه می کردم که می فرماید: «إِنِّي عَشْرَ نَقِيْبًا»، روایات آن قدر زیاد است که می توان گفت به حد تواتر رسیده است. از برخی روایت ها معلوم می شود که از این آیه، ولایت و امامت حضرت حجت علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام را استفاده می کنیم.

ائمه معصومین علیهم السلام مصداق بارز باب بهشت

روایت مفصلی در کتاب شریف *ارشاد القلوب*، نقل شده است.^۱ همچنین

۱. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۳ - ۲۹۴. «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَعَاشِرَ النَّاسِ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَابًا مَن دَخَلَهُ أَمِنَ مِنَ النَّارِ وَمِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ. فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ اهْدِنَا إِلَى هَذَا الْبَابِ حَتَّى نَعْرِفَهُ. قَالَ: هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَخُو رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ.

کتاب شریف *غایة المرام*، این روایت را آورده است.^۱

«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ». ابن عباس می گوید از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم که چنین فرموده است: «مَعَاشِرَ النَّاسِ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَاباً مَنْ دَخَلَهُ أَمِنَ مِنَ النَّارِ وَمِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ»؛ ای گروه مردم! بدانید خداوند متعال بابی دارد که هرکس از آن وارد شود، از آتش جهنم در امان است و از گرفتاری‌ها و عذاب روز قیامت نجات می‌یابد. همه دوست دارند این باب را بدانند. این چه بابی است که هرکس از آن وارد شود، از فزع اکبر، روز قیامت و از آتش جهنم در امان است. همه ما دوست داریم این باب را بدانیم که از آن باب وارد شویم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا فَلْيَتَمَسَّكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ؛ فَإِنَّ وِلَايَتَهُ وَوَلَايَتِي وَطَاعَتَهُ طَاعَتِي؛ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْرِفَ الْحُجَّةَ بَعْدِي فَلْيَعْرِفْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ؛ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَتَوَالَى وَوَلَايَةَ اللَّهِ فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ فَإِنَّهُ خِزَانَةُ عِلْمِي؛ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ فَلْيُؤَالِ عِدَّةَ الْأَيِّمَةِ ﷺ.

فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، فَقَالَ: وَمَا عِدَّةُ الْأَيِّمَةِ؟ فَقَالَ: يَا جَابِرُ سَأَلْتَنِي بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ؛ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ، وَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُيُونِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ﷺ حِينَ صَرَبَ بِعَصَاهُ الْبَحْرَ [الْحُجْرَةَ] فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا، وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نِقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾؛ وَالْأَيِّمَةُ يَا جَابِرُ اثْنَا عَشَرَ، أَوْهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ ﷺ.»

۱. بحرانی، غایة المرام، ج ۳، ص ۳۸.

«فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ اهْدِنَا إِلَى هَذَا الْبَابِ حَتَّى نَعْرِفَهُ»؛

ابوسعید خدری بلند شد و عرض کرد: این باب را به ما نشان بده، چه بابی است که اگر از آن وارد شویم از آتش قیامت در امان هستیم. به ما بگو تا این باب را بشناسیم و از آن باب وارد شویم. درهای دیگر - اگرچه باز باشد - از آن درها وارد نشویم. تنها از دری وارد شویم که ما را به سوی هدایت و بهشت راهنمایی کند.

«فَقَالَ: هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَأَخُو رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَخَلِيفَتُهُ عَلَى

النَّاسِ أَجْمَعِينَ»؛ حضرت فرمود: این باب امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سیدالوصیین، آقای اوصیای الهی است. برادر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است. امیرالمؤمنینی که خلیفه خداوند بر تمام مردم است. این باب است که اگر کسی از آن وارد شود، از فزع و عذاب روز قیامت در امان است.

تمسک به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام تنها راه نجات

«مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا فَلْيَتَمَسَّكَ بِوَلَايَةِ

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام»؛ ای مردم! هرکس می خواهد به آن دستگیره محکمی که سست نمی شود، چنگ بزند و به دستگیره‌ای که راه نجات است متمسک شود و او را حفظ بکند، به حضرت علی علیه السلام متمسک شود. «فَقَدْ اسْتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا»؛ دستگیره محکمی که سستی ندارد و از بین نمی رود و هرگز پاره

۱. بقره، ۲۵۶. «به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست».

نخواهد شد. «فَإِنَّ وِلَايَتَهُ وَوِلَايَتِي»؛ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ولایت من است، اگر کسی ولایت من را قبول داشته باشد، باید ولایت علی علیه السلام را هم قبول داشته باشد. این طور نیست که کسی بگوید من پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول دارم، اما ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول نداشته باشد. «وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي»؛ طاعت امیرالمؤمنین علیه السلام طاعت من است. اگر کسی می خواهد پیرو واقعی من باشد، باید از علی علیه السلام پیروی کند.

معرفی حجت‌های خداوند بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

«مَعَاشِرَ النَّاسِ»، ای گروه مردم! (به همه خطاب می‌کند). «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْرِفَ الْحُجَّةَ بَعْدِي فَلْيَعْرِفْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ»؛ هرکس که می‌خواهد حجت بعد از من را بشناسد - حجتی که از طرف خداوند متعال برای مردم منصوب شد - باید امیرالمؤمنین علیه السلام را بشناسد. بدون شناخت امیرالمؤمنین علیه السلام حجت شناخته نمی‌شود. این گونه نیست، حجت صفاتی دارد، هرکسی نمی‌تواند ادعا کند که من حجت خداوند هستم. غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام اگر کسی ادعا کند که حجت خدا هست، کذب است. اینها حجت خدا نیستند؛ بلکه حجت شیطان هستند و شیطان آنها را فریب داده است.

ولایت امام علی علیه السلام و امامان علیهم السلام ولایت خداست

سپس می‌فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ»، حضرت خیلی به مردم تأکید دارد. این همه فرمود، ولی باز هم عده‌ای منحرف شدند. «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَتَوَلَّى وَوِلَايَةَ اللَّهِ

فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ هر کس خشنودی می شود از اینکه ولایت خداوند متعال را داشته باشد و می خواهد تحت سرپرستی الله باشد که «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ کسی که می خواهد خدا ولی او باشد: «فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛ به مولا امیرالمؤمنین علیه السلام اقتدا کند. ایشان را امام خود قرار دهد، اقتدای به چنین امامی داشته باشد؛ «فَإِنَّهُ خِزَانَةُ عِلْمِي»؛ زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام مخزن علم من است.

«مَعَاشِرَ النَّاسِ»؛ حضرت باز دوباره تأکید می کند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ فَلْيُؤَالَ عِدَّةَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام»؛ هر کس می خواهد خداوند متعال را ملاقات کند و خدا هم از او راضی باشد که همه ما هم دوست داریم باید ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را قبول داشته باشد. ان شاء الله لقاء ما با خداوند (لقاء الله) طوری باشد که خداوند متعال از ما راضی باشد. تا اینجا حضرت، امیرالمؤمنین علیه السلام را معرفی کردند. بعد ائمه ای که بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام می آیند.

تعداد ائمه معصومین علیهم السلام در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ: وَمَا عِدَّةُ الْأَئِمَّةِ؟». جابر بن عبدالله - یکی از اصحاب مخصوص حضرت - بلند شد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند، ائمه چند نفر هستند؟ آنها را به ما معرفی کن. «فَقَالَ: يَا جَابِرُ سَأَلْتَنِي يَرْحَمُكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ»؛ حضرت فرمود: ای جابر! سؤال، سؤال بزرگی بود. تو از من سؤال کردی، از تمام اسلام. «بِأَجْمَعِهِ»؛ یعنی همه اسلام در این سؤال توست که ائمه بعد

۱. بقره، ۲۵۷. «خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند».

از امیرالمؤمنین علیه السلام چه کسانی هستند که ولایت آنها بر ما واجب است؟
 «سَأَلْتَنِي يَرْحَمُكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ»؛ همه اسلام این است.

تعداد ائمه علیهم السلام برابر با تعداد ماه‌های سال

«عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ»؛ تعداد ائمه معصومین علیهم السلام به تعداد ماه‌هاست که خداوند متعال ماه‌ها را در قرآن بیان می‌کند. تعدادشان تعداد شهور است و آن نزد خدا در کتابش دوازده ماه است: «وَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ». آیه شریفه‌ای که قبلاً خواندیم، شاید دوباره در آینده عرض کنیم. «وَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛^۱ تعداد ماه‌هایی که خداوند متعال قرار داده، دوازده‌تاست و عده اولیا و اوصیای بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دوازده نفر است.

تعداد ائمه معصومین علیهم السلام برابر تعداد نقبای بنی اسرائیل

در ادامه به آیه ۶۰ از سوره بقره استشهاد می‌کنند: «وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُيُونِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْبَحْرَ [الْحَجَرَ] فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا»؛ تعداد آنها، به تعداد چشمه‌هایی است که حضرت موسی علیه السلام به وسیله عصا به آن زمینی که آب نداشت زدند و دوازده چشمه آب جاری شد. اینها حساب دارد. چرا ده چشمه جاری نشد؟ چرا دو چشمه جاری نشد؟ چرا چهارده تا، هجده تا جاری نشد؟ دوازده چشمه آب جاری شد که اینها همه مصلحت است و حکمت دارد.

۱. اشاره به آیه ۳۶ سوره توبه. «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است.»

می فرماید: «وَعِدَّتْهُمْ عِدَّةَ الْعُقُوبِ الَّتِي أَنْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْبَحْرَ [الْحُجْرَةَ] فَأَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا»؛^۱ آن چشمه‌های آب، آن سرچشمه حیات، سپس به آیه شریفه دوازدهم سوره مائده استشهاد می‌کند: «وَعِدَّتْهُمْ عِدَّةَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ عده ائمه با عده نقبای بنی اسرائیل برابر است. طبق آیه خداوند دوازده نقیب برای هدایت قوم بنی اسرائیل قرار داده است. پیامبر ﷺ سه آیه از قرآن فرمودند که در هر سه آیه شریفه عدد دوازده به کار رفته است.

بعد پیامبر ﷺ این آیه شریفه را خواندند: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾؛^۲ وَالْأَيْمَةَ يَا جَابِرُ اثْنَا عَشَرَ»؛ ای جابر آنها دوازده نفر هستند. «أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ ﷺ»؛ اولین آنها علی بن ابی طالب ﷺ و آخرین آنها حضرت قائم، حجة بن الحسن المهدي ﷺ است.

از این آیه شریفه و روایاتی که در این باره است تعداد اولیای پیامبر ﷺ و اوصیای آن حضرت استفاده می‌شود که اولین آنها امیرالمؤمنین ﷺ و آخرین آنها حضرت مهدی ﷺ است. پس یکی از آیاتی که می‌توانیم در این باره استفاده کنیم و جزو آیات مهدوی است، آیه دوازدهم سوره مائده است. در این باره روایات بسیاری آمده است.^۳ واقعاً عجیب است! این همه روایت داریم و این همه پیامبر اکرم ﷺ در مواقع مختلف بیان کردند، ولی هنوز اشخاصی هستند که

۱. اشاره به آیه ۶۰ سوره بقره.

۲. مائده، ۱۲.

۳. در این باره جلد اول کتاب منتخب الاثر را مطالعه کنید.

ائمه علیهم السلام را انکار می کنند. در کتب خود اهل سنت نیز نقل شده و راویان اهل سنت اینها را روایت کردند؛ حالا چه حسابی دارد، چه غرضی دارند که آنها مخالفت می کنند، مشخص نیست، خدا می داند.

معرفی دوازده امام علیهم السلام به ابوذر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله

در کتاب شریف *منتخب الاثر*، روایتی را از کتاب *کفایة الاثر* نقل می کنند.^۱ یکی از کتب بسیار مفیدی که درباره امام زمان علیه السلام نوشته شده، کتاب *کفایة الاثر* است.

۱. خزاز قمی، *کفایة الاثر*، ص ۳۶ - ۳۸؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۱، ص ۸۷ - ۸۸ ح ۱۲۶. «قَالَ أَبُو ذَرَّ الْغِفَارِيُّ رضی الله عنه: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوفِّي فِيهِ. فَقَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ ابْنِي بِابْنَتِي فَاطِمَةَ. قَالَ: فَقُمْتُ وَدَخَلْتُ عَلَيْهَا، وَقُلْتُ: يَا سَيِّدَةَ النَّسْوَانِ أَجِيبِي أَبَاكَ. قَالَ: فَلَبَّتُ [فَلَبِسْتُ] مِنْحَلَّهَا [جَلْبَابَهَا]، وَأَبْرَزْتُ [اتَزَّرْتُ] وَخَرَجْتُ حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛ فَلَمَّا رَأَتْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله انْكَبَّتْ عَلَيْهِ وَبَكَتْ وَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِبُكَائِهَا وَضَمَّهَا إِلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ لَا تَبْكِي فِدَاكَ أَبُوكَ فَأَنْتِ أَوْلَى مَنْ تَلْحَقِينَ بِي مَظْلُومَةٌ مَغْضُوبَةٌ، وَسَوْفَ يَظْهَرُ بَعْدِي حَسِيكَةُ النَّفَاقِ، وَيَسْمُلُ جِلْبَابُ الدِّينِ، وَأَنْتِ أَوْلَى مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضِ.

قَالَتْ: يَا أَبُهِ أَيْنَ أَلْفَاكَ؟ قَالَ: تَلْقِينِي عِنْدَ الْحَوْضِ، وَأَنَا أُسْقِي شِيعَتَكَ وَمُحِبِّكَ، وَأَطْرُدُ أَعْدَاءَكَ وَمُبْغِضِكَ. قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ أَلْفَكَ عِنْدَ الْحَوْضِ؟ قَالَ: تَلْقِينِي عِنْدَ الْمِيزَانِ. قَالَتْ: يَا أَبُهِ وَإِنْ لَمْ أَلْفَكَ عِنْدَ الْمِيزَانِ؟ قَالَ: تَلْقِينِي عِنْدَ الصَّرَاطِ، وَأَنَا أَقُولُ: سَلَّمَ سَلَّمَ شِيعَةَ عَلِيٍّ.

قَالَ: أَبُو ذَرٍّ فَسَكَنَ قَلْبُهَا، ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّهَا بَضَعَتْ مِنِّي، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، أَلَا إِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبَعْلُهَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَابْنَتُهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّهُمَا إِمَامَانِ إِنْ قَامَا أَوْ قَعَدَا، وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا، وَسَوْفَ يُخْرَجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ مِنَ الْأَيِّمَةِ مَعْصُومُونَ، قَوَّامُونَ بِالْقِسْطِ، وَمِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ. قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَمْ الْأَيِّمَةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: عَدَدُ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.»

بعد از اینکه سندها را ذکر می کنند، به ابوذر غفاری رضی الله عنه می رسند. «قَالَ أَبُو ذَرِّ الْغِفَارِيُّ رضی الله عنه دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ»؛ ابوذر غفاری می گوید: خدمت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله شرفیاب شدم، در آن بیماری که حضرت می خواستند از دنیا بروند؛ یعنی پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله در حالت احتضار بود. همه ناراحت و گریان بودند، به خصوص اصحاب باوفای حضرت، خدمت حضرت رسیدم. «فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ أَيَّتَنِي بِأَبْنَتِي فَاطِمَةَ»؛ حضرت فرمود: ای ابوذر! برو دخترم فاطمه را پیش من بیاور. «قَالَ: فَقُمْتُ وَدَخَلْتُ عَلَيْهَا وَقُلْتُ: يَا سَيِّدَةَ النِّسْوَانِ أَجِيبِي أَبَاكَ»؛ خدمت حضرت صدیقه طاهره صلى الله عليه وآله شرفیاب شدم و گفتم ای سیده نساء! خواسته پدر خودت را جواب بده. پدرت شما را خواسته است. «قَالَ: فَلَبَّتُ مِنْحَلَّهَا وَأَبْرَزْتُ وَخَرَجْتُ حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»؛ حضرت زهرا صلى الله عليه وآله چادری را که با آن بیرون می آمدند، روی سر انداختند و آمدند.

«فَلَمَّا رَأَتْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله انْكَبَّتْ عَلَيْهِ»؛ وقتی پدرشان را در آن حال دیدند، خودش را روی پدر انداختند. فرزند است، آن هم دختری مانند حضرت صدیقه طاهره صلى الله عليه وآله پدرش را در این حال ببیند. معلوم است که چه حالی دارند و حضرت گریه کردند؛ پیامبر صلى الله عليه وآله هم به خاطر گریه حضرت زهرا صلى الله عليه وآله گریه کردند. «وَبَكَتْ وَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِبُكَائِهَا وَصَمَّهَا إِلَيْهِ»؛ بعد فاطمه صلى الله عليه وآله را به سینه خودشان چسبانند و ایشان را در آغوش گرفتند. «ثُمَّ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ لَا تَبْكِي فِدَاكَ أَبُوكِ»؛ گریه نکن، پدر تو فدای تو باد! «فَأَنْتِ أَوَّلُ مَنْ تَلَحَّقِينَ بِي مَظْلُومَةً مَغْضُوبَةً»؛ تو اولین کسی هستی که به من ملحق می شود؛ درحالی که حقت را می گیرند و

مظلوم هستی. «وَسَوْفَ يَظْهَرُ بَعْدِي حَسِيكَةُ النَّفَاقِ»؛ بعد از من کینه نفاق آشکار می شود؛ «وَيَسْمُلُ جِلْبَابُ الدِّينِ»؛^۱ بعد از من لباس دین کهنه و فرسوده می شود. «وَأَنْتِ أَوَّلُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضِ»؛ و روز قیامت تو اولین کسی هستی که بر من در کنار حوض کوثر وارد می شود.

بعد حضرت زهرا علیها السلام عرض کردند: «قَالَتْ: يَا أَبَهُ أَيَّنَ أَلْقَاكَ»؛ روز قیامت کجا شما را بینم؟ مثل اینکه خیلی از این قضیه ناراحت و گریان بودند. «قَالَ: تَلْقَيْنِي عِنْدَ الْحَوْضِ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مرا کنار حوض کوثر ملاقات می کنی. «وَأَنَا أَسْقِي شِيعَتَكَ وَمُحِبِّيكَ»؛ من به شیعیان و دوستان تو آب می دهم و آنها را سیراب می کنم؛ «وَأَطْرُدُ أَعْدَاءَكَ وَمُبْغِضِيكَ»؛ و آنهایی که امروز با تو دشمنی کردند، آنها را طرد می کنم. آنها باید کنار بروند. «قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ عِنْدَ الْحَوْضِ؟»؛ روز قیامت هست و هرکسی به کار خودش مشغول است، گرفتاری ها زیاد است، اگر من شما را کنار حوض کوثر ندیدم، کجا بینم؟ «قَالَ: تَلْقَيْنِي عِنْدَ الْمِيزَانِ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من را ملاقات می کنی نزد میزان؛ آنجایی که به حساب همه مردم می رسند، میزان عدل الهی. «قَالَتْ: يَا أَبَهُ وَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ عِنْدَ الْمِيزَانِ؟»؛ عرض کرد اگر آنجا هم شما را ندیدم، کجا بینم؟ «قَالَ: تَلْقَيْنِي عِنْدَ الصَّرَاطِ وَأَنَا أَقُولُ سَلَّمَ سَلَّمَ شِيعَةَ عَلِيٍّ»؛ حضرت فرمود: نزد صراط، آنجا من را خواهی دید، درحالی که من می گویم خدایا شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام را سالم نگه دار. امروز که روز فزع اکبر است، آنها را از عذاب حفظ کن.

۱. در بعضی از منابع «ویشمل» آمده است. بحرانی، الانصاف، ص ۲۰۶.

تأکید پیامبر ﷺ بر تکریم اهل بیت ﷺ

«قَالَ أَبُو ذَرٍّ فَسَكَنَ قَلْبُهَا»؛ ابوذر می گوید: دیدم حضرت زهرا ﷺ قلبش ساکن شد و مثل اینکه خوشحال شدند. «ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّهَا بَضْعَةٌ مِنِّي»، بعد پیامبر ﷺ به من التفات فرمودند و نگاه کردند و فرمودند: فاطمه ﷺ پاره تن من است. «فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي؛ أَلَا إِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِعَلَّهَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَابْنَيْهَا الْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ هرکس او را اذیت کند، مرا اذیت کرده است؛ بدانید که او سرور زنان عالم است و شوهرش سرور و آقای اوصیا است و دو پسرش، حسن و حسین، سرور جوانان اهل بهشت هستند. تا اینجا روشن است، همه می دانید.

بعد می فرماید: «وَإِنَّهُمَا إِمَامَانِ إِنْ قَامَا أَوْ قَعَدَا»؛ میان امام حسن و امام حسین ﷺ فرقی نیست، هر دو امام هستند؛ با این تفاوت که یکی قیام می کند، یکی قیام ندارند و صلح می کند؛ گرچه هر دو بزرگوار هم قیام داشتند هم قعود. یک زمان امام حسن مجتبی ﷺ قیام داشتند و زمانی نیز صلح داشتند و یک زمان امام حسین ﷺ صلح داشتند و یک زمان قیام داشتند. کسی نمی تواند میان این دو بزرگوار تفاوت قائل شود. بعد می فرماید: «وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا»؛ پدر این دو، یعنی حسن و حسین بهتر از آنهاست، که امیرالمؤمنین ﷺ است. «وَسَوْفَ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ مَعْصُومُونَ قَوَّامُونَ بِالْقِسْطِ»؛ نه امام معصوم که همه قیام به قسط دارند، از صلب امام حسین ﷺ خارج می شوند؛ یعنی ائمه معصومین ﷺ فرزندان امام حسین ﷺ هستند. «وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ حضرت مهدی ﷺ از ماست.

تعداد امامان علیهم السلام برابر با تعداد نقبای بنی اسرائیل

«قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فِكَمِ الْأَيْمَةِ بَعْدَكَ؟»؛ سؤال کردم که ای رسول خدا، تعداد ائمه بعد از شما چند نفر هستند؟ «قَالَ: عَدَدُ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به تعداد نقبای بنی اسرائیل که در آیه دوازده سوره مائده، به عدد نقبای بنی اسرائیل، که تعداد آنها دوازده نفر بود، اشاره شده است. قرآن می فرماید: ﴿اِثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾. آن دوازده نفری که خداوند متعال نقیب قرار داد و فرماندهی سپاه و امور مردم را به دست آنها داد و سرپرست مردم بودند؛ تعداد آنها دوازده نفر است. تعداد ائمه معصومین علیهم السلام نیز پس از من به تعداد نقبای بنی اسرائیل اند.

این آیه شریفه و روایاتی که در این باره داریم، تعداد دوازده نقیب را معلوم می کند. روایات بسیار زیاد است که از همین آیه شریفه استفاده شده و تفسیر شده به اینکه تعداد نقبا، دوازده نفر و تعداد ائمه علیهم السلام نیز دوازده نفر است و در اکثر این روایات نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام را آورده اند که دوازدهمین آنها حضرت حجت علیه السلام است. اگر بخواهیم همه روایات را در این باره بخوانیم یک کتاب می شود. جلد اول کتاب *منتخب الاثر* را اگر ملاحظه بفرمایید، بیشتر جلد اول آن درباره ائمه اثنی عشر علیهم السلام و تعداد آنها و روایاتی است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده است.

سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به نیکی کردن با اهل بیت علیهم السلام

روایت دیگری در کتاب شریف *منتخب الاثر* از کتاب *کفایة الاثر* نقل شده

است.^۱ بعد از اینکه سندها را ذکر می‌کنند تا به عمران بن حصین می‌رسند که می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ برای ما خطبه خواندند. «عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ». پیامبر اکرم ﷺ جاهای مختلف و زمان‌های مختلف، ائمه اثنی عشری را معرفی کردند. «فَقَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي رَاحِلٌ عَنْ قَرِيبٍ وَمُنْطَلِقٌ إِلَى الْمَغِيبِ»؛ حضرت فرمود: ای گروه مردم! من در حال رفتن به سوی عالم آخرت هستم؛ جایی خواهم رفت که آنجا عالم غیب است. «أَوْصِيكُمْ فِي عِثْرَتِي خَيْرًا»؛ وصیت من، عثرت من است. در حق عثرت من خوبی کنید، با آنها خوب رفتار کنید، با آنها دشمنی نکنید، آنها فرزندان من هستند، مواظب آنها باشید. «أَوْصِيكُمْ فِي عِثْرَتِي خَيْرًا»؛ چیز دیگری از شما نمی‌خواهم.

امامان دوازده‌گانه از عثرت پیامبر ﷺ

«فَقَامَ إِلَيْهِ سَلْمَانٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ مِنْ عِثْرَتِكَ؟»؛ سلمان بلند شد، عرض کرد: آیا ائمه بعد از شما از عثرت شما نیستند؟ عثرت مگر غیر از

۱. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۳۱ - ۱۳۲؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۹۳، ح ۱۳۶.

«عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي رَاحِلٌ عَنْ قَرِيبٍ، وَمُنْطَلِقٌ إِلَى الْمَغِيبِ، أَوْصِيكُمْ فِي عِثْرَتِي خَيْرًا».

فَقَامَ إِلَيْهِ سَلْمَانٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ مِنْ عِثْرَتِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي مِنْ عِثْرَتِي عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، وَمِنَّا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ فَقَدْ تَمَسَّكَ بِحَبْلِ اللَّهِ، لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، وَاتَّبِعُوهُمْ فَإِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُمْ، حَتَّى يَرُدُّوا عَلَيَّ الْحَوْضَ».

آنهاست؟ «أَلَيْسَ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ مِنْ عِثْرَتِكَ؟»؛ آنها از عترت شما نیستند؟ «قَالَ: نَعَمْ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي مِنْ عِثْرَتِي»؛ حضرت فرمود: بله، ائمه بعد از من، همه از عترت من، از خاندان من هستند. آنها اهل بیت من هستند و از من جدا نیستند. «عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ تعداد آنها تعداد نقبای بنی اسرائیل است. باز حضرت به آیه ۱۲ سوره مائده استشهاد کردند. «تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ»؛ نه نفر از آنها از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند؛ «وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ»؛ حضرت مهدی علیه السلام از ماست. «فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ فَقَدْ تَمَسَّكَ بِحَبْلِ اللَّهِ»؛ هر کس به ائمه تمسک کند، به حبل الله تمسک کرده؛ ریسمان محکم الهی که هرگز پاره نخواهد شد؛ و خداوند در قرآن دستور به تمسک به آن داده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»؛^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام مصداق حبل الله

روایت داریم حبل الله امیرالمؤمنین علیه السلام است: «وَحَبْلُ اللَّهِ الْمُتَيْنِ وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ»؛^۲ حبل الله اینها هستند؛ آن ریسمانی که هرگز پاره نمی شود. هر کس به دامان اینها چنگ بزند، اینها هرگز منحرف نخواهند شد. راه نجات راهی است که ائمه معصومین علیهم السلام آنها را می برند. «لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»؛ شما به فکر این نباشید که به آنها چیزی یاد بدهید؛ به درستی که آنها داناتر از شما هستند؛ «لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ».

۱. آل عمران، ۱۰۳. «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و عترت) چنگ زنید».

۲. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۷۷؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۶؛ مجلسی،

بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶.

حالا بعد از رحلت حضرت رسول ﷺ اگر بخواهیم شاهد بیاوریم که این امت چه اشتباهات زیادی کردند، به جای اینکه از امیرالمؤمنین ﷺ و اهل بیت ﷺ استفاده بکنند، می‌خواستند به آنها چیزی یاد بدهند. عجیب است! در مقابل حضرت صدیقه طاهره ﷺ احادیث جعلی درست می‌کردند. این حدیث از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که آنها (اهل بیت) بهتر می‌دانند.

روایت داریم که امیرالمؤمنین ﷺ فرمود، هرچه پیامبر ﷺ گفت، همه آنها را من نوشته‌ام و هیچ چیزی از فرمایشات ایشان را فراموش نکردم. همه مکتوب است. اگر این حدیث از پیامبر ﷺ بود، مسلم است که آنها می‌دانستند، پس معلوم است که احادیث جعلی درست می‌کردند و می‌گفتند که پیامبر ﷺ آنها را گفته است. این حدیث چگونه وارد شده، من نمی‌دانم. «لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ وَاتَّبِعُواهُمْ»؛ از ائمه بعد از من پیروی کنید. هرکس می‌خواهد در راه حق قدم بردارد، بداند که حق با ائمه ﷺ است.

معیت ائمه معصومین ﷺ با حق

«فَإِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُمْ»؛ آنها با حق هستند و حق هم با آنهاست. حق الله الاکبر. خداوند متعال با آنهاست و آنها هم از خداوند متعال جدا نیستند. این معیت، معیت بزرگی است که شاید از بزرگ‌ترین امتیازات ائمه معصومین ﷺ همین معیت با حق و قرآن است. معیت با الله است. اصلاً از حق جدا نمی‌شوند، حق نیز از آنها جدا نخواهد شد. هر وقت مشاهده کردید که امیرالمؤمنین ﷺ در

جایی بود، بدانید حق آنجاست. اگر امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام آنجا نبودند، بدانید آنجا باطل است، اگرچه ظاهرش را درست کرده باشند و از نظر ظاهر زیبا باشد. اما اگر امیرالمؤمنین علیه السلام آنجا نباشد، جای انحراف و باطلی است. بعد می فرماید: «حَتَّى يَرُدُّوا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ تا اینکه روز قیامت بر حوض کوثر بر من وارد شوند. باز در این حدیث شریف حضرت می فرماید: «الْأَيُّمَّةُ بَعْدِي مِنْ عِزَّتِي عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ». به نص صریح قرآن کریم، نقبای بنی اسرائیل دوازده نفر هستند. با استفاده از این روایات ائمه معصومین علیهم السلام نیز دوازده نفر هستند که دوازدهمین آنها وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾^۱

۱. مائده، ۱۲. «خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید، و زکات را پردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسنه بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می پوشانم [می بخشم]؛ و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم. اما هرکس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.»

این آیه شریفه، آیه دوازدهم سوره مائده است. در جلسه گذشته درباره این آیه مطالبی را بیان کردیم و چون مطلب ناقص مانده آن را تکمیل می‌کنیم؛ از این رو در این مورد مطالبی را عرض خواهم کرد. آیه شریفه می‌فرماید: خداوند متعال از بنی اسرائیل عهد و پیمان گرفت و برای آنها دوازده نقیب قرار داد. این نقیب‌ها چه کسانی بودند و چه صفاتی داشتند؟ در تفاسیری که درباره این آیه شریفه وجود دارد، بیان می‌کند که این نقیبان انسان‌های صالح، پاک و صادقی بودند که خداوند متعال آنها را برای هدایت بشر برگزید. از این آیه می‌توانیم استفاده‌های زیادی کنیم. یکی اینکه قرآن می‌فرماید: «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا». یک مسئله، مسئله عدد است، آن‌هم عدد دوازده که از این آیه شریفه استفاده می‌کنیم، و مسئله دیگر، مسئله برگزیدن از طرف خداوند متعال و اصطفای الهی است که این اشخاصی که برای هدایت مردم برگزیده شده‌اند، چه کسی آنها را منصوب کرد؟ آیا مردم آنها را انتخاب کردند یا از طرف ذات اقدس الهی برای ارشاد مردم برگزیده شدند؟

انتخاب پیامبر و امام توسط خداوند

آیه شریفه می‌فرماید: «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ»، ما برای آنها مبعوث کردیم؛ یعنی این انتخاب رسل و انتخاب هادی و انتخاب امام در دست خداوند متعال است و کسی دیگر حق انتخاب امام و پیامبر را ندارد. اگر امضای خداوند متعال و نصب خداوند متعال با او بود، آن ارزش دارد؛ اما اگر مردم برای خودشان کسی را

برگزینند، ولی خداوند متعال آن را قبول نداشته باشد، از نظر شرع مقدس و از نظر خداوند متعال ارزشی ندارد. لذا می‌فرماید: «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ»؛ خداوند متعال آنها را برگزید. دوازده نفر خوب را برگزیدن، مسئله بسیار مهمی است. اصطفاى الهی باید دارای صفات خاصی باشد که هرکسی نمی‌تواند چنین صفاتی را داشته باشد. خداوند متعال اشخاصی را باید برای مردم برگزیند که راستگو باشند، صالح باشند، انسان‌هایی باشند که با مبدأ غیب در ارتباط باشند، برنامه و دستورات خودشان را از عالم غیب بگیرند و به مردم ابلاغ کنند و خودشان نخستین کسانی باشند که به قانون الهی و قانون آسمانی حتماً عمل بکنند؛ از این رو خداوند اینها را به عنوان اولیای خود و به عنوان کسانی که خلیفه خداوند متعال بر روی زمین هستند، انتخاب کرد.

ویژگی‌های نقیب

«وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً»؛ از میان آنها دوازده نفر را انتخاب کردیم. فقط عدد دوازده نیست، عدد دوازده با اصطفاى الهی. بعد می‌فرماید: «نَقِيباً»؛ نقیب، انسان‌هایی که دارای منقبت هستند. انسان‌هایی که دارای فضائل والای انسانیت هستند. هرکسی را نقیب نمی‌گویند. انسان‌های صالح و پاک و کسانی که صددرصد ایمان حقیقی به خداوند داشته باشند و حتی فکر گناه در ذهن و فکر آنها خطور نکند. لذا می‌فرماید که: «اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً»؛ ما انسان‌هایی که دارای منقبت بودند، انسان‌های پاک را به عنوان سرپرست امور برای مردم انتخاب کردیم.

انتخاب دوازده نقیب توسط خداوند در زمان حضرت موسی علیه السلام

در تفسیر آیه شریفه نوشته‌اند که در زمان خود حضرت موسی علیه السلام به دستور خداوند متعال، قوم موسی دوازده دسته و دوازده گروه شدند. از طرف خداوند برای هر دسته و هر گروه یک نفر به عنوان سرپرست انتخاب شد. اسامی مبارک آنها در تفاسیر موجود است. از جمله آنها یوشع بن نون علیه السلام است که وصی حضرت موسی علیه السلام و از طرف خداوند متعال بعد از حضرت موسی علیه السلام به عنوان پیامبر برای هدایت مردم مبعوث شد. این دوازده نفر در زمان خود حضرت موسی علیه السلام بودند. با اینکه در زمان خود حضرت موسی علیه السلام بودند و سرپرستی گروه‌ها را به عهده داشتند، اما به دلیل اینکه سرپرستی امت آن قدر اهمیت دارد، حتماً باید از طرف خداوند متعال این دوازده نفر انتخاب بشوند؛ بنابراین می‌فرماید: ما برای این دوازده گروه، انسان‌هایی را به عنوان سرگروه قرار دادیم که نقیبان الهی و منتخبان الهی بودند و برای هدایت مردم منصوب شدند.

پس هم کلمه «دوازده» که جلسه قبل عرض کردم و درباره‌اش صحبت می‌کنیم و هم اصطفا‌ی الهی: «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ»، موضوع بحث ماست.

استشهاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آیه مربوط به نقبای بنی اسرائیل

بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواقع مختلف به این آیه شریفه استشهاد می‌کردند. اشخاصی خدمت حضرت می‌آمدند و از ایشان سؤال می‌کردند که اولیای شما و

اوصیای شما چه کسانی هستند، بعد از شما به چه کسی رجوع کنیم؟ حضرت این آیه را برایشان می‌خواند؛ یعنی دو مطلب مهم را به آنها بازگو می‌فرمود، اولاً: اینکه انتخاب باید انتخاب الهی باشد: «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ»؛ آنها را ما فرستادیم، این طور نیست که عده‌ای بنشینند و در شورایی مشورتی یک نفر را انتخاب کنند، آن هم همه نباشند. عده‌ای باشند و عده‌ای نباشند و با آنها مخالفت بکنند؛ از این رو پیامبر ﷺ این آیه را برایشان می‌خواند و بارها فرمود: عدد اوصیای من به عدد نقبای بنی اسرائیل است؛ همان گونه که قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾؛ ميثاق بنی اسرائیل همان پیمان محکمی بود که خداوند از آنها گرفت؛ برای اینکه سرپرستان اموری را که خداوند معرفی کرده، قبول داشته باشند و هرج و مرج نشود و هر گروهی برای خود یک نفر را انتخاب کند. خداوند از آنها پیمان گرفت که اگر می‌خواهید راحت زندگی کنید و از مشکلاتی که قبلاً برایتان پیش آمده‌های یابید، باید بر این پیمان بمانید.

حدود صدها سال برای بنی اسرائیل مشکل و گرفتاری و ناراحتی پیش آمد تا اینکه خداوند حضرت موسی ﷺ را برای هدایت و نجات آنها فرستاد. این پیمان سفت و سخت را از آنها گرفت که پیمان این است: هرچه من گفتم، باید قبول کنید. هرکسی را انتخاب کردم باید آن را به عنوان سرپرست امور قبول کنید؛ از این رو اول می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾. پیامبر ﷺ بارها می‌فرمود که این اولیا و اوصیای من دوازده نفرند. بعد به آیه دوازدهم از سوره مائده استشهاد می‌آورد.

روایات در این باره زیاد است. عدد دوازده هم برای ما عدد بسیار مهمی است و تعداد اولیا و اوصیا که دوازده باشد اهمیت آن، دو چندان می‌شود. **إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا**؛^۱ تعداد ماه‌ها نزد خداوند دوازده ماه است. اسباب بنی اسرائیل و عشایری که خداوند متعال برای بنی اسرائیل انتخاب کرد، دوازده تا بودند، همچنین طبق این آیه شریفه نقبا دوازده نفر بودند. پس معلوم می‌شود، عدد دوازده عدد بسیار مهم و مبارکی است. لذا روایات در این باره زیاد است که ما بعضی از آنها را بیان می‌کنیم.

اهمیت کتاب کفایة الاثر

جلد اول کتاب **متخب الاثر**، را حتماً مطالعه کنید. مطالبی را که از آن بیان می‌کنیم، اگر بتوانید یادداشت و با هم مباحثه کنید، مطالب بسیار مفیدی هستند که از روایات می‌توانیم استفاده کنیم. ایشان این حدیث را از کتاب **کفایة الاثر** نقل کردند. **کفایة الاثر** از عالم بزرگواری به نام ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی است. ایشان اهل قم بودند و در شهر ری نیز سکونت داشتند. قم در گذشته مرکز محدثین بوده است. ایشان از علمای قرن چهارم هجری است. معلوم می‌شود آن زمان قم مرکز علم بوده؛ مرکز ولایت بوده؛ کسانی که دوستدار ائمه معصومین علیهم‌السلام بودند، در قم ساکن می‌شدند و محدثین بسیار بزرگی در قم

بودند. در بعضی از تواریخ نوشته‌اند که شهر قم زمانی حدود سی هزار نفر محدث داشت. الآن مشاهده می‌کنیم که قم برنامه‌ای دارد و الحمدلله مرکز تشیع سراسر جهان است و آنها را هدایت می‌کند. قم سابقه بسیار باارزشی داشته محدثین و مؤلفین بزرگی در قم سکونت داشتند.

از جمله کتاب‌هایی که درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه نوشته شده، کتاب *کفایة الاثر* است. کتاب بسیار خوبی است که تازه تجدید چاپ شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام هادی، مبلغ و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله

منتخب الاثر از کتاب *کفایة الاثر* نقل کرده است.^۱ پس از اینکه اسناد این حدیث شریف را نوشتند، می‌رسند به: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؛ ايشان می‌گویند: خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم. «وَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ»؛

۱. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۸۸ - ۸۹ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۵۲ - ۵۴، ح ۷۲. «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾. فَقَرَأَهَا عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا أَنَا الْمُنذِرُ، أَتَعْرِفُونَ الْهَادِي؟ قُلْنَا: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: هُوَ خَاصِصُ النَّعْلِ. فَطَوَّلَتِ الْأَعْنَاقُ إِذْ خَرَجَ عَلَيْنَا عَلِيُّ عليه السلام مِنْ بَعْضِ الْحُجَرِ وَبِيَدِهِ نَعْلٌ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، ثُمَّ التُّفَّتْ إِلَيْنَا فَقَالَ: أَلَا إِنَّهُ الْمُبْلَغُ عَنِّي، وَالْإِمَامُ بَعْدِي، وَرَوْجُ ابْتِي، وَأَبُو سِبْطِي، فَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الرَّجْسَ، وَطَهَّرَنَا مِنَ الدَّنَسِ، يُقَاتِلُ بَعْدِي عَلَى التَّوْبِيلِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّزْيِيلِ، هُوَ الْإِمَامُ أَبُو الْأَيْمَةِ الزُّهْرِي. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَكَمِ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نُبِيَّائِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ إِلَّا سَاخَتْ بِأَهْلِهَا».

هنگامی که این آیه شریفه نازل شد. آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾. آیه هفتم سوره مبارکه رعد؛ ای پیامبر! تو منذر هستی. تو برای مردم نذیری و مردم را انذار می‌کنی و برای هر قوم و دسته‌ای نیز هادی و هدایت‌کننده‌ای هست. «فَقَرَأَهَا عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»؛ پیامبر خدا ﷺ این آیه را برای ما خواند: «ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا أَنَا الْمُنذِرُ»؛ حضرت فرمودند: من منذر هستم که قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ﴾؛ «أَتَعْرِفُونَ الْهَادِيَّ؟»؛ سپس فرمود: آیا می‌دانید چه کسانی هادی هستند؟ قرآن می‌فرماید: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾؛ برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است. هادی کیست که مردم را هدایت می‌کند؟ «فَقُلْنَا: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ»؛ عرض کردیم ای رسول خدا ما نمی‌دانیم چه کسی هادی است. شما به ما معرفی کنید. «فَقَالَ: هُوَ خَاصِيفُ النَّعْلِ»؛ حضرت فرمود: آن‌کسی که الان دارد کفش را وصله می‌کند. به قول ما کفش را پینه می‌زند. آن‌کسی که کفش وصله می‌کند، آن هادی است. مردم تعجب کردند. کسی که کفش وصله می‌زند، این هادی امت شد!

«فَطَوَّلَتِ الْأَعْنَاقُ»؛ همه گردن‌ها را بالا کشیدند، ببینند این کیست که این کار را می‌کند و هادی امت است. «إِذْ خَرَجَ عَلَيْنَا عَلِيٌّ ﷺ مِنْ بَعْضِ الْحُجَرِ وَبِيَدِهِ نَعْلٌ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»؛ تا اینکه امیرالمؤمنین علی ﷺ از بعضی از حجره‌ها بیرون آمدند و کفش پیامبر ﷺ به دست مبارکشان بود. معلوم شد امیرالمؤمنین ﷺ کفش پیامبر ﷺ را

۱. رعد، ۷. «تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است».

وصله می‌زند. کفش پیامبر ﷺ به وصله احتیاج داشت و پاره شده بود. این سعادت نصیب امیرالمؤمنین ﷺ شد که کفش پیامبر ﷺ را وصله بزند. حالا کفش پیامبر ﷺ وصله داشته باشد و کفشش پاره بشود، چیز عجیبی است. امروزه ما اینها را برای مردم بگوییم، تعجب می‌کنند، مگر می‌شود.

«ثُمَّ التفت إلینا فقال: ألا إِنَّهُ الْمُبَلِّغُ عَنِّي، وَالْإِمَامُ بَعْدِي»؛ بعد پیامبر ﷺ به ما توجه کرد (روی کرد) و فرمود: ای مردم آگاه باشید او تبلیغ‌کننده دین من است. او کسی است که نبوت من و رسالت من و دستورات شرع مقدس من را برای شما تبلیغ می‌کند و برایتان می‌آورد و بعد از من نیز، ایشان امام امت است. «وَزَوْجُ ابْنَتِي وَأَبُو سِبْطِي»؛ و او همسر دخترم و پدر فرزندان و دو سبط من امام حسن و امام حسین ﷺ است. بعد فرمود: «فَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الرَّجْسَ، وَطَهَّرَنَا مِنَ الدَّنَسِ»؛ مردم بدانید ما اهل بیت ﷺ کسانی هستیم که خداوند متعال از ما رجس، پلیدی و هر نوع آلودگی را طبق آیه شریفه تطهیر دور کرده است.^۱

مبارزه امام علی ﷺ بر تأویل قرآن

«يُقَاتِلُ بَعْدِي عَلَى التَّأْوِيلِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّنْزِيلِ»؛ امیرالمؤمنین ﷺ پس از من بر تأویل کتاب با دشمنان مقاتله می‌کند؛ یعنی امیرالمؤمنین ﷺ بر باطن کتاب، بر حقیقت کتاب، کسی که کتاب بر او نازل شده و حقیقت کتاب بر اوست،

۱. اشاره به آیه ۳۳ سوره احزاب.

امیرالمؤمنین علیه السلام بر او مقاتله می‌کند؛ همان‌طور که من بر اصل قرآن و تنزیل قرآن مقاتله کردم؛ یعنی بر اصل و ظاهر قرآن، اما امیرالمؤمنین علیه السلام بر باطن قرآن مقاتله می‌کند.

«وَهُوَ الْإِمَامُ أَبُو الْأَئِمَّةِ الزُّهْرِي»؛ «الزُّهْرِي» یا «الزُّهْرِي»، هر دو می‌شود گفت. او امامی است که پدر امامان درخشان است. یازده امامی که همه آنها درخشندگی دارند و جهان را پر از نور، حکمت، علم و فخر می‌کنند.

تعداد ائمه علیهم السلام برابر با تعداد نقبای بنی اسرائیل

«فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فِكَمِ الْأَئِمَّةِ بَعْدَكَ؟». شاهد عرض ما اینجا جدا می‌شود. به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض شد: ائمه بعد از شما چند نفر هستند؟ «قَالَ: اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نِقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ بلافاصله حضرت به آیه دوازدهم سوره شریفه مائده استشهاد می‌کند و می‌فرماید: دوازده نفر هستند، به اندازه نقبای بنی اسرائیل که خداوند می‌فرماید: «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا». اولاً: دوازده نفر هستند. ثانياً: همان‌طور که خداوند آنها را مبعوث کرد و رسالت و امامت را به آنها عنایت کرد، به وسیله نصب خداوند متعال، ائمه بعد از من هم به وسیله خداوند و انتصاب خداوند دوازده نفرند؛ یعنی دست بشر نیست. این مسئله الهی است و بشر نمی‌تواند دخالت کند. امامت یک امر الهی است. این‌طور نیست که تصمیم بگیریم این امام را نصب کنیم و فردا تصمیم بگیریم که امام دیگری را برگزینیم. اینها همه دست خداوند متعال است.

حضرت مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله

«وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ إِلَّا سَاخَتْ بِأَهْلِهَا»؛ سپس فرمود: و از میان ماست حضرت بقیه الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - که مهدی این امت هستند که بعد از اینکه زمین پر از ظلم، فساد و ستمگری شد، ایشان ظهور می کند، وقتی که امام زمان علیه السلام تشریف می آورند. همه جا را ظلم، ستم و فساد فرا گرفته است. همه جا غارت، قتل و کشتار است. ایشان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد خواهند کرد. بعد فرمود: «لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ إِلَّا سَاخَتْ بِأَهْلِهَا»؛ اگر این حجج الهی بر روی زمین نباشند، زمین اهلش را فرو می برد. «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۱.

اوصاف و ویژگی های امام

این حدیث شریف بیانگر این است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را می خواند، مردم را به این مسئله توجه داده که قرآن بخوانید. قرآن می فرماید: اولاً: نقبای بنی اسرائیل دوازده نفر هستند و آنها کسانی هستند که: «بَعَثْنَا»؛ ما آنها را فرستادیم. دست خداوند است و انتصاب الهی است؛ اصطفاست و باید آنها یک

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ طبری امامی، دلائل الامامة، ص ۴۳۶؛ ابوالصلاح حلبی، تقریب

المعارف، ص ۴۱۹؛ طوسی، الغیبة، ص ۱۳۹ (با اندکی تغییر در عبارات).

صفات خاصی را داشته باشند که اگر آن صفات را داشته باشند، امامند؛ وگرنه امامت برای آنها نیست؛ چون خداوند فرموده است: ﴿قَالَ لَا يَنْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾.^۱ این یک حدیث شریف است. احادیث بسیاری در این باره آمده است، منتها بعضی از احادیث که لازم است و مطالب مربوط به امام زمان علیه السلام را بهتر می‌توانیم از آنها استفاده کنیم، بیان می‌کنم.

ائمة معصوم علیهم السلام از ذریه اسماعیل علیه السلام

در کتاب شریف *منتخب الاثر*، از کتاب شریف *الطوائف* حدیثی نقل کرده‌اند.^۲ *الطوائف* هم از کتاب *تفسیر القرآن* نقل کرده‌اند؛ چون صاحب *الطوائف* می‌نویسد: «وَمِنْ كِتَابِ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ لِلْسُّدِّيِّ». سدی شخصی بود از مفسرین قرآن «وَهُوَ مِنْ قُدَمَاءِ الْمُفَسِّرِينَ عِنْدَهُمْ وَمِنْ ثِقَاتِهِمْ»؛ سدی از مفسرین اهل سنت و از قدمای

۱. بقره، ۱۲۴. «خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو

که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند).».

۲. ابن طاووس، *الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ج ۱، ص ۱۷۲؛ صافی گلپایگانی، *منتخب*

ال*اثر*، ج ۱، ص ۸۰ - ۸۱ ح ۱۱۴. «وَمِنْ كِتَابِ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ لِلْسُّدِّيِّ، وَهُوَ مِنْ قُدَمَاءِ الْمُفَسِّرِينَ عِنْدَهُمْ

وَمِنْ ثِقَاتِهِمْ، قَالَ: لَمَّا كَرِهَتْ سَارَةُ مَكَانَ هَاجِرَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ الْحَلِيلِ علیه السلام، فَقَالَ: انْطَلِقْ

بِإِسْمَاعِيلَ وَأُمِّهِ حَتَّى تُنْزِلَهُ بَيْتِي التَّهَامِي؛ يَعْنِي مَكَّةَ، فَإِنِّي نَاشِرُ ذُرِّيَّتِهِ وَجَاعِلُهُمْ ثِقْلًا عَلَى مَنْ كَفَرَ بِي،

وَجَاعِلٌ مِنْهُمْ نَبِيًّا عَظِيمًا، وَمُظْهِرُهُ عَلَى الْأَدْيَانِ، وَجَاعِلٌ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ اثْنِي عَشَرَ عَظِيمًا، وَجَاعِلٌ ذُرِّيَّتَهُ

عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ».

مفسرین است که در میان اهل سنت مرتبه بسیار والایی دارد. درباره بحث ائمه دوازده گانه این روایت را ما از ایشان نقل می کنیم.

«وَمِنْ كِتَابِ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ لِلسُّدِّيِّ، وَهُوَ مِنْ قُدَمَاءِ الْمُفَسِّرِينَ عِنْدَهُمْ وَمِنْ ثِقَاتِهِمْ، قَالَ:

لَمَّا كَرِهَتْ سَارَةُ مَكَانَ هَاجَرَ». حضرت ابراهیم علیه السلام دو همسر داشتند؛ یکی به نام ساره و دیگری به نام هاجر. از ساره فرزندی نداشت، اما خداوند از همسر دومش هاجر به ایشان اسماعیل را عنایت فرمود. در میان خانم ها یک مسئله ای پیش می آید. ساره وقتی دید که فرزندی ندارد و از آن طرف نیز هاجر بچه دار شد برایش کمی سخت آمد؛ از این رو از ابراهیم علیه السلام درخواست کرد همسر و فرزندش را به جایی دیگر ببرد تا ایشان راحت باشد؛ لذا دارد: «قَالَ: لَمَّا كَرِهَتْ سَارَةُ مَكَانَ هَاجَرَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ علیه السلام فَقَالَ: انْطَلِقْ بِإِسْمَاعِيلَ وَأُمِّهِ حَتَّى تُنْزِلَهُ بَيْتِي التَّهَامِي؛ يَعْنِي مَكَّةَ»؛ ساره برایش سخت شد وقتی مقام هاجر را پیش ابراهیم علیه السلام دید که از هاجر فرزندی به نام اسماعیل پیدا کرد. خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام خلیل وحی فرمود: با اسماعیل و مادرش از اینجا بیرون برو تا اینکه در خانه من که سرزمینی به نام تهامی (مکه) است، آنجا سکونت پیدا کنی.

یکی از اسامی حجاز، اسم تهامی و تهامه است. بعضی از آقایان هم فامیلی شان تهامی است. تهامی، ابطحی، بطحایی. اینها از اسامی حجاز است. به مکه تهامی می گفتند؛ از این رو خانه خدا هم در تهامه بود.

حضرت فرمود که خداوند وحی کرد که فرزند خودت را به تهامی ببر. «فَإِنِّي نَاشِرٌ ذُرِّيَّتَهُ»؛ من ذریه اسماعیل را نشر می‌دهم و فرزندان او را زیاد می‌کنم. «وَجَاعِلُهُمْ ثِقَلًا عَلَى مَنْ كَفَرَ بِي»؛ به فرزندان او آن قدر مقام می‌دهم که کسانی که از او با من دشمنی می‌کنند و نسبت به من کفر می‌ورزند، مقام فرزندان او برایشان سنگین باشد؛ یعنی نتوانند امامت فرزندان حضرت اسماعیل را تحمل بکنند. «وَجَاعِلٌ مِنْهُمْ نَبِيًّا عَظِيمًا»؛ از اسماعیل ع نبی ای را به وجود می‌آورد که آن نبی، وجود مبارک حضرت رسول اکرم، محمد بن عبدالله ص است. «وَمُظْهِرُهُ عَلَى الْأَدْيَانِ»؛ دینش را بر تمام ادیان ظاهر می‌کند و بر همه ادیان برتری پیدا می‌کند. «وَجَاعِلٌ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ اثْنِي عَشَرَ عَظِيمًا»؛ و از ذریه این نبی، دوازده نفر انسان بزرگ قرار می‌دهم. «وَجَاعِلٌ ذُرِّيَّتَهُ عِدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ»؛ و ذریه او را به اندازه ستارگان آسمان - دوازده ستاره‌ای که قرآن ذکر کرده - قرار می‌دهم. این روایت در *کفایة الاثر تا* اینجاست.

اسامی دوازده امام ع در تورات

بعد *منتخب الاثر* نقل می‌کند که: «وَنَقَلَهُ فِي كَشْفِ الْأَسْتَارِ»؛ در کتاب *کشف الأستار* نیز این روایت را دوباره ذکر کرده است؛ «وَذَكَرَ أَنَّ جَمَاعَةً نَقَلَتْهُ عَنِ السُّدِّيِّ، وَقَالَ: قَرِيبٌ مِنْهُ مَا فِي التَّوْرَةِ»؛ مهم اینجاست که می‌فرماید: عین روایتی که از پیامبر ص نقل شده که می‌فرماید: خداوند متعال می‌فرماید دوازده وصی برای این پیامبر آخرالزمان قرار دادم، در تورات هم این طور بیان فرموده است: «وَقَالَ: قَرِيبٌ

مِنْهُ مَا فِي التَّوْرَةِ فِي السَّفَرِ الْأَوَّلِ». تورات امروزی را اگر مطالعه بفرمایید عین همین حدیث در تورات وجود دارد. «فِي السَّفَرِ الْأَوَّلِ بَعْدَ انْقِضَاءِ قِصَّةِ سَارَةَ»؛ بعد از اینکه قصه ساره را در تورات بیان می‌فرماید، همین را آنجا بیان می‌کند. «وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ إِبْرَاهِيمَ ۖ فِي أَمْرِهَا وَوَلَدِهَا»؛ آنچه که بین خدا و بین ابراهیم در امر ساره و هاجر پیش آمد. همه آنها در تورات ذکر شده است. «مِنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَقَدْ أَجَبْتُ دُعَاكَ فِي إِسْمَاعِيلَ وَقَدْ سَمِعْتُكَ فِيمَا بَارَكْتَهُ وَسَأَكْثُرُهُ جِدًّا، وَسَيُولَدُ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَظِيمًا أَجْعَلُهُمْ أَيْمَةً كَشَعْبِ عَظِيمٍ»؛ خداوند به حضرت ابراهیم ۷ فرمود، دعای تو را درباره حضرت اسماعیل ۷ اجابت کردم، و من دعای تو را شنیدم، در مورد آنچه از خداوند خواستی که او را مبارک قرار بدهد؛ و من آن قدر به حضرت اسماعیل ۷ برکت می‌دهم. «وَسَيُولَدُ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَظِيمًا أَجْعَلُهُمْ أَيْمَةً كَشَعْبِ عَظِيمٍ»؛ سپس می‌فرمایند در تورات، دوازده نفر انسان عظیم را از همین اسماعیل به وجود می‌آورم که هر کدام از آنها مانند یک امت بزرگ هستند. امیرالمؤمنین ۷ خودش یک امت، امام حسن ۷ یک امت است تا برسد به وجود نازنین امام زمان ۷.

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۸۱ «وَنَقَلَهُ فِي كَشْفِ الْأَسْتَارِ، وَذَكَرَ أَنَّ جَمَاعَةً نَقَلَتْهُ عَنِ السُّدِّيِّ وَقَالَ: قَرِيبٌ مِنْهُ مَا فِي التَّوْرَةِ فِي السَّفَرِ الْأَوَّلِ بَعْدَ انْقِضَاءِ قِصَّةِ سَارَةَ، وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ بِهِ إِبْرَاهِيمَ ۖ فِي أَمْرِهَا وَوَلَدِهَا مِنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَقَدْ أَجَبْتُ دُعَاكَ فِي إِسْمَاعِيلَ؛ وَقَدْ سَمِعْتُكَ فِيمَا بَارَكْتَهُ وَسَأَكْثُرُهُ جِدًّا، وَسَيُولَدُ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَظِيمًا أَجْعَلُهُمْ أَيْمَةً كَشَعْبِ عَظِيمٍ».

این روایت بسیار زیبایی است. مفسری که این روایت را نقل کرده، خودش از اهل سنت است. می‌فرماید که خداوند وحی فرمود دوازده نقیب و دوازده امام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد آمد و حضرت ابراهیم علیه السلام آمدن ائمه معصومین علیهم السلام را به حضرت اسماعیل علیه السلام بشارت داد. در تورات هم عیناً این را آورده‌اند. توراتی که الآن در دست ما هست و به زبان عبری ترجمه شده؛ هم عهد قدیم و هم عهد جدید در اختیار یهودیان و مسیحیان است و در ترجمه عربی و فارسی آنها این مطلب موجود است. توراتی که به عربی ترجمه شده و در سال هزار و هشتصد و یازده میلادی به چاپ رسیده، در سفر اول که همان سفر آفرینش است، فصل هفدهم این مطلب آمده است. همچنین توراتی که از نسخه اصلی عبری‌اش توسط ویلیام گلن با همکاری شخصی به نام فاضل‌خان همدانی به زبان فارسی در سال هزار و هشتصد و چهل و پنج میلادی ترجمه شده که مطابق است با سال هزار و دویست و شصت و یک هجری قمری، و چاپ شده، صفحه بیست و ششم، سطر هفده، آیه سی‌ام، باز هم این مطلب را نقل کرده است.

اعتراف عالم مسیحی به وجود دوازده امام علیهم السلام

از همه مهم‌تر کتابی به نام *انیس الاعلام* است که کشیش بزرگی از مسیحیان آن را نوشته است. این کتاب در هشت جلد است. ایشان شخصی بود که به کشور ایران آمده بود تا مسلمانان را به دین مسیحیت دعوت کند، ولی کم‌کم علمای بزرگوار دین ما بر او اثر گذاشتند و ایشان از مسیحیت برگشت و کتابی به

نام *انيس الاعلام* نوشته است. نام ایشان بعد از اینکه اسلام آورد، محمد صادق فخرالاسلام است. در آنجا باز این مطالب را مفصل بیان کرده که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: ائمة معصومینی که بعد از ایشان می آیند تعدادشان دوازده نفر، به اندازه نقبای بنی اسرائیل است.

پس روشن شد هم اهل سنت و هم اشخاصی که غیرمسلمان هستند به این مسئله اعتراف دارند. البته - ان شاء الله - در آینده از کتب خود اهل سنت و از کتاب‌های دیگری که علمای غیرمسلمان دارند، مطالبی را عرض خواهم کرد که مسئله مهدویت یک مسئله جدیدی نیست که گمان می‌کنیم حالا درست شده باشد، بلکه مسئله‌ای است که قبل از اسلام، از زمان همه انبیای سلف آمدن حضرت مهدی علیه السلام را به امتشان بشارت می‌دادند و در طول سال‌ها و قرون متمادی، منتظر بودند و امیدوار بودند که بالاخره این جهان این‌گونه باقی نمی‌ماند و مردم با امید زنده هستند؛ با امید به اینکه بالاخره مصلح جهانی خواهد آمد و آنها را از این همه ناراحتی‌ها، گرفتاری‌ها و مشکلاتی که برای بشر پیش آمده، نجات خواهد داد.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

آیه سی و ششم سوره توبه است. خداوند متعال در این آیه می فرماید: تعداد ماهها پیش خداوند دوازده ماه است. ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ

۱. توبه، ۳۶. «تعداد ماهها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ این، آیین ثابت و پابرجای الهی است. بنابراین، در این ماهها به خود ستم نکنید و با مشرکان، به صورت دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است.»

اللّٰهُ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؛ در کتاب خداوند تعداد ماه‌ها دوازده ماه است، روزی که خداوند آسمان و زمین را خلق کرد، این دوازده ماه را قرار داد. ﴿مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ﴾؛ چهار تا از این ماه‌های دوازده‌گانه، ماه‌های حرام هستند که احترام خاصی دارند. ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾؛ دین خدا این است. دین محکم و استوار الهی همین است که خداوند متعال دوازده ماه قرار داده است.

حکمت عدد دوازده

مطالب بسیار زیاد است که چرا خداوند متعال عدد دوازده را انتخاب کرده و چگونه پیامبر اکرم ﷺ در زمان‌های مختلف به عدد دوازده که در قرآن آمده، برای تعداد اوصیای خودشان استشهاد می‌فرمایند.

از ظاهر آیه استفاده می‌شود که خداوند دوازده ماه قرار داده است. هر سالی دوازده ماه است و چهار ماه آن نیز حرام است که عبارتند از: ماه رجب، ذی القعدة الحرام، ذی الحجة الحرام و محرم الحرام که این چهار ماه از نظر خداوند متعال و شریعت مقدس ما، حتی در شرایع سابق، احترام بسیار زیادی دارد. این ظاهر آیه است.

سپس می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾؛ دین قیم همین است. سؤال اینجاست، آیا دینی که خداوند می‌فرماید، دین قیم است؛ یعنی این دوازده ماه دین قیم است؟ این دوازده ماه که از ماه محرم تا ذی الحجة الحرام طول می‌کشد؛ این دین خداست که قوام دارد و استوار است. چه حسابی است که می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾. اینجا است که باید بیشتر تدبر بکنیم. ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾؛^۱ اینجا جای تدبر در قرآن کریم است. اینجا جای تفکر در قرآن کریم است. ماه‌ها که این‌طور نیست که بگوییم دین خداوند متعال، همین دوازده ماه معمولی است؛ محرم، صفر، رجب، شعبان و ... است. پس معلوم است که ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾، مسئله بالاتر است از دوازده ماهی است که داریم مشاهده می‌کنیم. اینجا باید به تفاسیر - چه تفاسیر اهل سنت و چه تفاسیر شیعه - مراجعه کنیم که ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾، به چه معناست. آیا این دوازده ماه تأویلی دارد یا فقط همین ظاهر شریف قرآن است؟

روایات در مورد پیشوایان دوازده‌گانه

در این باره روایات زیادی هست. در همین کتاب شریف *منتخب الاثر*، روایات بسیار زیادی است. در کتاب‌های دیگری که قبل از این کتاب نوشته شده، از جمله کتاب شریف *غیبت نعمانی* که در قرن چهارم هجری نوشته شده، از شیخ اجل، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی رضی الله عنه است. ایشان در حدود سال سیصد تا چهارصد زندگی می‌کردند و در قرن چهارم این کتاب را نوشتند. کتاب *غیبت نعمانی* باب‌های زیادی دارد، درباره تعداد پیشوایان دوازده‌گانه که ائمه معصومین علیهم‌السلام دوازده نفر هستند و آیات و روایاتی که در این

۱. نساء، ۸۲؛ محمد، ۲۴. «آیا آنها در قرآن تدبر نمی‌کنند».

باره آمده و استشهاداتی که ائمه معصومین علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عدد دوازده داشتند، در آنجا ذکر شده است. روایات زیادی در این مورد آمده است. یک یا دو روایتش را بیان می‌کنیم و از کتب اهل سنت نیز آدرس خواهیم داد اگر از آنها هم در این باره روایتی هست، بیان می‌کنیم.

حتمی بودن قیام امام زمان علیه السلام

نعمانی در کتاب الغیبه، بعد از اینکه اسناد را ذکر می‌کند، به ابو حمزه ثمالی می‌رسند. خوب همه ایشان را می‌شناسید. دعای ابو حمزه را در این شب‌های ماه مبارک رمضان می‌خوانید.

«عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ؛^۱

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۸۶ - ۸۷ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۴۴ - ۱۴۶، ح ۵۵۱.
«عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ، فَلَمَّا تَفَرَّقَ مَنْ كَانَ عِنْدَهُ قَالَ لِي: يَا أَبَا حَمْزَةَ مِنَ الْمُحْتَمِمْ الَّذِي لَا تَبْدِيلَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ قِيَامُ قَائِمِنَا، فَمَنْ شَكَ فِيمَا أَقُولُ لِقِي اللَّهِ وَهُوَ بِهِ كَافِرٌ، وَلَهُ جَاحِدٌ، ثُمَّ قَالَ: بِأَبِي وَأُمِّي الْمُسَمَّى بِاسْمِي، وَالْمَكْنَى بِكُنْيَتِي، السَّابِعُ مِنْ بَعْدِي، بِأَبِي مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا حَمْزَةَ مَنْ أَدْرَكَهُ فَلَمْ يُسَلِّمْ لَهُ فَمَا سَلَّمَ لِحَمْدِ اللَّهِ عليه السلام وَعَلِيِّ عليه السلام، وَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ، وَمَأْوَاهُ النَّارُ، وَيُثَسُّ مَثْوَى الظَّالِمِينَ.

وَأَوْضَحَ مِنْ هَذَا - بِحَمْدِ اللَّهِ - وَأَنْوَرُ وَأَبْيَنُ وَأَزْهَرُ لِمَنْ هَدَاهُ اللَّهُ وَأَحْسَنَ إِلَيْهِ قَوْلُ اللَّهِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾، وَمَعْرِفَةُ الشُّهُورِ الْمُحَرَّمِ وَصَفَرٍ وَرَبِيعٍ وَمَا ←



ابو حمزه ثمالی می گوید: روزی خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم. «فَلَمَّا تَفَرَّقَ مَنْ كَانَ عِنْدَهُ»؛ بعد از اینکه مردمی که نزد ایشان بودند، متفرق شدند و خلوت شد، من خدمت امام باقر علیه السلام بودم. «قَالَ لِي: يَا أَبَا هَمْزَةَ»؛ حضرت به من فرمود: ای اباحمزه! «مِنَ الْمُحْتَمِمْ الَّذِي لَا تَبْدِيلَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ قِيَامٌ قَائِمًا»؛ از چیزهایی که پیش خداوند متعال حتمی است و حتماً انجام خواهد شد، قیام حضرت حجت علیه السلام است. در آن زمان امام باقر علیه السلام به ابی حمزه ثمالی می فرماید: قیام قائم ما از وقایعی است که حتماً اتفاق می افتد. «لَا تَبْدِيلَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ»؛ هرگز قابل تبدیل نیست. ممکن است در بعضی چیزها بدا و تبدیل حاصل شود، اما در قیام امام زمان علیه السلام هرگز بدا حاصل نخواهد شد. حتماً انجام می شود: «لَا تَبْدِيلَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ»؛ هرگز در این قیام تبدیلی نیست و انجام خواهد شد. «فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَهُوَ بِهِ كَافِرٌ وَلَهُ جَاحِدٌ»؛ هرکس در آنچه می گویم که قیام حضرت مهدی علیه السلام حتمی است، شک بکند، کافر است. او بر این امام علیه السلام کافر شده و منکر امام علیه السلام شده است.

→ بَعْدَهُ، وَالْحُرْمُ مِنْهَا، هِيَ: رَجَبٌ، وَذُو الْقَعْدَةِ، وَذُو الْحِجَّةِ، وَالْمَحْرَمُ، لَا تَكُونُ دِينًا قِيَمًا؛ لِأَنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَسَائِرَ الْمِلَلِ وَالنَّاسَ جَمِيعًا مِنَ الْمُؤَافِقِينَ وَالْمُخَالِفِينَ يَعْرِفُونَ هَذِهِ الشُّهُورَ، وَيَعُدُّونَهَا بِأَسْمَائِهَا، وَإِنَّمَا هُمْ الْأَيْمَةُ عليهم السلام الْقَوَامُونَ بِدِينِ اللَّهِ، وَالْحُرْمُ مِنْهَا: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الَّذِي اشْتَقَّ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْعَلِيِّ، كَمَا اشْتَقَّ لِرَسُولِهِ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْمُحْمُودِ، وَثَلَاثَةٌ مِنْ وُلْدِهِ، أَسْمَاؤُهُمْ عَلِيٌّ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، فَصَارَ لِهَذَا الْإِسْمِ الْمُسْتَقَّ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى حُرْمَةٌ بِهِ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْمُكْرَمِينَ الْمُتَحَرِّمِينَ بِهِ».

«ثُمَّ قَالَ: بِأَبِي وَأُمِّي الْمُسَمَّى بِاسْمِي وَالْمُكَنَّى بِكُنْيَتِي»؛ بعد امام فرمودند: جان خودم، پدر و مادرم فدای این امامی که همنام من است؛ یعنی امام باقر علیه السلام فرمودند. اسم امام محمد باقر علیه السلام، محمد بود و اسم حضرت حجت علیه السلام نیز همنام امام محمد باقر علیه السلام است. می فرماید: «بِأَبِي وَأُمِّي» جان پدر و مادرم فدای آن کسی که همنام خودم است. «السَّابِعُ مِنْ بَعْدِي»؛ هفتمین از فرزندان من است. «بِأَبِي مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ فدای آن کسی بشوم، امام باقر علیه السلام می فرماید، که بعد از اینکه زمین پر از ظلم و ستم شده، ایشان می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند.

«ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا حَمْزَةَ مَنْ أَدْرَكَهُ فَلَمْ يُسَلِّمْ لَهُ فَمَا سَلَّمَ لِحَمْدِ اللَّهِ وَعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام»؛ سپس فرمود: هرکس امام زمان علیه السلام را درک کند، ولی ایشان را قبول نکند، به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان نیاورده است؛ یعنی ایمان به امام زمان علیه السلام، ایمان به پیامبر آخرالزمان است. ایمان به حضرت مهدی علیه السلام، ایمان به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. هرکس امام زمان علیه السلام را قبول دارد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول دارد. «وَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ»؛ هرکس ایشان را قبول نکند، خداوند بهشت را بر او حرام می کند؛ این مسئله معلوم و حتمی است و برو و برگرد ندارد. «وَمَا أَوَاهُ النَّارُ»؛ و جایگاهش آتش دوزخ است. «وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ»؛ و چه بد است جایگاه ظالمین؛ بد جایگاهی دارند. جایگاه کسی که منکر امامت حضرت مهدی علیه السلام شود، جهنم است.

منظور از ماه‌های دوازده‌گانه در قرآن

سپس می‌فرماید: «وَأَوْضَحُ مِنْ هَذَا - بِحَمْدِ اللَّهِ - وَأَنْوَرُ وَأَبِينُ وَأَزْهَرُ لِمَنْ هَدَاهُ اللَّهُ وَأَحْسَنَ إِلَيْهِ قَوْلُ اللَّهِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ»؛ برای کسی که خداوند او را هدایت کرده و نسبت به او نیکی داشته از این واضح‌تر، از این تابناک‌تر و از این روشن‌تر و درخشان‌تر، همانا گفتار خداوند متعال است که در این آیه شریفه بیان شده است. بالاتر، روشن‌تر و بهتر از آن، چیزی است که خداوند متعال در سوره توبه بیان می‌فرماید: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾^۱. حضرت بیان می‌کند که معرفت و شهور همین‌هاست؛ ماه محرم، صفر و ... است. اینها معرفت ظاهری شما است که خداوند می‌فرماید: «وَمَعْرِفَةُ الشُّهُورِ الْمُحَرَّمِ وَصَفَرٍ وَرَبِيعٍ وَمَا بَعْدَهُ»، تا دوازده ماه. «وَالْحُرْمُ مِنْهَا، هِيَ: رَجَبٌ، وَذُو الْقَعْدَةِ، وَذُو الْحِجَّةِ، وَالْمُحَرَّمُ»، این چهار ماه نیز، روشن است که ماه حرام است. بعد می‌فرماید: «لَا تَكُونُ دِينًا قَيِّمًا»؛ به خاطر این چهار ماه و به خاطر این دوازده ماه دین قییم

۱. توبه، ۳۶. «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ این، آیین ثابت و پایرجای الهی است. بنابراین، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید و با مشرکان، به صورت دسته‌جمعی پیکار کنید، همان‌گونه که آنها به صورت دسته‌جمعی با شما پیکار می‌کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزکاران است.»

نیست. همان گفتاری که اول بحث عرض شد؛ یعنی اگر شما اسم دوازده ماه را ندانید، دیگر دین قیم نیست و قوام ندارد؟ آیا قوام دین فقط به خاطر این دوازده ماه است؟

سپس حضرت می‌فرماید: یهود و نصاری هم این دوازده ماه را می‌شناسند. آنها هم می‌دانند. الآن هم یهودی‌ها این دوازده ماه را می‌شناسند، هم نصاری، هم سایر ملت‌ها و همه مردم از موافق و مخالف می‌دانند که سال چند ماه است. «لِأَنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَسَائِرَ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسَ جَمِيعاً مِنَ الْمُوَافِقِينَ وَالْمُخَالَفِينَ يَعْرِفُونَ هَذِهِ الشُّهُورَ». همه این دوازده ماه را می‌دانند. شاید هم منجمانی داشته باشند که از ما بهتر پیش‌بینی کنند. می‌دانند چه خبر است. الآن بعضی از منجم‌ها هستند تا ده‌ها سال آینده را از نظر ریاضی و علم نجوم که بلد هستند، پیش‌بینی می‌کنند. اینها روشن است.

«وَيَعُدُّونَهَا بِأَسْمَائِهَا»؛ آنها اسامی این دوازده ماه را می‌دانند. ممکن است برای ماه محرم یا صفر نام دیگری داشته باشند؛ ولی دوازده ماه را همه قبول دارند. تمام ملت‌ها دوازده ماه را قبول دارند. همه می‌دانند؛ یهودی، کمونیست، بی‌دین، دیندار، همه می‌دانند سال دوازده ماه است. پس این مطلب مهمی نیست که قرآن این‌طور بیان می‌فرماید: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ»؛ سپس بفرماید: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ». چرا می‌گوید دین قیم است؟ «وَأَيُّهَا هُمُ الْأَيُّمَةُ»؛ این دوازده تا چه کسانی هستند؟ دوازده امام معصومی که پیشوای مردم و

جانشین پیامبر اکرم ﷺ هستند. حقیقت دوازده که قرآن می فرماید این دوازده نور پاک هستند که می فرماید: ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾. امام باقر ﷺ می فرماید: ای ابو حمزه این دوازده نفر امامان ما هستند. «الْقَوَّامُونَ بِدِينِ اللَّهِ»؛ این دوازده نفر هستند که دین خدا را نگه داشتند، و قرآن نیز دوازده نفر می فرماید.

منظور از ماه‌های حرام در قرآن

برخی سؤال می کنند، چرا چهار تا از این ماه‌ها حرام است و بقیه حرام نیستند؟ حضرت توضیح می دهد، آن ماه‌هایی که احترام خاصی دارد، اسامی مبارکش را هم بیان می فرماید: «وَالْحُرْمُ مِنْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ﷺ الَّذِي اشْتَقَّ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْعَلِيِّ»؛ یکی از آنها امیرالمؤمنین ﷺ است که اسم مبارکشان علی است و خداوند متعال اسم امیرالمؤمنین را از اسم خودشان مشتق کردند. خداوند متعال نام مبارک امیرالمؤمنین ﷺ را گذاشت.

إِنَّ اسْمَهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ عَلِيٌّ اشْتَقَّ مِنَ الْعَلِيِّ

وقتی پدر بزرگوارش آمد و کنار خانه خدا قرار گرفت، گفت:

يَا رَبِّ رَبِّ الْغَسَقِ الدُّجِيِّ وَالْقَمَرِ الْمُنْبَلِجِ الْمُضِيِّ
بَيْنَ لَنَا مِنْ حُكْمِكَ الْمُقْضِيِّ مَاذَا تَرَى لِي فِي اسْمِ ذَا الصَّبِيِّ

بعد از طرف خداوند متعال به او الهام شد:

وَالطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُرْضِيِّ
عَلِيٍّ اشْتَقُّ مِنَ الْعَلِيِّ^۱

خُصَّصْتُهَا بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ
إِنَّ اسْمَهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ

«وَالْحُرْمُ مِنْهَا: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي اشْتَقَّ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْعَلِيِّ، كَمَا اشْتَقَّ لِرَسُولِهِ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْمُحْمُودِ»؛ که خداوند متعال اسم او را از اسم خودش قرار داد، همان‌طور که اسم پیامبر ﷺ را خداوند انتخاب کرد. محمد ﷺ را از اسم خودش قرار داد که محمود بود. محمود اسم خدا بود، سپس اسم محمد را برای پیامبر عزیزش قرار داد. این یکی از آن «اربعه حُرْم» است.

«وَتَلَاثَةٌ مِنْ وُلْدِهِ، أَسْمَاؤُهُمْ عَلِيٌّ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ»؛ اسامی سه نفر دیگر از این ائمه معصومین ﷺ به نام مبارک علی است. علی بن الحسین، امام زین العابدین ﷺ و علی بن موسی، امام رضا ﷺ و علی بن محمد، امام هادی ﷺ. «فَصَارَ لِهَذَا الْإِسْمِ الْمُشْتَقِّ مِنْ اسْمِ اللَّهِ تَعَالَى حُرْمَةٌ بِهِ»؛ به خاطر اینکه این چهار اسم از نام مبارک خداوند متعال گرفته شد، احترام خاصی دارند.

سپس حضرت می‌فرماید: «وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْمَكْرَمِينَ الْمُتَحَرِّمِينَ بِهِ»؛ درود خدا بر محمد و خاندان بزرگوارش، آن اشخاص و بزرگوارانی که به خاطر اسم خدا محترم شدند.

این روایت را ابو حمزه ثمالی از امام باقر ﷺ نقل می‌کند که می‌فرماید: خدمت

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۴ - ۱۷۵؛ شاذان قمی، الفضائل، ص ۵۶ - ۵۷؛

مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸ - ۱۹، ۱۰۲ - ۱۰۳ (با کمی تغییر در عبارت).

حضرت رسیدم، فقط من و حضرت بودیم، کس دیگری پیش ما نبود و حضرت این مطالب مهم را برای من بیان فرمودند که اگر خداوند متعال می‌فرماید: **﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾**؛ منظور ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند و حضرت به ترتیب اسامی آنها را بیان می‌کند. روشن است. پس معلوم می‌شود که خداوند متعال این اسامی را برای آنها انتخاب کرده است. آنها کسانی هستند که قرآن می‌فرماید: **﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾**؛ قوام دین خداوند متعال به وسیله ایشان است، و گرنه خداوند برای چه این طور بیان کند.

بعد می‌فرماید: **﴿فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾** مواظب باشید درباره اینها ظلم و ستم نکنید. اگر منظورش ماه‌های دوازده‌گانه باشد، مشخص است که همه این ماه‌ها را قبول دارند. یهودی‌ها، مسیحی‌ها، همه ملل این دوازده ماه را قبول دارند. چرا می‌فرماید: **﴿فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾**؛ پس معلوم می‌شود مطلب بالاتر از اینهاست. اینها آن قدر مقامشان بالاست و مقام بزرگی دارند که خداوند می‌فرماید مواظب باشید به اینها ظلم نکنید. پس معلوم می‌شود عدد دوازده که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام به این آیات شریفه استشهاد می‌کنند، حساب خاصی دارد. حسابش از دیگر چیزها جداست.

امامان دوازده‌گانه در کلام امام صادق علیه‌السلام

در کتاب شریف غیبت نعمانی روایتی از داوود رقی نقل شده است. روایت هجدهم از باب چهارم کتاب شریف غیبت نعمانی است. **«قَالَ: عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام بِالْمَدِينَةِ. فَقَالَ لِي: مَا الَّذِي أَبْطَأَ**

بِكَ يَا دَاوُدُ عَنَّا؟»^۱ داوود رقی می گوید: در مدینه خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، ایشان به من فرمودند یا داوود! چرا پیش ما نمی آیی؟ مدتی است که ما را رها کرده ای؟ آیا مسئله ای پیش آمده؟ ما هم دوست داریم پیش ما بیایی و تو را ببینیم. فرمود: «مَا الَّذِي أَبْطَأَ بِكَ يَا دَاوُدُ عَنَّا؟»؛ چه چیز باعث شده که از ما جدا شوید و پیش ما نمی آیی؟ «فَقُلْتُ: حَاجَةٌ عَرَضَتْ بِالْكُوفَةِ»؛ گفتم: من حاجتی در کوفه داشتم، از این جهت مدتی نتوانستم خدمت شما شرفیاب شوم. سپس حضرت از او سؤال می کند در کوفه چه خبر بود؟ ایشان هم اخبار کوفه را خدمت حضرت توضیح می دهد. بعد امام علیه السلام می فرماید: مثل اینکه این گروه هایی

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۸۷ - ۸۸. «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِّيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ، فَقَالَ لِي: مَا الَّذِي أَبْطَأَ بِكَ يَا دَاوُدُ عَنَّا؟ فَقُلْتُ: حَاجَةٌ عَرَضَتْ بِالْكُوفَةِ... فَقَالَ لِي: يَا دَاوُدُ لَقَدْ ذَهَبَتْ بِكَ الْمَذَاهِبُ؛ ثُمَّ تَادَى يَا سَاعَةَ بِنِ مِهْرَانَ ابْنِي بِسَلَةِ الرُّطْبِ، فَأَتَاهُ بِسَلَةٍ فِيهَا رُطْبٌ، فَتَنَاوَلَ مِنْهَا رُطْبَةً فَأَكَلَهَا، وَاسْتَخْرَجَ النَّوَاةَ مِنْ فِيهِ، فَغَرَسَهَا فِي الْأَرْضِ فَفَلَقَتْ وَأَنْبَتَتْ وَأَطْلَعَتْ وَأَغْدَقَتْ فَضْرَبَ بِيَدِهِ إِلَى بُسْرَةٍ مِنْ عَذْقٍ فَشَقَّهَا وَاسْتَخْرَجَ مِنْهَا رَقًا أَبْيَضَ فَفَضَّهْهُ وَدَفَعَهُ إِلَيَّ وَقَالَ اقْرَأْهُ فَقَرَأْتُهُ وَإِذَا فِيهِ سَطْرَانِ: السَّطْرُ الْأَوَّلُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؛ وَالثَّانِي: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، الْخَلْفُ الْحُجَّةُ؛ ثُمَّ قَالَ: يَا دَاوُدُ أَتَدْرِي مَتَى كُتِبَ هَذَا فِي هَذَا؟ قُلْتُ: اللَّهُ أَعْلَمُ وَرَسُولُهُ وَأَنْتُمْ. فَقَالَ: قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِالْفِي عَامٍ.»

که پیدا شدند، دسته‌ها و فرقه‌های مختلفی که پیدا شدند، بر تو اثر گذاشته است. «فَقَالَ لِي: يَا دَاوُدُ لَقَدْ ذَهَبَتْ بِكَ الْمَذَاهِبُ»؛ هرکسی ادعایی می‌کند؛ یکی می‌گوید من امام هستم، یکی می‌گوید من مهدی هستم، یکی می‌گوید من منتقم خون امام حسین علیه السلام هستم، هرکسی در کوفه برای خودش علمی را بلند کرده بود. «فَقَالَ لِي: يَا دَاوُدُ لَقَدْ ذَهَبَتْ بِكَ الْمَذَاهِبُ»؛ فرمود: ای داوود! مثل اینکه مذهب‌ها و فرقه‌های مختلف بر تو اثر گذاشته است.

«ثُمَّ نَادَى يَا سَمَاعَةَ بْنَ مِهْرَانَ»؛ امام صادق علیه السلام سماعه که یکی از اصحاب خاصش بود و آن موقع خدمت امام صادق علیه السلام بودند، را صدا زدند، داوود می‌گوید: من و سماعه آنجا بودیم. امام فرمودند: «إِيتِنِي بِسَلَّةِ الرُّطْبِ»؛ برای من یک سبد رطب بیاور. سبد خرمایی را برای من بیاور. «فَأَتَاهُ بِسَلَّةٍ فِيهَا رُطْبٌ»؛ سماعه فوراً رفت و برای حضرت سبیدی از خرما آورد. «فَتَنَاوَلَ مِنْهَا رُطْبَةً فَأَكَلَهَا»؛ حضرت از آن خرما خوردند. «وَأَسْتَخْرَجَ النَّوَاةَ مِنْ فِيهِ»؛ بعد از اینکه خرما را خوردند، هسته خرما را از دهان مبارکشان بیرون آوردند. «فَغَرَسَهَا فِي الْأَرْضِ»؛ همین هسته خرما را بر روی زمین کاشتند. جلوی همین آقای که این امر برایش مشتبه شده بود، جلوی داوود رقی، هسته را داخل زمین گذاشتند. «فَفَلَقَتْ وَأَنْبَتَتْ وَأَطْلَعَتْ وَأَغْدَقَتْ»؛ ناگهان دیدند این هسته شکافته و به درخت خرما تبدیل شد. این درخت خرما بالا آمد و بالا آمد، بعد شکوفه داد، بعد رطب خرما آماده شد و حضرت خرمایی که تازه کاشته بودند را برداشتند.



«فَضْرَبَ بِيَدِهِ إِلَى بُسْرَةٍ مِنْ عَذْقٍ فَشَقَّهَا»؛ و با دست مبارک به خرماى تازه‌ای زدند؛ به حساب نارس بود. بعد آن خرما را نصف کردند. «وَاسْتَخْرَجَ مِنْهَا رَقًّا أَبْيَضَ»؛ حضرت از میان این خرمایی که تازه از زمین روییده بود و درختش تازه بود ورقه و برگ سفیدی را بیرون آوردند. «فَقَضَّاهُ وَدَفَعَهُ إِلَيَّ»؛ این برگ سفید را باز کردند و به داوود رقی دادند. برگی که سفیدرنگ بود از میان خرما بیرون آوردند و به من دادند. خیلی مهم است. «وَقَالَ اقْرَأْهُ»؛ حضرت فرمود: این برگ را بخوان. عجیب است حضرت از میان این خرما برگی را بیرون آوردند، بعد به من گفتند هرچه توی این برگ نوشته است، بخوان. «فَقَرَأْتُهُ وَإِذَا فِيهِ سَطْرَانِ»؛ من خواندم، دیدم در میان این خرمایی که حضرت به من دادند که بخوانم، دو سطر نوشته شده بود.

اسامی مبارک دوازده معصوم علیهم السلام بر روی برگه خرما

در سطر نخست نوشته بود: «السَّطْرُ الْأَوَّلُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»؛ و در سطر دوم نوشته بود: «وَالثَّانِي: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ»؛ همین آیه‌ای که در سوره توبه تلاوت شد، در این برگه نوشته شده بود: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ». بعد اسامی مبارک دوازده امام معصوم علیهم السلام را در همین ورقه دیدم که نوشته‌اند: «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَلِيُّ بْنُ مُوسَى،



مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، الْخَلْفُ الْحُبَّةُ؛^۱ اولین آنها علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنها هم نوشته شده بود. اسامی دوازده نور پاک ائمه معصومین علیهم السلام را در این برگه که وسط خرما بود و حضرت به من داده بود و خواندم، دیدم نوشته است.

مکتوب بودن نام دوازده امام علیهم السلام قبل از خلقت آدم علیه السلام

«ثُمَّ قَالَ: يَا دَاوُدُ!»؛ معلوم می شود که داوود بن کثیر رقی نزد حضرت مقامی داشته، و گرنه حضرت این برگه را به هرکسی نشان نمی دادند. «ثُمَّ قَالَ: يَا دَاوُدُ أَتَدْرِي مَتَى كُتِبَ هَذَا؟»؛ بعد حضرت فرمود: ای داوود! آیا می دانی این ورقه، چه زمانی نوشته شده است و چه زمانی اسامی ائمه معصومین علیهم السلام اینجا نوشته شده است، خیال کردی الآن که ورقه را به دست تو دادم، نوشته شده؟ چه کسی اینها را نوشته است؟ «قُلْتُ: اللَّهُ أَعْلَمُ وَرَسُولُهُ وَأَنْتُمْ»؛ عرض کردم خدا و رسول او بهتر می دانند و شما نیز بهتر می دانید. «فَقَالَ: قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِالْفِي عَامٍ»؛ دو هزار سال پیش از اینکه خداوند متعال آدم علیه السلام را خلق کند، این نوشته را در میان این ورقه و در میان این خرما قرار داده بود. دو هزار سال قبل از خلقت آدم علیه السلام آنجا نوشته شد: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»^۱. منظور از دین قییم این است، و گرنه

اسامی دوازده ماه را همه می‌دانند. منظور این است که این‌همه اهمیت دارد. دوازده امام معصومی که ائمه معصومین علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بارها و بارها به این حدیث شریف و این آیه مبارکه از سوره توبه استشهاد می‌کنند.

اسامی امامان دوازده‌گانه در کتب اهل سنت

اگر بخواهیم در این مورد روایت بیاوریم مطالب زیاد است. اما روایت در مورد دوازده امام علیهم‌السلام و همین آیه شریفه را بسیاری از کتب اهل سنت بیان کرده‌اند، از جمله این کتاب‌ها، کتابی است به نام *فرائد السمطين فی فضائل المرتضى والبتول والسبطين والائمة من ذریتهم* علیهم‌السلام که یکی از علمای اهل سنت آن را نوشته است. ایشان متوفای ۷۳۰ قمری است. حدود ۷۰۰ سال پیش زندگی می‌کردند. نام ایشان ابراهیم بن محمد جوینی است و کتاب گرانسنگش درباره فضائل امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام است. عالمی سنی که اسامی دوازده امام را در کتابش با صراحت آورده است. بعضی از کتب اهل سنت و بعضی روایت‌ها، تنها دوازده نفر نوشته‌اند، اما اسامی را ذکر نکرده‌اند، اما این عالم سنی در کتابش اسامی مبارک ائمه معصومین علیهم‌السلام را به ترتیب نوشته که چه کسانی هستند.

روایات را در کتاب *متنخب الاثر* که تألیف حضرت آیت‌الله والد معظم ما است آنجا هم نقل کرده‌اند. تعداد ۳۱۰ روایت که به نام دوازده امام علیهم‌السلام است. ۳۱۰ حدیث را در این کتاب نوشتند که در ۷۱ حدیث، اسامی مبارک دوازده امام ذکر شده. نه اینکه فقط دوازده امام گفته باشند، ۳۱۰ حدیث دوازده امام علیهم‌السلام، و ۷۱

حدیث دوازده امام علیهم السلام را با اسامی مبارک ذکر کرده است. خیلی مهم است که ۷۱ روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسامی مبارک امامان علیهم السلام را ذکر کرده باشد. اگر خواستید مطالعه کنید در کتاب *فرائد السمطين* نقل شده است.

حدیث لوح و اسامی دوازده امام علیهم السلام

مهم‌تر از همه اینها، حدیث لوح است، که متعلق به حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام است که اسامی مبارک ائمه معصومین علیهم السلام نیز در آنجا نوشته شده است. همین کتاب *فرائد السمطين* همه حدیث لوح را ذکر کرده که بعضی می‌گویند حدیث لوح چیست؟ این عالم سنی در همین کتاب حدیث لوح را ذکر کرده است. همچنین از جمله کتاب‌هایی که علمای اهل سنت در این باره نوشته‌اند کتاب *مسند احمد بن حنبل* است. همان‌طور که می‌دانید از علمای بزرگ اهل سنت است. ایشان متوفای ۲۴۱ هجری قمری است. از ائمه اربعه اهل سنت است. ایشان اسامی مبارک دوازده امام را در کتاب *مسند* نوشته است.^۱

محمد بن اسماعیل بخاری ایشان نیز متوفای سال ۲۵۶ هجری قمری است. همان سالی که امام زمان علیه السلام به دنیا آمدند (۲۵۵ به دنیا آمدند یا ۲۵۶). در آن سال ایشان تازه از دنیا رفته بود. هنوز امام زمان علیه السلام به دنیا نیامده بود. ایشان قضیه دوازده امام را در کتابش ذکر کرده است. اینها همه در کتب علمای اهل

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۸۷-۱۰۷.

سنت بیان شده است. محمد بن اسماعیل بخاری در کتابش به نام صحیح (کتابش پیش اهل سنت بسیار معتبر است)، این روایت را بیان کردند.^۱ همچنین سلیمان بن داوود طیالسی، از دیگر محدثانی است که این روایت را بیان کردند. ایشان هم باز متوفای ۲۰۴ هجری قمری است؛ یعنی هنوز امام زمان عجل الله فرجه به دنیا نیامده بودند که ایشان باز قضیه دوازده امام را مفصل ذکر کرده است.^۲

واقعاً آدم مبهوت و متحیر می شود. این مسئله‌ای بود که نزد همه مسلمانان کاملاً روشن بود. حالا چگونه عده‌ای امامت ائمه را منکر می شوند، عجیب است! مثل اینکه بگویند آفتابی وجود ندارد، روز روشن نیست، ماه را نمی بینند. این همه کتاب‌های متعدد و این همه راویان متعددی که از خود اهل سنت آمدند و این مسئله را نقل کردند، حالا عده‌ای انکار بکنند؟! مسئله مهم‌تر از اینهاست که ان شاء الله در جلسات آینده عرض خواهیم کرد.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.

۱. بخاری، صحیح، ج ۸، ص ۱۲۷.

۲. طیالسی، مسند، ص ۱۵۰، ۱۸۰.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

آیه شریفه، آیه سی و ششم از سوره مبارکه توبه است که می فرماید تعداد ماهها در نزد خداوند متعال دوازده ماه است که در کتاب خدا نوشته شده روزی که

۱. توبه، ۳۶. «تعداد ماهها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ این، آیین ثابت و پایرجای الهی است؛ بنابراین، در این ماهها به خود ستم نکنید و با مشرکان به صورت دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها به صورت دسته جمعی با شما پیکار می کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزکاران است.»

خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را خلق نمود، از این دوازده ماه چهار ماهش را حرام کرده است که دارای احترام خاصی است. ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾؛ دین خداوند که پایدار و استوار و همیشگی است، همین دینی است که دوازده ماه دارد و چهار ماه آن احترام بسیار زیادی دارند.

منظور از عدد دوازده در قرآن

درباره عدد دوازده مطالبی را قبلاً عرضه داشتیم که آیات کریمه الهی بر این مسئله اظهار دارند و بعضی از علما از این آیات و روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده استفاده کردند. همچنین از کتب اهل سنت درباره همین آیات گفته شد که عدد دوازده، عددی است که پیش خداوند متعال عدد مخصوص و مقدس می‌باشد و آن اشاره بسیار مهمی بر تعداد ائمه معصومین علیهم‌السلام دارد. در همین آیه شریفه هم که می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾؛ ما می‌توانیم از این آیه - اگر روایتی هم نبود - استفاده کنیم که می‌فرماید: دین خدا این است، منظور ماه‌های دوازده‌گانه سال نیستند. ماه‌های دوازده‌گانه سال که دین خدا را تشکیل نمی‌دهند. پس معلوم می‌شود دوازده چیزی که غیر از مسلمانان، یهودیان، مسیحیان و ملل مختلف آن را به عنوان دوازده می‌شناسند، غیر از چیزی است که خداوند متعال به آن اهمیت می‌دهد، وگرنه همه ملت‌های دنیا از اول تا به امروز می‌دانستند که سال دوازده ماه است. پس اینکه می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾، پیام بسیار مهمی دارد که ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم که دین خدا دینی است که قوام دارد، در دوازده چیز پایه‌گذاری شده و آن دوازده تا را از روایات استفاده می‌کنیم. دوازده نور پاک ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند.

دیدگاه اهل سنت در مورد عدد دوازده

افزون بر کتبی که شیعیان و علمای شیعه درباره عدد دوازده و ائمه معصومین علیهم السلام نوشتند، اهل سنت هم در این باره مطالبی را دارند که می‌توانیم از آنها برای مفهوم عدد دوازده استفاده کنیم. از جمله کتاب *فرائد السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطین والائمة من ذريتهم* علیهم السلام است که یکی از علمای بزرگ اهل سنت در فضائل امام حسن و امام حسین علیهم السلام نوشته است. در این کتاب غیر از اینکه فضائل امام حسن و امام حسین علیهم السلام نوشته شده، فضائل و مناقب سایر اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است. از جمله این روایات، روایتی است که کتاب *متنخب الاثر از فرائد السمطين* با سند متصل به سلیم بن قیس نقل می‌کند.^۱ اسنادش را نقل می‌کند تا به سلیم بن قیس

۱. جوینی، *فرائد السمطين*، ج ۱، ص ۳۱۲ - ۳۱۸؛ صافی گلپایگانی، *متنخب الاثر*، ج ۱، ص ۱۳۶ - ۱۳۹، ح ۱۹۷. «عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ، قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيًّا عليه السلام فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي خِلَافَةِ عُمَانَ، وَجَمَاعَةٌ يَتَحَدَّثُونَ وَيَتَذَكَّرُونَ الْعِلْمَ وَالْفِقْهَ، فَذَكَرُوا قُرَيْشًا وَفَضْلَهَا، وَسَوَائِبَهَا وَهَجْرَتَهَا، ...»

(وَسَاقَ الْكَلَامَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ:)

فَاقْبَلِ الْقَوْمُ عَلَيْهِ، فَقَالُوا: يَا أَبَا الْحَسَنِ! مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ؟

فَقَالَ: مَا مِنْ الْحَيِّينَ إِلَّا وَقَدْ ذَكَرَ فَضْلًا، وَقَالَ حَقًّا، وَأَنَا أَسْأَلُكُمْ يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ وَالْأَنْصَارِ، بِمَنْ أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذَا الْفَضْلَ؟ أِبَانُفُسِكُمْ وَعَشَائِرِكُمْ وَأَهْلِ بِيُوتَاتِكُمْ، أَمْ بِغَيْرِكُمْ؟

قَالُوا: بَلْ أَعْطَانَا اللَّهُ وَمَنْ بِهِ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَعَشِيرَتِهِ لَا بِأَنْفُسِنَا وَعَشَائِرِنَا وَلَا بِأَهْلِ بِيُوتَاتِنَا. قَالَ: صَدَقْتُمْ، يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ وَالْأَنْصَارِ، أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي نِلْتُمْ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. ←

→ (ثُمَّ أَخَذَتْ يَذْكُرُ فَضَائِلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ﷺ)، وَالْقَوْمُ يَقُولُونَ: اللَّهُمَّ نَعَمْ، وَيَحْتَجُّ بِالآيَاتِ وَبِحَدِيثِ الْوَلَايَةِ فِي غَدِيرِ خُمٍّ.

فَقَامَ سَلْمَانَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، وَإِلَاءَ كَمَاذَا؟ قَالَ: وَإِلَاءَ كَوَلَائِي، مَنْ كُنْتُ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلِيٌّ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ فَكَبَّرَ النَّبِيُّ ﷺ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ تَمَامُ نُبُوَّتِي، وَتَمَامُ دِينِ اللَّهِ وَإِلَايَةُ عَلِيٍّ بَعْدِي.

فَقَامَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ فَقَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، هَذِهِ الْآيَاتُ خَاصَّةٌ فِي عَلِيٍّ؟ قَالَ: بَلْ فِيهِ وَفِي أَوْصِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. قَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، بَيْنَهُمْ لَنَا. قَالَ: عَلِيٌّ أَخِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَوَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي، ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ، ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ، ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، الْقُرْآنُ مَعَهُمْ وَهُمْ مَعَ الْقُرْآنِ، لَا يُفَارِقُونَهُ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ الْخَوْضِ. فَقَالُوا كُلُّهُمْ: اللَّهُمَّ نَعَمْ.

(وَسَاقَ الْحَدِيثِ إِلَى أَنْ قَالَ:)

ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي كِتَابِهِ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ فَجَمَعَنِي وَفَاطِمَةَ وَابْنِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا ثُمَّ أَلْقَى عَلَيْنَا كِسَاءً وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَحَمِي، يُؤَلِّمِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ، وَيَجْرَحُنِي مَا يَجْرَحُهُمْ، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا، فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَأَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: أَنْتِ عَلَيَّ خَيْرٌ، إِنَّمَا أَنْزَلْتُ فِيَّ وَفِي أَخِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَفِي ابْنِي وَفِي تِسْعَةٍ مِنْ وُلْدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ خَاصَّةً.

وَسَاقَ الْحَدِيثِ إِلَى أَنْ حَكَى نَزُولَ قَوْلِهِ تَعَالَى: «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»، وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ. قَالَ: عَنِي بِذَلِكَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا خَاصَّةً دُونَ هَذِهِ الْأُمَّةِ. قَالَ سَلْمَانُ: بَيْنَهُمْ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَنَا وَأَخِي عَلِيٌّ وَوَاحِدٌ عَشْرٍ مِنْ وُلْدِي، قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ أَنْشِدْكُمْ اللَّهُ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَامَ خَطِيبًا لَمْ يَخْطُبْ بَعْدَ ذَلِكَ، فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي ←

هلالی می‌رسد. ایشان می‌گویند: «عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ، قَالَ». یک عالم سنی از سلیم بن قیس نقل می‌کند: «رَأَيْتُ عَلِيًّا فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ فِي خِلَافَةِ عُثْمَانَ»؛ در زمان خلافت عثمان، امیرالمؤمنین علی را دیدم که در مسجد پیامبر بود. «وَجَمَاعَةٌ يَتَحَدَّثُونَ وَيَتَذَكَّرُونَ الْعِلْمَ وَالْفِقْهَ»؛ عده‌ای مشغول صحبت بودند و با همدیگر در مورد فقه و علم مذاکره داشتند. «فَذَكَرُوا قُرَيْشًا وَفَضْلَهَا وَسَوَابِقَهَا وَهَجْرَتَهَا»؛ در مورد قریش با همدیگر صحبت می‌کردند که قریش مقامات بالایی دارند و فضل قریش را ذکر می‌کردند؛ مطالبی درباره قریش به همدیگر می‌گفتند و صحبت می‌کردند.

عزت و فضیلت قریش به خاطر وجود پیامبر اکرم

(وَسَاقِ الْكَلَامِ إِلَى أَنْ قَالَ):

و همچنین کلام طولانی شد تا اینکه گفت: «فَأَقْبَلَ الْقَوْمُ عَلَيْهِ»؛ مردم به امیرالمؤمنین رو کردند که گوشه‌ای از مسجد نشسته بودند. «فَقَالُوا: يَا أَبَا

→ وَعَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَقَامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ شِبْهَ الْمَغْضَبِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكُلُّ أَهْلِ بَيْتِكَ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ أَوْصِيائِي مِنْهُمْ. أَوْهُمْ أَخِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَوَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي، هُوَ أَوْلُهُمْ، ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ، ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ، ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ الْحَوْضَ، هُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَخُزَّانُ عِلْمِهِ وَمَعَادِنُ حِكْمَتِهِ، مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ.

فَقَالُوا: كُلُّهُمْ نَشْهُدُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ ذَلِكَ، ثُمَّ تَمَادَى لِعَلِّي السُّؤَالُ فَمَا تَرَكَ شَيْئاً إِلَّا نَاشَدَهُمُ اللَّهَ فِيهِ، وَسَأَلَهُمْ عَنْهُ، حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِ مَنَاقِبِهِ وَمَا قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ كَثِيراً (وَكَانُوا) فِي كُلِّ ذَلِكَ يُصَدِّقُونَهُ وَيَشْهَدُونَ أَنَّهُ حَقٌّ.

الْحَسَنِ! مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ؟»؛ خدمت امام امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: چرا شما صحبت نمی‌کنید. شما هم مطلبی را بفرمایید که ما استفاده کنیم.

«فَقَالَ: مَا مِنَ الْحَيِّينَ إِلَّا وَقَدْ ذَكَرَ فَضْلًا»؛ حضرت فرمود: این دو گروه، گروه انصار و گروه مهاجر که از قبیله قریش بودند، فضائلی را بیان کردند. هم گروه انصار و هم مهاجرین، در مسجد نشسته بودند. «وَقَالَ حَقًّا»؛ مطالب حقی را هم گفتند در بین حرف‌هایی که می‌زدند، فضیلت قریش را می‌گفتند، اما من می‌خواهم از شما سؤال بکنم: «وَأَنَا أَسْأَلُكُمْ يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ وَالْأَنْصَارِ»؛ ای گروه قریش و ای گروه انصار! شما فضیلت‌ها را گفتید. «بِمَنْ أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذَا الْفَضْلَ؟»؛ این فضل را به واسطه چه کسی خداوند به شما عطا کرد؟ این همه مناقب و فضائل که درباره قریش نقل کردید، از کجا آورده‌اید؟ «أَبِأَنْفُسِكُمْ وَعَشَائِرِكُمْ وَأَهْلِ بِيُوتَاتِكُمْ أَمْ بِغَيْرِكُمْ؟»؛ آیا فضائل برای شما بود؟ آیا برای خودتان، عشیره‌تان و اهل خانه‌هایتان است یا برای غیر از شماست؟ خدا به شما فضیلت داده، اما این فضیلت برای چه بود؟ برای چه کسانی است؟

«قَالُوا: بَلْ أَعْطَانَا اللَّهُ وَمَنْ بِهِ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَشِيرَتِهِ»؛ گفتند: به خاطر آنچه که خداوند متعال به ما داده و منت گذاشت، به خاطر وجود مطهر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و عشیره او، خاندان و اهل بیت ایشان است. «لَا بِأَنْفُسِنَا وَعَشَائِرِنَا وَلَا بِأَهْلِ بِيُوتَاتِنَا»؛ ما قبل از آمدن پیامبر هم بودیم، اما این قدر عزت و عظمت نداشتیم. عشیره و اهالی خانه‌هایمان، آنچنان اهمیت نداشتند که خدا این همه فضیلت را برای ما قرار دهد. معلوم است انسان‌های باانصافی بودند.

«قَالَ: صَدَقْتُمْ، يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ وَالْأَنْصَارِ!»؛ حضرت فرمود: بله درست گفتید، ای گروه مهاجر و انصار! به خاطر شما نبود، خداوند این همه عزت را به خاطر وجود پیامبر اکرم ﷺ به قریش داد. «أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي نِلْتُمْ بِهِ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ؟»؛ آیا می دانید آنچه از خیر دنیا و آخرت به شما می رسد، به خاطر وجود ما اهل بیت ﷺ است. اگر خداوند به شما خوبی دنیا و آخرت را می دهد، به خاطر وجود ما اهل بیت ﷺ است.

احتجاج به حدیث ولایت در غدیر خم

(ثُمَّ أَخَذَ يَذْكُرُ فَضَائِلَ رَسُولِ اللَّهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ)؛ سپس حضرت شروع کردند یکی یکی فضائل پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ را برای اینها گفتند. (وَالْقَوْمُ يَقُولُونَ: اللَّهُمَّ نَعَمْ)؛ آنها می گفتند بله به خدا چنین است که شما می گوئید. (وَيَحْتَجُّ بِالْآيَاتِ وَبِحَدِيثِ الْوَلَايَةِ فِي يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ)؛ امیرالمؤمنین ﷺ با اینها به آیات و به حدیث ولایت در غدیر خم احتجاج کرد. بعد حضرت شروع کردند یکی یکی بیان کردند. آیا غدیر خم یادتان است؟ روزی که پیامبر اکرم ﷺ چنین کردند که حالا در این روایت می خوانیم.

ولایت امیرالمؤمنین ﷺ همانند ولایت رسول اکرم ﷺ

«فَقَامَ سَلْمَانٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، وَلَائِ كَمَا ذَا؟»؛ سلمان از میان این اصحاب بلند شد. این روایت را امیرالمؤمنین ﷺ شروع کرد. حدیث غدیر خم را شروع



کردند. فرمودند: آیا به یاد دارید روز غدیر خم را که سلمان از میان جمعیت بلند شد. امیرالمؤمنین علیه السلام برای انصار قضیه روز غدیر خم را حکایت می‌کند. یادتان می‌آید که سلمان آن روز بلند شد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام چگونه است که ما را به آن امر می‌کنی؟

«فَقَالَ: وَلَاءٌ كَوَلَائِي»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مانند ولایت من است. همان‌طور که من بر شما ولایت دارم، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ولایت دارد. سپس ولایت خودشان را توضیح می‌دهند که این ولایت به چه معناست. حالا بعضی می‌گویند که امیرالمؤمنین علیه السلام را معرفی کرد و فقط فرمود که ایشان را دوست داشته باشید. هرکس من را دوست دارد علی را هم دوست بدارد. ولایت یعنی دوست داشتن؟! آیا این‌طور است که همه مردم را در آن هوای گرم جمع کند و اعلام کند که امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست داشته باشید؟ لذا سلمان بلند می‌شود و می‌گوید منظور از ولایت امیرالمؤمنین چیست؟

حضرت توضیح می‌دهد: «مَنْ كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلِيٌّ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ»؛ هرکس من اولای به نفس او هستم، امیرالمؤمنین علیه السلام هم اولای به نفس اوست؛ یعنی اختیار شما دست امیرالمؤمنین علیه السلام است. اگر من بر شما ولایت دارم و بر شما اولی هستم، امیرالمؤمنین علیه السلام هم بر شما اولی است و ولایت دارد. جان، مال و آنچه که دارید، در دست امیرالمؤمنین علیه السلام است.

ولایت امام علی علیه السلام اتمام نبوت و اکمال دین خدا

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید که در آن روز خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرمود: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۱ امروز راضی شدم که اسلام دین شما باشد؛ یعنی بعد از اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را ابلاغ فرمود، آیه نازل شد که راضی شدم بر شما که اسلام با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دین شما باشد. «فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله»؛ بعد از اینکه این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفتند و فرمودند، خیلی جمله عجبی است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ تَمَامُ نُبُوتِي وَتَمَامُ دِينِ اللَّهِ وَوَلَايَةُ عَلِيٍّ بَعْدِي»؛ یک جمله بسیار زیبا و کوتاه؛ تمام نبوت من و تمامیت دین خداوند، ولایت مولا علی علیه السلام است؛ یعنی اگر بخواهید این دین تمام و کامل باشد، تمامیتش به ولایت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است. حضرت برای اصحاب به ترتیب بیان می فرماید و همه هم به امام علیه السلام تبریک عرض می کنند.

اختصاص آیه اکمال دین و اتمام نعمت به حضرت علی علیه السلام و اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله

این روایت در کتب اهل سنت بیان شده است. در *فرائد السمطين* که از کتب معتبر اهل سنت است. «فَقَامَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَقَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، هَذِهِ الْآيَاتُ خَاصَّةٌ

۱. مائده، ۳. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به

عنوان آیین جاودانی شما پذیرفتم».

فِي عَلِيٍّ؟»؛ در روز غدیر خم آن دو نفر بلند شدند و عرض کردند: ای رسول خدا! این آیات، این کرامات، این فضائل و این ولایت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام را که بیان کردید، آیا فقط به مولا علی علیه السلام اختصاص دارد؟ «قَالَ: بَلَى، فِيهِ وَفِي أَوْصِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ حضرت فرمود: آری، فقط به مولا علی علیه السلام و اوصیای من تا روز قیامت اختصاص دارد. فضیلت‌هایی که بیان کردم، برای اوصیای من است. اوصیای من عبارتند از: امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام که بعد از ایشان خواهند آمد.

معرفی اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم

«قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَيْنَهُمْ لَنَا»؛ بعد آن دو نفر گفتند: ای رسول خدا! این اوصیا را برای ما معرفی کن! عمر و ابوبکر بلند شدند و گفتند آنها چه کسی هستند؟ اوصیا را برای ما معرفی کنید؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها این مسئله را فرمود، اما چه شد که آنها غدیر خم را انکار کردند؟ «قَالَ: أَخِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام برادر و وزیر من است. همکار و همه‌کاره دین من است و وارث من است. ایشان خلیفه و جانشین من در میان امتم است. «وَوَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»؛ و بعد از من ولی هر مؤمنی است. حضرت فقط این را فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، که اینها بگویند فقط دوستی با علی را اعلام کرد. خیر، همان روز فرمود: «أَخِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَوَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»، که معنایش دوستی نیست.

اولین آنها امیرالمؤمنین علیه السلام است که همه داشتند، می دیدند. «ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ، ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ»؛ بعد از ایشان دو فرزند ایشان که عبارتند از: امام حسن و امام حسین علیهما السلام. «ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ»؛ سپس نه نفر که از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند. یکی بعد از دیگری می آیند و امامت امت را بر عهده می گیرند. این مطالب را در روز غدیر خم برای آنها بیان کرد.

معیت قرآن و اهل بیت علیهم السلام

«الْقُرْآنُ مَعَهُمْ وَهُمْ مَعَ الْقُرْآنِ»؛ قرآن با آنهاست و آنها هم با قرآن هستند؛ یعنی قرآن بدون علی علیه السلام قرآن نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام همیشه با قرآن است، از قرآن جدا نیست. علی علیه السلام با قرآن است و قرآن هم با امیرالمؤمنین علیهما السلام و اوصیای آن حضرت است. قرآن بدون آنها قابل قبول نیست. امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام مفسر، مبین و شارح قرآن کریم هستند. «لَا يُفَارِقُونَهُ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ الْحَوْضِ»؛ آنها از قرآن جدا نمی شوند و قرآن نیز از آنها جدا نمی شود و همیشه با قرآنند، تا اینکه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام روز قیامت، کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

«فَقَالُوا كُلُّهُمْ: اللَّهُمَّ نَعَمْ»؛ همه کسانی که نزد امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، گفتند:

آری، ما اینها را شنیدیم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز عید غدیر خم این مطالب را فرمود.

اهل بیت علیهم السلام مصداق آیه تطهیر

(وَسَاقَ الْحَدِيثِ إِلَى أَنْ قَالَ:)

«ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ اتَّعَلَّمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي كِتَابِهِ؛» بعد حضرت علی علیه السلام فرمودند؛ چقدر امیرالمؤمنین علیه السلام غصه داشتند. زمانی که آنها کنار مسجد نشسته‌اند، دیگران آمدند و خلافت را عهده‌دار شدند، به اهل بیت ایشان، و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام ظلم کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام همین‌طور دارد بیان می‌کند. حضرت از بس که غصه و ناراحتی داشتند، شب‌ها درددلش را به چاه می‌گفت. آیا می‌دانید خداوند متعال در کتابش اینچنین نازل کرده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛^۱ آیا می‌دانید وقتی که آیه تطهیر را در وصف اهل بیت علیهم السلام نازل کرد، بعد از اینکه این آیه نازل شد. «فَجَمَعَنِي وَفَاطِمَةَ وَابْنِي الْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، من، فاطمه علیها السلام و فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهم السلام را جمع کرد. «ثُمَّ أَلْقَى عَلَيْنَا كِسَاءً وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي»؛ سپس روی ما پرده‌ای را انداختند. زیر کسا رفتند و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدایا اینها اهل بیت من هستند. «وَالْحَمِي»؛ اینها از گوشت من هستند و از من جدا نیستند. «يُؤْتِنِي مَا يُؤْتِيهِمْ»؛ هر کس آنها را اذیت کند، مرا اذیت کرده است. «وَيُؤْتِنِي مَا يُؤْتِيهِمْ».

۱. احزاب، ۳۳. «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما

«وَيَجْرَحُنِي مَا يَجْرَحُهُمْ»؛ آزار آنها، آزار من است. «فَأَذِيبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً»؛ پیامبر ﷺ در حق آنها دعا می‌کند و از خداوند می‌خواهد که آنها را از پلیدی‌ها نجات دهد.

این روایت را عالمی سنی نقل می‌کند. در کتاب‌های دیگرشان نیز نقل شده است. بعضی مصادر آن نیز بیان شده است.

ام‌سلمه نزد پیامبر اکرم ﷺ بود. ایشان یکی از همسران بسیار مؤمنه، عفیفه، نجیبه و کسی که بسیار مورد علاقه پیامبر اکرم ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ و امام حسن و امام حسین ﷺ و حضرت صدیقه طاهره ﷺ بودند. «فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَأَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟»؛ ام‌سلمه عرض کرد آیا من هم جزو اینها هستم که شما فرمودید: «هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي؟»؛ من هم جزو اهل بیت شما هستم؟

«فَقَالَ: أَنْتِ إِلَى خَيْرٍ؛ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِيَّ»؛ پیامبر ﷺ فرمودند: تو راحت خیر است، اما جزو اهل بیت ما نیستی. این آیه فقط درباره ما نازل شده است. فقط درباره من، «وَفِي ابْنَتِي»؛ و درباره دخترم، «وَفِي أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَفِي ابْنَتِي»؛ و درباره برادرم علی ﷺ و دو پسر، امام حسن و امام حسین ﷺ، «وَفِي تِسْعَةٍ مِنْ وُلْدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ خَاصَّةً»؛ و نه فرزند از نسل امام حسین ﷺ است، که معلوم می‌شود، همه دوازده نور پاک ائمه معصومین ﷺ جزو این آیه تطهیر و حدیث کساء هستند. این آیه شریفه برای این چند نفر نازل شد.

شاهد بودن رسول الله ﷺ و اهل بیت ﷺ بر مردم

(وَسَاقَ الْحَدِيثِ إِلَى نَزُولِ قَوْلِهِ تَعَالَى). حدیث طولانی شد؛ حضرت برایشان صحبت کردند. تا اینکه حضرت آیه شریفه دیگری را برایشان خواندند و فرمودند این آیه نیز درباره ما نازل شده است: «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^۱.

خداوند در آیه ۷۸ سوره حج می فرماید: رسول بر شما شهید است. پیامبر اکرم ﷺ رسول شهید است و بر شما امت شاهد است. «وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»؛ و ائمه معصومین ﷺ هم بر مردم شاهد هستند. از کجا متوجه شویم که منظور از: «تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»، ائمه معصومین ﷺ هستند؟ بعد می فرماید: «وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَنِّي بِذَلِكَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا خَاصَّةً»؛ اینکه می فرماید: «وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»؛ سیزده نفر را حضرت در نظر گرفت. «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ»؛ که خود پیامبر اکرم ﷺ است. «وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»؛ سیزده نفر، آنها دیگر چه کسانی هستند؟ «ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا خَاصَّةً دُونَ هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ غیر از این امت، سیزده نفر هستند که اینها جزو شهدا و شاهدین بر مردم هستند.

«قَالَ سَلْمَانَ: بَيْنَهُمْ لَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ»؛ سلمان بلند شد، گفت این سیزده نفر را برای ما بیان کنید. پیامبر ﷺ فرمود: من و برادرم حضرت امیرالمؤمنین ﷺ و یازده نفر از آنها که سیزده نفر می شوند: «فَقَالَ: أَنَا وَأَخِي وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي».

«قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ»؛ گفتند آری، ما اینها را شنیدیم.

۱. حج، ۷۸. «تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما گواهان بر مردم باشید».

احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام به آخرین خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله

«فَقَالَ: أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ، أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَامَ خَطِيْبًا، ثُمَّ لَمْ يَخْطُبْ بَعْدَ ذَلِكَ؟»؛

حضرت به آنها فرمود: ای انصار! ای مهاجرین! شما را به خداوند متعال قسم می‌دهم، آیا یادتان هست زمانی که روز عید غدیر شد، پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و این خطبه را خواندند، بعد از آن دیگر خطبه‌ای نخواندند؟ آخرین خطبه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت کردند، در حجة الوداع و در روز هجدهم ذی‌الحجة الحرام بود. دو ماه بعد از آن خطبه حضرت رحلت کردند. آیا می‌دانید که آخرین خطبه این بود و پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه این مطالب را فرمود؟ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي وَعَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ خداوند متعال به من خبر داد که مرگ من نزدیک شده و باید از این دنیا بروم. خداوند به من فرمود که قرآن و عترت از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه روز قیامت بر من وارد شوند. من کتاب خدا و عترت را در میان شما به امانت گذاشتم.

این روایت بسیار مفصل را از این جهت انتخاب کردم که عالمی سنی آن را

نقل کرد.

ابراز ناراحتی عمر از فضایل امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام

عمر از این همه فضائل که برای امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام بیان شد،

ناراحت شده بود، بعضی این طوری هستند، از فضائل دیگران ناراحت می شوند. این عالم سنی این طور می گوید. «فَقَامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ شِبْهَ الْمَغْضَبِ»؛ عمر بن خطاب ایستاد، درحالی که ناراحت بود و غضب کرد. «فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكُلُّ أَهْلِ بَيْتِكَ؟» گفت: ای پیامبر آیا همه اهل بیت شما این گونه هستند؟ دارای چنین صفاتی اند؟ افرادی هستند که با شما هستند و از قرآن جدا نمی شوند و روز قیامت بر شما وارد می شوند و تا روز قیامت با هم هستند. این همه فضائل برای اهل بیت شماست.

«قَالَ: لَا، وَلَكِنْ أَوْصِيَائِي مِنْهُمْ، أَوْلَهُمْ أَخِي عَلِيُّ وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي»؛ پیامبر ﷺ فرمود: این اوصاف برای اوصیای من هست. برای دوازده امام است. بدان که اولین آنها برادر، وزیر، وارث و خلیفه من علی ﷺ است. مواظب باشید در آینده چیزی غیر از این نگویید. وارث و خلیفه من امیرالمؤمنین است. «وَوَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»؛ آری حضرت علی ﷺ بعد از پیامبر ﷺ ولی همه مؤمنان است، هر کس مؤمن است، باید ولایت امیرالمؤمنین ﷺ را قبول داشته باشد. «هُوَ أَوْلَهُمْ»؛ دوباره حضرت چند مرتبه تکرار کردند و حضرت را به عنوان وصی خودش معرفی کردند؛ آنها اوصیای من هستند، بدانید و آنها را بشناسید. «هُوَ أَوْلَهُمْ» او (امیرالمؤمنین علی ﷺ) اولین آنهاست. «ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنِ، ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ، ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ». دوباره حضرت تکرار می کند.

«حَتَّى يَرُدُّوا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ اینها از هم جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. مگر کنار حوض کوثر چه خبر است؟ خدا می‌داند. لابد بعضی از روایاتش را خواندید که آنجا غوغایی است و محاجّه الهی آنجاست. حکومت الهی، حکومت ائمه معصومین علیهم‌السلام که باید جواب بدهند که با اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چه کردند.

اهل بیت علیهم‌السلام شاهد، حجت و گنجینه علم الهی

«هُمُ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»؛ اینها شهدای خدا در زمین هستند. اینها شاهدان خداوند هستند. هر کس که بخواهد خدا را بشناسد، باید اهل بیت علیهم‌السلام را بشناسد. «وَحُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ»؛ آنها حجت خداوند بر خلق هستند. «وَحُزْنُ عِلْمِهِ»؛ آنها خزینه علم الهی هستند. اگر علم الهی را می‌خواهید، باید از آنها پرسید.

«شَرِّقًا وَغَرِّبًا لَنْ نَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يُخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛^۱ اگر به طرف شرق بروید، به طرف غرب بروید، به خدا قسم علم صحیح را نمی‌یابید، مگر در نزد ما اهل بیت علیهم‌السلام. کجا باید برویم؟ این همه به ما گفتند که این طرف و آن طرف بروید، بالاخره باید جایی که مخزن علم الهی و گنجینه فهم و حکمت الهی است، برویم. آن مخزن وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که باب مدینه علم نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. جایی دیگر نباید برویم، اینها خطاب به ما هم هست. ما هم اگر علمی می‌خواهیم باید از طریق ائمه معصومین علیهم‌السلام به دست آوریم.

۱. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲؛ محدث نوری، مستدرک

الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۷۴.

«وَمَعَادِنُ حِكْمَتِهِ»؛ حکمت دست اینهاست. حکمت چیست که اینها می‌گویند؟ حکمت یعنی چه؟ حکمت روایات و گفتاری است که امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام برای ما آورده‌اند. این همه روایاتی که در تفاسیر در مورد اهل بیت علیهم السلام پر است، چرا ما باید سراغ تفاسیر غیرروایی برویم. حکمت واقعی اینها هستند. «مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛ هر کس آنها را اطاعت کند، خدای متعال را اطاعت کرده است. «وَمَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ»؛ هر کس معصیت آنها را بکند و از آنها جدا شود، خدای متعال را معصیت کرده است.

احتجاجات امیرالمؤمنین علیه السلام به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله

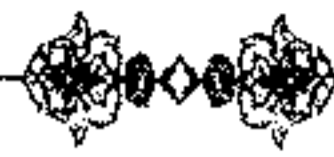
بعد حضرت می‌فرمایند: «فَقَالُوا كُلُّهُمْ: نَشْهَدُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ذَلِكَ»؛ همه کسانی که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، شهادت دادند که پیامبر صلی الله علیه و آله روز غدیر خم چنین فرمود. پس کجا بودید؟ چرا امیرالمؤمنین علیه السلام را کنار گذاشتید؟ شما که آنجا بودید و صحبت پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدید. «فَقَالُوا كُلُّهُمْ: نَشْهَدُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ذَلِكَ»؛ گفتند که پیامبر صلی الله علیه و آله همه را به ما فرمود. «ثُمَّ تَمَادَى لِعَلِيٍّ السُّؤَالُ»؛ سپس ادامه دادند و از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند. حضرت هم جواب می‌داد. «فَمَا تَرَكَ شَيْئاً إِلَّا نَاشَدَهُمُ اللَّهُ فِيهِ»؛ هر فرمایشی که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌کرد، آنها را به خدا قسم می‌داد. می‌گفت: آیا اینچنین نبود، نشنیدید؟ قسم به خدا شما نبودید، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این کلام را نشنیدید؟ «وَسَأَلَهُمْ عَنْهُ»؛ و از آنها سؤال می‌کرد. می‌فرمود که آیا خودتان دیدید، بودید، نشنیدید؟ «حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِ مَنَاقِبِهِ وَمَا قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ كَثِيراً»؛ تا اینکه حضرت تا آخر مناقب خودشان

را بیان کردند. آنچه که رسول خدا ﷺ بارها درباره ایشان فرموده بود، بیان کردند. «(وَكَانُوا فِي) كُلِّ ذَلِكَ يُصَدِّقُونَهُ وَيَشْهَدُونَ أَنَّهُ حَقٌّ»؛ تمام مطالبی که حضرت فرمود، تصدیق می کردند و شهادت می دادند که ای علی، اینهایی که تو می فرمایی، همه حق است. همه آن چیزهایی است که از پیامبر اکرم ﷺ شنیدیم.

این روایت بسیار مهمی بود که هم در **منتخب الاثر** و هم در کتاب **فرائد السمطين** نقل شده است. ابراهیم بن محمد جوینی از شخصیت‌های برجسته قرن هشتم است. این کتاب از ایشان است که درباره فضیلت امام حسن مجتبی و امام حسین ﷺ نوشته است. حدیث لوح را هم در این کتاب آورده است. حدیث دوازده امام حدیث بسیار مفصل و جالبی است که خود اهل سنت نقل کردند در حدیث لوح حضرت صدیقه طاهره ﷺ به وجود ائمه معصومین ﷺ تصریح کردند و نام این بزرگواران را هم نوشتند.

حدیث دوازده امام در کتب اهل سنت و شیعه

کتاب‌هایی که اهل سنت در این باره نوشته‌اند و درباره دوازده امام صحبت کردند، بعضی از آنها را قبلاً بیان کردیم. از کتب علمای شیعه شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی و شیخ طبرسی ﷺ است. تمام این بزرگواران، اسامی ائمه معصومین ﷺ را به ترتیب با نام ذکر کرده‌اند. در کتب اهل سنت هم ذکر شده است. از جمله: کتاب محمد بن اسماعیل بخاری که همان **صحیح بخاری** معروف است که از کتب معتبر اهل سنت است. ایشان متوفای ۲۵۶ هجری قمری است. همچنین کتاب **صحیح مسلم** است که این



کتاب از صحاح آنهاست. صحیح مسلم از کتب معتبر اهل سنت است. ایشان متوفای ۲۶۱ هجری قمری است؛ یعنی زمانی که امام زمان علیه السلام به دنیا آمده بودند. محمد بن مسلم بن حجاج نیشابوری در صحیح این احادیث را بیان کرده است.^۱

همچنین سنن ابوداوود، ایشان هم متوفای ۲۷۵ هجری قمری است. در قرن سوم هجری به دنیا آمده است. جلد چهارم سنن ابوداوود، اسامی دوازده امام را ذکر کرده است.^۲ بعد سنن ترمذی اسامی ائمه معصومین علیهم السلام را ذکر کرده است. اهل سنت، سنن ترمذی را بسیار قبول دارند و احترام می‌کنند. ایشان هم در جلد هفتم، اسامی دوازده امام را بیان کردند.^۳ البته ایشان هم متوفای ۲۹۷ هجری قمری است. باز اواخر قرن سوم می‌باشد. همچنین ابن منادی احمد بن جعفر بن حمید متوفای ۳۳۶ هجری قمری در کتاب الملاحم، اسامی ائمه معصومین علیهم السلام را ذکر کرده است.^۴ کتاب‌های معتبر دیگری از اهل سنت نیز هست. حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵ هجری قمری در المستدرک علی الصحیحین که نزد اهل سنت کتاب بسیار معتبری است در جلد سوم، این حدیث را بیان کرده است.^۵

۱. مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۶، ص ۳ - ۴.

۲. ابوداوود سجستانی، سنن، ج ۲، ص ۳۰۹.

۳. ترمذی، سنن، ج ۳، ص ۳۴۰.

۴. ابن منادی، الملاحم، ص ۲۶۱.

۵. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۶۱۷ - ۶۱۸.

کتاب المعجم الكبير نوشته ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰ هجری قمری، از دیگر کتب معتبر اهل سنت است. ایشان نیز در جلد دوم، به اسامی ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرده است.^۱

انشاءالله این مطالب را که از کتب علمای مورد وثوق و احترام اهل سنت هستند، مطالعه فرمایید.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.

۱. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲، ص ۲۱۴.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

۱. توبه، ۳۶. «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ این، آیین ثابت و پابرجای الهی است. بنابراین، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید و با مشرکان، به صورت دسته‌جمعی پیکار کنید، همان‌گونه که آنها به صورت دسته‌جمعی با شما پیکار می‌کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است.»

معرفی دوازده امام در مذهب تشیع

درباره عدد دوازده با استفاده از آیات شریفه قرآن و روایاتی که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام وارد شده، می توان گفت تنها مذهب و مکتبی که قائل به امامت دوازده نفر از انسان های پاک، صالح و منتخب الهی هست، مکتب تشیع است. تنها مذهبی که دوازده نفر به عنوان امام معرفی کرد و تعداد ائمه آن دوازده نفر هست، مذهب تشیع و مذهب حقه جعفری است؛ زیرا مذاهب و مکاتب دیگر برای خودشان شاید دست و پا زدند که بتوانند بگویند که مثلاً بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله آنها هم دوازده وصی معرفی کنند، اما در این معرفی همه آنها شکست خوردند و نتوانستند دوازده نفر که عدد آنها دوازده و اسامی آنها معلوم باشد، معرفی کنند که غیر از این دوازده امامی که ما قائل هستیم، برای اسلام و مسلمانان بیان کنند.

از این رو بنی امیه آمدند برای خودشان دوازده نفر را معرفی کردند، یا کمتر یا بیشتر، برخی از آنان هم کسانی هستند که در اوج رذالت و در اوج خبثت و ظلم و ستم بودند. اشخاصی بودند که بعضی از آنها را نمی شود انسان نام گذاشت و به هیچ وجه نمی شود آنها را به عنوان امام قبول کرد؛ بنابر نظر بسیاری از علمای اهل سنت تنها مکتبی که توانسته ادعا کند که دوازده نفری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایات متعدد به عنوان اولیا و اوصیای خود بیان کرده است، مکتب تشیع و مذهب حقه جعفری است. این برای ما کمال افتخار است و امروزه باید روی این

مطلب پابرجا بمانیم و به دنیا اعلام کنیم که تنها مکتبی که توانسته است دوازده نفر را به عنوان امام معرفی کند، مکتب تشیع بوده است.

حدیث لوح و نام‌های دوازده امام علیهم‌السلام

روایاتی که از کتب اهل سنت و شیعه بیان شد، تماماً به این مطلب اذعان و اعتراف دارند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به مردم اعلام کردند که دوازده نفر وصی من است و بعضی از کتب اهل سنت اسامی مبارک آنها را هم ذکر کرده‌اند. بنابر وعده‌ای که این چند شب به عزیزان دادم و خیلی از دوستان دنبال این مطلب بودند، حدیثی را که به حدیث لوح معروف است و از حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام است، بیان می‌کنیم.

این حدیث هم در کتب اهل سنت و هم در کتب شیعه نقل شده است. مهم این است که این حدیث لوح را حتی علمای اهل سنت هم نقل کرده‌اند. این برای ما خیلی معتبر است که بگوییم حدیث لوح را علمای اهل سنت در کتاب‌های معتبرشان نیز ذکر کردند. از جمله کتاب *فرائد السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطین والائمة من ذریتهم* علیهم‌السلام است. نویسنده این کتاب از علمای بزرگ قرن هشتم هجری بود که فضائل اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را جمع‌آوری کرده است. در کتاب *فرائد السمطين*، این حدیث لوح را بیان کردند.^۱

۱. جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۶ - ۱۳۹.

در کتاب شریف کفایة الاثر که از کتاب‌های بسیار مهم علمای شیعه است، ایشان هم در آنجا نقل کرده‌اند.^۱

در الاحتجاج نیز متن حدیث را به صورت کامل نقل کرده است.^۲

همچنین در کتاب شریف منتخب الاثر هم این حدیث را نقل کردند. در منتخب الاثر از کتاب عیون اخبار الرضا^۳ نقل کرده‌اند.^۳

۱. خراز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۹۶.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۷ - ۶۸.

۳. صدوق، عیون اخبار الرضا^۳، ج ۱، ص ۴۱ - ۴۵؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۸۳

۸۷ - ۲۸۶. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَبِي ع لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً فَمَتَى يَخْفُ عَلَيْكَ أَنْ أَخْلُوَ بِكَ فَأَسْأَلَكَ عَنْهَا؟ فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ: فِي أَيِّ الْأَوْقَاتِ شِئْتَ؛ فَخَلَا بِهِ أَبِي ع فَقَالَ لَهُ: يَا جَابِرُ أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّوْحِ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي يَدِ أُمِّي فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص، وَمَا أَخْبَرْتِكَ بِهِ أُمِّي أَنْ فِي ذَلِكَ اللَّوْحِ مَكْتُوبًا.

قَالَ جَابِرٌ: أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي دَخَلْتُ عَلَى أُمَّكَ فَاطِمَةَ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِأَهْتَبَهَا بِوِلَادَةِ الْحُسَيْنِ ع فَرَأَيْتُ فِي يَدِهَا لَوْحًا أَخْضَرَ ظَنَنْتُ أَنَّهُ مِنْ زُمْرِدٍ، وَرَأَيْتُ فِيهِ كِتَابًا أَبْيَضَ شَبَهَ نُورِ الشَّمْسِ؛ فَقُلْتُ لَهَا: يَا بِنْتَ أُمِّي وَأُمِّي يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص مَا هَذَا اللَّوْحُ؟

فَقَالَتْ: هَذَا اللَّوْحُ أَهْدَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى رَسُولِهِ ص فِيهِ اسْمُ أَبِي وَاسْمُ بَعْلِي وَاسْمُ ابْنِي وَأَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي، فَأَعْطَانِيهِ أَبِي ع لِيَسْرَنِي (لِيُبَشِّرَنِي) بِذَلِكَ.

قَالَ جَابِرٌ: فَأَعْطَنِيهِ أُمَّكَ فَاطِمَةَ ع فَقَرَأْتُهُ وَانْتَسَخْتُهُ. فَقَالَ أَبِي ع: فَهَلْ لَكَ يَا جَابِرُ أَنْ تَعْرِضَهُ عَلَيَّ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَمَشَى مَعَهُ أَبِي ع حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَنْزِلِ جَابِرٍ فَأَخْرَجَ أَبِي صَحِيفَةً مِنْ رَقٍّ.

قَالَ جَابِرٌ: فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي هَكَذَا رَأَيْتُهُ فِي اللَّوْحِ مَكْتُوبًا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نُورِهِ وَسَفِيرِهِ وَحِجَابِهِ وَدَلِيلِهِ، نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَظَّمَ يَا مُحَمَّدُ

→ اَسْمَائِي، وَاشْكُرْ نِعْمَائِي، وَلَا تَجْحَدُ آيَاتِي، إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَمُبِيرُ الْمُتَكَبِّرِينَ
وَمُذِلُّ الظَّالِمِينَ وَدَيَانُ يَوْمِ الدِّينِ، إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَظْمِي وَعَذَابِي
عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ، إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ نَبِيًّا فَأَكْمَلْتُ أَيَّامَهُ
وَأَنْقَضْتُ مُدَّتَهُ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا، وَإِنِّي فَضَّلْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ، وَفَضَّلْتُ وَصِيكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ،
وَأَكْرَمْتُكَ بِسِبْطِكَ بَعْدَهُ وَبِسِبْطِيكَ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ، وَجَعَلْتُ حَسَنًا مَعِينًا عَلِيمِي بَعْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ أَبِيهِ،
وَجَعَلْتُ حُسَيْنًا خَازِنَ وَحْيِي، وَأَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ، وَخَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ اسْتُشْهِدَ، وَأَرْفَعُ
الشُّهَدَاءَ دَرَجَةً عِنْدِي، وَجَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ، وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ، بِعِزَّتِهِ أَثِيبُ وَأَعَاقِبُ، أَوْلَهُمْ
عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَزَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ، وَابْنُهُ شَبِيهُ جَدِّهِ الْمُحْمُودِ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ لِعِلْمِي وَالْمُعَدِنُ لِحُكْمَتِي،
سَيِّدُكَ الْمُرْتَابُونَ فِي جَعْفَرٍ، الرَّادُّ عَلَيْهِ كَالرَّادِّ عَلَيَّ، حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَكْرِمَنَّ مَنْ شَاءَ جَعْفَرٍ، وَلَا أَسْرَنَّهُ فِي
أَشْيَاعِهِ وَأَنْصَارِهِ وَأَوْلِيَائِهِ، وَانْتَجَبْتُ (أَبِيحْتُ) بَعْدَهُ مُوسَى وَانْتَجَبْتُ بَعْدَهُ فِتْنَةَ عَمِيَاءِ حَنْدِسٍ؛ لِأَنَّ خَيْطَ
فَرَضِي لَا يَنْقَطِعُ، وَحُجَّتِي لَا تَخْفَى، وَأَنَّ أَوْلِيَائِي لَا يَشْقَوْنَ، إِلَّا وَمَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَ
نِعْمَتِي، وَمَنْ غَيَّرَ آيَةً مِنْ كِتَابِي فَقَدْ افْتَرَى عَلَيَّ، وَوَيْلٌ لِلْمُفْتَرِينَ الْجَاحِدِينَ عِنْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ عِبْدِي مُوسَى
وَحَبِيبِي وَخَيْرَتِي، إِنَّ الْمُكذَّبَ بِالثَّامِنِ مُكذَّبٌ بِكُلِّ أَوْلِيَائِي، وَعَلِيٌّ وَلِيِّي وَنَاصِرِي وَمَنْ أَضْعُ عَلَيْهِ أَعْبَاءَ
النُّبُوَّةِ وَأَمْنَحُهُ بِالْأَضْطِلَاعِ، يَقْتُلُهُ عَفْرِيَّتُ مُسْتَكْبِرٍ، يُدْفَنُ بِالْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ (ذُو الْقَرْنَيْنِ) إِلَى
جَانِبِ (جَنبِ) شَرِّ خَلْقِي، حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لِأَقْرَنَ عَيْنَهُ بِمُحَمَّدِ ابْنِهِ وَخَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَهُوَ وَارِثُ عِلْمِي
وَمَعِينُ حِكْمَتِي وَمَوْضِعُ سِرِّي وَحُجَّتِي عَلَيَّ خَلْقِي، لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ بِهِ إِلَّا جَعَلْتُ الْجَنَّةَ مَثْوَاهُ، وَشَفَعْتُهُ فِي
سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا النَّارَ، وَأَخْتِمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ عَلِيٍّ وَلِيِّي وَنَاصِرِي وَالشَّاهِدِ فِي خَلْقِي
وَأَمِينِي عَلَيَّ وَحَبِيبِي، أَخْرِجْ مِنْهُ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِي، وَالخَازِنَ لِعِلْمِي الْحُسَيْنَ، ثُمَّ أَكْمِلْ ذَلِكَ بِابْنِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ،
عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى، وَبِهَاءُ عِيسَى، وَصَبْرُ أَيُّوبَ، سَيِّدُ أَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ، وَبِتَهَادُونَ رُءُوسُهُمْ كَمَا تَتَهَادَى
رُءُوسُ التُّرْكِ وَالِدَيْلِمِ، فَيَقْتُلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَجَلِيلِينَ، تُصْبَغُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ،
وَيَنْفُسُ الْوَيْلُ وَالرَّيْنُ فِي نِسَائِهِمْ، أَوْلَيْكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا، بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءِ حَنْدِسٍ، وَبِهِمْ أَكْشِفُ
الزَّلَازِلَ، وَأَرْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ، ﴿أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ﴾.

قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَالِمٍ: قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: لَوْ لَمْ تَسْمَعْ فِي دَهْرِكَ إِلَّا هَذَا الْحَدِيثَ لَكَفَاكَ فَصْنُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ.

همان‌طور که می‌دانید یکی از کتاب‌هایی که به امام رضا علیه السلام منسوب است و روایاتی است که مرحوم شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام جمع‌آوری کردند؛ کتابی است به نام *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ایشان از این کتاب نقل می‌کنند و می‌فرمایند:

«حَدَّثَنَا أَبِي وَمُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ وَأَخْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ تَائَانَةَ، وَأَخْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالُوا: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبِي عليه السلام لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ:»

من تقاضام دارم که به این حدیث خیلی خوب توجه فرمایید؛ یعنی از آن دسته از احادیثی است که می‌توانیم در برابر تمام مسلمانان جهان به آن احتجاج کنیم که وقتی در کتب خود اهل سنت به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسامی مبارک ائمه معصومین علیهم السلام را بیان کرده‌اند، دیگر جای تردیدی برای هیچ انسان منصفی باقی نخواهد ماند.

گفتگوی امام صادق علیه السلام با جابر بن عبدالله درباره حدیث لوح

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبِي جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ:» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پدرم امام باقر علیه السلام به جناب جابر بن عبدالله انصاری فرمود. همان‌طور که می‌دانید جابر از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و تا زمان امام باقر علیه السلام زنده بودند. حضرت به ایشان فرمودند که شما فرزندانم، محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام را زیارت می‌کنی و سلام مرا به او برسان، لذا جابر، امام باقر علیه السلام را درک کرده است.

امام صادق ع می فرماید که پدرم به جابر بن عبدالله چنین فرمود: «إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً»؛ به جابر فرمودند من به تو حاجتی دارم، کاری دارم. «فَمَتَى يَخْفُ عَلَيْكَ أَنْ أَخْلُوَ بِكَ فَأَسْأَلَكَ عَنْهَا»؛ هر وقت خلوت شد و کسی نبود، من با تو کاری دارم، و می خواهم از تو سؤالی کنم. چه زمانی با هم خلوتی داشته باشیم و سؤالم را از شما بپرسم. «فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ فِي أَيِّ الْأَوْقَاتِ شِئْتَ»؛ جابر عرض کرد: هر وقت شما بفرمایید، من در خدمت شما هستم. «فَخَلَا بِهِ أَبِي ع»؛ زمانی آمد که جابر و امام باقر ع تنها بودند. «فَقَالَ لَهُ: يَا جَابِرُ»؛ امام باقر ع به جابر فرمودند: «أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّوْحِ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي يَدِي أُمِّي فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ»؛ مرا از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه ع دختر رسول خدا ص دیدی، باخبر کن. برایم بگو که آن لوح چه بوده؟ «وَمَا أَخْبَرْتُكَ بِهِ أُمِّي»؛ و آنچه مادرم حضرت فاطمه ع به تو خبر داد را برایم بیان کن. «أَنَّ فِي ذَلِكَ اللَّوْحِ مَكْتُوباً»؛ در مکتوبی که نوشته‌هایی در آن بود و حضرت فاطمه ع به شما گفتند، آنها را برایم بیان کن. می خواهم آن لوح را ببینم و استفاده کنم، آن را تحویل ما دهید.

توصیف حدیث لوح از زبان جابر

«قَالَ جَابِرٌ: أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي دَخَلْتُ عَلَى أُمِّكَ فَاطِمَةَ ع فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص»؛ جابر گفت: شهادت می دهم به خداوند متعال اینکه روزی محضر مبارک حضرت صدیقه طاهره ع شرفیاب شدم، زمانی که پیامبر اکرم ص هنوز زنده بودند. «لِأَهْنَتِهَا بِوِلَادَةِ الْحُسَيْنِ ع»؛ خداوند متعال به حضرت زهرا ع، امام حسین ع را عنایت

کرده بودند. امام حسین علیه السلام به دنیا آمدند. من برای عرض تبریک خدمت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام رفتم که این مولود بزرگ آسمانی را به ایشان تبریک بگویم. «فَرَأَيْتُ فِي يَدِهَا لَوْحًا أَخْضَرَ ظَنَنْتُ أَنَّهُ مِنْ زُمُرٍ»؛ دیدم در دست مبارک حضرت زهرا علیها السلام لوح سبزرنگی است، من گمان کردم که زمردی در دست حضرت است. معلوم می شود این لوح نور بسیار زیادی داشت و درخشندگی خاصی داشت. «وَرَأَيْتُ فِيهِ كِتَابًا أَبْيَضَ شَبَهُ نُورِ الشَّمْسِ»؛ در دست مبارک ایشان کتابی و نوشته سفیدرنگی دیدم که مانند نور خورشید می درخشید. پس معلوم می شود لوحی که حضرت زهرا علیها السلام داشتند، نورش همانند نور خورشید بود و در دستان مبارک حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بود.

«فَقُلْتُ لَهَا: يَا أَبَتِي أَنْتِ وَأُمِّي يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ مَا هَذَا اللَّوْحُ؟»؛ عرض کردم که پدر و مادرم فدای شما بشوند، ای دختر رسول خدا این لوحی که در دست شماست، چیست که این همه نور و درخشندگی دارد؟

«فَقَالَتْ: هَذَا اللَّوْحُ أَهْدَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله»؛ فرمود: این لوح را خدای متعال به پدرم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هدیه کرد. «فِيهِ اسْمُ أَبِي وَاسْمُ بَعْلِي وَاسْمُ ابْنِي وَأَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي»؛ در این لوح اسم پدرم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسم شوهرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دو فرزندم امام حسن و امام حسین علیهما السلام هست و اسمی تمام اوصیا از فرزندان من در این لوح نوشته شده است. «فَأَعْطَانِيهِ أَبِي لِيُسَرَّنِي بِذَلِكَ». خوب گویا هدیه و کادویی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برای ولادت امام حسین علیه السلام آوردند، به حضرت زهرا علیها السلام دادند؛ بهتر از این کادو و هدیه وجود نداشت برای اینکه من

خوشحال شوم. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام می فرماید: پدرم برای خوشحالی من این لوح را به من هدیه کردند: «فَأَعْطَانِيهِ أَبِي لَيْسَرَنِي بِذَلِكَ»؛ پدرم این را به من داد تا اینکه من خوشحال بشوم. وقتی اسم مبارک پدرشان، همسرش علی بن ابی طالب علیه السلام، فرزندانش، همه را در این لوح دید که از طرف خداوند متعال بیان شد.

مهم این است که نوشته‌های این لوح و تمام آنچه که در آن است، از خداوند متعال است. یک وقت روایتی از خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله است؛ می گویم پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمودند، خوب آن‌هم درست است، چون: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۱. یک وقت خود خداوند متعال فرمودند که اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؛ اسامی مبارک آنها را در این لوح ذکر کردند و اهل سنت هم اتفاقاً این را نقل کردند، حجت بر همه تمام است؛ از این رو می گوید: «قَالَ جَابِرٌ: فَأَعْطَانِيهِ أُمُّكَ فَاطِمَةُ فَقَرَأْتَهُ وَأَنْتَسَخْتَهُ»؛ جابر می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: وقتی که لوح را حضرت برای من این‌گونه بیان کرد، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام لوح را به من دادند تا آن را خواندم. من همه آن را خواندم و نسخه برداری کردم، با اجازه حضرت زهرا علیها السلام آنچه در لوح نوشته شده بود را استنساخ کردم؛ یعنی نسخه‌ای از روی آن برداشتم، آن زمان که فتوکپی و این وسایل تکثیری نبوده؛ به همین دلیل نسخه برداری و استنساخ می کردند.

۱. نجم، ۳ - ۴. «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید؛ آنچه می گوید چیزی جز وحی

که بر او نازل شده نیست».

درخواست امام باقر علیه السلام از جابر برای عرضه حدیث لوح

«فَقَالَ أَبِي»؛ سپس امام باقر علیه السلام به جابر فرمودند: حالا از اینجا شروع می‌شود. «فَهَلْ لَكَ يَا جَابِرُ أَنْ تَعْرِضَهُ عَلَيَّ؟»؛ آیا می‌توانی آن را به من بدهی که من هم ببینم، آن لوح را در معرض دید من قرار بده تا ببینم. «قَالَ: نَعَمْ»؛ جابر گفت: آری، لوح پیش من است، شما هم ببینید. «فَمَشَى مَعَهُ أَبِي علیه السلام حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَنْزِلِ جَابِرٍ»؛ پدرم به خانه جابر رفتند. «فَأَخْرَجَ أَبِي صَحِيفَةً مِنْ رَقٍّ»؛ جابر صحیفه‌ای از جنس پوست را بیرون آورد و خدمت پدرم عرضه داشت و گفت این همان لوحی است که از لوح حضرت زهرا علیها السلام استنساخ کردم.

«قَالَ جَابِرٌ: فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي هَكَذَا رَأَيْتُهُ فِي اللَّوْحِ مَكْتُوباً»؛ این لوحی که خدمت شما عرضه می‌دارم، همان لوحی است که خدمت حضرت زهرا علیها السلام مکتوب و نوشته شده بود و او را دیدم. «أَشْهَدُ بِاللَّهِ»؛ به خدا شهادت می‌دهم که هیچ کلامی از آن کم و زیاد نشده است. هیچ حرفی کم و زیاد نشده است. «أَنِّي هَكَذَا رَأَيْتُهُ»؛ من همان لوحی را دیدم که در دست مادر شما بود. سپس خدمت امام باقر علیه السلام شروع به خواندن لوح می‌کند. بعد حضرت به لوح نگاه می‌کنند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید شما آن لوح را نزد خودت نگاه‌دار، من نیز لوحی که پیش خودم دارم، می‌خوانم ببین که آیا همین مطلبی است که آنجا نوشته شده یا نه؟ لذا امام باقر علیه السلام شروع به خواندن لوح کردند. جابر نیز نگاه می‌کرد در آن لوحی که در دست خودش بود.



متن حدیث لوح

حالا لوح از اینجا شروع می‌شود. این کلمات خداوند متعال در حق حضرت رسول اکرم ﷺ و همچنین حضرت امیرالمؤمنین ﷺ و اوصیای ایشان است که هم کتب اهل سنت و هم کتب شیعه این را نقل کردند.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذَا كِتَابٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِ مُحَمَّدٍ نُورِهِ وَسَفِيرِهِ وَحِجَابِهِ وَدَلِيلِهِ». بعد از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع می‌کند، این کتاب از طرف خداوند متعال است. پیامبر اکرم ﷺ که نور خداست و سفیر خداوند متعال است و حجاب خداوند و دلیل و راهنمایی برای مردم از طرف خداوند متعال است. «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ این لوح را روح الامین از طرف خداوند متعال برای پیامبر اکرم ﷺ نازل کرد. سپس شروع می‌کند به خواندن لوح و مطالب را بیان می‌فرماید: «عَظَّمَ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي»؛ خداوند متعال به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ای محمد! اسماء من را بزرگ بدار، اسامی خداوند متعال را تعظیم بدار. «وَأَشْكُرُ نِعْمَاتِي»؛ نعمت‌های من را نیز سپاس بگو. خداوند این همه نعمت به تو داد، بر این نعمت‌ها شاکر باش. «وَلَا تَجْحَدُ لِآيَاتِي»؛ نشانه‌ها و نعمت‌های من را انکار نکن. شاکر این همه نعمت باش که به تو دادم.

توصیه به توکل بر خدا در همه کارها در حدیث لوح

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ»؛ خدا در این لوح می‌گوید: من خداوند هستم. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَدْلِي وَعَذَابِي عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»؛

هرکس غیر فضل من را بخواهد، امیدوار به فضل من نباشد، به فضل دیگران امیدوار باشد؛ از غیر عدل من بترسد، اگر ترس دارد، باید از عدل خداوند بترسد. اگر فضل می خواهد باید از فضل خداوند بخواهد. اگر کسی از غیر من فضل بخواهد و از غیر من بترسد، او را عذاب خواهم داد. «عَذَابُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»؛ یعنی کسی که به خدا امید نداشته باشد و حاجتش را از غیر خدا بخواهد، خداوند او را عذاب می دهد که می فرماید: احدی از عالمیان را اینچنین عذاب نکردم. اگر امیدوار باشد، باید به فضل خداوند امید داشته باشد. اگر ترسی دارد، باید از عدل خدا بترسد؛ لذا ما می گویم: «إِلَهِي عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ وَلَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ».

ای رسول من «فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ»؛ مرا عبادت کن و فقط بر من توکل کن. هیچ کس را پشتیبان کارهایت قرار نده. پشتیبان کارهایت من هستم و آنچه که می خواهی تو در زندگی داشته باشی، توکل بر من باشد.

تکریم پیامبر ﷺ و ائمه معصومین 

«إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ نَبِيًّا فَأُكْمِلَتْ أَيَّامُهُ وَانْقَضَتْ مُدَّتُهُ»؛ خدا می فرماید: من هر پیامبری را فرستادم، این پیامبر بالاخره ایامش تمام می شود، برای هرکس اجلی است، چند روزی در این دنیا خواهیم آمد، آمدیم و خواهیم رفت. همه این طور هستند. پیامبرانی را که خدا فرستاده، نیز همین طور بودند. می فرماید: من نبی ای را نفرستادم، مگر اینکه ایامش تمام شد؛ مدتش هم گذشت. هرکس چند سالی در

این دنیا بود و رفت؛ یکی هزار سال، یکی صد سال، یکی بیست و سه سال، کمتر، بیشتر، همه رفتند.

«إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا»؛ من برای تمام این پیامبران یک وصی‌ای را قرار دادم. خدا می‌فرماید: «وَإِنِّي فَضَّلْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ»؛ ای پیامبر تو را بر تمام انبیا برتری دادم. «وَفَضَّلْتُ وَصِيَّكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ»؛ و وصی تو را هم بر تمام اوصیا تفضیل و برتری دادم. «وَأَكْرَمْتُكَ بِشَبْلِيكَ بَعْدَهُ وَبِسَبْطِيكَ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ»؛ تو را اکرام کردم، چگونه تو را اکرام کردم؟ به دو شیر که عبارتند از: امام حسن و امام حسین علیهما السلام، دو ریحانه، دو گوهر، دو نور که اینها را به تو عنایت کردم. امام حسن و امام حسین علیهما السلام را به تو دادم؛ به خاطر اینکه می‌خواستم تو را اکرام کنم. اگر اکرام رسول به این است، من خواستم فرزندان را به تو بدهم که مانند امام حسن و امام حسین علیهما السلام باشند.

سپس می‌فرماید: خداوند اسامی اوصیا را برای پیامبر صلی الله علیه و آله به ترتیب ذکر کردند. «فَجَعَلْتُ حَسَنًا مَعْدِنَ عِلْمِي بَعْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ أَبِيهِ»؛ بعد از اینکه مدت امامت پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام تمام می‌شود، امام حسن علیه السلام را به عنوان معدن علم خودم قرار دادم. «وَجَعَلْتُ حُسَيْنًا خَازِنَ وَحْيِي وَأَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ»؛ و امام حسین علیه السلام را خزینه و گنجینه وحی خودم قرار دادم؛ و او را هم به شهادت اکرام کردم. این اکرامی است که از طرف خدا به امام حسین علیه السلام داده شد. «وَوَخَّطَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ»؛ و ختم کردم و پایان می‌دهم سعادت را برای او. «فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ اسْتُشْهِدَ»؛ امام حسین علیه السلام بالاترین شهیدی است که در راه خدا شهید شد. «سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ مِنْ

الأولین والآخِرین، فهو أفضل من استشهد، وأرفع الشهداء درجة عندي؛ خدا می فرماید: درجه امام حسین علیه السلام پیش من از تمام شهدای عالم بالاتر است. نمی شود حساب کرد امام حسین علیه السلام پیش خداوند چه درجه‌ای دارد.

«وَجَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ»؛ خیلی مسئله مهمی است، اگر انسان هر کدام از اینها را بیان کند، باید چندین شب صحبت کند. من مختصر عرض می‌کنم و رد می‌شوم. «وَجَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ»؛ کلمه تامه خودم را با امام حسین علیه السلام قرار دادم. قرآن می‌فرماید: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً». آن کلمه‌ای که باید تا روز قیامت باقی باشد، آن را در امام حسین علیه السلام قرار دادم. آن کلمه تامه چه هست که خداوند در امام حسین علیه السلام قرار داد یا عنایت کرد. آن نه نور پاکی بود که از صلب امام حسین علیه السلام ایجاد شدند. «وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ»؛ حجت بالغه الهی نزد امام حسین علیه السلام است. «بِعِثْرَتِهِ أُثِيبُ وَأَعَاقِبُ»؛ من به خاندان و عترت امام حسین علیه السلام و به فرزندان ایشان ثواب می‌دهم و عذاب می‌کنم. اگر کسانی همراه امام حسین علیه السلام بشوند، به آنها پاداش می‌دهم. اگر کسانی از حسین و فرزندان او جدا باشند، آنها را عقاب می‌کنم؛ لذا می‌فرماید: «بِعِثْرَتِهِ أُثِيبُ وَأَعَاقِبُ»؛ به عترت امام و فرزندان امام حسین علیه السلام ثواب می‌دهم؛ به واسطه عترت او ثواب می‌دهم و به واسطه عترت او عقاب می‌کنم. هرکس با عترت امام حسین علیه السلام باشد، با ماست، هرکس از عترتش جدا باشد، عقاب الهی برای اوست.

ذکر اسامی امامان از نسل امام حسین علیه السلام در لوح

بعد خداوند متعال اسامی مبارک نه فرزند امام حسین علیه السلام را در این لوح بیان می‌کند. می‌فرماید: «أَوْلَهُمْ عَلِيُّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ»؛ اولین آنها امام علی بن الحسین علیه السلام، سیدالعبادین است. لقب سیدالعبادین را خدا برای امام علی بن الحسین علیه السلام قرار داد. «وَزَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ»؛ ایشان زینت اولیای من است، امام زین‌العابدین علیه السلام زینت اولیای گذشته من از اول تا به امروز است. این را خدا می‌فرماید. امام محمد باقر علیه السلام اینها را به جابر می‌فرماید. سپس می‌فرماید: «وَأَبْنُهُ شَبِيهُ جَدِّهِ الْمُحْمُودِ»؛ فرزندش (امام محمد باقر علیه السلام) شبیه جدش است؛ یعنی شبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که لقبش محمود است. «مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ لِعِلْمِي»؛ محمد که شکافنده علم من است. «وَالْمَعْدِنُ لِحِكْمَتِي»؛ ایشان معدن حکمت من است. اگر حکمت می‌خواهید، نزد ائمه معصومین علیهم السلام است. غیر از این، حکمت دیگری نیست. بعضی می‌گویند از غیر ائمه معصومین علیهم السلام حکمت بگیرید. کجا برویم؟ هر جایی غیر از ائمه معصومین علیهم السلام برویم، در اشتباه هستیم. حکمتی که خداوند داده، پیش ائمه معصومین علیهم السلام است.

«سَيَهْلِكُ الْمُتَابُونَ فِي جَعْفَرٍ»؛ کسانی که درباره امام جعفر صادق علیه السلام شک می‌کنند، به هلاکت می‌رسند. «الرَّادُّ عَلَيْهِ كَالرَّادِّ عَلَيَّ»؛ خدا می‌فرماید: کسی که امام جعفر صادق علیه السلام را قبول ندارد، مثل اینکه خداوند را رد کرده است. راد بر امام صادق علیه السلام، راد بر خداوند متعال است. «حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَكْرِمَنَّ مَثْوَى جَعْفَرٍ»؛

خداوند می فرماید: برای من حق است که مقام امام جعفر صادق علیه السلام را اکرام بکنم و بالا ببرم. امام صادق علیه السلام مذهب حق جعفری است، رئیس مذهب جعفری امام جعفر صادق علیه السلام است. هرچه داریم از امام باقر علیه السلام و از امام صادق علیه السلام است.

«وَلَأَسْرِنَهُ فِي أَشْيَاعِهِ وَأَنْصَارِهِ وَأَوْلِيَائِهِ». این را عرض می کنم برای خشنودی دل شما که شیعه امام صادق هستید. خدا می فرماید: به واسطه امام جعفر صادق علیه السلام دوستان، شیعیان و پیروانش را شاد و خوشحال می کنم؛ انصار او را خوشحال می کنم، اولیای او را خندان می کنم. این را خداوند برای شیعیان می فرماید. خداوند به کسانی که شیعه امام جعفر صادق علیه السلام هستند، مقامی می دهد که خندان، خوشحال و مسرور باشند، ان شاء الله نزد ملاقات خداوند متعال.

ظهور فرقه های جدید بعد از شهادت امام موسی کاظم علیه السلام

خداوند بعد از امام صادق علیه السلام اسماء را به ترتیب در این لوح بیان می کند. «وَأَنْتَحَبْتُ [أُتِيحْتُ] بَعْدَ مُوسَى فِتْنَةً عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ»؛ امام موسی کاظم علیه السلام را انتخاب کردم. بعد از او یک فتنه تاریکی می آید که اصلاً پیدا نیست. ظلمات زیادی پیدا می شود. بعد از امام موسی کاظم علیه السلام عده ای واقفی مذهب شدند، عده ای فطحی مذهب شدند و از امامت جدا شدند. متأسفانه هفت امامی شدند.

«لِأَنَّ خَيْطَ فَرَضِي لَا يَنْقَطِعُ»؛ اما بدانید آن فرضی که من برای مردم قرار دادم، یعنی آن ولایت و امامت، هرگز منقطع نمی شود. رشته ولایت همیشه باقی است. «وَحُجَّتِي لَا تَخْفَى»؛ حجت من مخفی نمی ماند. من حجتم را برای همه مردم

آشکار می‌کنم؛ هرچند خودشان در اشتباه افتادند و به واسطه مذاهب دنیا و قدرت‌های مادی و ... از ائمه علیهم‌السلام جدا شدند. «وَأَنَّ أَوْلِيَاءِي لَا يَشْقَوْنَ»؛ سپس می‌فرماید: اولیای من هرگز به شقاوت و سختی نمی‌افتند. «أَلَا وَمَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي»؛ بدانید هرکس، یکی از آنها را انکار کند، مثل این است که نعمت من را انکار کرده است. می‌گوید که امام هفتم را قبول داریم، ولی بقیه را قبول نداریم. «وَمَنْ غَيَّرَ آيَةً مِنْ كِتَابِي فَقَدْ افْتَرَى عَلَيَّ»؛ هرکس که خدای ناکرده آیه‌ای از نشانه‌های من را تغییر دهد، او بر من تهمت و افترا بسته است. بعد می‌فرماید: «وَوَيْلٌ لِلْمُفْتَرِينَ الْجَاهِلِينَ عِنْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ عَبْدِي مُوسَى وَحَبِيبِي وَخَيْرَتِي»؛ وای بر کسانی که بعد از امام موسی کاظم علیه‌السلام افترا بستند، دروغ گفتند، منکر امامت شدند و گفتند بعد از امام موسی کاظم علیه‌السلام امامی نیست.

تکذیب امام رضا علیه‌السلام تکذیب همه امامان علیهم‌السلام

«إِنَّ الْمُكَذِّبَ بِالثَّامِنِ مُكَذِّبٌ بِكُلِّ أَوْلِيَائِي»؛ آگاه باشید کسی که امام هشتم را قبول نداشته باشد، دیگر ائمه را نیز قبول ندارد. اگر امام هشتم را قبول نداشته باشد و تا امام هفتم را قبول داشته باشد، مکذّب همه اولیای من است. هیچ‌کدام از اولیای من از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گرفته تا امام زمان علیه‌السلام را قبول ندارد. این‌طور نیست. اینها همه با هم هستند.

امام رضا علیه السلام حامل ثقل نبوت

«وَعَلِيٌّ وَلِيِّي وَنَاصِرِي»؛ بعد از امام موسی کاظم علیه السلام علی بن موسی الرضا علیه السلام ولی و ناصر من است. «وَمَنْ أَضْعُ عَلَيْهِ أَعْبَاءَ النَّبُوَّةِ»؛ کسی است که ثقل نبوت را بر او قرار می‌دهم، رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، رسالت ائمه معصومین علیهم السلام را روی دوش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام قرار می‌دهم. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام چنین مقامی دارد.

مظلومیت امام رضا علیه السلام

«يَقْتُلُهُ عَفْرِيَّتٌ مُسْتَكْبِرٌ»؛ برای چه این مطلب را فقط برای امام رضا علیه السلام بیان می‌فرماید خداوند متعال؟ برای سایر ائمه علیهم السلام نمی‌فرماید که چه کسی آنها را می‌کشد. اما نسبت به شهادت امام رضا علیه السلام و مظلومیت آن حضرت، واقعاً آن قدر امام رضا علیه السلام مظلوم است که خداوند متعال اینجا بیان می‌کند: «يَقْتُلُهُ عَفْرِيَّتٌ مُسْتَكْبِرٌ»؛ شخص عفریت، بد اخلاق، مستکبر، بی‌دین و متکبر او را می‌کشد؛ آن شخص عبارت است از: مأمون.

این مأمون طوری خودش را در میان مردم جلوه داده بود که مردم خیال می‌کردند، ایشان از دوستان امام رضا علیه السلام است. اصلاً باور نمی‌کردند که قاتل امام رضا علیه السلام مأمون باشد و حضرت این قدر مظلوم بود.

«يُذْفَنُ بِالْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ (ذُو الْقَرْنَيْنِ) إِلَى جَنْبِ شَرِّ خَلْقِي»؛ علی بن موسی الرضا علیه السلام در جایی به خاک سپرده می‌شود که عبد صالح خداوند، ذوالقرنین آنجا را بنا کرده بود، پیش بدترین خلق من که عبارت از: هارون - علیه اللعنة و العذاب - است.

فضایل و کرامات امام جواد علیه السلام

«حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأُقِرَّنَّ عَيْنَهُ بِمُحَمَّدِ ابْنِهِ وَخَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَهُوَ وَارِثُ عِلْمِي وَمَعْدِنُ حِكْمَتِي وَمَوْضِعُ سِرِّي وَحُجَّتِي عَلَى خَلْقِي». بعد می فرماید: چشم علی بن موسی الرضا علیه السلام را به فرزندش امام محمد بن علی الجواد علیه السلام روشن می کنیم. امام جواد علیه السلام نیز دارای این صفات است. حجت من بر خلق من است.

«لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ بِهِ إِلَّا جَعَلْتُ الْجَنَّةَ مَثْوَاهُ، وَشَفَعْتُهُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا النَّارَ»؛ هر کس به امام جواد علیه السلام ایمان بیاورد، بهشت را مکان و مقر او قرار می دهد، خداوند می فرماید: امام جواد علیه السلام را بر هفتاد نفر از اهل بیتش شفیع قرار می دهد کسانی که مستوجب آتش الهی هستند، امام جواد علیه السلام بر آنها شفاعت می کند و آنها را از آتش جهنم نجات می دهد.

«وَأَخْتِمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ عَلِيٍّ وَلِيِّي وَنَاصِرِي»؛ بعد از امام جواد علیه السلام نوبت به امام هادی علیه السلام (علی بن محمد هادی علیه السلام) می رسد. سعادت را بعد از او برای فرزندش علی ختم می کنم که ولی و ناصر من است. «وَالشَّاهِدِ فِي خَلْقِي، وَأَمِينِي عَلَى وَحْيِي»؛ و امانت دار وحی الهی است و همه آنها امناء الله هستند. تمام ائمه معصومین علیهم السلام امین وحی الهی هستند.

«أُخْرِجُ مِنْهُ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِي وَالْخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ»؛ نوبت به امام حسن عسکری علیه السلام می رسد. امام حسن عسکری علیه السلام که دعوت کننده به راه من و خزینة علم من است را از صلب امام هادی علیه السلام خارج می کنم.

خداوند متعال تمام اسامی ائمه علیهم السلام را در این لوح به ترتیب بیان کرد. «ثُمَّ أُكْمِلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ»؛ سپس امامت و وصایت را به فرزند امام حسن عسکری علیه السلام که رحمة للعالمین است، کامل می‌کنم. برای همهٔ جهانیان رحمت است؛ همان‌طور که جدش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تمام عالم رحمت بود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛^۱ وجود مبارک و مقدس حضرت حجت قلوبنا نیز رحمة للعالمین است.

«عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى، وَبَهَاءُ عِيسَى، وَصَبْرُ أَيُّوبَ»؛ خداوند کمالاتی که موسی علیه السلام دارد را برای امام زمان علیه السلام بیان می‌کند. بها و قیمتی که عیسی علیه السلام دارد برای امام زمان علیه السلام است. صبری که خداوند برای ایوب قرار داد، آن صبر نیز برای امام زمان علیه السلام است که در این غیبت کبری این‌همه صبر کرده است، این‌همه شیعیانش ببینید به چه روزی افتادند، شیعیان امام زمان علیه السلام چه ناراحتی‌ها و مشکلاتی دارند. امام زمان علیه السلام همه را می‌داند و صابر هستند. تا بالآخره روزی بیایند و از دشمنانشان انتقام بگیرند.

شرایط عصر ظهور در حدیث لوح

بعد شرایط عصری که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند و ویژگی یاران و اصحاب حضرت را بیان می‌کند تا اینکه می‌فرماید: «أُولَئِكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا، بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ، وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ، وَأَرْفَعُ عَنْهُمْ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ»؛ ائمه

۱. انبیاء، ۱۰۷. «ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

معصومین علیهم السلام اولیای حق خداوند هستند که به واسطه آنها فتنه‌های تاریک و ظلمانی را از بین می‌برند و به وسیله آنها مشکلات مردم را از بین خواهد برد. «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»^۱ خداوند صلوات و رحمتی از طرف خودش بر آنها می‌فرستد.

بعد از آنکه لوح تمام می‌شود و خدمت حضرت این را می‌گوید. «قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَالِمٍ»؛ عبدالرحمن بن سالم پیش ابوبصیر بود و ابوبصیر داشت این مطالب را برای عبدالرحمن بیان می‌کرد. «قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: لَوْ لَمْ تَسْمَعْ فِي دَهْرِكَ إِلَّا هَذَا الْحَدِيثَ لَكَفَّاكَ»؛ ابوبصیر گفت: اگر در تمام عمرت همین یک حدیث را شنیده بودی، برای تو کفایت می‌کرد. برای ما هم همین‌طور. ما باشیم و همین یک حدیث، ما باشیم و همین لوحی که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام داشتند و امروز این لوح در دستان مبارک حضرت بقیة الله علیها السلام است، ما باشیم و این لوح، می‌فرماید شنیدن این حدیث برای دنیا و آخرت‌مان کفایت می‌کند.

بعد می‌فرماید: «فَصُنُّهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ»؛ سفارش می‌کند این لوح را حفظ کن و پیش خودت نگه‌دار. هر جایی این مطالب را نگویند، اینها را نگه دارید، مگر کسانی که اهلش هستند و سزاوار هستند، می‌توانید بخوانید، برای کسانی که شایستگی دارند.

۱. اشاره به آیه ۱۵۷ سوره بقره. «اینها همان‌ها هستند که به آنها درووها و رحمتی از جانب

پروردگارشان می‌رسد، و آنها هدایت‌یافتگانند.»

لوح حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را بخوانید؛ این لوح از طرف خداوند متعال برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ایشان هم به عنوان هدیه و کادو به دختر عزیزش، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام دادند و در کتب شیعه و کتب اهل سنت این لوح نوشته شده و آمده است. ما باشیم و این لوح، باید وظیفه خودمان را نسبت به این لوح بدانیم. بعد از آمدن این لوح، تردید در امر امامت امام زمان علیه السلام بر احدی جایز نیست.

امیدواریم که ان شاء الله بتوانیم آن طوری که باید و شاید از این روایات و از این لوح استفاده کامل را ببریم.

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا

قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كُلُّوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾^۱

۱. بقره، ۶۰. «و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور

دادیم عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن، ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید؛

آن گونه که هر یک (از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل)، چشمه مخصوص خود را

می شناختند، (و گفتیم:) از روزی های الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید.»

توسل حضرت موسی علیه السلام به انوار پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت

یکی از آیاتی که بر عدد دوازده و وجود مبارک امام زمان علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام دلالت می کند، آیه ۶۰ سوره بقره است. در روایت آمده است بعد از اینکه بنی اسرائیل بر اثر سرکشی و نافرمانی در بیابانها سرگردان شدند و تشنه شدند و به خواری و بیچارگی مبتلا شدند، نزد حضرت موسی علیه السلام آمدند و انابه و تضرع کردند و از ایشان درخواست کردند که از خداوند متعال طلب آب کند تا آنها از تشنگی نجات پیدا کنند. حضرت موسی علیه السلام دست به دعا برداشتند و طبق این روایت خداوند متعال را به انوار پاک اهل بیت علیهم السلام و ائمه معصومین علیهم السلام قسم دادند. این روایت در کتاب شریف بحار الانوار و همچنین در تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آمده است.^۱ حضرت موسی علیه السلام در درگاه خداوند متعال عرض کردند:

«إِلَهِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَبِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ، وَبِحَقِّ عَشْرَتِهِمْ وَخُلَفَائِهِمْ سَادَةِ الْأَزْكَيَاءِ، لَمَا سَقَيْتَ عِبَادَكَ هَؤُلَاءِ».

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۶۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۴.

«فَقَالَ مُوسَى: إِلَهِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَبِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ وَبِحَقِّ عَشْرَتِهِمْ وَخُلَفَائِهِمْ سَادَةِ الْأَزْكَيَاءِ، لَمَا سَقَيْتَ عِبَادَكَ هَؤُلَاءِ. فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى: يَا مُوسَى اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ، فَضْرَبَهُ بِهَا، فَأَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا».

خیلی این روایت عجیب است. در آن زمان حضرت موسی علیه السلام برای اینکه مردم را از تشنگی نجات دهد و از خداوند متعال آب و رحمت الهی بطلبد، به انوار مقدس ائمه معصومین علیهم السلام متوسل می شود. حضرت موسی علیه السلام خدا را به وجود پاک و مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله که سید انبیا و به حق علی که سید اوصیا و همچنین به وجود مبارک حضرت صدیقه طاهره علیها السلام که سیده زنان است و به امام حسن مجتبی علیه السلام، سید اولیا و به امام حسین علیه السلام، سیدالشهدا و همچنین به بقیه عترت قسم می دهد.

«وَبِحَقِّ عِزَّتِهِمْ وَخُلَفَائِهِمْ»؛ تمام عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای آنها که عبارتند از: «سَادَةُ الْأَرْكَانِ»؛ سادات زکی، تقی و نقی که همه در درگاه خداوند متعال مقام و ارزش داشتند و حضرت موسی علیه السلام به آنها خدا را قسم می دهد. می دانست که اگر خداوند را به اولیای پاکش قسم دهد، مسلماً خداوند دعای او را مستجاب می کند. اینها برای ما و مردم درس است که اگر مشکلی داریم، گرفتاری داریم، همان طور که انبیای الهی در گرفتاری و در مشکلاتشان به حضرات معصومین علیهم السلام متوسل می شدند ما هم باید در گرفتاری ها و مشکلات به حضرات معصومین علیهم السلام، چهارده نور پاک متوسل بشویم. بعد عرض می کند: «لَمَّا سَقَيْتَ عِبَادَكَ هَؤُلَاءِ»؛ که عباد و بندگان خودت را، از این تشنگی و از این ناراحتی و از این گرفتاری نجات بده.

حضرت موسی علیه السلام و دوازده چشمه

بعد خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام خطاب کرد: «يَا مُوسَى اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ»؛ ای موسی با عصایت آن سنگ را بزن. «فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا»؛ خداوند دوازده چشمه برای آنها جاری کرد که چشمه حیات بودند و آنها را از موت، ناراحتی و مشکلات و گرفتاری نجات داد.

اینها چه حسابی دارد، واقعاً باید تدبیر کرد. حضرت موسی علیه السلام باید به ائمه معصومین علیهم السلام خدا را قسم دهد تا دعایش مستجاب شود. پس از اینکه خداوند را به ائمه معصومین علیهم السلام قسم می دهد، خداوند به او خطاب می کند که با عصایت به آن سنگ بزن و از روی سنگ دوازده چشمه جاری می شود، چرا دوازده چشمه؟ دوازده چشمه ای که چشمه حیات و زندگی هستند که به وسیله آنها مردم نجات پیدا می کنند. دوازده نور پاک که اوصیای حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستند. اینها حساب هایی هستند که باید درباره آنها بیشتر تفکر و تدبیر کنیم و آن هم از روایاتی که اهل بیت علیهم السلام در این باره بیان فرمودند، توجه کنیم.

بعضی از علمای اهل سنت این را متوجه شدند و بعضی دیگر در این مسئله انصاف داشتند و فهمیدند که چرا خداوند متعال در قرآن کریم بر روی عدد دوازده تأکید دارند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم در مواقع مختلف به قرآن استشهاد می کند؛ به عدد دوازده ای که در آیات مختلف از قرآن کریم آمده است. پس اینها یک سر الهی است که به غیر از ائمه معصومین علیهم السلام هیچ کسی نمی تواند، واقعیت این اسرار

الهی را درک کند. ما هم بتوانیم مقداری، گوشه‌ای، از این اسرار و پرتوی از این فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را با استفاده از روایات و تفاسیر اهل بیت علیهم‌السلام بیان می‌کنیم.

سوالات نعتل یهودی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

روایت دیگر از کتاب *فرائد السمطين* است. همان‌طور که می‌دانید *فرائد السمطين* از کتب اهل سنت است. مؤلف این کتاب ابراهیم بن محمد جوینی است. چند مرتبه بیان کردم، متوفای ۷۳۰ هجری قمری است. این عالم اهل سنت این کتاب را در فضائل امام حسن مجتبی و امام حسین، سیدالشهدا علیهم‌السلام نوشته است. در لابه‌لای این کتاب، فضائل سایر اهل بیت علیهم‌السلام را نیز نقل می‌کند. در کتاب *منتخب الاثر* به نقل از کتاب *فرائد السمطين* آمده است.^۱ اسنادش مفصل آنجا نقل شده است. معلوم

۱. جوینی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۱۳۳ - ۱۳۵؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۲، ص ۲۱ -

۲۴، ح ۲۴۲. «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَدِمَ يَهُودِيٌّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُقَالُ لَهُ: نَعْتَلُ، فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ أَشْيَاءَ تَلْجَلُجُ فِي صَدْرِي مُنْذُ حِينٍ، فَإِنْ أَجَبْتَنِي عَنْهَا أَسَلَمْتُ عَلَى يَدِكَ، قَالَ: سَلْ يَا أَبَا عَمْرَةَ. فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ صِفْ لِي رَبَّكَ.

فَقَالَ ﷺ: إِنَّ الْخَالِقَ لَا يُوصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ وَكَيْفَ يُوصَفُ الْخَالِقُ الَّذِي تَعْجِزُ الْأَوْصَافُ أَنْ تُدْرِكَهُ وَالْأَوْهَامُ أَنْ تَنَالَهُ، وَالْخَطَرَاتُ أَنْ تُحَدَّهُ، وَالْأَبْصَارُ الْإِحَاطَةَ بِهِ، جَلَّ عَمَّا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ، نَأَى فِي قُرْبِهِ، وَقَرَّبَ فِي نَأْيِهِ، كَيْفَ الْكَيْفَ فَلَا يُقَالُ لَهُ كَيْفَ، وَأَيْنَ الْأَيْنَ فَلَا يُقَالُ لَهُ أَيْنَ، هُوَ مُنْقَطِعُ الْكَيْفُوفِيَّةِ وَالْأَيْنُونِيَّةِ. فَهُوَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ، وَالْوَاصِفُونَ لَا يَبْلُغُونَ نَعْتَهُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ؛ ... فَأَخْبِرْنِي عَنْ وَصِيكَ مَنْ هُوَ؟ فَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ، وَإِنَّ نَبِيَّنَا ←

می شود که روایت بسیار معتبری است و اهل سنت هم آن را قبول دارند.

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَدِمَ يَهُودِيٌّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُقَالُ لَهُ نَعْتَلٌ؛ از ابن عباس نقل شده است که شخصی یهودی که اسمش نعتل بود، نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و محضر مبارک ایشان شرفیاب شد. «فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ أَشْيَاءَ تَلَجَلَجُ فِي

→ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَوْصَى إِلَى يُوْشَعَ بْنِ نُونٍ. فَقَالَ: نَعَمْ إِنَّ وَصِيَّيَّ وَالْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ، وَبَعْدَهُ سِبْطَايَ الْحُسَيْنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ يَتْلُوهُ تِسْعَةَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَةً أَبْرَارًا. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ فَسَمِّهِمْ لِي. قَالَ: نَعَمْ إِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ فَابْنُهُ عَلِيٌّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ جَعْفَرٌ، فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَابْنُهُ مُوسَى، فَإِذَا مَضَى مُوسَى فَابْنُهُ عَلِيُّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ، ثُمَّ ابْنُهُ عَلِيُّ، ثُمَّ ابْنُهُ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ الْحُجَّةُ بْنُ الْحُسَيْنِ، فَهَذِهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَلَى عَدَدِ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ. قَالَ: فَأَيْنَ مَكَانُهُمْ فِي الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَعِيَ فِي دَرَجَتِي.

قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَوْصِيَاءُ بَعْدَكَ، وَلَقَدْ وَجَدْتُ هَذَا فِي الْكُتُبِ الْمُتَقَدِّمَةِ، وَفِيمَا عَهَدَ إِلَيْنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ أَنَّهُ إِذَا كَانَ آخِرُ الزَّمَانِ يَخْرُجُ نَبِيٌّ يُقَالُ لَهُ أَحْمَدُ خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ، فَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةً أَبْرَارًا عَدَدَ الْأَسْبَاطِ.

فَقَالَ: يَا أَبَا عَمْرَةَ أَتَعْرِفُ الْأَسْبَاطَ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُمْ كَانُوا اثْنَيْ عَشَرَ أَوْ لَهُمْ لَاوِيُّ بْنُ بَرِّخِيَا، وَهُوَ الَّذِي غَابَ عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ غَيْبَةً طَوِيلَةً ثُمَّ عَادَ فَأَظْهَرَ اللَّهُ شَرِيعَتَهُ بَعْدَ دِرَاسَتِهَا وَقَاتَلَ قَرَشَطِيَا الْمَلِكَ حَتَّى قَتَلَهُ.

فَقَالَ ﷺ: كَأَنَّ فِي أُمَّتِي مَا كَانَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذَوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَالْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ، وَإِنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يَرَى، وَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَنٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ، وَيُجَدِّدُ الدِّينَ، ثُمَّ قَالَ ﷺ: طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، وَطُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ، وَالْوَيْلُ لِمُبْغِضِهِمْ.

فَانْتَفَضَ نَعْتَلٌ وَقَامَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَنْشَأَ يَقُولُ: «...».

صَدْرِي مُنْذُ حِينٍ»؛ عرض کرد: ای محمد! من از شما سؤال‌هایی دارم، از چیزهایی که مدت‌هاست در دلم خطور کرده و دنبال این هستم که کسی جواب سؤالاتم را بدهد. «فَإِنْ أَجَبْتَنِي عَنْهَا أَسَلَمْتُ عَلَى يَدِكَ»؛ اگر جواب دادی، من اسلام می‌آورم و دین مقدس اسلام را قبول می‌کنم. حضرت فرمود: «قَالَ: سَلْ يَا أَبَا عُمَارَةَ»؛ حضرت اشاره کرد که ما کنیه تو را هم می‌دانیم. فرمود: سؤال کن ای ابوعمار! ایشان از صفات خداوند متعال سؤال می‌کند. «فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ صِفْ لِي رَبَّكَ»؛ گفت: ای محمد! پروردگارت را برایم توصیف کن.

توصیف خداوند توسط پیامبر اکرم ﷺ

«فَقَالَ ﷺ: إِنَّ الْخَالِقَ لَا يُوصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ»؛ مگر ما می‌توانیم خالق را توصیف کنیم و به مردم بشناسانیم، مگر به آنچه که خودش، خود را توصیف کرده، وصف کنیم. همه اسمای الهی را باید از خداوند متعال بگیریم. تمامی این مطالب برای ما درس است، ما نمی‌توانیم بگوییم خداوند چنین اسمی دارد. امروز خداوند چنین صفتی دارد، مگر اینکه خود پیامبر ﷺ، ائمه معصومین ﷺ و خود خداوند متعال برای ما بیان کردند؛ ما نمی‌توانیم از خود چیزی اضافه کنیم، مگر آنچه آنها فرمودند.

«وَكَيفَ يُوصَفُ الْخَالِقُ الَّذِي تَعْجزُ الْأَوْصَافُ أَنْ تُدْرِكَهُ وَالْأَوْهَامُ أَنْ تَنَالَهُ»؛ مگر وصف‌ها می‌تواند او را درک کند؛ وهم‌ها به حقیقت و کنه خدا برسد. خداوند می‌تواند چیزی که در دل ما، افکار و اذهان ما خطور می‌کند، آن را بشناسد.



«وَالْخَطَرَاتُ أَنْ تُحَدَّهٗ وَالْأَبْصَارُ عَنِ الْإِحَاطَةِ بِهِ جَلَّ عَمَّا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ»؛ مگر می توانیم با این چشم‌ها به خداوند متعال احاطه پیدا کنیم. خداوند از آنچه مردم او را وصف می‌کنند، بلندتر و عظیم‌تر است، آنچه را خودش فرموده، می‌توانیم بگوییم:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾^۱

صفتی که خداوند متعال در قرآن فرموده است: «فَهُوَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ وَالْوَاصِفُونَ لَا يَبْلُغُونَ نَعْتَهُ، لَمْ يَلِدْ، وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

«قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ»؛ عرض کرد ای محمد! همچنین است که شما فرمودی.

اوصیای پیامبر اکرم ﷺ

«فَأَخْبِرْنِي عَنْ وَصِيكَ مَنْ هُوَ؟ فَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ»؛ به من بگوید وصی شما کیست؟ فرد یهودی به پیامبر ﷺ عرض کرد، هر پیامبری که آمده، وصی‌ای داشته است. «وَإِنَّ نَبِيَّنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ أَوْصَى إِلَى يُوشَعَ بْنِ نُونٍ»؛ نبی ما حضرت موسی ﷺ به یوشع بن نون ﷺ وصیت کرد، وصی حضرت موسی ﷺ، یوشع ﷺ بود. «فَقَالَ: نَعَمْ إِنَّ وَصِيَّيَّ وَالْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»؛ پیامبر ﷺ فرمودند: بله، وصی من و خلیفه بعد از من امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب ﷺ است. «وَبَعْدَهُ سِبْطَايَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، يَتْلُوهُ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَةً أَبْرَارًا»؛ بعد از علی بن ابی‌طالب ﷺ دو سبط من که عبارتند از: امام حسن و امام حسین ﷺ و بعد از امام حسین ﷺ نه نفر

۱. بقره، ۲۵۵؛ آل عمران، ۲. «هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده که قائم به ذات

خودش است».

از فرزندان ایشان که همه آنها امامان پاکی هستند که خداوند آنها را برای هدایت و ارشاد مردم انتخاب نمود.

«قَالَ: يَا مُحَمَّدُ فَسَمِّهِمْ لِي»؛ فرد یهودی به پیامبر ﷺ عرض کردند، نام مبارک این نه نفر را نیز برای ما بیان کنید.

از بعضی پرسیده بودند که آیا اسامی مبارک دوازده امام جایی آورده شده، متأسفانه نتوانستند جواب دهند. نوشته بودند که خیر، به عدد دوازده اشاره شده، ولی اسامی آنها جایی نوشته نشده است؛ درحالی که این همه روایت، حتی از کتب اهل سنت وجود دارد که اسامی مبارکه دوازده امام ﷺ را بیان کرده است. باید مطالعه کرد، این طور نیست، اگر از کسی پرسیدند، نتوانست جواب بدهد، بگوید مدتی به من مهلت دهید تا در آینده یا فردا به شما جواب خواهم داد؛ یا از دیگران سؤال کند یا کتابها را ببیند یا آن اشخاصی که تخصص دارند. هر مسئله‌ای را باید از کارشناس خودش سؤال کرد. باید بدانند چه کسانی در امر مهدویت تخصص دارند، باید از آنها سؤال کرد.

«قَالَ: نَعَمْ إِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ فَأَبْنَةُ عَلِيٍّ»؛ فرمود: بعد از اینکه امام حسین ﷺ به شهادت رسیدند، فرزند ایشان امام علی بن الحسین، زین العابدین ﷺ که خداوند متعال در حدیث لوح، ایشان را به عنوان سیدالساجدین و زین العابدین معرفی فرمود، به امامت می‌رسند. «فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَأَبْنَةُ مُحَمَّدٍ، فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَأَبْنَةُ جَعْفَرٍ، فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَأَبْنَةُ مُوسَى، فَإِذَا مَضَى مُوسَى فَأَبْنَةُ عَلِيٍّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَأَبْنَةُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ ابْنَةُ عَلِيٍّ، ثُمَّ ابْنَةُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ ابْنَةُ الْحُجَّةِ بْنِ الْحُسَيْنِ»؛ سپس بعد از این یازده امام، بعد از

وجود مقدس امام حسن عسکری علیه السلام وجود مقدس حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام است.

این روایت در کتاب *فرائد السمطين* نقل شده است. این عالم سنی در این کتاب اسامی دوازده امام را از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای این فرد یهودی نقل می کند. خود اهل سنت این روایت را بیان می کنند.

«فَهَذِهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله بلافاصله به آیه شریفه قرآن استشهاد می کند: «فَهَذِهِ

اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَلَى عَدَدِ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ ائمه، دوازده نفر هستند، به اندازه نقبای

بنی اسرائیل که قرآن می فرماید: «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»^۱؛ دوازده نقیب را برای

آنها مبعوث کردیم. عدد اولیا و اوصیای من هم به عدد نقبای بنی اسرائیل است.

«قَالَ: فَأَيْنَ مَكَانَهُمْ فِي الْجَنَّةِ؟»، فرد یهودی پرسید که مکان این دوازده نور پاک

در کجای بهشت است؟ «قَالَ: مَعِيَ فِي دَرَجَتِي»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند که اینها با من

هستند در درجه و مرتبه‌ای که من در بهشت هستم.

شهادت نعل یهودی به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَوْصِيَاءُ بَعْدَكَ وَلَقَدْ

وَجَدْتُ هَذَا فِي الْكُتُبِ الْمُتَقَدِّمَةِ»؛ بعد نعل یهودی، بلند شد و شهادتین را جاری کرد

و عرض کرد: شهادت می دهم که این دوازده نفر اوصیای بعد از شما هستند.

۱. مائده، ۱۲. «و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم».

من تمام این مطالبی که شما امروز فرمودید، در کتاب‌های پیشین خودمان دیدم، در تورات هست، در انجیل هست. «وَفِيهَا عَهْدٌ إِلَيْنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ»؛ در آنچه که حضرت موسی علیه السلام برای ما گذاشت که فرمود: «أَنَّهُ إِذَا كَانَ آخِرُ الزَّمَانِ يَخْرُجُ نَبِيٌّ يُقَالُ لَهُ أَحْمَدُ خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ، يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ أَبْرَارٌ عَدَدَ الْأَسْبَاطِ»؛ در آخرالزمان پیامبری می‌آید به نام احمد که خاتم انبیاست و بعد از او دیگر پیامبری نخواهد آمد. از صلب ایشان اولیایی به وجود می‌آیند. آنها رهبران دینی ما هستند که به عدد اسباط بنی اسرائیل هستند. طبق آیه قرآن اسباط بنی اسرائیل دوازده تا هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دوازده اسباطی که در قرآن کریم آمده است،^۱ استناد کردند. فرد یهودی از قول حضرت موسی علیه السلام نقل کردند.

معرفی اسباط توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«فَقَالَ: يَا أَبَا عُمَارَةَ أَتَعْرِفُ الْأَسْبَاطَ؟»؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به این یهودی که حالا دیگر مسلمان شده بود، فرمود که می‌دانی اسباط بنی اسرائیل که دوازده تا هستند چه کسانی هستند؟ «قَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ»؛ عرض کرد بله ای رسول خدا، من اینها را می‌دانم، اسامی آنها را نیز می‌دانم. «إِنَّهُمْ كَانُوا اثْنَيْ عَشَرَ»؛ آنها دوازده نفر بودند. «أَوْلَاهُمْ لَأَوِيُّ بْنُ بَرِّخِيَا»؛ نخستین آنها لاوی بن برخیا بود که از اولیای الهی و از اوصیای حضرت موسی علیه السلام بود. «وَهُوَ الَّذِي غَابَ عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» از اینجا خوب

توجه فرمایید. پیامبر ﷺ از او سؤال کرد و ایشان جواب حضرت را دادند. «وَهُوَ الَّذِي غَابَ عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ غَيْبَةً طَوِيلَةً»؛ حضرت از بنی اسرائیل غیبت کرد، غیبت طولانی داشت. این ولی خدا که اسمش لاوی بود. «ثُمَّ عَادَ»؛ بعد از اینکه غیبت طولانی داشت، دوباره پیش مردم بازگشت. «فَأَظْهَرَ اللَّهُ شَرِيْعَتَهُ بَعْدَ دِرَاسَتِهَا»؛ بعد از اینکه شریعت این پیامبر از بین رفته بود و مندرس شده بود، خداوند شریعتش را دوباره به واسطه لاوی که از غیبت برگشته بود، زنده و احیا نمود.

«فَقَالَ: كَائِنٌ فِي أُمَّتِي مَا كَانَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَالْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ»؛ پیامبر ﷺ فرمود: آنچه در امت من اتفاق می افتد، همان‌هایی است که در بنی اسرائیل نیز اتفاق افتاده است. هر چیزی به اندازه مویی که در آنجا اتفاق افتاده، موبه مو در شریعت من هم اتفاق می افتد. هر حادثه‌ای که در زمان موسی ﷺ، در زمان عیسی ﷺ و در انبیای گذشته رخ داده، در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد. در آن زمان لاوی غایب شد، در زمان من هم یکی از اولیای من غایب می شود. پیامبر ﷺ می فرماید: «كَائِنٌ فِي أُمَّتِي مَا كَانَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَالْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ».

من این روایت را یادم هست که حضرت آیت الله والد ما بارها در سخنرانی هایشان می فرمودند: «حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ»؛ آنچه در زمان گذشته و در زمان بنی اسرائیل اتفاق افتاد، در زمان پیامبر ﷺ ما نیز اتفاق افتاد. از جمله غیبت امام زمان ﷺ. «وَإِنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى»؛ امام زمان ﷺ دوازدهمین

فرزند من نیز از میان امت من غایب می شود و دیده نمی شود؛ همان طور که الان ما از دیدن روی مبارک ایشان محروم شدیم. متأسفانه به چنین دردی مبتلا شدیم، واقعاً باید گریه کرد و از خدای متعال فرجش را بخواهیم.

«وَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَنٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ»؛ و زمانی می آید که در امت من از اسلام چیزی به جز اسم باقی نمی ماند. «وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ»؛ فقط رسم الخط قرآن هست، قرآن هست، اما به احکام و دستورات قرآن عمل نمی شود. «فَجَحِيئٌ يَأْذُنُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِالْخُرُوجِ»؛ در این هنگام خداوند متعال به امام زمان علیه السلام اذن می دهد که خارج شود و قیام کند. «فَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَيُجَدِّدُ الدِّينَ»؛ اسلام واقعی را اظهار می کند و دین اسلام را دوباره تجدید می کند؛ به طوری که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می کند و دین را می آورند، بعضی از مردم می گویند مگر دین پیامبر صلی الله علیه و آله این است؟ حقیقت دین اسلام و اوامر و نواهی قرآن را فراموش کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را آورد و امام زمان علیه السلام هم همان قرآن را می آورد؛ و لیکن خیلی ها فراموش کرده اند.

«ثُمَّ قَالَ: طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ»؛ سپس فرمود: خوشا به حال کسانی که دوستان اهل بیت علیهم السلام هستند. و آنها را دوست دارند. «وَطُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ»؛ و خوشا به حال کسانی که به اهل بیت علیهم السلام تمسک کنند؛ این مطلب را یک عالم سنی نقل می کند. خیلی مهم است. «وَالْوَيْلُ لِمُبْغِضِهِمْ»؛ و وای بر کسی که دشمن آنها باشد.

اشعار نعتل یهودی در وصف ائمه معصومین علیهم السلام

«فَانْتَقَضَ نَعْتَلٌ، وَقَامَ مِنْ بَيْنِ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَأَنْشَأَ يَقُولُ»؛ آن قدر نعتل، این شخص

یهودی که مسلمان شده بود، نشاط پیدا کرد و شاد شد که در مقابل وجود مقدس

پیامبر اکرم ﷺ بلند شدند و شروع کردند به شعر خواندن، اشعاری را که سرودند. این یهودی تازه مسلمان بالبداهه شعر گفت. این اشعار را انسان باید حفظ کند. ما مدت‌هاست مسلمانیم، الحمدلله همه ما سالیان سال به وجود پیامبر اکرم ﷺ، ائمه معصومین ﷺ و به دین مقدس اسلام افتخار داریم، آیا ما می‌توانیم چنین اشعاری را بیان کنیم. این اشعار به شرح زیر است:

صَلَّى الْعَلِيِّ ذُو الْعَلَى
عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الْبَشَرِ

صدا زد: صلوات و درود خداوند علی که صاحب بلندی و بلندمرتبه است، بر تو ای خیرالبشر، ای کسی که بهترین بشر هستی.

أَنْتَ النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى
وَالْهَاشِمِيُّ الْمُفْتَخَرُ

به به! چه اشعار زیبایی!

تو نبی‌ای هستی که از طرف خداوند متعال برگزیده شدی و هاشمی‌ای که افتخار همه بشر است.

بِكُمْ هَدَانَا رَبَّنَا
وَفِيكَ نَرْجُو مَا أَمَرَ

خداوند ما را به وسیله شما هدایت کرد و امیدواریم آنچه که خداوند متعال به آن فرمان داده، آنها را از شما یاد بگیریم.

وَمَعْشَرٍ سَمَّيْتَهُمْ
أَيُّمَّةً اِثْنِي عَشَرَ

«وَمَعْشَرٍ سَمَّيْتَهُمْ»، آنها چه کسانی هستند که آنها را به ما معرفی کردی؟ آنها

دوازده امامی بودند که شما آنها را به ما معرفی کردید.

ثُمَّ صَفَّاهُمْ مِنْ كَدْرِ

حَبَاهُمْ رَبُّ الْعُلَى

خداوند متعال آنها را بزرگ کرد، عطا کرد و به آنها عنایت کرد و آنها را از رجس و پلیدی نجات داد و پاک و مطهر ساخت.

وَحَابَ مَنْ عَادَى الزُّهْر

قَدْ فَازَ مَنْ وَالَاهُمْ

هرکسی با آنها باشد، رستگار می شود و هرکسی از آنها جدا شود و با آنها دشمنی کند، بدبخت و بیچاره است.

وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُتَنْظَرُ

آخِرُهُمْ يَشْفِي الظَّمَاءَ

آخرین آنها که وجود مقدس امام زمان علیه السلام، امام منتظر است، تشنگان را شفا می دهد و سیراب می کند.

«وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُتَنْظَرُ». این اشعار را در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید. حالا کجا بودند

آنهايي که با امیرالمؤمنین علیه السلام مخالفت کردند. ایشان دارد صدا می زند و آخرین آنها، امام زمان علیه السلام را نیز توصیف می کرد، ولی منافقین حتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام - که اولین آنها بود - را رها کردند.

وَالتَّابِعُونَ مَا أَمَرَ

عِثْرَتِكَ الْأَخْيَارُ لِي

عترت برگزیده تو از آن من و ذخیره منند و کسانی هستند که به آنچه خدا فرمانشان دهد، پیروی می کنند.

فَسَوْفَ يَصَلَى بِالسَّقَرِ

مَنْ كَانَ عَنْهُمْ مُعْرِضاً

هرکس از آنها دوری کند و از آنها جدا شود، جایگاهش آتش جهنم است.

این روایت طولانی از کتاب *منتخب الاثر* نقل شد. ایشان نیز از کتاب *فرائد السمطين* که مؤلف آن ابراهیم بن محمد جوینی از عالمان سنی مذهب است این روایت را نقل کردند.

توسل به اهل بیت علیهم السلام عامل نجات و رستگاری

ما باشیم و این روایات درباره اهل بیت علیهم السلام که حتی در کتب اهل سنت از ائمه اثنی عشر علیهم السلام برای ما ذکر شده است، نباید تردید داشته باشیم. پس چرا امت اسلام هنوز هم مرددند؟ آیا نمی دانند تنها کسی که می تواند آنها را از این همه ناراحتی ها، مشکلات و گرفتاری ها نجات دهد، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. هر کجا نگاه می کنید، هر روز می بینید این همه مسلمانان ترور می شوند؛ شیعیان بی گناه کشته می شوند. اینها چه فکری دارند. الآن شما نگاه کنید که در افغانستان چه خبر است؟ چقدر مردم بی گناه مظلومانه کشته می شوند. تمام اینها به خاطر دوری ما از اهل بیت علیهم السلام است.

روایت هم داریم که تا روز قیامت هر خونی که ریخته شود، به عهده کسانی است که روز اول امام امیرالمؤمنین علیه السلام را کنار گذاشتند و وصایت، امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول نکردند. امروزه برای رفع مشکلات و ناراحتی ها همه ما باید به اهل بیت علیهم السلام متوسل شویم، همان طور که حضرت موسی علیه السلام برای اینکه امتش را از گرفتاری، قحطی، گرسنگی و تشنگی که گریبان گیر آنها شده بود، نجات دهد، به وجود ائمه معصومین علیهم السلام متوسل شدند. امروزه هم اگر بخواهیم از این همه مشکلات و ناراحتی ها نجات پیدا بکنیم باید واقعاً به اهل بیت علیهم السلام توسل

کنیم؛ زیرا وجود آنها ما را نجات می‌دهد. الآن هم اگر امنیت، خوشی و راحتی داریم به خاطر وجود آنهاست؛ «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»؛^۱ وگرنه اگر حجت نباشد، خداوند اهلش را در زمین فرو می‌برد. حالا در آینده چه می‌شود. ان‌شاءالله اگر فرصت باشد، خواهیم گفت که قبل از قیام امام مهدی عج چه اتفاقاتی قبل از این قیام رخ می‌دهد و ما باید خودمان را برای این قیام آماده کنیم. اگر صدایی از گوشه‌ای بلند شد بدانیم این صدای چیست؟ صداهایی بلند می‌شود. الآن هم این صداها بلند شده، هم صدای حق است، هم صدای باطل. باید بدانیم کدامش حق و کدامش باطل است. اگر با روایات اهل بیت ع مانوس باشیم، صدای حق را می‌شنویم. اما اگر از این روایات دور باشیم، در بطلان هستیم و ممکن است به انحراف کشیده شویم.

شناخت امام زمان عج و وظیفه هر شیعه

متأسفانه دوری از روایات اهل بیت ع الآن در بعضی از مراکز علمی هم اثر کرده است، اینها واقعاً برای ما درد است. چرا؟ زیرا ما از روایات و کتب اهل بیت ع جدا هستیم. وظیفه هر مسلمانی - به خصوص شیعه - این است که حداقل یک دوره از کتبی که درباره امام زمان عج نوشته شده، مطالعه کند. آن‌هم مؤلفین گران‌قدری که در این باره تخصص دارند، مثل کمال الدین شیخ صدوق ع، مثل کفایة الاثر خزاز

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۴؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۱۹؛ طبری امامی، دلائل الامامة، ص ۴۳۶؛

ابوالصلاح حلبی، تقریب المعارف، ص ۴۱۹؛ طوسی، الغیبة، ص ۱۳۹ (با تغییر در عبارات).

قمی، مثل *مقتضب الاثر* جوهری و مثل *متنخب الاثر*، همه این کتاب‌ها مورد تأیید است، مثل کتاب شریف *کمال الدین* که به امر مبارک حضرت علیه السلام نوشته شده و خود شیخ صدوق رحمته الله به دعای آن بزرگوار به دنیا آمده‌اند. خداوند متعال این مولود را به پدر بزرگوارش عنایت فرمود. علی بن بابویه که قبر مبارک ایشان اینجا (قم) است و به دعای امام زمان علیه السلام به عالم اسلام این همه خدمت کرد. همچنین کتاب *متنخب الاثر* که این کتاب هم مورد نظر امام زمان علیه السلام قرار گرفته است.

آقایان، طلاب، مبلغین در جلساتی که مبلغین تشریف می‌برند، اگر نام مبارک امام زمان علیه السلام در آن جلسه برده شود، آن جلسه مورد نظر امام زمان علیه السلام است و مردم هم یک اقبال خاصی به آن جلسه دارند. امام زمان علیه السلام اثری در آن جلسه می‌گذارد که در سایر مجالس آن اثر نیست. مردم امروز تشنه‌اند. همه دنیا، به‌خصوص شیعیان از این همه ظلم و از این همه حوادث ناگواری که در دنیا اتفاق می‌افتد، خسته شده‌اند، همه دنبال یک نسخه واقعی هستند. وظیفه ما شیعیان این است که در تعجیل حضرت دعا کنیم. «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۱

ان شاء الله همه منتظر آن دولت کریمه هستیم که آقا تشریف بیاورند و ما هم جزو انصار و یاوران آن حضرت قرار بگیریم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۹۲ - ۲۹۳؛ طبرسی، اعلام الوری،

ج ۲، ص ۲۷۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱ - ۱۸۲.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾^۱

مذهب جعفری، دین حق

جلسات گذشته بعضی از آیاتی که درباره وجود مقدس حضرت ولی الله الاعظم، امام زمان علیه السلام نازل شده، بیان شد. همچنین روایاتی از وجود مقدس

۱. توبه، ۳۶. «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد)؛ این، آیین ثابت و پایرجای الهی است.»

حضرت رسول اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ هم از کتب اهل سنت و هم از کتب علمای شیعه مطالبی را عرضه داشتیم. بحث بسیار مهمی است و عظمت این بحث از آنجا معلوم می‌شود که اگر ما بتوانیم از کتب اهل سنت این مطلب را اثبات بکنیم که ائمه اثنی عشری ﷺ و وجود مقدس امام زمان ﷺ در کتاب‌های اهل سنت به عنوان دوازده امام معصوم از طرف خداوند متعال هستند، اولین آنها امیرالمؤمنین ﷺ و آخرین آنها حضرت حجت ﷺ است؛ از این جهت برای هیچ یک از مسلمانان باید تردیدی باقی نماند که دین حق و دینی که خداوند متعال برای هدایت مردم انتخاب کرده که می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾؛ همان دین حقه جعفریه و اثنی عشریه است؛ لذا این مسئله در کتب اهل سنت به وضوح بیان شده است. از جمله کتاب‌هایی که علمای بزرگ و مورد ثقة اهل سنت این مطلب را بیان کردند، کتاب *فرائد السمطين* است. این کتاب را یکی از علمای بزرگ آنها نقل کرده است؛ احادیثی را که درباره فضائل امام حسن و امام حسین ﷺ است، نقل کرده و همچنین فضائل سایر اهل بیت ﷺ را هم در آنجا آورده است. روایات این کتاب بسیار زیادند، یک روایت را از این کتاب بیان می‌کنیم، بعد روایت دیگری از علمای اهل سنت در همین باره بیان می‌کنیم.

این روایت را در کتاب شریف *منتخب الاثر از فرائد السمطين* نقل می‌کنند.^۲

۱. توبه، ۳۶. «این، آیین ثابت و پابرجای الهی است».

۲. جوینی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۳۱۲؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۱۵۳.

«عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي

وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي الْإِثْنَا عَشَرَ، أَوْهُمْ أَحِبِّي وَأَخْرَهُمْ وَلَدِي. وَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، ←

سعید بن جبیر مفسر بزرگ قرآن و از اصحاب خاص امام علی علیه السلام

«عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؛»

سعید بن جبیر یکی از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام بود. ایشان در زمان حجاج زندگی می کرد. حجاج با شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام دشمنی و عداوت داشت و بسیاری از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام را شهید کرد. سعید بن جبیر از کوفه به قم مهاجرت نمود. بعد در همین حوالی جمکران، چهار سال اقامت داشت. از این مطلب معلوم می شود که قم و حوالی آن و جمکران از آن زمان مورد نظر شیعیان بوده است و اینکه فرمودند: «قُمْ عَشْرُ آلِ مُحَمَّدٍ»^۱؛ حتی قبل از اینکه مسجد مقدس جمکران بنا شود، جمکران قداست خاصی داشت؛ از این رو مردم به قم می آمدند. شیعیانی که از ظلم بنی امیه به ستوه آمده بودند، به شهر قم پناه می آوردند و مردم قم از آنها پذیرایی می کردند و مهمان مردم قم بودند. معلوم می شود قم از سابق مورد توجه ائمه معصومین علیهم السلام و شیعیان خاص آن حضرت بود. البته سعید بن جبیر بعد از اینکه چهار سال در قم زندگی کرد، به ایشان اطلاع دادند که

→ وَمَنْ أَخْوَك؟ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ: الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمُهْدِيُّ فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ، وَتُشْرِقَ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَيَبْلُغَ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ».

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۴.

وضعیت تغییر یافته و دوباره به کوفه بازگشت. حجاج وقتی شنید که سعید آمده، دستور داد او را دستگیر کردند.

اگر بخواهیم در احوالات ایشان وارد شویم مطلب مفصل است. حجاج به او گفت: تو را از بین می‌برم و شهید می‌کنم. سعید بن جبیر گفت که بدان من منتظر چنین روزی بودم و امیرالمؤمنین علیه السلام به من گفت که اگر من شهید شوم، آخرین کسی هستم که به دست تو کشته می‌شوم و دیگر بعد از من تو موفق نمی‌شوی شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام را از پای در بیاوری. پس از اینکه حجاج، سعید بن جبیر را شهید کرد، به درد بسیار بدی مبتلا شد. نوشته‌اند که شب‌ها تا صبح نمی‌توانست بخوابد تا به درک واصل شد.

سعید بن جبیر از مفسرین بزرگ است. کتاب تفسیر ایشان مشهور است و از کسانی بود که در کوفه تفسیر می‌گفت و بیشتر تفاسیرش را از ابن عباس نقل کرده است.

این روایت را نیز مؤلف کتاب *فرائد السمطين* از سعید بن جبیر نقل می‌کند، و سعید از ابن عباس. «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي الْإِثْنَا عَشَرَ»؛ ایشان نقل می‌کند که پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: که خلفا و اوصیای من و حجت‌های خداوند بر مردم، بعد از من دوازده نفر هستند. «أَوْلَهُمْ أَحِبِّي، وَآخِرُهُمْ وَلَدِي»؛ اولین آنها برادرم است و آخرین آنها هم فرزندم است. «وَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: وَمَنْ أَخُوكَ؟». فرمودید: وصی من برادر من است. برادر

شما کیست؟ «قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»؛ حضرت فرمود: برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام است. «قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟»؛ اینکه فرمودید آخرین آنها فرزند من هست، فرزند شما کیست؟ «قَالَ: الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ حضرت فرمود: فرزندم مهدی است که جهان را پر از عدل و داد می‌کند، بعد از اینکه جهان را ستم و ظلم فرا گرفته است. «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرَجَ فِيهِ وَلَدِي الْمُهْدِيُّ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: قسم به خدایی که مرا به حق فرستاد. اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند، خداوند این روز را آنقدر طولانی می‌کند تا اینکه در آن روز فرزندم، مهدی ظهور کند.

نزول حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور امام زمان علیه السلام

«فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ»؛ در این هنگام بعد از اینکه حضرت ظهور می‌کند، روح خدا، عیسی بن مریم، از آسمان نازل می‌شود و به امام زمان علیه السلام اقتدا می‌کند. ان شاء الله در این باره بحث خواهیم داشت که حضرت عیسی علیه السلام نازل می‌شوند و به حضرت اقتدا می‌کنند. همان‌طور که می‌دانید حضرت عیسی علیه السلام زنده هستند، همان‌طور که در قرآن آمده است: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»^۱. حضرت عیسی علیه السلام نازل خواهند شد و به امام زمان علیه السلام اقتدا می‌کنند.

۱. نساء، ۱۵۷. «نه او را کشتند و نه به دار آویختند و لکن امر بر آنها مشتبه شد».

حکومت واحد جهانی در عصر امام زمان علیه السلام

«وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»؛ و خداوند متعال زمین را به نور خودش و به وسیله امام زمان علیه السلام نورانی می‌کند و سلطنت و حکومت الهی حضرت مهدی علیه السلام مشرق و مغرب را فرا می‌گیرد؛ یعنی در دنیا فقط یک حکومت است و آن حکومت الهی امام زمان علیه السلام است که در تمام دنیا فقط ندای: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، وَعَلِيٌّ وَأَبْنَاؤُهُمُ الْمُعْصُومِينَ حُجَجُ اللَّهِ»، به گوش می‌رسد. ان شاء الله آن زمان را همه ما درک کنیم و با عافیت کامل در رکاب آن حضرت باشیم؛ زیرا روایت هست که از خداوند ظهور را با عافیت کامل بخواهید. این حدیث شریف را *منتخب الاثر* از کتاب *فرائد السمطين* نقل می‌کند. البته این روایت در کتب دیگر نیز هست، مثل *کمال الدین*^۱؛ همچنین کتاب *ینابيع المودة* که روایت دیگر را از این کتاب می‌خوانیم. این عالم سنی این روایت را در کتابش نقل کرده است.

ینابيع المودة نوشته یکی از علمای بزرگ اهل سنت است. ایشان در آن کتاب این روایت را نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ائمه معصومین علیهم السلام دوازده نفرند. نخستین آنها امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام است.^۲

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. قندوزی، ینابيع المودة، ج ۳، ص ۳۸۳ - ۳۸۴.

وقتی که این کتاب‌ها را مطالعه و بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که قضیه حضرت مهدی علیه السلام و قیام جهانی آن حضرت یک مسئله حتمی است که باید در جهان اتفاق بیفتد و از آن اسرار و سنت‌های الهی است که حتماً اتفاق خواهد افتاد. خداوند متعال جهان را برای یک حکومت واحد جهانی خلق کرده و این حکومت واحد جهانی در عصر امام مهدی علیه السلام اتفاق خواهد افتاد.

فضیلت دعای افتتاح در ماه مبارک رمضان

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ»^۱ دولت کریمه فقط در زمان وجود مقدس

امام زمان علیه السلام تشکیل می‌شود.

لابد این شب‌ها دعای افتتاح را می‌خوانید. حتماً این دعا را بخوانید؛ زیرا درباره امام زمان علیه السلام است. بعضی از علمای بزرگوار فرمودند که این دعا از خود امام زمان علیه السلام و به انشای ایشان است. دعای افتتاح دعای بسیار معتبر و مجرب است؛ حتماً آن را بخوانید.

اعتبار کتاب ینابیع المودة

سلیمان بن ابراهیم حسینی قندوزی بلخی حنفی، اهل قندوز است که اطراف شهر بلخ است و یکی از شهرهای افغانستان است. در اطراف بلخ

۱. طوسی، مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۵۸۱؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۶۰؛ کفعمی،

البلد الامین، ص ۱۹۵ (بخشی از دعای افتتاح).

شهری به نام قندوز است. ایشان سنی بود. حدود سال ۱۲۹۴ هجری قمری فوت کردند. این عالم سنی کتابی دارد به نام *ینابیع الموده*، کتاب بسیار معتبری است. این کتاب مورد تأیید علمای شیعه و سنی است. این عالم سنی فضائل اهل بیت علیهم السلام را در این کتاب جمع آوری کرده است. این حدیث را قندوزی نقل کرده است.

ینابیع الموده اسناد را از صاحب مناقب نقل می‌کند. «حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام». عبدالسلام بن صالح از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند. صاحب کتاب *ینابیع الموده* روایت امام رضا عليه السلام را آنجا نقل می‌کند که امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارشان نقل فرموده تا می‌رسد به امیرالمؤمنین عليه السلام.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین مخلوقات

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي»^۱؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند

۱. قندوزی، *ینابیع الموده*، ج ۳، ص ۳۷۷ - ۳۷۹؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۱، ص ۱۱۱ - ۱۱۳، ح ۱۶۱. «حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي، وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي. قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جَبْرَائِيلُ؟ فَقَالَ صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ، وَلِلْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِكَ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ مِنْ خَدَامِنَا ←

→ وَخُدَّامِ مُجِبِّينَا. يَا عَلِيُّ، الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَايَتِنَا. يَا عَلِيُّ لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ، وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ، وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ، فَكَيْفَ لَا نَكُونُ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ رَبِّنَا وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَقْدِيسِهِ، لِأَنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْوَاحَنَا، فَأَنْطَقْنَا بِتَوْحِيدِهِ وَتَحْمِيدِهِ، ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ، فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا اسْتَغْظَمُوا أَمْرَنَا، فَسَبَّحْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّا خَلَقْنَا مَخْلُوقُونَ، وَأَنَّهُ تَعَالَى مُنَزَّةٌ عَنِ صِفَاتِنَا؛ فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا، وَنَزَّهَتْهُ عَنِ صِفَاتِنَا، فَلَمَّا شَاهَدُوا عِظَمَ شَأْنِنَا هَلَلْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَا عَبِيدٌ وَلَسْنَا بِإِلَهَةٍ يَجِبُ أَنْ تُعْبَدَ مَعَهُ أَوْ دُونَهُ، فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. فَلَمَّا شَاهَدُوا كِبَرَ مَحَلَّنَا كَبَّرْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ، فَلَا يَنَالُ مَخْلُوقُهُ عِظَمَ الْمَحَلِّ إِلَّا بِهِ، فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا جَعَلَ اللَّهُ لَنَا مِنَ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ، قُلْنَا: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ، أَنَّ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا، وَأَوْجَبَهُ لَنَا مِنْ فَرَضِ طَاعَةِ الْخَلْقِ إِيَّانَا، قُلْنَا: الْحَمْدُ لِلَّهِ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَتِهِ، فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَى مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَكْبِيرِهِ وَتَحْمِيدِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ ﷺ فَأَوْدَعَنَا فِي صُلْبِهِ، وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيمًا وَإِكْرَامًا لَهُ، وَكَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ عِبُودِيَّةً، وَلِآدَمَ إِكْرَامًا وَطَاعَةً لِأَمْرِ اللَّهِ لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ، فَكَيْفَ لَا نَكُونُ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَقَدْ سَجَدُوا لِآدَمَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ.

وَإِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَدَّنَ جِبْرَائِيلُ مَثْنَى مَثْنَى، وَأَقَامَ مَثْنَى مَثْنَى، ثُمَّ قَالَ: تَقَدَّمَ يَا مُحَمَّدُ. فَقُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ أَتَقَدَّمُ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ أَجْمَعِينَ، وَفَضَّلَكَ خَاصَّةً عَلَى جَمِيعِهِمْ، فَتَقَدَّمْتُ فَصَلَّيْتُ بِهِمْ، وَلَا فَخْرَ، فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى حُجْبِ النُّورِ، قَالَ لِي جِبْرَائِيلُ ﷺ: تَقَدَّمَ يَا مُحَمَّدُ، وَتَخَلَّفَ هُوَ عَنِّي. فَقُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ تُفَارِقُنِي؟

فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ هَذَا انْتِهَاءُ حَدِّي الَّذِي وَضَعَنِي اللَّهُ فِيهِ، فَإِنْ تَجَاوَزْتُهُ اخْتَرَقْتَ أَجْنِحَتِي بِتَعَدِّي حُدُودِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ، فَزَجَّ بِي النُّورُ رَجَّةً حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى حَيْثُ مَا شَاءَ اللَّهُ مِنْ عُلُوِّ مَلَكُوتِهِ، ←

خلقی را افضل از من نیافریده است؛ یعنی افضل تمام آفریدگان خداوند حضرت محمد ﷺ است. «وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي»؛ خداوند متعال کسی را خلق نکرده که کرامتش از من بیشتر باشد.

برتری پیامبران بر ملائکه

«قَالَ عَلِيُّ ﷺ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ اینها را حضرت سؤال می کرد تا دیگران متوجه بشوند. «فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جِبْرَائِيلُ؟» حضرت علی ﷺ پرسید، آیا شما افضل هستید یا جبرئیل؟ جبرئیل که بزرگترین ملک خداوند متعال است. آیا شما

→ فَتَوَدَّيْتُ: يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ، وَخَلَقْتُكَ مِنْ نُورِي، وَأَنْتَ رَسُولِي إِلَى خَلْقِي، وَحُجَّتِي عَلَى بَرِيَّتِي، لَكَ وَلِمَنْ تَبِعَكَ خَلَقْتُ جَنَّتِي، وَلِمَنْ خَالَفَكَ خَلَقْتُ نَارِي، وَلَا أُوصِيَاؤُكَ أَوْجِبْتُ كَرَامَتِي.

فَقُلْتُ: يَا رَبِّ وَمَنْ أَوْصِيَاؤِي؟ فَتَوَدَّيْتُ: يَا مُحَمَّدُ أَوْصِيَاؤُكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سُرَادِقِ عَرْشِي، فَنَظَرْتُ فَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ نُورًا، وَفِي كُلِّ نُورٍ سَطْرًا أَخْضَرَ عَلَيْهِ اسْمُ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيَاؤِي، أَوْهُمْ عَلِيُّ ﷺ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ مَهْدِيٌّ. فَقُلْتُ: يَا رَبِّ هُوَ لَاءِ أَوْصِيَاؤِي بَعْدِي؟ فَتَوَدَّيْتُ: يَا مُحَمَّدُ هُوَ لَاءِ أَوْلِيَاؤِي وَأَحِبَّائِي وَأَصْفِيَاؤِي وَحُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي، وَهُمْ أَوْصِيَاؤُكَ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَطْهَرَنَ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمُ الْمُهْدِيَّ مِنَ الظُّلْمِ، وَلَا مَلَكَنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَلَا سَخَّرَنَ لَهُ الرِّيَّاحَ، وَلَا دَلَّلَنَ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ، وَلَا زُقَيْنَهُ فِي الْأَسْبَابِ، وَلَا نُصْرَنَهُ بِجُنْدِي وَلَا مِدَنَهُ بِمَلَائِكَتِي، حَتَّى تَعْلُو دَعْوَتِي، وَيَجْمَعَ الخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي، ثُمَّ لَا دِيمَنَّ مُلْكُهُ، وَلَا دَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَاؤِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

افضل هستید یا جبرئیل که دارای این همه مقام است؟ «فَقَالَ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ»؛ فرمود: ای علی! خداوند متعال انبیای مرسلش را بر تمام فرشتگان و ملائکه مقرب برتری داد.

برتری پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ بر سایر پیامبران

«وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ»؛ و از آن طرف خداوند مرا بر تمام انبیا و مرسلین برتری داد. پس پیامبر ﷺ افضل همه انبیاست.

«وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ»؛ و بعد از من، فضل، برای توست. ای علی! بعد از من، تو بر همه انبیا و فرشتگان فضیلت داری. «وَلِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ»؛ و برای امامان بعد از تو، از فرزندان توست. این را یک عالم سنی از قول حضرت رسول ﷺ نقل کرد.

ثمره دوستی با اهل بیت ﷺ

«فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ مِنْ خُدَّامِنَا»؛ فرشتگان الهی خادمین درگاه اهل بیت ﷺ هستند؛ یعنی فرشتگان مقرب درگاه خداوند، افتخارشان این است که خادم درگاه اهل بیت ﷺ هستند. «وَأَخْدَامٌ مُحِبِّينَا»؛ ملائکه و فرشتگان الهی حتی خادم کسانی هستند که محب و دوستدار اهل بیت ﷺ باشند. مطلب بسیار مهمی است. «يَا عَلِيُّ، الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَايَتِنَا»^۱.

۱. اشاره به آیه ۷ سوره غافر. «فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند)

تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند».

انسان وقتی این مطالب را می‌خواند، واقعاً لذت می‌برد که مقام محبین اهل بیت علیهم‌السلام و کسانی که به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فرزندانش ایمان دارند، نزد خداوند بالاتر است. ممکن است در این دنیا مظلوم باشند و دستشان از دنیا کوتاه باشد و حکومت در دست دیگران باشد و به شیعیان ظلم کنند؛ ولی حقیقت این است که آنها از همه برتر هستند. این مطلب را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای دوستداران امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان می‌کند. می‌فرماید که ای علی! ملائکه‌ای که عرش خدا را حمل می‌کنند و در حول عرش الهی هستند. «يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ»؛ خداوند متعال را تسبیح می‌کنند «وَيَسْتَغْفِرُونَ»؛ و استغفار می‌کنند. ملائکه برای چه کسانی استغفار می‌کنند؟ «لِلَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَايَتِنَا»؛ برای کسانی که به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام ایمان دارند؛ یعنی ملائکه الهی برای محبان اهل بیت علیهم‌السلام استغفار می‌کنند.

برتری مقام ائمه علیهم‌السلام از فرشتگان

«يَا عَلِيُّ لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ، وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ»؛ ای علی! اگر ما نبودیم خداوند متعال حضرت آدم و حوا را خلق نمی‌کرد. آمدن آنها طفیلی وجود ائمه معصومین علیهم‌السلام بود. اگر امامان علیهم‌السلام نبودند، بهشت و جهنم را خلق نمی‌کرد. «وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ»؛ خداوند آسمان، زمین و این همه ستارگان - چه آنهایی که کشف شده، چه آنهایی که کشف نشده‌اند - را به واسطه وجود اهل بیت علیهم‌السلام خلق کرده است. «وَكَيْفَ لَا نَكُونُ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَبَقْنَاَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَمَعْرِفَةِ رَبِّنَا وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَقْدِيسِهِ»؛ چگونه بر ملائکه افضل نباشیم،

درحالی که خداوند همه را برای ما خلق کرده است. اگر ما نبودیم خداوند چیزی را خلق نمی کرد. ما زودتر از آنها به معرفت پروردگار سبقت گرفتیم؛ یعنی قبل از اینکه ملائکه خدا را بشناسند، اهل بیت علیهم السلام خدا را شناختند. آنها زودتر پروردگار را شناختند و او را تسبیح کردند. اهل بیت علیهم السلام زودتر خدا را تهلیل کردند و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتند و خدا را تقدیس کردند.

ارواح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام اولین مخلوق خداوند

«لَإِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْوَاحَنَا»؛ اولین چیزی که خداوند متعال در این عالم خلق کرد، ارواح ائمه معصومین علیهم السلام بود. اولین موجوداتی که خداوند خلق کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولیای ایشان بود. «فَأَنطَقْنَا بِتَوْحِيدِهِ وَتَحْمِيدِهِ»؛ خداوند متعال آنها را به نطق توحید درآورد. به توحید خدا سخن گفتیم، به توحید خدا، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتیم، حمد خدا را گفتیم. همه اینها را خدا به ما یاد داد.

تعظیم ملائکه در مقابل شأن و عظمت اهل بیت علیهم السلام

«ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ»؛ خداوند متعال بعد از اینکه ما را خلق کرد و تهلیل و تحمید گفتیم، ملائکه و فرشتگان را خلق کرد. «فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا اسْتَعْظَمُوا أُمُورَنَا»؛ ملائکه مشاهده کردند که انوار مقدس ائمه معصومین علیهم السلام قبل از آنها خلق شده است. این انوار الهی چه نورهایی بودند که ملائکه تعجب کردند و شگفت زده شدند و در مقابل آنها تعظیم کردند. «اسْتَعْظَمُوا أُمُورَنَا»؛ فرشتگان الهی امر ما را تعظیم کردند و در مقابل ما تعظیم کردند.

«فَسَبَّحْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّا خَلَقْنَا مخلُوقُونَ»؛ ما برای اینکه به آنها بفهمانیم که هرچه داریم از آن خداوند است و برای اینکه به اشتباه نیفتند، خداوند را تسبیح کردیم و سبحان الله گفتیم. همه اینها درس است، برای اینکه ملائکه خدا بدانند ما مخلوق خدا هستیم. اگر ما این همه عظمت داریم و ملائکه در مقابل ما ایستاده‌اند و ما را تعظیم کردند. برای آنکه به فرشتگان بفهمانیم که هرچه داریم از آن خداوند متعال است، لذا ما سبحان الله گفتیم. «وَأَنَّهُ تَعَالَى مُنْزَةً عَنْ صِفَاتِنَا»؛ ما خدا را تسبیح گفتیم. و به آنها یاد دادیم که خداوند متعال از صفات ما پاک و منزّه است. او خدایی است که همه چیز در دست اوست.

اهل بیت علیهم السلام معلم ملائکه

«فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا وَنَزَّهَتْهُ عَنْ صِفَاتِنَا»؛ به واسطه تسبیح ما، ملائکه نیز خدا را تسبیح گفتند و خداوند متعال را از صفات مردم و صفات اولیای الهی تنزیه کردند؛ یعنی خدا را بالاتر از تمام صفات مخلوقین قرار دادند.

«فَلَمَّا شَاهَدُوا عِظَمَ شَأْنِنَا، هَلَّلْنَا»؛ وقتی که فرشتگان عظمت مقام ما را در پیشگاه خداوند متعال مشاهده کردند، ما تهلیل گفتیم؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتیم، که بدانند خداوند قدرتی بالاتر از ماست. «لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَا عِبِيدٌ وَلَسْنَا بِأَلِهَةٍ»؛ برای اینکه ملائکه بدانند ما عبد خدا هستیم و ما خدا نیستیم که اینها در مقابل ما تعظیم کنند. «فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ ملائکه هم گفتند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

«فَلَمَّا شَاهَدُوا كِبَرَ مَحَلَّنَا كَبْرَنَا»؛ فرشتگان بعد از اینکه عظمت مقام ما را مشاهده کردند، دوباره تکبیر گفتیم. «لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ» برای اینکه ملائکه بدانند خدا اکبر است، ما در مقابل خدا چیزی نیستیم، «فَلَا يَنَالُ مَخْلُوقُهُ عِظَمَ الْمَحَلِّ إِلَّا بِهِ»؛ اگر کسی بخواهد عظمتی پیدا کند، فقط باید از طریق خداوند عظمت و مقام پیدا کند. مقام و شأن در دست خدا است: «وَتُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ»^۱.

«فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا جَعَلَ اللَّهُ لَنَا مِنَ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ، قُلْنَا: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ ملائکه الهی وقتی ارواح حضرت رسول و ائمه معصومین علیهم السلام را دیدند، گفتند: نیروی ما از آن خداوند است. فرشتگان وقتی عزت، قوت و نیروی ما را دیدند؛ زیرا ما زودتر از آنها تسبیح گفتیم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ اگر ما نیرو و عزتی داریم متعلق به خداوند متعال است که ملائکه و مردم نیز بدانند. «لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

«فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا وَأَوْجَبَهُ لَنَا مِنْ فَرَضِ طَاعَةِ الْخَلْقِ إِنَّا قُلْنَا: الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ وقتی فرشتگان آنچه خداوند به ما نعمت داده را مشاهده کردند، ما را اطاعت کردند. آنچه خداوند به ما داد، اطاعت ما را بر همه واجب کرد، ما «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفتیم «لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَتِهِ»؛ برای اینکه ملائکه بدانند حمد و ستایش بر نعمت‌های خداوند متعال واجب است. اگر انبیا و اوصیا این همه عزت و قدرت دارند، به خاطر خداوند متعال است. لذا می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ».

۱. آل عمران، ۲۶. «هرکس را بخواهی عزت می‌دهی، و هرکس را بخواهی خوار می‌کنی».

«فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ ملائکه هم گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ». ما اهل بیت علیهم السلام معلم فرشتگان بودیم و به آنها یاد دادیم چگونه خدا را تهلیل و تسبیح کنند. ما به آنها یاد دادیم چگونه خدا را حمد کنند. همه اینها را ارواح مقدس معصومین علیهم السلام به ملائکه الهی یاد دادند.

«فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَى مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ اللَّهِ تَعَالَى»؛ فرشتگان الهی به وسیله اهل بیت علیهم السلام بر معرفت توحید خداوند متعال هدایت شدند. «وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَكْبِيرِهِ وَتَحْمِيدِهِ»؛ همه را اهل بیت علیهم السلام به آنها یاد دادند.

سجود ملائکه بر آدم علیه السلام به خاطر وجود انوار ائمه معصومین علیهم السلام

«وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ»؛ بعد از اینکه ملائکه را خلق کرد. سپس خداوند متعال آدم علیه السلام را خلق کرد. اینها را پیامبر صلی الله علیه و آله برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیان می فرماید و این عالم بزرگوار سنی هم در کتابش نقل کردند. «وَأَوْدَعَنَا فِي صَلْبِهِ» خداوند انوار مقدس معصومین علیهم السلام را در صلب و پشت حضرت آدم علیه السلام ودیعه قرار داد. «وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ»؛ و ملائکه را مأمور کرد بر آدم سجده کنند. خداوند به این دلیل به ملائکه امر کرد که به حضرت آدم علیه السلام سجده کنند. «تَعْظِيمًا وَإِكْرَامًا لَهُ»؛ تا حضرت آدم علیه السلام را اکرام بکند و او را مورد تعظیم قرار دهد.

«وَكَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ عِبُودِيَّةً»؛ آنها دو سجده داشتند؛ یک سجده برای خداوند متعال دارند که آن سجده ای است که همه برای خداوند متعال می کنند: «عِبُودِيَّةً»؛

به عنوان اینکه بنده خدا هستند و عبادت خدا را باید با این سجده انجام دهند. «وَلَا أَدَمَ إِكْرَامًا وَطَاعَةً لِأَمْرِ اللَّهِ»؛ سجده دوم آنها به خاطر اکرام و طاعت امر خداوند متعال بود که آدم علیه السلام را سجده کنند. خدا به آنها فرمان داد. «لِكُونَنَا فِي صَلْبِهِ»؛ به این خاطر حضرت آدم علیه السلام را سجده کردند، چون انوار مقدس ائمه معصومین علیهم السلام در صلب آدم علیه السلام بود. پس سجده ملائکه برای آدم علیه السلام به خاطر انوار مقدس ائمه معصومین علیهم السلام بود. بعد پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «فَكَيْفَ لَا نَكُونُ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَجَدُوا لِأَدَمَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ»؛ چطور از ملائکه برتر نباشیم، در حالی که همه آنها به خاطر ما برای آدم سجده کردند.

اقتدای جبرئیل و فرشتگان به پیامبر صلی الله علیه و آله در معراج

«وَإِنَّهُ لَمَّا عُرِّجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ»؛ هنگامی که در شب معراج به آسمانها رفتم، هنگامی که خداوند متعال مرا به آسمانها برد. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^۱ «أَذَّنَ جِبْرَائِيلُ مَثْنَى مَثْنَى»؛ جبرئیل مؤذن شد و اذان گفت. دو تا دو تا برای ما اذان گفت. «وَأَقَامَ مَثْنَى مَثْنَى»؛ الله اکبر، الله اکبر می گفت، اقامه هم

۱. اسراء، ۱. «پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به

مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او

نشان دهیم؛ چراکه او شنوا و بینا است».

می گفت، «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، و همچنین شهادت به رسالت حضرت محمد ﷺ.

«ثُمَّ قَالَ: تَقَدَّمْ يَا مُحَمَّدُ!»؛ بعد از اینکه اذان و اقامه گفت، ما را برای کار بسیار مهمی آماده کرد. بعد جبرئیل به من گفت: «تَقَدَّمْ يَا مُحَمَّدُ»، ای محمد! مقدم شو و ما می خواهیم در نماز به شما اقتدا کنیم. «فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ أَتَقَدَّمُ عَلَيْكَ؟»؛ به جبرئیل گفتم: من بر شما مقدم بشوم؟! «فَقَالَ: نَعَمْ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيََاءَهُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ أَجْمَعِينَ وَفَضَّلَكَ خَاصَّةً عَلَى جَمِيعِهِمْ»؛ تو بر تمام فرشتگان فضیلت داری و برتر هستی. «فَتَقَدَّمْتُ فَصَلَّيْتُ بِهِمْ وَلَا فَخْرَ»؛ بر آنها مقدم شدم و نماز خواندم و همه فرشتگان به من اقتدا کردند، و این افتخاری برای من نیست.

جدایی جبرئیل از پیامبر ﷺ در معراج

«فَلَمَّا أَنْتَهَيْنَا إِلَى حُجْبِ النُّورِ»؛ بعد وقتی که به پرده های نور رسیدم، رفتیم بالا، آنجا که پرده های نور الهی بود. «قَالَ لِي جَبْرَائِيلُ: تَقَدَّمْ يَا مُحَمَّدُ»؛ جبرئیل به حضرت گفت که جلوتر برو. «وَتَخَلَّفَ عَنِّي»؛ و جبرئیل دیگر نزدیک آن نور نشد و سر جایش ایستاد و به پیامبر ﷺ گفت که جلو برو. «فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ تُفَارِقُنِي؟»؛ به مکانی که خیلی با عظمت است و نمی توانیم عرش الهی را توصیف کنیم. «فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ تُفَارِقُنِي»؛ پیامبر ﷺ از او پرسید که آیا از من جدا می شوی؟ «فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ هَذَا أَنْتِهَاءُ حَدِّي الَّذِي وَضَعَنِي اللَّهُ فِيهِ»؛ جبرئیل گفت که این آخرین حد من است. بیش از این اجازه ندارم. این حد را خداوند برای من

معین کرد. «فَإِنْ تَجَاوَزْتَهُ احْتَرَقَتْ أَجْنِحَتِي بِتَعَدِّي حُدُودِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ»؛ اگر ذره‌ای جلوتر پیام و از حدود پروردگار تحدی کنم، خداوند بال‌های مرا می‌سوزاند. خدا تا اینجا برای من معین کرده و بیشتر از این برای توست. من نمی‌توانم جلوتر بیایم. «فَزَجَّ بِي النُّورُ رَجَّةً حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى حَيْثُ مَا شَاءَ اللَّهُ مِنْ عُلُوِّ مَلَكُوتِهِ»؛ در همین هنگام مثل اینکه تیری را رها کنند، ناگهان مرا همین‌طور جلو بردند. به جایی رسیدم که خدا می‌خواهد علو ملک و بزرگی حکومتش را به من نشان دهد. ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ۱.

جبرئیل دیگر آنجا نبود که با من صحبت کند، خداوند متعال مرا صدا کرد. «فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي، وَأَنَا رَبُّكَ فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ». همه اینها مسئله عبودیت است. هر کس عبودیت داشته باشد و در مقابل خدا عبد خاضع باشد، به جاه و مقام می‌رسد، از این‌رو خداوند می‌فرماید: «يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي، وَأَنَا رَبُّكَ فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ»؛ مرا عبادت کن و بر من توکل کن. «وَخَلَقْتُكَ مِنْ نُورِي»؛ من تو را از نور خودم خلق کردم. «وَأَنْتَ رَسُولِي إِلَى خَلْقِي وَحُجَّتِي عَلَى بَرِيَّتِي»؛ تو نور من در میان بندگانم و فرستاده من بر خلق هستی و حجت من در میان آفریدگانم هستی. «لَكَ وَلِمَنْ اتَّبَعَكَ خَلَقْتُ جَنَّتِي»؛ بهشتم را برای تو و کسانی که از تو پیروی کنند، خلق کردم. «وَلِمَنْ خَالَفَكَ خَلَقْتُ نَارِي»؛ و برای کسانی هم که با تو مخالفت

۱. نجم، ۸ - ۹. «سپس نزدیک‌تر و نزدیک‌تر شد، تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله

دو کمان یا کمتر بود».

کنند، آتش جهنم را خلق کردم. «وَلَا أُوصِيَّاكَ أَوْجِبْتُ كَرَامَتِي»؛ و برای اوصیای تو کرامت خودم را واجب کردم که آنها را بزرگ کنم.

اسامی معصومین علیهم السلام بر سراپرده عرش

«فَقُلْتُ: يَا رَبِّ وَمَنْ أَوْصِيَائِي؟»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به خداوند عرضه داشت: من دوست دارم اوصیای خودم را در این عرش الهی بشناسم. آنها چه کسانی هستند که در درگاه تو این همه عظمت دارند. «فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ أَوْصِيَاؤُكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سُرَادِقِ عَرْشِي»؛ به من ندا شد، ای محمد! اسامی اوصیای تو بر سراپرده عرش من نوشته شده است. عرش من را مشاهده کن، اسامی مبارک آنها بر سراپرده عرش من نوشته شده است.

«فَنظَرْتُ فَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ نُورًا»؛ نگاه کردم و دوازده نور را آنجا مشاهده کردم. «وَفِي كُلِّ نُورٍ سَطْرًا أَخْضَرَ عَلَيْهِ اسْمٌ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيَائِي»؛ در هر نوری سطری سبزرنگ را مشاهده کردم که اسامی مبارکشان را نوشته بود. اسم وصی ای از اوصیای من نوشته شده بود. «أَوَّلُهُمْ عَلِيٌّ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الْمُهْدِيُّ»؛ اولین آنها علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنها مهدی امت من است. خداوند در اینجا نام حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرده است، وقتی نام حضرت برده می شود، باید احترام کنیم. وقتی که دعبل نام مبارک امام زمان علیه السلام را نزد امام رضا علیه السلام بردند، حضرت از جایشان بلند شدند و دست مبارک را بالای سرشان گذاشتند و فرمودند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ»؛^۱ این فرمایش امام رضا علیه السلام است.

۱. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲۳، ص ۲۴۷؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۲۰۶ -

«فَقُلْتُ: يَا رَبِّ هُوَ لَاءِ أَوْصِيَائِي بَعْدِي»؛ عرض کردم پروردگارا این دوازده نور پاک، اوصیای من هستند؟ «فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ هُوَ لَاءِ أَوْلِيَائِي وَأَحِبَّائِي وَأَصْفِيَائِي وَحُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي، وَهُمْ أَوْصِيَاؤُكَ، وَعِزَّتِي وَلَا تُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمُ الْمُهْدِيِّ مِنَ الظُّلْمِ» زمین را به وسیله آخرین آنها که حضرت مهدی عجل الله فرجه باشد، از ظلم تطهیر می‌کنم. ستم را به وسیله حضرت مهدی عجل الله فرجه برمی‌دارم و به جای آن عدالت و دادگستری را در تمام جهان خواهم آورد.

«وَلَا مُلْكَنَّهٗ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»؛ مشارق و مغارب زمین را به دست او خواهم داد. اینها همه اشاره به آیات الهی است. «وَلَا سَخَّرَنَّ لَهُ الرِّيحَ»؛ باد را در دست او قرار می‌دهم. «وَلَا ذُلَّ لَنَّهُ السَّحَابَ الصُّعَابَ»؛ ابر سخت را در دست او قرار می‌دهم. «وَلَا زُقَيْنَهُ فِي الْأَسْبَابِ»؛ او را بر اسباب بالا می‌برم. «وَلَا نُصْرَنَهُ بِجُنْدِي، وَلَا مِدْنَهُ بِمَلَائِكَتِي، حَتَّى تَعْلُو دَعْوَتِي، وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي»؛ و او را با لشکریانم یاری می‌رسانم تا اینکه دعوت من آشکار شود و همه مردم به توحید من دعوت شوند. «ثُمَّ لَا دِيمَنَّ مَلِكُهُ، وَلَا دَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ همین‌طور ایام را بین اولیای خودم تا روز قیامت مداوله می‌کنم؛ یعنی وقتی که امام زمان عجل الله فرجه می‌آید بعد از ایشان رجعت می‌آید و تا روز قیامت حجت‌های الهی بر جهانیان حاکم خواهند شد. این روایت از کتاب *بنا ببيع المودة* نقل شد.

امیدواریم با خواندن این روایات و احادیث از خواب غفلت بیدار شویم و ان‌شاءالله آن‌طور که امام زمان عجل الله فرجه می‌خواهند، باشیم.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا

نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝۱﴾

یکی از آیاتی که می‌توان از آن درباره وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه استفاده

کرد، آیه ۲۸۵ سوره بقره است. در تفسیر این آیه شریفه از روایات ائمه

۱. بقره، ۲۸۵. «پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. و همه

مؤمنان نیز به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند): ما در میان

هیچ‌یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم و به همه ایمان داریم و (مؤمنان) گفتند: ما شنیدیم و

اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را داریم؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.»

معصومین علیهم السلام آمده که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده امام از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام جزو اسرار و انوار الهی است که قبل از خلقت آدم و حوا و حتی قبل از خلقت هر مخلوقی به وسیله خداوند متعال خلق شدند.

اهمیت و جایگاه ولایت در اسلام

مسئله ولایت بسیار مهم است. در بعضی از روایات داریم که می فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ؛ وَزَادَ فِيهَا عَبَّاسُ بْنُ عَامِرٍ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ، يَعْنِي الْوَلَايَةَ».^۱ اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. یکی از پایه‌های اسلام نماز است. نماز اهمیت بسیاری دارد که می فرمایند: «فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا».^۲ یکی از پایه‌های اسلام روزه است که اهمیت زیادی دارد. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»؛^۳ و دیگر مسئله زکات و مسئله حج است. نماز، روزه، زکات و حج از اصول اولیه و از ضروریات دین اسلام است. بعد می فرماید: «وَالْوَلَايَةَ»، ولایت هم یکی دیگر از ارکان اصلی دین مقدس اسلام است. «وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»؛ هیچ چیزی به اندازه ولایت در

۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳. بقره، ۱۸۳. «روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند

دین مقدس اسلام بیان نشده است؛ یعنی اهمیت ولایت از نماز، روزه، زکات، حج و از همه فروع و اصول دین مقدس اسلام بیشتر است.

مسئله ولایت، مسئله عجیبی است. نباید به راحتی از کنار آن بگذریم؛ اگر خداوند متعال ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را قبل از خلقت آدم و حوا و قبل از خلقت تمام مخلوقات الهی بیان می کند و ارواح مقدسشان را خلق می کند، اینها مسئله‌ای است که اهمیت خاصی دارد و باید بیشتر توجه کنیم که چرا ولایت این همه اهمیت دارد. باید بدانیم که اگر هر خدایان و بدبختی برای مردم پیش می آید، به خاطر دوری از ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. هرکس می خواهد راه نجات و سعادت را پیدا کند و در زندگی موفق شود، باید ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام را داشته باشد.

مسئله ولایت موضوع بسیار مهمی است، نمی شود در طول چند شب یا در طول یک یا دو سال، مسئله ولایت را که این قدر اهمیت دارد از روایات استنباط و تمام کنیم، واقعاً تمام شدنی نیست. همان طور که خود علی علیه السلام را نمی توانیم بشناسیم، فقط خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می توانند امیرالمؤمنین علیه السلام را بشناسند. ما نمی توانیم ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را آن طور که باید و شاید به مردم معرفی کنیم. این روشن است. روایت داریم که اگر تمام جن و انس کاتب شوند و تمام درختان عالم قلم شوند و همه آب های دنیا مرکب شوند و جن و انس و ملائکه الهی بخواهند فضائل مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بنویسند، هرگز قادر نخواهند بود و هرگز نمی توانند فضائل حضرت را بیان کنند.^۱

۱. جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۶؛ اربلی، كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۲۵؛ خوارزمی، المناقب،

ص ۳۲۸؛ قندوزی، منابع المودة، ج ۱، ص ۳۶۴؛ ج ۲ ص ۲۵۴، ۲۸۵.

ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین ﷺ رسالت پیامبر اکرم ﷺ

مگر ما می توانیم مسئله ولایت را ساده بگیریم و رها کنیم. معلوم می شود مسئله ولایت، مسئله خاصی است که خداوند در آیه شریفه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۱ رسالت همه انبیای الهی بر این بود که ولایت امیرالمؤمنین ﷺ را ابلاغ کند. رسالت پیامبر ﷺ نیز همین بود. رسالتش این بود که در روز عید غدیر خم ولایت امیرالمؤمنین ﷺ را به تمام جهانیان اعلام کند.

ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین ﷺ وظیفه همگانی

«فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَسَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ وَعِنْدَهَا...»^۲ طبق این روایت، وظیفه ما خیلی مهم است. حضرت امر می فرماید: «فَلْيُبَلِّغِ»، صیغه امر است. باید حاضرین به غایبین اطلاع بدهند. «وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، اگر «يَوْمِ الْقِيَامَةِ» را نداشت،

۱. مائده، ۶۷. «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند».

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۲؛ بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۲۳۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱ - ۲۱۲.



می گفتیم ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام همان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کافی بود، اما می فرماید: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ تا روز قیامت وظیفه همه است، بر همه مردم واجب است که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را اعلام کنند و این وظیفه را به دیگران برسانند.

این مسئله اهمیت بسیاری دارد. اگر شب و روز درباره ولایت ائمه معصومین علیهم السلام از کتب اهل سنت و کتب شیعیان روایت بخوانیم، تمام شدنی نیست که هیچ، و لیکن وظیفه خودمان را هم نتوانستیم انجام بدهیم. ما خیلی غافل هستیم. امروزه حوزه های علمیه نتوانستند مسئله ولایت را به نحو احسن به جهانیان اعلام کنند، ما نیز آن طور که باید نتوانستیم وظیفه بزرگ خودمان را انجام دهیم. تبلیغ حوزه های علمیه یک کلمه است و آن هم تبلیغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. خود قرآن فرمود: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». ^۱ تبلیغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. در آیه شریفه می فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ»؛ ^۲ کسانی که رسالت الهی را تبلیغ می کنند. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ»، مبلغین رسالات خدا را تبلیغ می کنند. رسالت خدا همین آیه است که می فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ یعنی کسانی که ولایت مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام را تبلیغ می کنند.

۱. مائده، ۶۷.

۲. احزاب، ۳۹. «کسانی که پیام های خدا را به مردم می رسانند».

این وظیفه همه است؛ لذا با هر توانی که داریم، هر قدر برای ما امکان داشته باشد، باید در این مسیر قدم برداریم، وظیفه ماست که به فرزندانمان، به دیگران و به هر جایی که می‌توانیم دسترسی پیدا کنیم و آن را ابلاغ کنیم. الحمد لله امروزه هم وسایل برای ما آماده است. خیلی از دوستان طلبه ما الحمد لله وارد شدند و از همین فضای مجازی استفاده می‌کنند. وظیفه شرعی خودشان را به‌خوبی انجام می‌دهند. ان‌شاءالله این وظیفه را بتوانیم به بهترین وجه ادا کنیم و پیش خداوند متعال و ائمه معصومین علیهم‌السلام شرمنده نباشیم.

منظور از مؤمنون در آیه شریفه

آیه شریفه می‌فرماید: «**آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ**». در کتاب *فرائد السمطين* در تفسیر همین آیه شریفه «**آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ**»، روایتی را

۱. کتاب *شریف فرائد السمطين* را یکی از علمای بزرگ اهل سنت نوشته است و در دو جلد است. *فرائد السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطين والائمة من ذريتهم*، تألیف شیخ الاسلام المحدث الکبیر ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبدالله بن علی بن محمد جوینی خراسانی، از علمای قرن هفتم و هشتم است. ایشان متوفای سال ۷۳۰ هجری قمری بود. کتاب بسیار مفیدی است. آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر محمودی رحمته‌الله که بسیار انسان فاضل و متدینی بود و محب ولایت مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود و ایشان حق بزرگی به عالم تشیع دارد و آن‌طور که باید و شاید حق ایشان شناخته نشد، این بزرگوار این کتاب و کتاب‌هایی مثل *شواهد التنزیل* و کتاب‌های دیگری که اهل سنت درباره ائمه معصومین علیهم‌السلام نوشته‌اند، تحقیق کرده‌اند و به مراکز علمی تحویل دادند.

نقل می‌کند.^۱ اسناد را به ترتیب ذکر می‌کند تا می‌رسد به: «عَنْ أَبِي سَلَمَى رَاعِي رَسُولِ اللَّهِ». از ابی سلمی که چوپان پیامبر ﷺ بوده است، نقل می‌کند. مثل اینکه از دام‌های پیامبر ﷺ مواظبت می‌کرد. «قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ»؛ که گفته است: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم آن شبی که من را به آسمان‌ها

۱. جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۹ - ۳۲۰، ح ۵۷۱. «عَنْ أَبِي سَلَمَى رَاعِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِي الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِنَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾. قُلْتُ: وَالْمُؤْمِنُونَ؟ قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ، مَنْ خَلَفْتَ فِي أُمَّتِكَ؟ قُلْتُ: خَيْرَهَا. قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ، قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا، فَشَقَقْتُ لَكَ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي، فَلَا أُذَكِّرُ إِلَّا ذَكَرْتَ مَعِي، فَأَنَا الْمُحْمُودُ، وَأَنْتَ مُحَمَّدُ، ثُمَّ أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ، فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا، فَشَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا الْأَعْلَى، وَهُوَ عَلِيٌّ، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ شَبَحِ نُورِي، وَعَرَضْتُ وَلَايَتَكُمْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِ فَمَنْ قَبِلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ، يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ، أَوْ يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَايَتِكُمْ مَا غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يَقْرَبَ بَوْلَايَتِكُمْ، يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ. فَقَالَ لِي: التَّفْتُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ، فَالْتَفْتُ، فَإِذَا أَنَا بِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْمُهْدِيِّ فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ قِيَامًا يُصَلُّونَ وَهُوَ فِي وَسْطِهِمْ، يَعْنِي الْمُهْدِيَّ، يُضِيءُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ. وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ هُوَ لَأَيُّ الْحَجَجِ، وَهُوَ الثَّائِرُ مِنْ عَثْرَتِكَ، فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنَّهُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ لِأَوْلِيَائِي، وَالْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِي».

بردند. «قَالَ لِي الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ: آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ»؛ در آن مکانی که رفتم، عند سدرۃالمتنهی، خداوند جلیل فرمود: پیامبر خدا ایمان آورد به آنچه که خداوند متعال نازل کرده بود. «قُلْتُ: وَالْمُؤْمِنُونَ»، پیامبر ﷺ می فرماید که به خداوند متعال عرض کردم: آیا مؤمنان هم ایمان آوردند به آنچه خداوند متعال برای مردم فرستاد؟ «قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ»؛ خداوند متعال فرمود: بله، همین طور است. مؤمنین به آنچه خداوند بر انبیای الهی فرستاد، ایمان آوردند. «مَنْ خَلَقْتَ فِي أُمَّتِكَ؟»؛ خدا با پیامبرش در حال صحبت کردن است. سپس فرمود که در امت خود چه کسی را جانشین خودت گذاشتی؟ وقتی پیش ما آمدی چه کسی را جانشین خود قرار دادی؟ «مَنْ خَلَقْتَ؟»، خلیفه و جانشین شما چه کسی است؟ «قُلْتُ: خَيْرَهَا»؛ عرض کردم بهترین آنها را گذاشتم. بهترین امت را گذاشتم و آدمم. «قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟»؛ خدا فرمود: آیا علی بن ابی طالب ﷺ را جانشین خودت کردی؟ «قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ»؛ عرض کردم بله.

«قَالَ يَا مُحَمَّدُ: إِنِّي أَطَّلَعْتُ عَلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً فَأَخْتَرْتُكَ مِنْهَا»؛ خداوند فرمود: ای محمد همانا من بر روی زمین، نگاه دقیقی کردم، اطلاعی که می خواستم بینم چه کسی را برای خودم انتخاب کنم. «فَأَخْتَرْتُكَ مِنْهَا»؛ از میان تمام خلق تو را برای خودم انتخاب کردم. «فَشَقَّقْتُ لَكَ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي»؛ اسمی از اسمای خودم برای تو انتخاب کردم که اسم مبارک محمد از محمود برگرفته که اسم الهی است. «فَلَا أَدُكِّرُ إِلَّا ذُكِرْتَ مَعِي، فَأَنَا الْمُحْمُودُ، وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ»؛ هر جا نام من ذکر بشود، نام

تو هم کنار اسم من ذکر می شود؛ یعنی هر جا خدا را تقدیس، تسبیح و تهلیل کنند، بلافاصله نام پیامبر ص، آنجا ذکر می شود.

«ثُمَّ أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ»؛ بار دوم به مردم و تمام خلق نگاه کردم. «فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا»؛ بعد از تو امیرالمؤمنین، علی ع را برای خودم انتخاب کردم. «فَشَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي، فَأَنَا الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ»؛ اسم امیرالمؤمنین ع را خودم انتخاب کردم. یکی از اسمای خودم را بر او گذاشتم.

خلقت اهل بیت ع از نور خداوند

«يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِي مِنْ شَبْحِ نُورِي».^۱ در شب معراج خداوند به پیامبر ص خطاب می فرماید: ای رسول من! تو، امیرالمؤمنین ع، فاطمه ع، امام حسن، امام حسین و ائمه از فرزندان امام حسین ع را خلق کردم. شما را از شبیح نوری از هاله نور خودم خلق کردم.

«وَعَرَضْتُ وَلَايَتَكُمْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِ»؛ ولایت شما را بر تمام آسمانها و بر تمام اهل زمین و مردمی که روی آن بودند، عرضه داشتم. به کسانی که در زمین بودند و به تمام مخلوقات خودم، همه، حتی جمادات، ولایت شما را عرضه کردم. «فَمَنْ قَبْلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ هرکس ولایت

۱. در برخی منابع «سنخ» دارد. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۱۶.

شما را قبول کند، آنها اهل ایمان هستند. «وَمَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ» هر کس که شما را انکار کند و شما را قبول نکند، آنها از کافران هستند.

آمزش الهی منوط به پذیرش ولایت علی علیه السلام و جانشینان وی

«يَا مُحَمَّدُ» خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را با همان اسم محمد خطاب می کند و با ایشان صحبت می کند. چقدر لذت دارد که خداوند متعال با آن اسم با حبیب خودش، صحبت کند؛ زیرا محمد حبیب خدا است. مگر خداوند بهتر از ایشان حبیبی دارد؛ لذا به همان اسم ایشان را خطاب می کند.

«يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ أَوْ يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي، ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَايَتِكُمْ مَا غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يُقَرَّ بِوَلَايَتِكُمْ». اگر بنده ای از بندگانم، مرا عبادت کند، آن قدر عبادت کند که مثل یک مشک خشک شده شود، اما ولایت شما را قبول نداشته باشد، هرگز او را نمی آمرزم. اگر ولایت ائمه علیهم السلام را قبول نداشته باشد. هرگز او را نمی آمرزم. مسلم است اگر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول داشته باشد، آنها را می آمرزیم، وگرنه این نماز و این عبادات بدون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ارزشی ندارد.

نماز بی ولای او عبادتی است بی وضو به منکر علی بگو نماز خود رها کن^۱
قضا که فایده ندارد، رها کند.

۱. اصل شعر که توسط یکی از شعرای معاصر سروده شده، این گونه است:

نماز بی ولای او عبادتی است بی وضو به منکر علی بگو نماز خود قضا کند

مشاهده انوار مقدسه معصومین علیهم السلام در شب معراج توسط پیامبر صلی الله علیه و آله

«يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ؟»؛ ای محمد! آیا دوست داری آنها را مشاهده کنی؟
 آیا دوست داری در شب معراج انوار الهی، ائمه معصومین علیهم السلام را مشاهده کنی؟
 «قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ». چه چیزی بهتر از اینکه امشب در درگاه مقدس الهی، انوار
 مقدسه ائمه معصومین علیهم السلام را ببینم.

«فَقَالَ لِي: التَفْتُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ»؛ خداوند فرمود: به طرف راست عرش توجه
 کن. «فَالْتَفْتُ فَإِذَا أَنَا»؛ به طرف راست عرش خدا نگاه کردم. خودم بودم. «بِعَلِيِّ
 وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ
 جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْمُهْدِيِّ فِي
 ضَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ قِيَامًا يُصَلُّونَ، وَهُوَ فِي وَسْطِهِمْ» نگاه کردم، دیدم علی، فاطمه، حسن،
 حسین و ... بودند. حضرت انوار مقدسه معصومین علیهم السلام را به ترتیب نام بردند تا
 رسیدند به وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله فرجه. فرمودند ایشان را در یک هاله نوری
 دیدم. «قِيَامٌ يُصَلُّونَ» و همه آنها را در حال نماز خواندن دیدم. «وَهُوَ فِي وَسْطِهِمْ؛ يَعْنِي
 الْمُهْدِيَّ» و امام زمان عجل الله فرجه در وسط این انوار مقدسه بودند. «هُوَ» را حضرت
 مهدی عجل الله فرجه معنا می کند. «كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؛ حضرت مانند ستاره درخشانی در
 وسط آنها درخشندگی خاصی داشت.

تمام اسامی مقدس ائمه معصومین علیهم السلام را یک عالم سنی در کتاب *فرائد السمطين*
 از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند، آن هم از خداوند متعال در شب معراج. همه چیز را برای
 ما گفتند، جای انکار و جای تردید برای احدی نیست.

امام زمان علیه السلام منتقم خون امام حسین علیه السلام و مظلومان شیعه

خداوند متعال انوار مقدسه را به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داد. «وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هُوَ لَاءِ الْحُجُجِ»؛ ای محمد صلی الله علیه و آله! اینها حجت‌های من هستند. «وَهُوَ الثَّائِرُ مِنْ عِثْرَتِكَ»؛ امام زمان علیه السلام، آن کسی از عترت تو که منتقم است، امام زمان علیه السلام انتقام‌گیرنده خون سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام است. انتقام‌گیرنده خون مظلومین شیعه تا روز قیامت، امام زمان علیه السلام است. «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»^۱. او منتقم است.

«وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنَّهُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ لِأَوْلِيَائِي»؛ او حجت واجب من برای همه اولیای من است. «وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي»؛ او از دشمنان من انتقام خواهد گرفت.

فضائل اهل بیت علیهم السلام در کتب اهل سنت

در جلد دوم *فرائد السمطين*، این روایت آمده است. این کتاب، از فضائل اهل بیت علیهم السلام پر است. اسامی مقدس اهل بیت علیهم السلام را بارها و بارها نقل کرده است. اگر یک شیعه اینها را می‌آورد، می‌گفتند که تعصب شیعه‌گری دارد؛ ولی یک عالم سنی آن‌هم این‌طور نقل کند، برای همه مسلمانان اتمام حجت است، برای همه کسانی که دنبال حقیقت هستند، حقیقت برای آنها معلوم شده است.

۱. اسراء، ۳۳. «و آن‌کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم».

﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾؛^۱ این طور نیست که حق پوشیده باشد. پیامبر خدا حق را به ما معرفی کرده و باطل هم از بین رفته است. ما نمی‌توانیم چشمان را ببندیم و اینها را نبینیم و گوش‌هایمان را ببندیم و بگوییم که حرف حق را نشنویم. انسان منصف این کار را نخواهد کرد. دیگر همه چیز را خودشان بیان کردند. هنگامی که این روایات را مطالعه می‌کنیم، جای تعجب است که چطور می‌شود در طول قرون متمادی عده‌ای با امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام مخالفت کنند. معنا ندارد، مخالفت آنها برای چیست؟! مگر اینکه شیطان بر اینها مسلط شده، وگرنه باید از خدا بخواهیم، که آنها را هدایت کند تا در این دنیا هستند، زیرا زمانی فرا می‌رسد که دیر شده است و نمی‌شود برایشان کاری کرد. ﴿فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾.^۲

این روایت در تفسیر همین آیه شریفه بود که: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ﴾. خداوند متعال اولیای الهی و اوصیای خودش را یکی یکی معرفی کردند.

مناجات حضرت موسی علیه السلام با خداوند

این روایت را هم که در کتاب شریف *منتخب الاثر*، بیان کردند، خدمت شما عرض کنم و ثوابش امشب به روح مطهر حضرت خدیجه کبری علیها السلام باشد. در

۱. اسراء، ۸۱. «و بگو حق آمد، و باطل نابود شد».

۲. اعراف، ۳۴. «و هنگامی که زمان و سرآمد (معین) آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر

می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند».

کتاب *منتخب الاثر*، از کتاب شریف *مقتضب الاثر* نقل می‌کند^۱ که مؤلف آن از علمای بزرگ است و کتابش پیش علمای ما بسیار معتبر است.

«حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلْوَانَ الْكَلْبِيُّ، عَنْ هَمَّامِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ وَهْبِ بْنِ مُنْبِهِ، قَالَ: إِنَّ مُوسَى نَظَرَ لَيْلَةَ الْخُطَابِ إِلَى كُلِّ شَجَرَةٍ فِي الطُّورِ؛ رَوَيْتُ أُولَىٰ كَمَا خَوَّانَدَمُ مَنَاجَاتِ پِيَامِبِرٍ عليه السلام بُوَد. رَفْتَن بَه مَعْرَاجِ پِيَامِبِرٍ عليه السلام وَ صَحَبَتِ كَرْدَن بَا خَدَاوَنَد مَتَعَال. اَيْن رَوَايَتِ نِيْزِ مَنَاجَاتِ حَضْرَتِ مُوسَى عليه السلام بَا خَدَاوَنَد مَتَعَال اِسْتِ كَه مِي فَرْمَايِد: «إِنَّ مُوسَى نَظَرَ لَيْلَةَ الْخُطَابِ إِلَى كُلِّ شَجَرَةٍ فِي الطُّورِ، وَكُلِّ حَجَرٍ وَنَبَاتٍ». حَضْرَتِ مُوسَى عليه السلام

۱. جوهری، *مقتضب الاثر*، ص ۴۱؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۳، ص ۱۵۳ - ۱۵۴، ح ۵۵۹.
«حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلْوَانَ الْكَلْبِيُّ، عَنْ هَمَّامِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ وَهْبِ بْنِ مُنْبِهِ، قَالَ: إِنَّ مُوسَى عليه السلام نَظَرَ لَيْلَةَ الْخُطَابِ إِلَى كُلِّ شَجَرَةٍ فِي الطُّورِ وَكُلِّ حَجَرٍ وَنَبَاتٍ يَنْطِقُ بِذِكْرِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَأَثْنِي عَشْرَ وَصِيًّا لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، فَقَالَ مُوسَى: إِلَهِي لَا أَرَىٰ شَيْئًا خَلَقْتَهُ إِلَّا وَهُوَ نَاطِقٌ بِذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَأَوْصِيَاءِهِ الْإِثْنِي عَشْرَ، فَمَا مَنَزَلَةٌ هَؤُلَاءِ عِنْدَكَ؟

قَالَ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِنِّي خَلَقْتُهُمْ قَبْلَ خَلْقِ الْأَنْوَارِ، وَجَعَلْتُهُمْ فِي خِزَانَةِ قُدْسِي، يَرْتَعُونَ فِي رِيَاضِ مَشِيَّتِي، وَيَتَسَمَّوْنَ مِنْ رُوحِ جَبْرُوتِي، وَيُشَاهِدُونَ أَقْطَارَ مَلَكُوتِي حَتَّىٰ إِذَا شِئْتُ مَشِيَّتِي أَفْعَدْتُ قَضَائِي وَقَدْرِي، يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِنِّي سَبَقْتُ بِهِمُ السُّبَّاقَ حَتَّىٰ أَزْخِرِفَ بِهِمْ جَنَانِي؛ يَا ابْنَ عِمْرَانَ تَمَسَّكَ بِذِكْرِهِمْ، فَإِنَّهُمْ خَزَنَةُ عِلْمِي، وَعَيْبَةُ حِكْمَتِي، وَمَعْدِنُ نُورِي.

قَالَ: حُسَيْنُ بْنُ عَلْوَانَ: فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقَالَ: حَقُّ ذَلِكَ، هُمْ اثْنَا عَشَرَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: عَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِتُفْتِنِي بِالْحَقِّ. قَالَ: أَنَا وَأَبْنِي هَذَا وَأَوْمَاءُ إِلَىٰ ابْنِهِ مُوسَى، وَالْخَامِسُ مِنْ وُلْدِهِ، يَغِيبُ شَخْصُهُ، وَلَا يَجِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ».

زمانی که می‌خواست با خداوند متعال صحبت کند و مناجات کند، در طور نگاه کرد، مشاهده کرد که درخت‌ها، سنگ‌ها و گیاهان همه دارند ذکر می‌گویند. کسانی که ذکر دارند و برای اهل بیت علیهم‌السلام مراسم و مجلس می‌گیرند، وظیفه‌ی ماست که چنین مجالسی داشته باشیم. کوه، درخت، بیابان و همه ذکر اهل بیت علیهم‌السلام را می‌گویند، آن‌هم زمان حضرت موسی علیه‌السلام. «يَنْطِقُ بِذِكْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآثْنِي عَشْرَ وَصِيًّا لَهُ مِنْ بَعْدِهِ»؛ نگاه کردم، دیدم که هر درختی، هر سنگی، هر نباتی آنها ذکر پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یاد ائمه معصومین علیهم‌السلام را می‌گویند. «يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۱؛ ذکر خدا و ائمه معصومین علیهم‌السلام است. حضرت موسی علیه‌السلام فرمودند که آنها خودشان این حرف‌ها را می‌زنند و ذکر ائمه علیهم‌السلام را می‌گویند.

«فَقَالَ مُوسَى: إِيَّاهِي لَا أَرَى شَيْئًا خَلَقْتَهُ إِلَّا وَهُوَ نَاطِقٌ بِذِكْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَوْصِيَاءِهِ الْإِثْنِي

عَشْرَ»؛ عرض کردم، خدایا! هر چیزی را دیدم که تو خلق کردی، دیدم همه ذکر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای ایشان را می‌کنند. مشغول ذکر هستند. «ذِكْرُ عَلِيِّ عِبَادَةٌ»^۲، که می‌گوییم همین است. ذکر ائمه معصومین علیهم‌السلام عبادت است، همین است. آنها می‌خواهند که در درگاه خدا ثواب و اجرشان زیاد شود. می‌دانند که باید چه

۱. حشر، ۲۴. «آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او می‌گویند».

۲. مفید، الاختصاص، ص ۲۲۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۰۲؛ ابن بطریق،

عمدة عیون صحاح الاخبار، ص ۳۶۵؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۶؛ متقی هندی، کنز

العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱.

بگویند، باید ذکر پیامبر ﷺ و ذکر اهل بیت ﷺ را داشته باشند. اینکه چگونه ذکر می گفتند و چه سرودی داشتند، ما نمی دانیم. آن را پیامبر خدا می فهمد، موسی ﷺ می فهمد که دارد سنگ، درخت، هر چیزی در عالم هست، ذکر پیامبر ﷺ و اوصیای دوازده گانه اش را می گویند. «فَمَا مَنزِلَةٌ هَؤُلَاءِ عِنْدَكَ؟»؛ مگر آنها نزد خداوند چقدر منزلت و مقام دارند؟!

خلقت انوار اهل بیت ﷺ قبل از خلقت انوار

«قَالَ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِنِّي خَلَقْتُهُمْ قَبْلَ خَلْقِ الْأَنْوَارِ»؛ ای پسر عمران! به موسی ﷺ خطاب می کند، من آنها را قبل از خلقت تمام انوار مقدسه خلق کردم. «وَجَعَلْتُهُمْ فِي خِزَانَةِ قُدْسِي»؛ و آنها را در مخزن قدس خودم قرار دادم. گنجینه ای برای اینها گذاشتم. صندوقچه ای مقدس نزد من است و نام مبارک پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ و انوار پاکشان آنجا هست. «يُرْتَعُونَ فِي رِيَاضِ مَشِيَّتِي»؛ آنها در باغ های مشیت و اراده من می گردند. مگر می توانیم اینها را درک کنیم. خداوند به موسی ﷺ می گوید «يُرْتَعُونَ»؛ یعنی در روضه ها و باغ های مشیت من می گردند. «وَيَتَنَسَّمُونَ رُوحَ جَبْرُوتِي»؛ و نسیم جبروت مرا می شنوند. اینها هستند که می دانند جبروت من چی هست. «وَيُشَاهِدُونَ أَقْطَارَ مَلَكُوتِي»؛ آنها اقطار ملکوت الهی را مشاهده می کنند. عالم چه خبر است. ما فقط همین که می بینیم، حس می کنیم، همین عالم میلیاردها ستاره که الآن کشف شده، اینها تمام ملکوت خداوند است که پیامبر ﷺ و اوصیای الهی آنها را مشاهده می کنند. «حَتَّى إِذَا شِئْتُ مَشِيَّتِي أَنْفَذْتُ

قَضَائِي وَقَدْرِي»؛ تا زمانی که من اراده کنم و قضا و قدر من حاکم شود، انوار پاکشان را در این دنیا می آورم تا مردم از آنها استفاده کنند.

«يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِنِّي سَبَقْتُ بِهِمُ السُّبَّاقَ»؛ ای پسر عمران، من پیشی گرفتم بر اینها از هر سابقی و از هر پیشی گیرنده‌ای؛ یعنی من از همه مردم و خلق خودم پیشی گرفتم و مقامشان را بالا بردم.

«يَا ابْنَ عِمْرَانَ تَمَسِّكَ بِذِكْرِهِمْ»؛ ای پسر عمران، اگر می خواهی به جایی برسی و مشکلاتت حل شود، به ذکر اهل بیت علیهم السلام تمسک کن و ذکر آنها را بگو. پیش تر در تفسیر «فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا»^۱ عرض کردم که حضرت موسی علیه السلام برای اینکه مردم را نجات دهد به اسامی مبارک ائمه معصومین علیهم السلام متوسل شدند. «فَاتَّهَمُ خَزَنَةُ عِلْمِي»؛ اینها خزانه علم من هستند. «وَعَيْنَةُ حِكْمَتِي»؛ حکمت من نزد اینهاست. «وَمَعْدِنُ نُورِي»؛ و معدن نور من هستند.

آخر این روایت آمده که «قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلْوَانَ: فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ»؛ حسین بن علوان می گوید که خدمت امام جعفر صادق علیه السلام این روایت را خواندم. «فَقَالَ: حَقُّ ذَلِكَ»؛ این روایت که شنیدید، همین است. «هُمْ اثْنَا عَشَرَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، عَلِيٌّ، وَالْحَسَنُ، وَالْحُسَيْنُ، وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ سپس امام صادق علیه السلام دوباره به ترتیب اسامی مبارک ائمه علیهم السلام را ذکر کردند. «قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِتُفْتِنَنِي بِالْحَقِّ»؛ من از شما سؤال کردم که حق را برای من بیان

۱. بقره، ۶۰. «ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست».

کنید. «قَالَ: أَنَا وَابْنِي هَذَا»؛ امام جعفر صادق علیه السلام بعد از اینکه اسامی پنج نور پاک را تا امام باقر علیه السلام گفتند، فرمودند: من و فرزندم حضرت موسی کاظم علیه السلام. «وَأَوْمَأَ إِلَى ابْنِهِ مُوسَى»؛ و اشاره کردند به فرزندشان امام موسی کاظم علیه السلام. «وَالْخَامِسُ مِنْ وُلْدِهِ»؛ بعد فرمودند: پنجمین نفر از فرزندان پسر امام موسی کاظم علیه السلام، «يَغِيبُ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ»، امام زمان علیه السلام است که از نظرها غائب می شوند و بردن نامش جایز نیست.

این روایت در کتاب شریف *منتخب الاثر* بود و ایشان از کتاب *مقتضب الاثر* نقل کردند که خداوند متعال این حدیث را برای حضرت موسی علیه السلام زمانی که به طور رفته بود، بیان کرد.

امیدواریم که ان شاء الله وظیفه شرعی خود را بدانیم و بیشتر بتوانیم ولایت اهل بیت علیهم السلام را تبلیغ کنیم.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^۱

وجوب شناخت امام و حجت خدا در هر عصر

همان‌طور که برای همه دوستان و عزیزان معلوم و روشن است، معرفت امام در هر عصری برای هرکسی که ادعای ایمان می‌کند، واجب است؛ یعنی یکی از ضروریات دین ما این است که در درجه اول حجت خدا را در هر عصر و زمانی

۱. شعراء، ۴. «اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر

آن خاضع گردد».

بشناسیم. شناخت ولی و حجت خدا و خلیفه الله فی الارضین در هر زمانی برای هر کسی که ادعای ایمان می کند، لازم و واجب است. از این جهت احادیث بسیار زیادی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کتب شیعه و اهل سنت در این باره آمده است. از جمله حدیث معروفی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱ که روایت بسیار مهمی است. کسی که در هر عصری امام زمان خودش را نشناسد و نداند که حجت خدا در این زمان کیست، ولی خدا کیست، اگر از دنیا برود، مردنش مردن جاهلیت است؛ یعنی همان طوری که مردم در زمان جاهلیت قبل از اسلام دینی نداشتند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنوز رسالتش را ابلاغ نکرده بود و جاهلیت به تمام معنا بود. امروز هم اگر کسی امام زمان علیه السلام خودش را نشناسد، مردنش مردن جاهلیت است. پس معلوم می شود شناخت امام زمان علیه السلام واجب است.

راه شناخت امام زمان علیه السلام از طریق قرآن و روایات

ما باید از چه راهی امام زمان علیه السلام را بشناسیم؟ کسی که مسلمان هست، باید بداند که شناخت امام زمان علیه السلام از کجا و از چه راهی است. غیر از آیات شریفه قرآن کریم و روایاتی که از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده، راه دیگری برای شناخت امام زمان علیه السلام نداریم. صفات

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۹۶.

حضرت را، صفات ائمه معصومین علیهم السلام را، خصالشان را برای ما بیان کردند که امام معصوم علیه السلام باید دارای یک همچنین صفاتی باشد. اگر شخص دارای چنین صفاتی پیدا شد، او حجت خدا است و غیر از ایشان کسی حجت خداوند بر روی زمین نیست؛ از این رو اهمیت شناخت امام زمان علیه السلام برای ما کاملاً روشن می شود و امروز باید بگوییم که اکثر یا تمام گرفتاری هایی که مسلمانان به آن مبتلا هستند - مشکلاتی که الآن در جهان اسلام برای مسلمانان پیش آمده - همه به خاطر دوری از امام زمان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است. اگر به امام زمان علیه السلام نزدیک بودیم و با ایشان ارتباط داشتیم و از محضر مبارک امام زمان علیه السلام کسب فضیلت می کردیم، این همه مشکلات برای عالم اسلام نبود. مشاهده می کنید که وضعیت جهان امروز به خاطر دوری از ائمه علیهم السلام است. ما از امام زمان علیه السلام و از حقایق دین اسلام و از معارف بلندی که اهل بیت علیهم السلام برای ما بیان کردند، دور هستیم؛ بنابراین امروز وظیفه داریم به هر وسیله ای شده ائمه معصومین علیهم السلام را بیشتر بشناسیم.

آیات و روایات درباره امام زمان علیه السلام

از جمله آیاتی که درباره امام زمان علیه السلام نازل شده، لازم است که اینها را بدانیم، ما قرآن می خوانیم، اما اگر در قرآن تدبر و تعقل نکنیم، فایده ای ندارد. مثل اینکه معاویه به ابن عباس دستور داد، قرآن را برای مردم بخوان، اما احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام و فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام را برای آنها بیان نکن. خواندن

قرآن ما همین می‌شود. اگر ما ندانیم این آیه درباره امام زمان علیه السلام نازل شده، چهل سال، پنجاه سال قرآن خواندیم، بارها و بارها، اما نمی‌دانیم این آیه درباره امام زمان علیه السلام است، حجت خدا را از این آیات ما باید بشناسیم؛ بنابراین تدبر واقعی، تعبد واقعی، تفکر واقعی در قرآن این است که آیات مربوط به امام زمان علیه السلام را از طریق روایات صحیحی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام وارد شده، بشناسیم و دوری از آنها در هر عصر و زمانی به خصوص در این دوران موجب هلاکت و بدبختی است و راه نجات هم نزدیک شدن به آنها و اینکه با آنها ارتباط داشته باشیم.

خداوند در این آیه شریفه از سوره شعراء می‌فرماید: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^۱ ظاهر آیه این است که می‌فرماید: اگر بخواهیم برای مردم نشانه‌ای را از آسمان نازل می‌کنیم، وقتی که این نشانه نازل شد، تمام مردم در مقابل نشانه خداوند متعال خاضع و خاشع هستند.

توصیه امام رضا علیه السلام به تقیه

یکی از علمای بزرگ اهل سنت به نام جوینی، کتاب *فرائد السمطين* را در دو جلد در فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و همچنین امام حسن و امام حسین علیهم السلام نوشته است. در همین کتاب روایتی را درباره امام

۱. شعراء، ۴. «اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد».



زمان ع نقل کرده است.^۱ بعد از اینکه اسناد را مفصل ذکر می‌کند تا می‌رسد به حسین بن خالد. «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: قَالَ: عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا؛ از امام رضا ع این حدیث را نقل می‌کند.

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ». امام هشتم ع فرمودند کسی که ورع و پارسایی ندارد، بی‌دین است. حقیقت دین تقواست، حقیقت دین پرهیزکاری است. «وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»؛ امام رضا ع می‌فرماید: کسی که در دین تقیه نکند، ایمان ندارد. تقیه مسئله بسیار مهمی است که باید بحث‌های زیادی درباره آن شود. اگر انشاءالله فرصت بود در زمان‌های دیگر درباره تقیه صحبت خواهیم کرد. «وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»؛

۱. جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۶ - ۳۳۷، ح ۵۹۰. «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا ع: لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، وَإِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ.

فَقِيلَ لَهُ: إِلَى مَتَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا، فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا. فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ قَالَ: الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، وَهُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ، وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ، فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ، وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ، فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ، وَهُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ، يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ، يَقُولُ: أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ، فَإِنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَمَعَهُ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾.

نمی توان همه اسرار را برای هرکسی گفت. همه آنچه اتفاق افتاده را نمی شود برای هرکسی گفت. خون شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام محترم است، ناموسشان محترم است، نباید کاری کنیم که آبروی آنها برود و خون آنها، عرض آنها از بین برود؛ بنابراین می فرماید: «وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»؛ کسی که تقیه ندارد، به خدا ایمان ندارد.

«وَإِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ؛ أَيُّ أَعْمَلِكُمْ بِالتَّقِيَّةِ»؛ امام رضا علیه السلام می فرماید: گرامی ترین شما آن کسی که پیش خدا از همه عزیزتر است. کسی که تقوایش از همه بیشتر است. بلافاصله حضرت این را معنا می کند. «وَإِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ»، یعنی چه؟ «أَيُّ أَعْمَلِكُمْ بِالتَّقِيَّةِ»؛ یعنی کسی که از همه شما به تقیه بیشتر عمل کند، کرامت او نزد ما از همه بیشتر است. کسی که به تقیه بیشتر عمل می کند، کرامت او پیش خدا از همه بیشتر است و خداوند نظر خاصی به ایشان دارد.

تقیه در عصر غیبت

«فَقِيلَ لَهُ: إِلَى مَتَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ تا کی ما تقیه کنیم. بعضی ها ناراحت هستند و غصه می خورند. چقدر شیعه مظلوم است. چقدر اهل بیت علیهم السلام و شیعیان را اذیت می کنند. بالاخره ناراحتی دارد. تا کی ما تقیه کنیم؟ «قَالَ: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ فرمود: تا روز قیامت. حالا خود حضرت در اینجا «يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ را بیان کردند. «وَهُوَ يَوْمٌ خُرُوجِ قَائِمِنَا»؛ وقت معلوم، روز خروج و ظهور حضرت بقیة الله



الاعظم، حضرت مهدی عجل الله فرجه است. «فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا»؛ هر کس تقیه را تا قبل از ظهور حضرت ترک کند، از ما نیست. شیعه در اقلیت است، شیعه باید خودش را از گزند دشمنان حفظ کند. ما اگر کاری بکنیم که این مکتب و شیعیان از بین بروند، مشکلاتی برای ما پیش می آید.

«قِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟»؛ عرض شد ای فرزند رسول خدا، قائم از شما اهل بیت علیهم السلام کیست؟ حضرت مهدی کیست؟ امام زمان عجل الله فرجه که می فرماید ما باید تا آن زمان در تقیه باشیم را بیشتر به ما معرفی کنید. معرفت امام در هر عصری برای ما واجب است. معرفت هر امامی برای ما واجب است. از حضرت سؤال می کند مهدی شما کیست که وظیفه داریم ایشان را بشناسیم؟

«قَالَ: الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُطَهَّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ»؛ امام رضا علیه السلام می فرماید: چهارمین از فرزندان من، فرزند بهترین کنیزان عالم که در آن هنگام خداوند متعال زمین را از هر پلیدی و ستم و ظلم پاک می کند تا آن زمان باید در تقیه باشیم. زمین را به وسیله وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه از هر ظلم و ستمی مقدس می کند.

«وَهُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ»؛ بعضی ها در ولادت امام زمان عجل الله فرجه شک دارند. همان زمان شک داشتند و الآن نیز بعضی ها در تردیدند. برخی می گویند اصلاً امام زمان عجل الله فرجه به دنیا نیامده است. مگر می شود شخصی به دنیا بیاید و هزار و صد سال و بیشتر عمر کند و اکنون زنده باشد. ما سال گذشته

درباره طول عمر حضرت بحث کردیم و اگر ان شاء الله فرصت باشد در آینده نیز خواهیم گفت.

بعد می‌فرماید: «وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ»؛ ایشان قبل از اینکه ظاهر شوند، غیبت دارند. غیبت بزرگی به نام غیبت کبری دارند.

«فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ»؛ زمانی که حضرت ظهور کنند، زمین به نورش روشن می‌شود. آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۱ روایت داریم در تفسیر همین آیه شریفه که منظور نور امام مهدی علیه السلام است؛^۲ از این رو می‌فرماید: «فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ».

ائمه معصومین علیهم السلام میزان عدل

«وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ»؛ حضرت میزان عدل را بین مردم قرار می‌دهد. در هر زمانی میزان دارد. این طور نیست که میزان نباشد، هر زمانی میزان لازم است. میزان واقعی که حق و باطل را تشخیص می‌دهد، امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ یعنی اتمام حجت شده به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. اگر می‌خواهید حق و باطل را بشناسید و گمراه نشوید، این ترازو باید تا روز قیامت باشد. این طور نیست که امیرالمؤمنین علیه السلام فقط در روز قیامت میزان باشد،

۱. زمر، ۶۹. «و زمین در آن روز به نور پروردگارش روشن می‌شود».

۲. بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۷۳۳؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۳ - ۵۰۴.

میزان یعنی امامان معصوم علیهم السلام و حق و باطل را از طریق آنها، الآن هم می‌توانیم تشخیص دهیم. کسی که با امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، حق است و حقیقت دارد و کسی که از امیرالمؤمنین علیه السلام جدا باشد، او باطل است؛ زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام میزان اعمال است. اینجا هم همین‌طور می‌فرماید: «وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ». کار امام زمان علیه السلام این است که میزان عدالت را بین مردم قرار دهد. ترازویی که عدالت سرتاسری را در تمام عالم قرار می‌دهد، به‌وسیله امام زمان علیه السلام است. ما هم باید با این میزان خودمان را بشناسیم و ببینیم کجا هستیم. «فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا»؛ در زمان ظهور امام زمان علیه السلام هیچ‌کسی نمی‌تواند به دیگری ظلم کند.

ویژگی‌های امام زمان علیه السلام

امام رضا علیه السلام فرمود: «وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ»؛ امام زمان علیه السلام کسی است که زمین برای او پیچیده می‌شود. در مورد پیچیده شدن زمین برخی گفته‌اند منظور همان مسئله «طی الارض» است که امام زمان علیه السلام تمام زمین و آسمان در مقابل او مانند یک شیء بسیار کوچکی قرار دارد و حضرت می‌تواند از این طرف به آن طرف، هرجایی اراده کنند، بروند.

«وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ»؛ یکی از ویژگی‌های امام زمان علیه السلام این است که ایشان سایه ندارند، با سایر مردم فرق دارد. «وَهُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ اللَّهُ جَمِيعَ أَهْلِ الْأَرْضِ»؛ امام زمان علیه السلام آن‌کسی است که خداوند متعال به‌وسیله منادی از آسمان

ندا می کند و تمام اهل زمین ندایش را می شنوند. «بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ»؛ خداوند متعال منادی را می فرستد و مردم را به طرف امام زمان عجل الله فرجه فرا می خواند و می گوید: «يَقُولُ: أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ»؛ مردم بدانید حجت خداوند در بیت الله الحرام در مکه معظمه ظاهر شده است. این صدا را تمام عالم می شنوند.

«فَاتَّبِعُوهُ، فَإِنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَمَعَهُ»؛ از او پیروی کنید، به درستی که حق با اوست و در اوست. هرکسی می خواهد حقیقت را بشناسد، باید با امام زمان عجل الله فرجه بیعت کند. «وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾»؛ امام رضا ع می فرماید: اینجا قول خداوند متعال معلوم می شود که فرمود: آن آیه ای که خداوند متعال از آسمان نازل می کند، همان ندایی است که منادی در بین زمین و آسمان صدا می زند که: «أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ، فَاتَّبِعُوهُ»؛ حجت خداوند ظاهر شده است.

می فرماید: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»؛^۱ گردن های مردم در برابر این ندا و این صدای آسمانی خاضع می شود. همه قبول می کنند؛ زیرا این طور نیست که وقتی این ندای آسمانی بلند می شود، زمان زیادی داشته باشیم. این روایت در تفسیر این آیه شریفه، از کتاب *فرائد السمطين*، از امام رضا ع نقل شده است. یک راه معرفت امام زمان عجل الله فرجه شناخت احادیثی است که در تفسیر آیات مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه نازل شده است.

قصیده مدارس

کتاب *فرائد السمطين* روایت دیگری را از امام رضا علیه السلام بلافاصله بعد از این روایت نقل می‌کند.^۱ شاید این روایت را شنیده‌اید، اما اینکه یک عالم سنی نقل کند، برای ما اهمیت زیادی دارد.

۱. جوینی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۳۳۷ - ۳۳۸، ح ۵۹۱. «عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ دِعْبِلَ بْنَ عَلِيٍّ الْخَزَاعِيَّ، يَقُولُ: أَنْشَدْتُ مَوْلَايَ الرَّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عليه السلام قَصِيدَتِي الَّتِي أَوْهَّأُ:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ؛ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى قَوْلِي:

يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

خُرُوجِ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٍ

وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ

بَكَى الرَّضَا عليه السلام بُكَاءً شَدِيداً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ، فَقَالَ لِي: يَا خَزَاعِيُّ، نَطَقَ رُوحُ الْقُدْسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيْتَيْنِ، فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ، وَمَتَى يَقُومُ؟ قُلْتُ: لَا يَا مَوْلَايَ، إِلَّا أَنِّي سَمِعْتُ بِخُرُوجِ إِمَامٍ مِنْكُمْ يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسَادِ، وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا. فَقَالَ: يَا دِعْبِلُ، الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي، وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُ عَلِيٍّ، وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُ الْحَسَنِ، وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ، الْمُتَنَزِّهِ فِي غَيْبَتِهِ، الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا، وَأَمَّا مَتَى؟ فَأَخْبَارُ عَنِ الْوَقْتِ، فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام، أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قِيلَ لَهُ: مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ صلى الله عليه وآله: مِثْلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ، ثَقُلْتُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ.

ایشان اسناد را نقل می‌کند. «عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ دِعْبِلَ بْنَ عَلِيٍّ الْخَزَاعِيَّ؛ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ هَرَوِيٍّ مِي گويد: من از دعبل خزاعی شنيدم: «يَقُولُ: أَنْشَدْتُ مَوْلَايَ الرَّضَا قَصِيدَتِي». دعبل می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام گفتم آن قصیده بزرگی که به مدارس آیات معروف است. نمی‌دانم آقایان همه این قصیده را شنیده‌اند یا نه؟ قصیده بسیار مفصلی است. حتماً بخوانید. من همه قصیده را نزد امام رضا علیه السلام خواندم.

«الَّتِي أَوْلَاهَا»، اول قصیده این است: «مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ؛ منظور از مدارس آیات مکان‌های مقدسی در مکه و مدینه است که آیات الهی و نشانه‌هایی که از اهل بیت علیهم السلام در آنجا بود و به وسیله ائمه معصومین علیهم السلام خوانده می‌شد، صدر اسلام را یاد می‌آورد که بنی‌هاشم و اهل بیت علیهم السلام، وضعیت بسیار خوبی داشتند و مردم از آنها استفاده می‌کردند، تا اینکه بنی‌امیه و بنی‌عباس آمدند و به آنها ظلم و ستم کردند.

بعد می‌گوید: «فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى قَوْلِي»؛ آن قصیده را خواندم تا رسیدم به شعر خودم:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

عرض کردم واجب است که امامی از شما اهل بیت علیهم السلام خروج کند و ظاهر شود. لازم است که یکی از اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان قیام بکند.

این عبارت هم بستگی دارد به بحث ما. «يُمَيِّزُ بَيْنَنَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ»؛ امامی که ان شاء الله در آخرالزمان ظهور می‌کند، تمییز می‌دهد بین ما و برای ما حق و باطل

را روشن می‌کند. «وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ»؛ ایشان بر نعمت‌ها و مشکلاتی که برای محبان اهل بیت علیهم‌السلام پیش آمده جزا و پاداش می‌دهد. آنهایی که مردم بر آنها نعمت گرفته‌اند، پاداش می‌دهد. اگر مشکلاتی برای مردم پیش آمده، امام زمان علیه‌السلام آنها را هم به نحوی حل می‌کند.

گریه امام رضا علیه‌السلام در وصف امام زمان علیه‌السلام

تا اینکه می‌گوید خدمت امام رضا علیه‌السلام این دو شعر را که خواندم، «بِكَيْ الرَّضَاءِ بُكَاءٌ شَدِيداً»؛ حضرت رضا علیه‌السلام گریه بسیار شدیدی کردند. «ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ»؛ پس سر مبارکشان را بالا بردند. «فَقَالَ لِي: يَا خُزَاعِي نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَدْيَيْنِ الْبَيْتَيْنِ»؛ فرمود: که ای خزاعی! این دو بیت را تو نگفتی، خدا خواست که این دو بیت شعر به وسیله روح القدس بر زبان تو جاری شود. امام علیه‌السلام می‌فرماید ما نمی‌گوییم. «نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَدْيَيْنِ الْبَيْتَيْنِ». این اشعار متعلق به تو نبود، گاهی وقت‌ها از طرف خداوند متعال الهام می‌شود. خدا می‌خواست این دو شعر را تو بر زبان جاری کنی.

«فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ، وَمَتَى يَقُومُ؟»؛ آیا می‌دانی این امام کیست؟ آیا می‌دانی این امام چه زمانی قیام می‌کند؟ «قُلْتُ: لَا يَا مَوْلَايَ»؛ گفتم: نه، من خبری ندارم. «إِلَّا أَنِّي سَمِعْتُ بِخُرُوجِ إِمَامٍ مِنْكُمْ يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسَادِ، وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا». من به این خاطر شعر گفتم که شنیدم امامی از میان شما ظاهر می‌شود و قیام می‌کند و زمین را از فساد پاک می‌کند و بعد از اینکه ستم و ظلم



را از بین برد، آن را پر از عدل و داد می‌کند. من اینها را شنیده بودم؛ به همین دلیل این اشعار را گفتم.

«فَقَالَ: يَا دِعْبِلُ الْإِمَامِ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي»؛ امام رضا علیه السلام به دعبل می‌فرماید: ای دعبل! بعد از من، فرزندانم، حضرت محمد جواد علیه السلام، امام است. «وَبَعْدَ مُحَمَّدِ ابْنِهِ عَلِيٌّ»؛ و بعد از محمد حضرت علی بن محمد هادی علیه السلام که امام دهم است. «وَبَعْدَ عَلِيِّ ابْنِهِ الْحُسَيْنُ»؛ بعد از ایشان هم فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام. «وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُتَّظَرُّ فِي غَيْبَتِهِ»؛ آن شخصی که مردم در انتظارش هستند و در غیبت به سر می‌برند. «الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ»، وقتی ظاهر بشوند، همه فرمان ایشان را اطاعت می‌کنند. بعد می‌فرماید: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ»؛ اگر یک روز از عمر دنیا باقی بماند، خداوند این روز را آنقدر طولانی می‌کند تا حضرت حجت علیه السلام قیام کند. «فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا». و زمین را از عدل و داد پر کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

زمان ظهور امام زمان علیه السلام

اما شما پرسیدید چه زمانی حضرت قیام می‌کند. خیلی مهم است. بعضی برای حضرت وقت ظهور تعیین می‌کنند. این واقعاً اشتباه است؛ ما شیعیان نباید وقت ظهور تعیین کنیم، روایت داریم: «كَذَّبَ الْوَقَّاتُونَ»؛ کسانی که وقت معین می‌کنند،

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۹۰، ۲۹۴؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲،

ص ۴۸۳ - ۴۸۴؛ طوسی، الغیبة، ص ۴۲۶.

آنها دروغگو هستند. تازه در برخی روایات آمده که خود حضرت هم زمان ظهور را نمی دانند. این وقت خاص از اسرار خداوند است و علم آن نزد خداست. از علم هایی است که فقط خداوند متعال می داند. آن وقت ما وقت تعیین کنیم، مثلاً امسال، این زمان، چند سال دیگر. اینها از مسائلی است که اگر مردم عوام از ما بشنوند، متأسفانه دینشان سست می شود و ایمانشان ضعیف می شود، نباید وقت معین کنیم.

حضرت فرمودند: «وَأَمَّا مَتَى؟»، اینکه شما سؤال کردید زمان ظهور کی اتفاق می افتد؟ «فَإِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ»؛ این زمان اخبار از وقت است. بعد در توضیح وقت امام رضا علیه السلام می فرماید: «فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ»؛ پدر من از جد من از پدرش از پدران من از امیرالمؤمنین علیه السلام حدیثی را روایت کردند. آورده اند که «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قِيلَ لَهُ: مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟»؛ خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: یا رسول الله! فرزند شما چه زمانی خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد می کند؟

«فَقَالَ: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مثل زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام، مثل ساعت است؛ یعنی روز قیامت. مگر کسی می داند روز قیامت کی اتفاق می افتد؟ «الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ»؛ هر وقت خدا بخواهد او را ظاهر می کند. وقت ظهور آشکار نمی شود، مگر اینکه خداوند متعال بخواهد که زمانش نزد خداوند است. علم قیام امام زمان علیه السلام نیز نزد خداوند است. ما فقط می توانیم بگوییم که امام زمان علیه السلام وقتی تشریف می آورند، زمین پر از ظلم و ستم است؛

بعضی از علامت‌ها و نشانه‌های حتمی را بیان کنیم، اما اینکه چه زمانی اتفاق می‌افتد، نمی‌شود هرکسی حرفی بزند و بگوید که امام زمان علیه السلام فلان شخص است. اینها برای ما مشکل است. این قدر زمان‌ها بوده از این زمان ما سخت‌تر، گاهی وقت‌ها حتی زمان خود ائمه معصومین علیهم السلام آن قدر زمان سختی برای شیعیان بوده که حجاج - لعنة الله علیه - در شهر کوفه هفتاد هزار نفر را شهید کرد. چه زمان‌های سختی بود. بعضی‌ها می‌آمدند خدمت امام علیه السلام و می‌گفتند پس امام زمان علیه السلام کی ظاهر می‌شود. از این ظلم و ستم‌ها در طول تاریخ زیاد دیده است. ما نمی‌توانیم بگوییم اگر مسئله‌ای پیش آمد، امام زمان علیه السلام امسال یا فردا یا سه سال دیگر یا در زمان ما ظهور می‌کنند. کسی نمی‌تواند چنین ادعای بزرگی کند.

لذا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ثُقُلْتُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ این مسئله در آسمان‌ها و زمین مشکل افتاده است. آن قدر سنگین است که: «لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛ حضرت نمی‌آید مگر به صورت ناگهانی. روایت داریم که خیلی از مردم در خواب هستند، خیلی از مردم مشغول کارهای خودشان هستند، ناگهان منادی آسمان و زمین صدا می‌زند: «أَلَا قَدْ ظَهَرَ مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ». آیه شریفه: «لَا يُجَلِّئُهَا لَوْ قَتَبَهَا إِلَّا هُوَ ثُقُلْتُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛^۱ در سوره اعراف آمده است. همچنین در کتاب *فرائد السمطين* از امام رضا علیه السلام نقل شده است.

۱. اعراف، ۱۸۷. «هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد؛ (قیام قیامت، حتی) در

آسمان‌ها و زمین، سنگین و جز به‌طور ناگهانی، به سراغ شما نمی‌آید».



پس معلوم می‌شود که معرفت امام بر همه ما واجب است. شناخت امام همه این مسائل را هم دارد؛ از جمله شناخت امام این است که آیا می‌توانیم برای ظهور حضرت وقت تعیین کنیم. اینها مهم است. آیا این علامات و این نشانه‌هایی که اتفاق می‌افتد، علائم ظهور حضرت هستند؟ نشانه‌های حتمی ظهور کدام است؟ نشانه‌هایی که ممکن است قبل از ظهور اتفاق بیفتد، کدام‌اند؟ اینها را باید از طریق روایات معتبر بشناسیم، روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام با سند محکم و متیقن وارد شده است. همان‌طور که معرفت امام برای هر مسلمانی واجب است، شناخت امام زمان علیه‌السلام امروز از واجبات و ضروریات دین است؛ لزومش از همه اصول و فروع دین برای ما بیشتر است، «وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»^۱. نماز هست، روزه هست، حج هست، زکات هست، اینها همه جزو اصول دین ما هستند؛ اما آن چیزی که از همه مهم‌تر است، مسئله ولایت است، امروز در عصر غیبت، آن چیزی که از همه مهم‌تر است، مسئله ولایت امام زمان علیه‌السلام است.

امیدواریم که ظهور حضرت را با عافیت درک کنیم. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي

دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، نُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ»^۲.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۸.

۲. طوسی، مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۵۸۱؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۱ (بخشی از

دعای افتتاح).

جلسه دوازدهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^۱.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: عده‌ای از مردم چنین خواستند که نور خداوند را به وسیلهٔ زبان، دهان و قدرتشان، خاموش کنند و حال آنکه خداوند متعال از این کار آنها ابا دارد، مگر اینکه نور خودش را بر همهٔ موجودات و هستی تمام کند و آن نور را حفظ کند. «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» هر چند کافران - کسانی که مخالف دین اسلام و دشمن اهل بیت هستند - نتوانند تحمل

۱. توبه، ۳۲. «آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این

نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند».

کنند و ناراحت شوند؛ ولی خواست خداوند متعال است که نورش تمام جهان را فرا بگیرد.

دشمنی با اهل بیت علیهم السلام و جلوگیری از نشر فضائل آنان

در طول تاریخ، از صدر اسلام تاکنون اشخاص، قدرت‌ها و نیروهایی بودند که می‌خواستند با دین مقدس اسلام و همچنین انوار طیبه معصومین علیهم السلام مخالفت کنند. اگرچه در ظاهر توانستند چند روزی قدرتی داشته باشند، ولی امروزه به خواست خداوند همه این قدرت‌ها از بین رفت و از آنان جز نکبت و تنفر مردم از آنها، نامی باقی نمانده است. در طول تاریخ، بنی‌امیه، بنی‌عباس و دیگر حکومت‌های ستمگر آمدند و نتوانستند کاری از پیش ببرند. از طرفی دشمنان امیرمؤمنان علیه السلام و دشمنان ولایت، آن‌قدر کوشش کردند که نام امیرالمؤمنین علیه السلام را خاموش کنند؛ ولی هرگز موفق نشدند. دشوارترین دوران برای اهل بیت علیهم السلام دوران معاویه و بنی‌امیه بود که نزدیک شصت سال در سراسر کشورهای اسلامی، در بسیاری از منبرها سب و دشنام امیرالمؤمنین علیه السلام رایج بود و با مولا دشمنی داشتند، ولی به خواست خداوند همه اینها از بین رفت.

بسیاری از علمای بزرگ شیعه، حتی در کتب علمای اهل سنت، درباره فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام سخن‌ها گفته‌اند و چقدر فضائل آن حضرت منتشر شده است. عده‌ای دشمن امیرالمؤمنین علیه السلام بودند و نمی‌خواستند فضائل ایشان را منتشر کنند و

با نشر فضائل علی علیه السلام مخالفت می کردند؛ عده‌ای هم از دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، ولی از ترس حاکمان نمی توانستند فضائل امام را منتشر کنند. با این وجود و با این همه عداوت، مشاهده می کنیم که تمام کتاب‌های اهل سنت، مراکز علمی، دانشگاه‌های مذهبی و اسلامی از فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام پر شده است. نمونه بارز آن را آیه شریفه می فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ». کسانی بودند که می خواستند نور خدا را خاموش کنند، اما موفق نشدند. اگر خدا بخواهد چیزی را بالا ببرد و مرتبه‌ای را به کسی بدهد و درجه کسی را در این دنیا بالا ببرد، هیچ قدرتی نمی تواند با خدا مبارزه کند و مرتبه‌ای را که خدا بالا برده، پایین بیاورد؛ این یک سنت الهی است که از اول تا امروز بوده است.

هرکس با این سنت مبارزه کرد، خداوند او را از بین برد و به هلاکت رساند. بله، ظالمان چند روزی حکومت ظاهری دارند، ولی از بین رفتنی اند، که آیه شریفه درباره ائمه معصومین علیهم السلام می فرماید: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا».^۱ در این باره روایاتی از طریق اهل بیت علیهم السلام از کتب علمای شیعه، در تفسیر آیه شریفه بیان شده است. روایات بسیار مهمی است که لازم است درباره تفسیر آیه سی و دوم سوره مبارکه توبه بیان شود.

از جمله در کتاب شریف *منتخب الاثر از کفایة الاثر* نقل شده است.^۲ اسناد را

۱. اسراء، ۸۱ «و بگو حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابودشدنی است».

۲. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۶ - ۱۹؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۴ - ۲۶، ح ۲۴۳. ←

→ «عَنْ طَاوُوسِ السَّيِّئِيِّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَالْحَسَنُ ﷺ عَلَى عَاتِقِهِ وَالْحُسَيْنُ ﷺ عَلَى فَخِذِهِ يَلْتِمُهُمَا وَيُقْبَلُهُمَا وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا، ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ عَبَّاسِ كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِهِ، يَدْعُو فَلَا يُجَابُ، وَيَسْتَنْصِرُ فَلَا يُنصَرُ. قُلْتُ: مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: شِرَارُ أُمَّتِي مَا لَهُمْ لَأَنَّهُمْ اللَّهُ شَفَاعَتِي، ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ عَبَّاسِ مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كُتِبَ لَهُ ثَوَابُ أَلْفِ حِجَّةٍ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ أَلَا وَمَنْ زَارَهُ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي وَمَنْ زَارَنِي فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ وَحَقُّ الزَّائِرِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ بِالنَّارِ، أَلَا وَإِنَّ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَالشَّفَاءَ فِي ثُرْبَتِهِ، وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ.

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَمِ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: بَعْدِي حَوَارِي عَيْسَى، وَأَسْبَاطُ مُوسَى، وَنُقَبَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَمِ كَانُوا؟ قَالَ ﷺ: كَانُوا اثْنَيْ عَشَرَ، وَالْأَيْمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَبَعْدَهُ سِبْطَايَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، فَإِذَا انْقَضَى الْحُسَيْنُ فَابْنُهُ عَلِيُّ، فَإِذَا انْقَضَى عَلِيُّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا انْقَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ جَعْفَرٌ، فَإِذَا انْقَضَى جَعْفَرٌ فَابْنُهُ مُوسَى، فَإِذَا انْقَضَى مُوسَى فَابْنُهُ عَلِيُّ، فَإِذَا انْقَضَى عَلِيُّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا انْقَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ عَلِيُّ، فَإِذَا انْقَضَى عَلِيُّ فَابْنُهُ الْحَسَنُ، فَإِذَا انْقَضَى الْحَسَنُ فَابْنُهُ الْحُجَّةُ.

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسَامِي لَمْ أَسْمَعْ بِهِمْ قَطُّ. قَالَ لِي: يَا ابْنَ عَبَّاسِ هُمُ الْأَيْمَةُ بَعْدِي، وَإِنْ قُهِرُوا، أَمْنَاءُ مَعْصُومُونَ نُجَبَاءُ أَخْيَارُ، يَا ابْنَ عَبَّاسِ مَنْ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَارِفًا بِحَقِّهِمْ أَخَذَتْ يَدَهُ فَأَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ، يَا ابْنَ عَبَّاسِ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ رَدَّ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَكَأَنَّمَا قَدْ أَنْكَرَنِي وَرَدَّنِي وَمَنْ أَنْكَرَنِي وَرَدَّنِي، فَكَأَنَّمَا أَنْكَرَ اللَّهُ وَرَدَّهُ، يَا ابْنَ عَبَّاسِ سَوْفَ يَأْخُذُ النَّاسُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَاتَّبِعْ عَلِيًّا وَحِزْبَهُ، فَإِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ وَلَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ، يَا ابْنَ عَبَّاسِ وَلَا يَتُّهُمُ وَلَا يَتِي وَوَلَاتِي، وَلَا يَهُ اللَّهُ، وَحَرْبُهُمْ حَرْبِي وَحَرْبِي حَرْبُ اللَّهِ، وَسَلْمُهُمْ سَلْمِي وَسَلْمِي سَلْمُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

ذکر می نماید تا می رسد به: «عَنْ طَاوُوسِ الْيَمَانِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، وَالْحُسَيْنُ عَلَى عَاتِقِهِ، وَالْحُسَيْنُ عَلَى فَخِذِهِ».

حدیث بسیار زیبایی است، انسان واقعاً از شنیدن آن لذت می برد. گاهی اوقات احادیث را مطالعه می کنم، می گویم که شاید هیچ لذتی در این دنیا بهتر از شنیدن احادیث اهل بیت علیهم السلام نباشد. چقدر احادیث اهل بیت علیهم السلام به انسان نشاط می دهد. چقدر انسان از اینکه این احادیث را می خواند، خوشحال می شود. همان گونه که انسان در یک بوستانی قدم می زند و از این گل های رنگارنگی که آنجا هست، استشمام می کند و لذت می برد و هر کدام از این گل ها را می بیند بر نشاطش افزوده می شود، این روایات نیز به انسان نشاط و شادابی می دهد. روایت داریم که «الْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ»؛^۱ کتاب ها بوستان علماست؛ یعنی اگر علما باغ و بوستانی ندارند، ولی کتاب هایشان همان بوستانی است که در آن سیر می کنند و لذت می برند. ما مشاهده می کنیم که بعضی از علما شبانه روز با کتاب عجین هستند، خیلی مطلب مهم است. چشمشان و نگاهشان به کتاب است، مثل اینکه به جز کتاب، چیز دیگری در این عالم نمی بینند. حقیقت هم همین است.

۱. لیشی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۱۹؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۲.

دعای پیامبر ﷺ در حق حسنین ﷺ

همان طور که می‌دانید ابن عباس یکی از مفسرین بزرگ عالم اسلام است که روایاتش را از طریق پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ بیان می‌کند. «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَالْحَسَنُ عَلَى عَاتِقِهِ»؛ ایشان نقل می‌کند: بر پیامبر ﷺ وارد شدم، در حالی که امام حسن مجتبی ﷺ (کودک حدود چهار یا پنج ساله بودند) و روی دوش مبارک پیامبر ﷺ نشسته بودند. پیامبر ﷺ، امام حسن ﷺ را روی دوششان گذاشته بودند. «وَالْحُسَيْنُ عَلَى فَخِذِهِ»؛ و امام حسین ﷺ هم روی زانوی ایشان نشسته بود. «يَلْتُمُهُمَا وَيُقَبِّلُهُمَا»؛ آن دو را نوازش می‌کردند و دست روی شانه مبارکشان می‌گذاشتند و آن دو را می‌بوسیدند و می‌فرمودند: «وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا». این دعای پیامبر ﷺ هنوز هم هست. خدایا کسی که امام حسن و امام حسین ﷺ را دوست می‌دارد، دوست بدار و کسی که با آنها دشمنی می‌کند را دشمن بدار.

پیش‌بینی شهادت امام حسین ﷺ از زبان پیامبر ﷺ

«ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِهِ»، بعد فرمودند: ای ابن عباس! پیامبر ﷺ آینده امام حسین ﷺ را برای ابن عباس بیان کردند. فرمودند: مثل اینکه فرزندم امام حسین ﷺ را می‌بینم. می‌بینم که محاسن مبارکش از خونس خضاب می‌شود. «يَدْعُو فَلَا يُجَابُ وَيَسْتَنْصِرُ فَلَا يُنصَرُ»؛ امام حسین ﷺ مردم را می‌خواند، اما



کسی جواب او را نمی‌دهد: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي»، و از مردم طلب یاری می‌کند، کسی او را کمک نمی‌کند. «هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؟». 'خیلی تعجب کردم. اینها فرزندان پیامبر ﷺ هستند! اینها کسانی هستند که اصحاب پیامبر می‌دیدند که رسول الله ﷺ چقدر نسبت به آنها علاقه‌مند است امام حسن و امام حسین ﷺ را می‌بوسد.

«قُلْتُ: مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» پرسیدم که چه کسانی این کار را می‌کنند؟ مگر کسی هست که با امام حسین ﷺ چنین رفتاری کند؟ «قَالَ: شِرَارُ أُمَّتِي»؛ پیامبر ﷺ فرمودند که اینها بدترین امت من هستند. اینهایی که الآن هم هستند. مشاهده می‌کنید کسانی که باقی ماندند و این‌طور بچه‌های شیعه و مظلومین را شهید می‌کنند. اینها هم از آنها هستند. «شِرَارُ أُمَّتِي»، اینها اشرار امت من هستند. «مَا هُمْ»، من با آنها چه کار دارم، آنها با من چه کار دارند. آنها را چه می‌شود، چرا فرزند مرا این‌طور اذیت می‌کنند؟ «لَا أَنَا هُمْ اللَّهُ شَفَاعَتِي»؛ شفاعت من هرگز به این افراد نخواهد رسید.

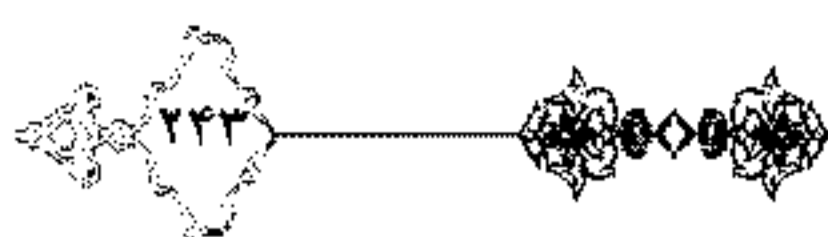
ثواب زیارت امام حسین ﷺ

«ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كُتِبَ لَهُ ثَوَابُ أَلْفِ حِجَّةٍ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ»؛ حضرت می‌فرماید: شناخت واقعی امام ﷺ بر هر شخصی در هر زمانی واجب

۱. ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۱۶؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۹.

است، لازم است که امام زمان خودش را بشناسد. حضرت به ابن عباس فرمود: هر کس امام حسین علیه السلام را زیارت کند و عارف به حق او باشد. ثواب هزار حج را در نامه اعمال او می نویسند. و ثواب هزار عمره و حج مقبوله را در اعمال او می نویسند. «أَلَا وَمَنْ زَارَهُ فَكَأَنَّمَا قَدَّ زَارَنِي وَمَنْ زَارَنِي فَكَأَنَّمَا قَدَّ زَارَ اللَّهَ». حدیث خیلی مهمی است. زائر امام حسین علیه السلام پیش خداوند منزلت و ارزش والایی دارد. هر کس او را زیارت کند، مثل اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت کرده است و هر کس پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت کند، مثل اینکه خداوند متعال را زیارت کرده است. خداوند با زائر خودش، با مهمانش چه می کند؟ کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام برود، در واقع مهمان خداوند متعال است.

«وَحَقُّ الزَّائِرِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ بِالنَّارِ»؛ حق زائر امام حسین علیه السلام بر خدا این است که خداوند متعال او را به آتش عذاب نمی کند. خوشا به سعادت کسانی که زائر امام حسین علیه السلام هستند و به حق ایشان معرفت دارند. مگر خداوند به حضرت چه چیزی داده؟ او را شهید می کنند، این همه ناراحتی و گرفتاری برای حضرت به وجود می آورند، اما در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَلَا وَإِنَّ الْإِجَابَةَ نَحْتِ قُبَّتِهِ»؛ تحت قبه امام حسین علیه السلام محل اجابت دعاست. ان شاء الله خداوند نصیب همه ما بفرماید. «وَالشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ»؛ خدا شفا را در تربت امام حسین علیه السلام قرار داد. مهم تر از همه اینها «وَالْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ»؛ نه نفر از ائمه معصومین علیهم السلام فرزندان امام حسین علیه السلام هستند.



اسامی امامان معصوم علیهم السلام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله

ابن عباس می گوید که من خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم. «قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَمْ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ؟». اینکه شما می فرمایید ائمه علیهم السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند، آنها را از کجا بشناسیم؟ جانشینان شما چه کسانی هستند؟ «قَالَ بَعْدَ حَوَارِيِّ عِيسَى، وَأَسْبَاطِ مُوسَى، وَنُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ». فرمودند: که به اندازه عدد حواری عیسی که دوازده نفر بودند، اسباط موسی که دوازده نفر بودند و نقبای بنی اسرائیل که آنها نیز دوازده نفر بودند، به فرموده خود قرآن کریم. «قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَمْ كَانُوا؟»، عرض کردم یا رسول الله! برای ما بیشتر توضیح بده. نقبای بنی اسرائیل چند نفر بودند؟ اسباط چند نفر بودند؟ حواریون چند نفر بودند؟ «قَالَ: كَانُوا اثْنَيْ عَشَرَ»؛ فرمودند: اینها دوازده نفر بودند. «وَالْأَيْمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ»؛ ائمه بعد از من هم دوازده نفر هستند که نام مبارک آنها را یکی یکی پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث می فرماید. «أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَبَعْدَهُ سِبْطَايَ الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ، فَإِذَا انْقَضَى الْحُسَيْنُ فَايْتَهُ عَلِيُّ، فَإِذَا انْقَضَى عَلِيُّ فَايْتَهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا انْقَضَى مُحَمَّدٌ فَايْتَهُ جَعْفَرٌ، فَإِذَا انْقَضَى جَعْفَرٌ فَايْتَهُ مُوسَى، فَإِذَا انْقَضَى مُوسَى فَايْتَهُ عَلِيُّ، فَإِذَا انْقَضَى عَلِيُّ فَايْتَهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا انْقَضَى مُحَمَّدٌ فَايْتَهُ عَلِيُّ، فَإِذَا انْقَضَى عَلِيُّ فَايْتَهُ الْحُسَيْنُ، فَإِذَا انْقَضَى الْحُسَيْنُ فَايْتَهُ الْحُجَّةُ».

«قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسَامِي لَمْ أَسْمَعْ بِهِنَّ قَطُّ»؛ ابن عباس می گوید خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم این دوازده اسم شریف و مبارک را که شما ذکر کردید، تا حالا نشنیده بودم. «قَالَ لِي: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ هُمُ الْأَيْمَةُ بَعْدِي وَإِنْ قُهِرُوا»؛



پیامبر ﷺ فرمود: اینها امامان بعد از من هستند، اگرچه مظلوم بشوند. واقعاً همه آنها در دنیا مظلوم بودند و به همه آنها - از امیرالمؤمنین ﷺ تا امام زمان ﷺ - ظلم شد، ولی اینها، ائمه بعد از من هستند. «أُمَّنَاءُ مَعْصُومُونَ»؛ اینها امان خداوند بر روی زمین هستند. اینکه ما به هریک از ائمه معصومین ﷺ عرض می‌کنیم «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۱.

«نُجَبَاءُ أَخْيَارٍ»، اینها اخیار و نجبای روی زمین هستند. «يَا ابْنَ عَبَّاسٍ مَنْ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَارِفًا بِحَقِّهِمْ أَخَذْتُ بِيَدِهِ فَأَدْخِلُهُ الْجَنَّةَ». مهم این است که باید اینها را بشناسیم. اگر کسی اینها را شناخت، دنیا و آخرتش آباد است. هرکسی که می‌خواهد باشد، دست او را می‌گیرم و او را وارد بهشت می‌کنم. پیامبر ﷺ می‌فرماید: کسی که ائمه معصومین ﷺ را شناخت و عارف به حق آنها بود، من آنها را ضمانت می‌کنم و آنها را وارد بهشت می‌کنم. «أَخَذْتُ بِيَدِهِ فَأَدْخِلُهُ الْجَنَّةَ».

انکار یکی از امامان به منزله انکار و رد پیامبر ﷺ و خدا

«يَا ابْنَ عَبَّاسٍ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ رَدَّ وَاحِدًا مِنْهُمْ»؛ پیامبر ﷺ به ابن عباس می‌فرماید: هرکس که یکی از آنها یا همه آنها را انکار بکند، مثل این است که مرا انکار کرده است. مثلاً امام ششم را قبول دارد، ولی امام هفتم به بعد را قبول

۱. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۳۹؛ طوسی، مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۷۳۸؛ ابن طاووس،

اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۷۰.

ندارد. تا امام هفتم را قبول دارند - بعضی از فرقه‌ها این گونه هستند - ولی از امام هشتم به بعد را قبول ندارند. اگر هر کدام از اینها یکی از ائمه معصومین علیهم‌السلام را قبول نداشته باشند «فَكَاتَمَّا قَدْ أَنْكَرَنِي وَرَدَّنِي»؛ یعنی پیامبر را انکار کردند. «وَمَنْ أَنْكَرَنِي وَرَدَّنِي فَكَاتَمَّا أَنْكَرَ اللَّهَ وَرَدَّهُ»؛ و کسی که مرا رد و انکار کند؛ خدا را انکار کرده است. اگر خدا را قبول دارند، باید دوازده امام را قبول داشته باشند.

حزب علی علیه‌السلام، حزب الله است

«يَا ابْنَ عَبَّاسٍ سَوْفَ يَأْخُذُ النَّاسُ يَمِينًا وَشِمَالًا». باز به عموزاده‌اش، ابن عباس، می‌فرماید: مردم به زودی به طرف راست و چپ می‌روند؛ یک عده به طرف راست می‌روند، یک عده به طرف چپ می‌روند، یک عده به طرف شرق می‌روند، یک عده به طرف غرب می‌روند؛ در واقع آنها حقیقت را رها می‌کنند. نمی‌دانند کدام طرف بروند. «سَوْفَ يَأْخُذُ النَّاسُ يَمِينًا وَشِمَالًا»؛ به زودی مردم راه راست را فراموش می‌کنند، مثل اینکه گم می‌کنند. «فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَاتَّبِعْ عَلِيًّا وَحِزْبَهُ»؛ اگر زمانی فرا رسید که مردم راه را گم کرده‌اند، تو فقط راه امیرالمؤمنین علیه‌السلام را برو و با حزب امیرالمؤمنین علیه‌السلام باش. «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ ^۱ «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» ^۲.

۱. مجادله، ۲۲. «بدانید حزب الله پیروز و رستگارانند».

۲. مائده، ۵۶. «به‌درستی که حزب الله پیروز است».

حزب الله واقعی؛ یعنی همان راه امیرالمؤمنین علیه السلام؛ راه علی علیه السلام را برو و با حزب او باش.

حق با علی علیه السلام و علی علیه السلام با حق است

«فَإِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ»؛ امیرالمؤمنین علیه السلام با حق است و حق هم با امیرالمؤمنین علیه السلام است. او از حق جدا نمی شود. اگر می خواهید حق را بشناسید، ببینید که علی علیه السلام کجا قرار دارد. هر جایی که ایشان بود، بدانید آنجا حق است. هر کجا ایشان نبود، بدانید که آنجا باطل است. هر کس می خواهد باشد، دم از اسلام بزند، اما امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان او را قبول نداشته باشد؛ حق نیست. زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام تنها نیست. هر کس امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده امام که اوصیای او هستند را قبول نداشته باشد، از ما نیست. مسلمان نیست؛ زیرا خداوند را منکر شده است.

«فَإِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ وَلَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ حق با اوست. امیرالمؤمنین علیه السلام با حق است. اینها از هم جدا نمی شوند تا اینکه در روز قیامت، کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. اگر آنجا با علی علیه السلام بودی، نجات پیدا خواهی کرد. اگر آنجا با علی علیه السلام نبودی، مسلم است که اهل عذاب خواهی بود.

ولایت اهل بیت علیهم السلام به منزله ولایت خدا

«يَا ابْنَ عَبَّاسٍ وَلَايَتُهُمْ وَلَايَتِي، وَوَلَايَتِي وَلَايَةُ اللَّهِ»؛ ای ابن عباس، ولایت آنها، ولایت من است و ولایت من نیز ولایت خداست. هر کس می خواهد خداوند را

به عنوان ولی قبول کند، **«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا»**؛ خداوند ولی کسانی است که ایمان آوردند. اگر کسانی که ایمان آوردند، خدا را ولی خود بدانند، باید پیامبر ص را به عنوان ولی قبول داشته باشند و اگر پیامبر ص را قبول داشته باشند، باید امیرالمؤمنین، علی ع و ائمه معصومین ع را نیز قبول داشته باشند.

دشمن اهل بیت ع، دشمن خدا و رسول خدا

«وَحَرْبُهُمْ حَرْبِي»؛ هرکس که تا دامنه قیامت با اینها در جنگ باشد و دشمنی کند، هرکس می خواهد باشد، گویی با من جنگ کرده است. **«وَحَرْبِي حَرْبُ اللَّهِ»**؛ حرب من، حرب خداست. اگر با امیرالمؤمنین ع و فرزندان او جنگیدند، با خدا جنگیدند. زیرا حزب الله، حزب امیرالمؤمنین ع است. جند الله، جند امیرالمؤمنین ع است. اگر با امیرالمؤمنین ع مخالفت کرد، با من مخالفت کرده؛ یعنی مخالف علی ع، مخالف خداست.

«وَسَلْمُهُمْ سَلْمِي وَسَلْمِي سَلْمُ اللَّهِ»؛ کسی که با امیرالمؤمنین ع صلح کند، با ما صلح کرده است. صلح امیرالمؤمنین ع و صلح ائمه معصومین ع، صلح من است. اگر کسی با علی ع و فرزندان او صلح کرده، مثل اینکه با من صلح کرده است.

نور خدا خاموشی ندارد

«ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، سپس استشهاد کردند، به همین آیه شریفه: ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛^۱ فرمودند که مردم می خواهند نور خدا را با دهان و زبان و قدرت ظاهریشان خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند؛ هرچند کافران را خوش نیاید. کافران دوست ندارند، اما اگر همه دنیا هم جمع بشوند، چیزی که خدا بخواهد حتمی است و به وقوع می یوندد. «مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ»؛^۲ چیزی که خدا بخواهد، انجام می شود و چیزی هم که نخواهد، اگر همه قدرت های جهان هم جمع بشوند، حتماً انجام نمی شود.

در این آیه شریفه می فرمایند: ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾. در طول تاریخ چکار کردند تا امروز؛ ما مشاهده می کنیم که چقدر بر ضد ائمه معصومین علیهم السلام و شیعیان مبارزه و دشمنی کردند. چقدر از شیعیان را کشتند. چقدر علمای شیعه را شهید کردند.

۱. توبه، ۳۲. «آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند».

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۷۲؛ ج ۱، ص ۸۲؛ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۳.

جان فشانی عالمان و بزرگان شیعه در راه نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام

کتاب *شهداء الفضیلة* را که علامه امینی رحمته الله نوشته است، مطالعه کنید. این کتاب به فارسی تحت عنوان *شهیدان راه فضیلت* ترجمه شده است. تعداد بسیاری از علمای بزرگ شیعه را که در راه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شدند، در این کتاب آورده است که چگونه از خودشان جان فشانی نشان دادند. این علما و بزرگان اشخاصی بودند که همه عمر و زندگیشان را وقف نشر و تبلیغ آثار امیرالمؤمنین علیه السلام کرده‌اند.

قاضی نورالله شوشتری رحمته الله مروج فضائل اهل بیت علیهم السلام

نوشته‌اند وقتی قاضی نورالله شوشتری کتابش را نوشت، گفتند که این کتاب را برای چه نوشته‌ای؟ اگر دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام بفهمند، به طور حتم تو را از بین خواهند برد. گفت به من بگوئید کدام یک از شهرها بیشتر با امیرالمؤمنین علیه السلام دشمنی می‌کند تا من این کتابم را آنجا ببرم و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را آنجا نشر دهم. شهری را به ایشان معرفی کردند. ایشان رفتند آنجا و امروزه یکی از شهرهای بزرگ عالم تشیع است. مشاهده نمودید که اینها چنین کارهای بزرگی را انجام داده‌اند؛ همان طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود وقتی داشت به یمن می‌رفت. «يَا عَلِيُّ وَأَيُّمُ اللَّهِ لَأَنَّ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ

عَلَيْهِ الشَّمْسُ»؛^۱ اگر یک نفر به دست تو هدایت شود از آنچه که خورشید بر او می‌تابد، بهتر است. هدایت یعنی چه؟ هدایت یعنی کسی را وارد مسیر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کردن. خوشبانه حال کسانی که در این راه قدم برمی‌دارند.

اهمیت تبلیغ ولایت اهل بیت علیهم السلام

بسیارند کسانی که در این راه قدم برمی‌دارند. هم‌اکنون طلاب عزیز می‌باشند که به اقصا نقاط این کشور یا کشورهای دیگر رفته‌اند و امر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را ترویج می‌دهند؛ به خاطر اینکه مردم را از گمراهی نجات بدهند. مسلم است که هرکسی در راهی غیر از راه امیرالمؤمنین علیه السلام قدم بگذارد، بنا به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله گمراه است. وظیفه ما ایجاب می‌کند که آنها را از گمراهی نجات دهیم و هرکس که چنین وظیفه‌ای را انجام دهد، خدمت بزرگی به اسلام و تشیع کرده است.

می‌فرماید: یا علی! هرکس به دست تو هدایت شود، بهتر است از آنچه که خورشید بر او می‌تابد. بعضی از دوستان هستند که همه عمرشان را - آنچه دارند - وقف امیرالمؤمنین علیه السلام کردند. انسان متعجب می‌شود؛ زیرا آنچه که دارند؛ تمام زندگی‌شان، تمام جان، مال و قدم‌هایی که برمی‌دارند، همه در راه امیرالمؤمنین علیه السلام و دفاع از مکتب اهل بیت علیهم السلام است که به آنها مرابط می‌گوییم.

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۸، ۳۶؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۴۱؛ راوندی، النوادر،

ص ۲۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۴۳.

امام زمان علیه السلام مرابط اسلام

روایاتی در کتاب شریف *منتخب الاثر* نقل شده که امام باقر علیه السلام می فرماید: از نسل ما مرابط است. آن وقت مرابط را معنا کردند؛ یعنی یکی از القاب حضرت حجت علیه السلام است.^۱ مرابط کسی است که از مرزهای عقیدتی مردم و دین مقدس اسلام دفاع می کند. معنای لغوی مرابط یعنی کسانی که از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی کشورها دفاع می کنند که به آنها مرابط می گویند. امروز ما می گوئیم مرزبان. مرابطی که نام مبارک امام زمان علیه السلام و لقب مبارک ایشان است که آیه شریفه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»^۲.

در تفسیر آیه آمده که با امام زمان علیه السلام ارتباط داشته باشید. «رَابِطُوا»، یعنی با امام زمان علیه السلام در ارتباط باشید؛ زیرا امام زمان علیه السلام خودشان مرابط هستند؛ بزرگترین مرزدار عقیدتی اسلام، امام زمان علیه السلام است. ما هم باید در راهی قدم بگذاریم که این مرابط بزرگ الهی قدم می گذارد، ما هم باید مرابط باشیم. ما هم باید مواظب باشیم. اگر عقیده بعضی از جوانان و دوستان، در حال ضعیف شدن است، وظیفه ما به عنوان یک مرابط و سرباز لشکر امام زمان علیه السلام این است که

۱. صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۱۲۷۴.

۲. آل عمران، ۲۰۰. «ای کسانی که ایمان آورده، ید! (در برابر مشکلات) استقامت کنید؛ و در

برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید».

عقیده آنها را حفظ کنیم، اجازه ندهیم دشمنان اسلام عقیده عزیزان و جوانان ما را تضعیف کنند. لذا خداوند می‌فرماید: «اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا».

در طول تاریخ اشخاصی بودند که می‌خواستند فرزندان ما را از اهل بیت علیهم‌السلام جدا کنند، اما با مجاهدت همین علما که بسیاری از آنها در راه دفاع از امر اهل بیت علیهم‌السلام شربت شهادت نوشیدند، دین خدا پابرجا ماند. امروزه نگاه می‌کنیم الحمدلله سراسر این مملکت از آن امام زمان علیه‌السلام است و مردم هم واقف هستند که مملکتی که در آن زندگی می‌کنند، زیر سایه امام زمان علیه‌السلام است. این مملکت است که همه شب‌ها بچه‌های ما می‌گویند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ»؛^۱ همه نام امام زمان علیه‌السلام را می‌برند. هیچ‌کس نمی‌تواند به این مملکت خیانت کند، کسی نمی‌تواند در حق این مملکت جنایت بکند. اینها کور خواندند. واقعاً ما آن‌طور که عقیده‌مان است، می‌گوییم که نمی‌توانند به مملکت امام زمان علیه‌السلام ضربه‌ای وارد کنند. ممکن است در ظاهر موفقیت‌هایی برایشان حاصل شود، اما به خواست خداوند متعال مملکت ما زیر سایه ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است. دست مبارک امام زمان علیه‌السلام بر سراسر مملکت اسلامی و همه شیعیان عالم است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۲۴؛ طوسی، مصباح‌المتهجد، ج ۲، ص ۵۸۱؛ ابن‌طاووس، اقبال

امام زمان علیه السلام رحمة للعالمین

در حدیث لوح مشاهده نمودید که خداوند وقتی که نام مبارک امام زمان علیه السلام را می آورد، می فرماید که ایشان رحمة للعالمین است. رحمة للعالمین بودن خیلی مهم است. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رحمة للعالمین است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ ایشان هم جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است. ایشان هم امامی است که برای عالمیان رحمت است. رحمت واسعة الهی «يَا رَحْمَةَ اللَّهِ الْوَاسِعَةَ»، ائمة معصومین علیهم السلام باب رحمت واسعة الهی هستند. ما زیر سایه رحمت بزرگ الهی زندگی می کنیم، پس باید قدردان و شاکر باشیم. یکی از راه های شکرش این است که به یاد حضرت باشیم و برای ایشان دعا کنیم و برای سلامتی ایشان صدقه بدهیم. مسلم است که ایشان غصه و ناراحتی دارند، وظیفه ما این است که این شبها ناله کنیم، در امر فرج حضرت دعا کنیم، به خصوص بدانیم تنها کسی که می تواند همه مشکلات را برطرف کند، وجود مقدس ایشان است.

انشاء الله دعا کنیم و مشمول لطف و دعای آن حضرت قرار بگیریم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱

یکی از آیاتی که بر وجود مبارک حضرت حجت علیه السلام دلالت می‌کند، آیه پنجم از سوره مبارکه قصص است که روایات و احادیث زیادی در تفسیر این آیه شریفه وجود دارد که می‌توان از فرمایشات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام استفاده بکنیم، زمانی که خداوند متعال اراده کرده و بر کسانی که روی زمین مستضعف هستند، بر آنها منت گذاشته و آنها را حکومت بدهد، همزمان با ظهور حضرت حجت علیه السلام است.

۱. قصص، ۵. «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی

ظاهر آیه می‌فرماید: و ما اراده کردیم و منت گذاشتیم بر کسانی که در روی زمین مستضعف هستند و کنار رفتند و حکومت از دستشان گرفته شد و مظلوم و مقهور واقع شدند، آنها را امامان روی زمین قرار می‌دهیم و آنها را وارث زمین قرار می‌دهیم. این آیه شریفه از آیاتی است که هم بشارت به ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه دارد و هم اینکه پس از ظهور، مستضعفین وارث زمین می‌شوند. کسانی که در خدمت امام زمان عجل الله فرجه باشند و شیعیان و پیروان ایشان، امیر و امام آنها حضرت حجت عجل الله فرجه است و زمین در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

ائمه معصومین علیهم السلام و امام زمان عجل الله فرجه پیشوایان و وارثان روی زمین

درباره این آیه شریفه هم از کتب اهل سنت و هم از کتب علمای شیعه روایاتی نقل کرده‌اند که درباره ائمه معصومین علیهم السلام و امام زمان عجل الله فرجه است. کتاب *شواهد التنزیل* که یکی از علمای بزرگ اهل سنت آن را نوشته است آیاتی که درباره ائمه معصومین علیهم السلام نازل شده را گردآوری کرده و این روایت را نقل کرده است.^۱

۱. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۵۸۹. «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ، فَبَكَى، وَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي. قَالَ الْمُفَضَّلُ: فَقُلْتُ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْنَاهُ أَنْكُمْ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ فَهَذِهِ الْآيَةُ فِينَا جَارِيَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

«عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ ۞ يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ۞ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَبَكَى، وَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعِفُونَ بَعْدِي. قَالَ الْمُفَضَّلُ: فَقُلْتُ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْنَاهُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَّةُ بَعْدِي، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ فَهَذِهِ الْآيَةُ فِينَا جَارِيَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

پیامبر اکرم ۰ به حضرت علی ۰، امام حسن و امام حسین ۰ نگاه کردند و گریه کردند. آدم باید تأسف بخورد که چرا وقتی پیامبر ۰ دامادش امیرالمؤمنین ۰ یا فرزندان ایشان و نوادگانش را می‌نگرد، گریه بکند؟ بارها و بارها وقتی به امام حسن و امام حسین ۰ نگاه می‌کردند، گریه و زاری می‌کردند. حضرت گریه کردند و فرمودند: شما کسانی هستید که بعد از من مستضعف می‌شوید و در بین مردم ضعیف شمرده می‌شوید. مردم شما را کنار می‌گذارند. آن‌طور که اکنون نزد من مقام و منزلت دارید، بعد از من دیگر این مقام و منزلت را نزد مردم ندارید.

«قَالَ الْمُفَضَّلُ: فَقُلْتُ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟»؛ مفضل می‌گوید به امام جعفر صادق ۰ عرض کردم: معنای این سخن چیست که پیامبر ۰ به امیرالمؤمنین ۰ و امام حسن و امام حسین ۰ فرمود: شما بعد از من مستضعف هستید. «قَالَ: مَعْنَاهُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَّةُ بَعْدِي»؛ معنایش این است که شما امامان بعد از من هستید و مستضعف واقع می‌شوید و بلافاصله این آیه را تلاوت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ

«الْوَارِثِينَ»؛ یعنی شما مستضعف می شوید، اما خداوند متعال زمانی را قرار داده که حکومت واقعی جهان و حکومت واحد جهانی را به دست شما ائمه معصومین علیهم السلام خواهد داد.

از این روایت می فهمیم که مصداق تام این آیه شریفه زمان ظهور امام زمان علیه السلام است؛ یعنی زمانی که دیگر کسی بر مستضعفین حکومت نمی کند و همه دنیا در اختیار آنهاست.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه درباره همین آیه شریفه می فرماید: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَمَائِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلِدَهَا»^۱؛ به زودی دنیا پس از چموشی و سرکشی هایش با ما مهربان خواهد شد. این طور نیست که الآن دنیا و مردمانش با ما نیستند، اما برمی گردند. این همه سرکشی هایی که با ما داشتند، بالاخره روزی دنیا با ما مهربان خواهد شد. «عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلِدَهَا»؛ خیلی جمله زیبایی است که حضرت اینجا بیان می فرماید. ادبای عرب مات و متحیرند که امیرالمؤمنین علیه السلام چه می فرماید؛ زیرا او امیرالامراء و امیرالکلام بوده است. ابن ابی الحدید وقتی به این کلام از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام می رسد، تعجب می کند.^۲

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵، ص ۵۰۶؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۹.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۹.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «عَطَفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا»؛ مانند ماده شتر مست و بدخویی که با بچه خود مهربانی کند. وقتی شتر ماده رم می کند، هیچ کسی نمی تواند جلوی آن بایستد، سرکشی می کند، چموشی می کند. همین شتر ماده هنگامی که فرزندش را می بیند، آرام می گیرد؛ برای اینکه بچه اش را در آغوش بگیرد و او را نوازش و مهربانی کند. بعد از همه این سرکشی ها این حیوان وقتی بچه اش را می بیند، او را در آغوش می گیرد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: دنیا هم بعد از این همه سرکشی و ظلم و ستم هایی که در حق اهل بیت علیهم السلام روا داشت؛ دوباره برمی گردد و با آنها مهربانی می کند. مثل همان ماده شتری که با بچه اش مهربانی می کند.

چقدر زیبا فرمودند و این هم حتمی است، انجام خواهد شد. اکنون شتر سرکش در دست دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام است و در دست ظالمین است. اما زمانی خواهد آمد که این دنیای سرکش دوباره به اهلش برمی گردد؛ زیرا این سنت الهی است. از این آیه استنباط می شود.

«وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ»؛ امیرالمؤمنین علیه السلام بلافاصله این آیه را تلاوت فرمودند: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

این سنت الهی است که خداوند می فرماید: ما منت گذاشتیم بر کسانی که بر روی زمین مستضعف هستند، روزی دوباره حکومت جهانی را به آنها بدهیم و آنها را حاکم کل جهان کنیم. خداوندی که جهان را خلق کرد و تمام

زیبایی‌های دنیا را خلق کرد، برای چنین روزی است که آن حکومت واحد جهانی - ان شاء الله - در سراسر دنیا تشکیل بشود، و گرنه دنیا عبث و بیهوده می‌شود. خدا دنیا را خلق نکرده که همیشه ظلم و فساد باشد، همیشه قارون‌ها، فرعون‌ها، مستکبرین، متکبرین و ستمگران در آن حکومت کنند. اگر این‌گونه باشد که با عدل خدا سازگاری ندارد. پس باید زمانی این حکومت در دست حاکمانی عادل باشد؛ کسانی که خلیفه خداوند بر روی زمین هستند. کسانی که ان شاء الله روی زمین هستند. خداوند زمین را به دست آنها می‌سپارد تا احکام، دستورات شرع مقدس و قرآن را در آن پیاده کنند، و گرنه خلقت دنیا عبث و بیهوده است.

خداوند متعال برای اینکه به مردم امید بدهد؛ نوید چنین روزی را می‌دهد. قرآن کریم همیشه امید می‌دهد به مستضعفین، به کسانی که روی زمین مظلوم شدند، به کسانی که ستمکاران به آنها ستم کردند، اینکه امیدوار باشید روزی خواهد آمد که دنیا به دست شما خواهد رسید. می‌فرماید: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ ما این زمین را به دست کسانی می‌دهیم که در زمین مستضعف شدند و آنها را امامان و پیشوایان مردم قرار می‌دهیم و آنها وارث زمین هستند. این حدیث را امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه با کلام بسیار زیبایی بیان فرمودند.

دوستان اهل بیت علیهم السلام مانند یاران موسی علیه السلام

در تفسیر فرات کوفی درباره این آیه شریفه، حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که بسیار جالب است. این حدیث در کتاب *متخب الاثر* هم آمده است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره این آیه شریفه می‌فرماید: «عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْأَلَ عَنْ أَمْرِنَا وَأَمْرِ الْقَوْمِ فَإِنَّا وَأَشْيَاعُنَا يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى وَأَشْيَاعِهِ». مثل اینکه سنت‌هایی که در زمان پیامبران گذشته بوده، باید تمام این سنت‌ها در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امت او هم پیاده شود. همان‌طور که در روایتی که قبلاً خدمت شما عرض کردم که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «حَدُّوا النَّعْلَ بِالنَّعْلِ»؛^۲ آنچه در زمان گذشته اتفاق افتاده، در زمان امت من نیز اتفاق می‌افتد.

لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْأَلَ عَنْ أَمْرِنَا وَأَمْرِ الْقَوْمِ»؛ کسی که دوست دارد از امر ما سؤال کند که این امر حکومت، چطور است، «فَإِنَّا وَأَشْيَاعُنَا

۱. فرات کوفی، تفسیر، ص ۳۱۳ - ۳۱۴؛ صافی گلپایگانی، *متخب الاثر*، ج ۳، ص ۹؛ ح ۳۱۲.

«حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ، مُعْتَمِدًا، عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْأَلَ عَنْ أَمْرِنَا وَأَمْرِ الْقَوْمِ فَإِنَّا وَأَشْيَاعُنَا يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى وَأَشْيَاعِهِ، وَإِنَّ عَدُوَّنَا وَأَشْيَاعَهُ يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى سُنَّةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ، فَلْيَقْرَأْ هَؤُلَاءِ الْآيَاتِ مِنْ أَوَّلِ السُّورَةِ (يَعْنِي الْقَصَصَ) إِلَى قَوْلِهِ: «يَحْذَرُونَ». وَإِنِّي أُقْسِمُ بِاللَّهِ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم صِدْقًا وَعَدْلًا لِيُعْطِفَنَّ عَلَيْكُمْ هَؤُلَاءِ عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِيهَا».

۲. خزاز قمی، *کفایة الاثر*، ص ۱۵.

يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى وَأَشْيَاعِهِ؛ هنگامی که خداوند متعال زمین و آسمان را خلق کرد، ما و شیعیانمان را مانند موسی علیه السلام و شیعیان حضرت موسی علیه السلام خلق کرد؛ یعنی آنچه که برای موسی و شیعیانش بود، برای ما و شیعیان ما نیز هست.

دشمنان اهل بیت علیهم السلام پیروان فرعون

بعد حضرت بیان می فرماید: «وَإِنَّ عَدُوَّنَا وَأَشْيَاعَهُ يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى سُنَّةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ»؛ و دشمنان ما نیز، مانند دشمنان حضرت موسی علیه السلام و پیروان دشمنان حضرت موسی علیه السلام هستند؛ یعنی مانند فرعون و کسانی که با فرعون دوستی می کردند. دوستان ما مثل حضرت موسی علیه السلام و شیعیانش هستند و دشمنان ما نیز مانند فرعون و دوستان فرعون هستند. اینها در زمان های مختلف اتفاق افتاده و اکنون نیز هست. شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و دوستانشان همان طور که زمان حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل و پیروانش زیر ستم فرعونیان بودند و سالیان سال تحت ستم و ستمگری و ظلم فرعون بودند؛ دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام نیز همین گونه ظلم و ستم می بینند، تابه حال همیشه در ظلم و ستم و مقهور و مظلوم بودند. این جزو سنت ها است.

«فَلْيَقْرَأْ هَؤُلَاءِ الْآيَاتِ مِنْ أَوَّلِ السُّورَةِ إِلَى قَوْلِهِ: يُحَذِّرُونَ»؛ سپس می فرماید: اگر

شما می خواهید ما و دوستانمان را بشناسید، این آیات را بخوانید. یعنی ابتدای سوره قصص که آیات شریفه این است:



﴿طسم﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ * نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ * إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ * وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.^۱

تفرقه و استضعاف مردم در راستای حفظ حکومت ظالمین

ما شما را از کارهایی که زمان موسی ﷺ بوده، آگاه می‌کنیم و از حوادثی که زمان ایشان و فرعون اتفاق افتاده، خبر می‌دهیم؛ برای کسانی که ایمان آوردند. باید بنگریم که آن زمان چه اتفاقاتی افتاده است. ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا﴾؛ فرعون آدم مستکبری بود و بر زمین علو می‌کرد. خودش را بلند می‌دانست و مردم را تحقیر می‌کرد و خودش را در مرتبه

۱. قصص، ۱ - ۶. «طسم، اینها از آیات کتاب مبین است. ما از داستان موسی و فرعون به حق بر تو می‌خوانیم، برای گروهی که ایمان می‌آورند. فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود. ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.»

بسیار بالایی نشان می داد. «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ»؛ فرعون بر مردم برتری جست. «وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا»، برای اینکه این علو و استکبارش را حفظ کند؛ مردم را متفرق کرد. زیرا اگر مردم با هم متحد باشند، ممکن بود علیه ظالم قیام کنند.

یکی از کارهایی که ظالمین از قدیم انجام می دادند، تفرقه انداختن بین مردم بود. «فَرَّقُ تَسُدًّا»؛ تفرقه بینداز و سیادت کن، اگر می خواهی آقایی کنی، باید بین مردم اختلاف بیندازی. این همان کاری است که فرعون کرد. قرآن می فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا»؛ اهلش را در گروه ها و دسته های مختلف قرار داد تا بتواند بر آنها حکومت کند. اگر با هم اتحاد و هماهنگی داشتند، ممکن بود علیه فرعون شورش کنند و او را از بین ببرند؛ لذا کار مستکبرین ایجاد تفرقه بین مردم است.

«يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ»؛ گروهی از امت و کسانی که در زمان خودش زندگی می کردند را مستضعف کرد، آنها را کوچک و تحقیر می کرد؛ آنها را از هرچه داشتند محروم می کرد. مهم تر اینکه فرزندانشان را ذبح می کرد: «يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ». اینها واقعاً همین هاست. همین اتفاقاتی که الآن بر روی زمین می افتد، از فکر فرعون و فکر شیطانی نشأت گرفته است. این کارها را انجام می دهند برای اینکه چند روزی بر دنیا حکومت کنند. فرزندان آنها را ذبح می کرد، بچه های کوچک را از شکم مادرشان بیرون می آورد و ذبح می کرد؛ برای اینکه حضرت موسی علیه السلام به

دنیا نیاید و حکومت او را سرنگون نکند. مستکبرین همیشه می ترسند که بالاخره روزی حکومتشان از بین خواهد رفت و کسی خواهد آمد و آنها را از تخت ستمگری پایین می آورد.

«وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»، کاری که فرعون می کرد این بود که زنهای آنها را آزار و اذیت می کرد. زنانشان را زنده نگه می داشت و فرزندانشان را از بین می برد. «يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»؛ فرزندان را سر می برید و زنها را زنده نگه می داشت. «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»، این کار مفسدین است؛ یعنی فرعون از مفسدین بود. کسی که می خواهد بر روی زمین فساد کند، این کارها را انجام می دهد، برای اینکه خودش باقی بماند ناچار است که اولاً: بین امتش اختلاف بیندازد که از اختلاف آنها استفاده کند، ثانیاً: عدهای را مستضعف قرار می دهد و آنها را از تمام مواهب دنیا محروم می کند. مثلاً نمی گذارد عدهای درس بخوانند، نمی گذارد عدهای به ثروت و مال دنیوی برسند. عدهای را همیشه فقیر نگه می دارد، عدهای را همیشه محروم نگه می دارد تا پادشاهی کند. کار مفسدین این است. قتل و غارت و خونریزی که الآن شما مشاهده می کنید، از فکر آنها نشأت گرفته است.

قرآن بلافاصله می فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱؛ اما این طور باقی نمی ماند. این طور نیست که

همیشه حکومت دست فرعونیان باشد. بالاخره سنت الهی این است که روزی باید این جهان به دست مصلح واقعی بیفتد، مصلحی که عادل باشد، مصلحی که فقط دم از خدا و عدالت واقعی بزند و خلیفه‌الله بر روی زمین باشد. خداوند زمین را به دست او خواهد سپرد. سنت خداوند است که شخصی باید بیاید و انتقام خون مظلومین را از ظالمین بگیرد.

امام زمان علیه السلام ناظر بر اعمال شیعیان

روایت داریم در زمان بنی اسرائیل حدود سیصد سال حکومت فرعون طول کشید و آنقدر به آنها ظلم کرد تا اینکه به درگاه خداوند متعال رفتند، آنقدر زاری و انابه کردند، تضرع و دعا کردند؛ روایت دارد که خداوند متعال صد و هفتاد سال زودتر حضرت موسی علیه السلام را به کمک آنها رساند و حضرت موسی علیه السلام زودتر آمدند و بساط فرعون و فرعونیان را از بین بردند. امام زمان علیه السلام ما هم همین طوری است. اگر واقعاً به این فکر باشیم که امام زمان علیه السلام طبق این آیات، طبق این روایات، وجود مقدسشان همیشه ما را می‌بیند، مسلم است که از اوضاع شیعیان خبر دارند؛ این گرفتاری‌هایی که مردم دارند و ناراحت هستند. غصه ایشان از همه مردم بیشتر است.

۱. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۵۴؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۶۰؛ مجلسی، بحار

الانوار، ج ۴، ص ۱۱۸؛ ج ۱۳، ص ۱۴۰؛ ج ۵۲، ص ۱۳۲.

گاهی وقت‌ها اشخاصی آمده بودند نزد حضرت آیت‌الله والد ما. ایشان می‌فرمودند: شما کارهایی که می‌کنید اگر خوب باشد، اولین کسی که خوشحال می‌شود، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. سپس علت آن را فرمودند به خاطر اینکه تمام مردم، اهل و عیال امام زمان علیه السلام هستند؛ همان‌گونه که شما اولاد و عیال خودتان را دوست دارید، امام زمان علیه السلام نیز شیعیانش را دوست دارد؛ لذا اگر انسان کارهای خوب انجام دهد، ایشان را خوشحال می‌کند، اولین کسی که خوشحال می‌شوند، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. اگر خدای نکرده کاری انجام دهید که فاسد باشد، ستم و ظلمی بکنید و کار خلافی انجام دهید، اولین کسی که ناراحت می‌شود، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. باید کاری کنیم که به ایشان نزدیک شویم، تقرب پیدا کنیم؛ این‌طور نیست که حضرت از ما غافل باشند. این‌همه روایات و توقیعاتی که از حضرت داریم که می‌فرمایند: ما شما را فراموش نمی‌کنیم؛ ما همیشه به یاد شما هستیم و ما دعایتان می‌کنیم.

روایت داریم از حضرت که برای شیعیانش دعا می‌کند. برای اینکه وضعیت خوب بشود دعا می‌کنند. اینها هست، اما مهم این است که ما هم با حضرت ارتباط داشته باشیم. چرا بزرگان ما قبلاً می‌توانستند خدمت حضرت برسند. امشب شب جمعه است، یادم آمد از تشرفات بعضی از علما چیزی بگویم. شما فضیلتی محترم و طلاب عزیز، بنگرید که علمای گذشته چگونه

بودند، برخی از آنها تشریف خدمت امام زمان علیه السلام داشتند. ما خیلی با امام زمان علیه السلام فاصله گرفتیم.

تشریف مقدس اردبیلی رحمته الله علیه خدمت امام زمان علیه السلام

درباره مقدس اردبیلی رحمته الله علیه این عالم بزرگوار مطالب بسیاری نوشته شد. اگر زیارت حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام رفتید، قبر ایشان داخل صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در صحن ایوان طلای ایشان است؛ قبر ایشان در مقبره‌ای که در آن باز است و مردم زیارت می‌کنند، است. ایشان نوشته‌اند، وقتی که در نجف اشرف بودند، بارها خدمت امام زمان علیه السلام می‌رسیدند؛ به خاطر زهد و ورع و تقوایی که داشتند. ایشان یک عالم و یک مرجع تقلید بود. از نظر علمی در مرتبه اعلا و از نظر تقوا و ورع نیز از عالمان زمان خودش بود. قداست هرکس را می‌خواستند تشبیه بکنند، مقدس اردبیلی را مثال می‌زدند، از بس که این عالم باتقوا و اهل ورع و پارسایی بود.

یکی از شاگردان ایشان، میرفیض‌الله تفرشی است، اهل تفرش که نزدیک قم است. ایشان می‌گوید که من در حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام بودم. اگر دیده باشید، بالای حرم مطهر، حجره‌هایی هست. حجره‌هایی کنار این صحن است. آقایان طلاب قبلاً در این حجره‌ها زندگی می‌کردند. مدرسه کمتر بود. اشخاصی که طالب بودند و اهل علم بودند، همین‌جا زندگی می‌کردند. ایشان می‌گوید من نصف شب بلند شدم، بعد از اینکه مطالعه کردم، گفتم

بروم داخل صحن مطهر قدم بزنم، ببینم چه خبر است و یک حالی پیدا کنم. آمدم، دیدم شخصی داخل صحن مطهر راه می‌رود. تعجب کردم. نیمه شب درهای حرم همه بسته است! این کیست! در ذهنم خطور کرد که نکند ایشان دزد باشد که آمده یکی از اشیای گران‌قیمت و پرارزش حرم مطهر را بدزد. آمدم نزدیک، دنبال این شخص راه افتادم، دیدم ایشان همین‌طور قدم می‌زدند و رفت سپس جلوی در ضریح مقدس ایستاد. هنگامی که جلوی ضریح مقدس ایستاد، قفل در برایش باز شد و در باز شد، وارد شد. در اول باز شد. دوباره چند قدم جلو رفت، در دوم نیز برایش باز شد. نوشتند که هر سه در برای ایشان باز شد. ایشان رفتند جلوی ضریح مطهر. این توفیقات برای هرکسی پیدا نمی‌شود. برخی برایشان مشکل است اینها را باور کنند؛ ولی کسی که با خدا باشد، باتقوا باشد و با امام زمان علیه السلام باشد، این مسائل برایش پیش می‌آید.

اهمیت زیارت امین‌الله

رفت جلوی ضریح مطهر و به امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ»^۱. بهترین زیارت‌نامه‌ای که برای ائمه معصومین علیهم السلام خوانده می‌شود؛ زیارت امین‌الله است که حاج علی بغدادی می‌گوید در حرم

۱. ابن‌قولویه قمی، کامل‌الزیارات، ص ۳۹ (زیارت امین‌الله).

مطهر امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام خدمت امام زمان علیه السلام که رسیدم عرض کردم که برای من زیارت نامه بخوانید. سپس به آقا عرض کردم کدام زیارت نامه بهتر است. حضرت فرمودند: زیارت امین الله که امام زمان علیه السلام شروع کردند به خواندن زیارت امین الله.

می گوید که این شخص را دیدم رفت جلوی ضریح مطهر و به حضرت سلام داد و حضرت نیز جواب سلامش را دادند. صدای جواب سلام را شنیدم. صحبت هایی شد که متوجه نشدم که چه می گویند. بعد دیدم که ایشان با کمال احترام از حرم بیرون آمد و به طرف مسجد کوفه رفتند. در نیمه شب در آن هوای تاریک، من هم دنبال ایشان راه افتادم تا بینم که چه خبر است. نزدیک ایشان که شدم، فهمیدم استاد مقدس اردبیلی رحمته الله است. گفتم بینم چه می شود. دنبال ایشان حرکت کردم تا به مسجد کوفه رسیدم، آنجا هم که وارد شدم، مشاهده کردم ایشان در محراب عبادت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه شروع کردند به سلام کردن و صحبت کردن و سؤال کردن. آقای بزرگواری که فقط صدایش را می شنیدم، جواب ایشان را می دادند. صحبت هایشان که تمام شد، به طرف نجف اشرف برگشتیم. وقتی که برگشتم، نزدیک دروازه نجف اشرف رسیدم، نزدیک اذان صبح بود و گفتم که خودم را به این آقا برسانم و مطالبی را از ایشان بپرسم.

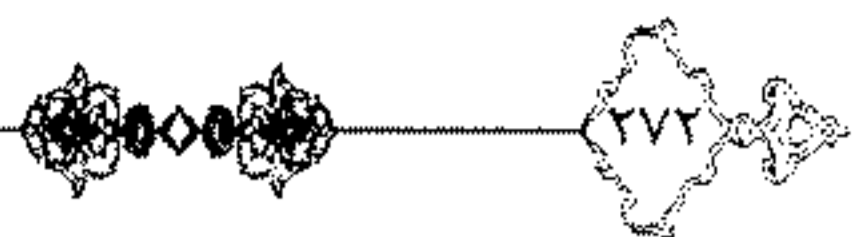
آدم (بعضی ها می گویند که ایشان سرفه ای کرد)، مرحوم مقدس اردبیلی نگاه کردند به عقب دیدند شاگردش میرفیض الله تفرشی است، ولی در بعضی جاها نوشته اند که خودشان آمدند خدمت ایشان و سلام کردند. معلوم است که

ایشان نیز مقامی داشته که باید صدای امیرالمؤمنین علیه السلام را در حرم بشنود. سپس در مسجد کوفه صدای امام زمان علیه السلام را نیز بشنود. مقام این شاگرد هم بسیار بالا بوده، وگرنه هرکسی چنین توفیقی پیدا نمی‌کند. می‌گوید: نزدیک‌تر رفتم و سلام کردم و دیدند که من (میرزا فیض‌الله، شاگردش) هستم. گفتم از آن موقعی که شما وارد حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام شدید، من نیز تا الآن با شما بودم. باید برای من بیان کنید که چه اتفاقی افتاده است. ایشان گفت: نه، دست از سر من بردار، مسئله‌ای بین ما بود. هرچه اصرار کردم، ایشان نیز اصرار کردند که حاضر نیستم بگویم، بالاخره فرمود باید قول و تعهد بدهی که تا من زنده هستم به کسی در این باره چیزی نگویی. پذیرفتم. بعد از فوت این مرجع بزرگوار، این مسئله را بیان می‌کند.

جواب سؤالات و مشکلات علمی توسط امام علی علیه السلام

می‌گوید: به من فرمود، گاهی وقت‌ها مسائلی برای من مشکل می‌شود، برای اینکه جواب آنها را بدانم خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌آیم و همان‌طور که دیدی در ضریح مطهر برای من باز می‌شود. این چه مقامی است! در باز برای ما بسته می‌شود، اما در بسته برای ایشان باز می‌شود؟! یا مفتاح الابواب! آن کسی که ابواب را باز می‌کند - ان شاء الله - همه درهای رحمت را نیز در این ماه مبارک رمضان برای ما باز کند.

می‌فرماید که هر وقت از نظر علمی مشکلی پیدا می‌کردم، خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رسم و سلام می‌کنم و مشکلم را از ایشان می‌پرسم و ایشان نیز



برای من حل می کند و مسئله من را جواب می دهد. امشب که خدمت ایشان رسیدم. حضرت فرمود: فرزندم مهدی علیه السلام امشب در مسجد کوفه است، برو از ایشان بپرس. من نیز بلافاصله رفتم مسجد کوفه و خدمت امام زمان علیه السلام رسیدم و آنجا سؤالم را مطرح کردم و ایشان نیز جواب دادند.

این داستان از داستان های معتبری است که در کتاب شریف *منتخب الاثر* از مرحوم مقدس اردبیلی نقل می کند.^۱

نقل کرامات و تشرفات معتبر

انسان باید توجه داشته باشد هر چیزی را نمی شود هر جایی بیان کرد؛ گاهی وقت ها کرامت هایی را از بعضی ائمه علیهم السلام می گویند، ما باید آنهایی را بپذیریم که مستند و معتبر باشد. حضرت آیت الله والد ما به بعضی از کسانی که درباره امام زمان علیه السلام کتاب می نوشتند، فرمودند که اگر می خواهید حکایاتی درباره تشرفات، خدمت حضرت بنویسید، از تشرفات بنویسید که معتبر باشد و اثر آن از بقیه بیشتر باشد؛ لذا در کتاب *منتخب الاثر* تعداد کمی از تشرفات را که معتبر بوده، ذکر کردند. یکی از آنها تشرفات مقدس اردبیلی علیه السلام است که خدمت امام زمان علیه السلام و خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده است. حالا دیگر ما هستیم و اهل بیت علیهم السلام، ما هستیم که برای رسیدن به مقام بالا و تقرب الهی دنبال وسیله هستیم. ما از

۱. صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۴، ص ۲۴۱ - ۲۴۲.

خودمان چیزی نداریم. ماه مبارک رمضان ماهی است که باید به اهل بیت علیهم السلام توسل پیدا کنیم. آیه شریفه می فرماید: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^۱

اهل بیت علیهم السلام وسیله و واسطه تقرب به خدا

روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ما وسیله رسیدن به خدا هستیم»^۲. اگر می خواهی توسل پیدا بکنید، به وسیله ما باشد. پیامبران الهی برای حل مشکلات و گرفتاری هایشان به اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت توسل پیدا می کردند. پیش تر گفتیم که حضرت موسی علیه السلام وقتی می خواست امتش را از گرفتاری نجات دهد، به ارواح مقدس ائمه معصومین علیهم السلام متوسل شد. وقتی که پیامبران علیهم السلام به ائمه معصومین علیهم السلام توسل پیدا می کنند، ما هم باید وظیفه خود را بهتر بدانیم.

امیدواریم که ان شاء الله تحت توجهات و عنایات خاصه امام زمان علیه السلام قرار بگیریم و در این ماه مبارک که ماه بندگی و ماه عبودیت است، ان شاء الله که بتوانیم خدمت امام زمان علیه السلام برسیم. اگر هم نتوانستیم خدمت ایشان برسیم، ان شاء الله حداقل بتوانیم نظر لطف و مرحمت و مهربانی آن حضرت را جلب کنیم.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.

۱. مائده، ۳۵. «و وسیله ای برای تقرب به او بجویید!».

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۷۵؛ بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۲۹۲. «وَقَالَ أَمِيرُ

الْمُؤْمِنِينَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»؛ أَنَا وَسِيلَتُهُ».



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا * أُولَئِكَ
يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا * خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾^۱

فضایل و مناقب امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

ولادت با سعادت حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام، کریم اهل بیت علیهم السلام و سبط اکبر را
محضر مقدس و مبارک حضرت بقیة الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین له الفداء -

۱. فرقان، ۷۴ - ۷۶. «و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنایی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان؛ (آری) آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می شود و در آن، با تحیت و سلام روبه رو می شوند؛ درحالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محل اقامت خوبی.»

و به همه شیعیان و دوستان آن حضرت تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. بدین مناسبت دقایقی درباره فضائل و شخصیت امام حسن مجتبی علیه السلام مطالبی را عرض خواهیم کرد. درباره امام حسن مجتبی علیه السلام مطلب بسیار است، اگر بخواهیم به مدت یک ماه نیز درباره وجود مقدس آن حضرت صحبت کنیم، باز هم نمی‌توانیم حق مطلب را ادا کنیم. علامه مجلسی رحمته الله علیه بخشی از جلد چهل و سوم و چهل و چهارم از کتاب شریف بحار الانوار را به وجود مقدس امام حسن مجتبی علیه السلام اختصاص دادند که اگر قصد مطالعه در مورد امام حسن مجتبی علیه السلام دارید، مطالب بسیاری از ایشان و دیگر علمای شیعه و اهل سنت بیان شده است.

این آیات در سوره مبارکه فرقان، آیات شریفه هفتاد و چهار تا هفتاد و شش می‌باشد. درباره همین آیه شریفه مطالبی در جلد چهل و سوم از کتاب شریف بحار الانوار، «باب فضائلهما و مناقبهما و نصوص علیهما»، باب دوازدهم، که عبارت است از باب فضائل و مناقب امام حسن و امام حسین علیهما السلام آمده است. همچنین نصوص و آیاتی که درباره این بزرگواران وارد شده است، در این کتاب آمده است. ایشان از سعید بن جبیر که یکی از مفسرین بزرگ قرآن است، نقل می‌کنند و ایشان نیز از ابن عباس نقل کرده و ابن عباس هم از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند.^۱

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۹. «أَبُو نُعَيْمٍ الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ، عَنِ سُفْيَانَ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ مُسْلِمِ بْنِ الْبَطِينِ، عَنِ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا إِنَّا نَحْنُ الْغَائِبُونَ﴾، قَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَاللَّهُ خَاصَّةٌ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، قَالَ: كَانَ أَكْثَرَ دُعَائِهِ يَقُولُ: رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا، يَعْنِي فَاطِمَةَ، وَذُرِّيَّاتِنَا الْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنِ قُرَّةَ أَعْيُنٍ. قَالَ ←

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^۱. ایشان می فرماید: خداوند آیات آخر سوره فرقان را درباره صفات متقین و پرهیزکاران آورده است. خداوند از صفات متقین شروع می کند تا به این آیه شریفه می رسد. متقین چه کسانی هستند؟ ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾؛ کسانی هستند که وقتی از خداوند متعال درخواست و دعایی دارند، عرض می کنند: خدایا از ازواج و فرزندانمان به ما عنایت بفرما! کسانی که سبب روشنایی چشم ما شوند. ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾؛ و ما را امام متقین و پرهیزکاران قرار بده. «قَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَاللَّهُ خَاصَّةً فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ؑ»؛ ایشان می فرماید: این آیه به خدا قسم، درباره امیرالمؤمنین ؑ نازل شد؛ زیرا دعای حضرت امیرالمؤمنین ؑ بیشتر دعایشان این آیه شریفه بود. واقعاً اینها برای ما درس است که ما هم اگر از خدا درخواستی داریم و می خواهیم به درگاه خدا دعا کنیم، از این آیات شریفه استفاده کنیم.

→ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ؑ: وَاللَّهُ مَا سَأَلْتُ رَبِّي وَلَدًا نَضِيرَ الْوَجْهِ، وَلَا سَأَلْتُهُ وَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ، وَلَكِنْ سَأَلْتُ رَبِّي وَلَدًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ، خَائِفِينَ وَجِلِينَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ، وَهُوَ مُطِيعٌ لِلَّهِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي. قَالَ: وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا، قَالَ: نَقْتَدِي بِمَنْ قَبْلَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ فَيَقْتَدِي الْمُتَّقُونَ بِنَا مِنْ بَعْدِنَا، وَقَالَ اللَّهُ: ﴿أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا﴾؛ يَعْنِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَالْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ وَفَاطِمَةَ؛ ﴿وَيُلْقُونَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا خَالِدِينَ فِيهَا حَسْنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾.

امیرالمؤمنین علیه السلام بیشتر مواقع این دعا را می خواندند. «قَالَ: كَانَ أَكْثَرَ دُعَائِهِ يَقُولُ: رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا؛ خدایا از همسران ما به ما عنایت بفرما. بعد ایشان معنا می کند: «يَعْنِي فَاطِمَةَ»؛ و خدایا از فرزندان که امام حسن و امام حسین علیهما السلام باشند، به ما عنایت بفرما؛ «وَذُرِّيَاتِنَا الْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ قُرَّةَ أَعْيُنٍ»؛ خدایا از کسانی که ذریه ما هستند به ما نور چشم عنایت بفرما. کسانی که باعث نور چشم ما هستند. حضرت این دعا را در بیشتر اوقات در قنوت نمازشان می خواند.

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: وَاللَّهِ مَا سَأَلْتُ رَبِّي وَلَدًا نَضِيرَ الْوَجْهِ وَلَا سَأَلْتُهُ وَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ وَلَكِنْ سَأَلْتُ رَبِّي وَلَدًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ»؛^۱ سعید بن جبیر از امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر همین آیه شریفه می فرماید: «وَاللَّهِ مَا سَأَلْتُ رَبِّي وَلَدًا نَضِيرَ الْوَجْهِ»؛ هرگز از خدا نخواستم فرزندی به من بدهد که زیبا باشد. «وَلَا سَأَلْتُهُ وَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ»؛ از خدا نخواستم که فرزندی به من بدهد که قامتش نیکو باشد. اینها دست خدوند است و اگر خواست عنایت می کند. «وَلَكِنْ سَأَلْتُ رَبِّي وَلَدًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ»؛ از خدا همیشه خواستم که به من فرزندانی عنایت کند که مطیع خداوند متعال باشند و مسلمان واقعی باشند که خداوند را اطاعت کنند. «خَائِفِينَ وَجَلِيلِينَ مِنْهُ»؛ از خداوند متعال خائف باشند و از مقام خداوند بترسند و خوف داشته باشند. من چنین فرزندانی را از خداوند متعال خواستم که مطیع باشند. «حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ مُطِيعٌ لِلَّهِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي»؛ تا وقتی به فرزندم نگاه کردم و مشاهده

۱. «وَلَدًا» یا «وُلْدًا» اگر به صورت جمع بخوانیم.

کردم که مطیع خداوند است، چشمان من به او روشن شود. کسی که فرزندش مطیع خداوند متعال باشد، باعث چشم‌روشنی آنها می‌شود.

«قَالَ: وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ بعد می‌فرماید: خدایا ما را برای متقین امام و پیشوا قرار بده. «قَالَ: نَقْتَدِي بِمَنْ قَبَلْنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ»؛ می‌فرماید: کسانی که قبل از ما از متقین بودند، ما به آنها اقتدا کردیم؛ یعنی حضرت رسول اکرم ﷺ ایشان مقتدای ما بود، ما به ایشان اقتدا کردیم. «فَيَقْتَدِي الْمُتَّقُونَ بِنَا مِنْ بَعْدِنَا»؛ بعد از ایشان نیز متقین باید به ائمه ﷺ اقتدا کنند، یعنی امام آنها ما هستیم. حضرت امیرالمؤمنین ﷺ و امام حسن و امام حسین ﷺ امام آنها هستند. «وَقَالَ اللَّهُ: ﴿أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا﴾»؛ بعد آیه شریفه می‌فرماید: خداوند متعال غرفه و مقام بهشت را به کسانی می‌دهد که در این دنیا صبر کردند و از صابران بودند. «وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا»؛ در آنجا با سلام و تحیت از آنها خوش‌آمدگویی می‌کنند. می‌فرماید: «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا، يَعْنِي عَلِيٌّ بِنَ أَبِي طَالِبٍ وَالْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ وَفَاطِمَةَ»؛ امام علی، امام حسن، امام حسین و فاطمه ﷺ در بهترین مراتب بهشت قرار دارند. اینها همیشه در بهشت هستند، تحیت و سلام خوش‌آمدگویی آنهاست. «خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا»؛ چه جایگاه خوبی دارند!

این آیه شریفه درباره امیرالمؤمنین ﷺ و فرزندان او است. این بزرگواران کسانی هستند که امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید: من از خدا خواستم که به من چنین فرزندانانی عنایت کند و خداوند نیز چنین فرزندانانی که قره‌العین هستند را به آنها عنایت

فرمود. یکی از آنها امام حسن مجتبی علیه السلام است؛ کسی که قرآن می فرماید: ﴿وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾؛ برای متقین امام قرار داده شد. در شأن امام حسن مجتبی علیه السلام آیات متعددی نازل شده است.

مکارم اخلاق و فضایل و مناقب امام حسن علیه السلام در روایات

روایات درباره مکارم اخلاق و فضائل و مناقب امام حسن مجتبی علیه السلام لا تُعدّ ولا تحصى است، که اصلاً قابل شمارش نیست. اینکه می گویند ایشان کریم اهل بیت علیهم السلام است، واقعیت دارد. آن قدر مکارم داشت که ایشان به کریم اهل بیت علیهم السلام معروف شدند. روایتی است از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام که علامه مجلسی رحمته الله نقل کرده است. علامه مجلسی رحمته الله عالم بزرگی که حق بسیار زیادی به عالم اسلام و به خصوص تشیع دارد. این روایت را در موسوعه بزرگ خود به نام بحار الانوار روایت کرده است.^۱ واقعاً دریا و اقیانوسی از

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۱. «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ علیه السلام، أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ، وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ، وَكَانَ إِذَا حَجَّ، حَجَّ مَاشِيًا، وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًا، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْبُعْثَ وَالشُّورَ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمْرَ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذَكَرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا، وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ، وَسَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ، وَكَانَ علیه السلام لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾، إِلَّا قَالَ: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، وَلَمْ يُرَفِّ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِ إِلَّا ذَاكِرًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَكَانَ أَصْدَقَ النَّاسِ لَهْجَةً وَأَفْصَحَهُمْ مَنْطِقًا...».

معارف نورانی اهل بیت علیهم السلام است. ایشان از مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ علیه السلام، أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ»؛ می‌فرماید که پدرم از پدر بزرگوارشان امام زین العابدین علیه السلام نقل می‌کنند که امام حسن مجتبی علیه السلام عابدترین انسان روی زمین در زمان خودش بود؛ یعنی امام مجتبی علیه السلام عابدترین و زاهدترین مردم بودند. امامان ما همه این‌طور هستند. اگر بخواهیم برای خودمان الگو و اسوه‌ای در این دنیا انتخاب کنیم، باید چنین اشخاصی را انتخاب کنیم که دارای مکارم اخلاق‌اند. مگر ما غیر از اینها و بهتر از اینها الگویی داریم. «كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ» می‌فرماید: امام مجتبی علیه السلام زاهدترین و فاضل‌ترین مردم روی زمین در زمان خود بودند.

«وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِيًا»؛ حضرت وقتی می‌خواستند حج خانه خدا را به‌جا بیاورند و به مکه مشرف شوند، با پای پیاده می‌رفتند. روایات بیان می‌کنند که ۲۵ مرتبه حضرت به حج مشرف شدند و همه این ۲۵ مرتبه را با پای پیاده رفتند و بعضی مواقع نیز با پای برهنه می‌رفتند. حالا چطور مقام الهی را، عبودیت را، اینها متوجه بودند. ما چگونه به حج می‌رویم و آنها چگونه حج به‌جا می‌آوردند «وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًا»، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: و چه بسا گاهی اوقات با پای برهنه از مدینه به طرف مکه به خانه خدا مشرف می‌شدند. این زیارت مشکل بود؛ این‌طور نبود که در عرض چند ساعت با ماشین به راحتی به خانه خدا می‌روند.

آن زمان چند روز طول می کشید؛ در آن هوای گرم عربستان و در آن سنگلاخها و جاده‌های بسیار صعب‌العبور، امامان علیهم‌السلام با پای برهنه به زیارت خانه خدا می رفتند. «وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكِيًّا»؛ امام حسن علیه‌السلام این طوری بودند، وقتی به یاد مرگ و موت می افتادند، گریه می کردند. «وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكِيًّا»؛ وقتی به یاد قبر می افتادند، گریه می کردند. وقتی امام علیه‌السلام گریه بکند، حال من و شما معلوم است. «وَإِذَا ذَكَرَ الْبُعْثَ وَالنُّشُورَ بَكِيًّا»؛ امام حسن علیه‌السلام هر وقت به یاد بعث و نشور در روز قیامت می افتادند، گریه می کردند. آن موقعی که باید در محشر در مقابل قدرت لایزال الهی حاضر بشویم و همه باید جواب بدهیم: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. ^۱

«وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمْرَ عَلَى الصَّرَاطِ بَكِيًّا»؛ وقتی که امام حسن علیه‌السلام یادشان می آمد که می خواهند از پل صراط عبور بکنند، گریه می کردند. آیا آمادگی داریم از پل صراط عبور کنیم؟ وقتی که به یاد خداوند متعال می افتیم که باید در معرض دید خداوند متعال قرار بگیریم و به آنچه در این دنیا انجام دادیم، پاسخ دهیم.

«وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا»؛ ناگهان صیحه‌ای می زدند و بی هوش می شدند. «وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا»؛ حضرت بی هوش می شدند و فریاد می زدند از اینکه

۱. زلزله، ۷ - ۸ «پس هرکس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند؛ و هرکس

هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می بیند».

روز قیامت می خواهند در درگاه خداوند قرار بگیرند. آیا تاکنون شده این حالات - حتی یک مرتبه - برای ما پیش بیاید؟ «وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ وقتی که می خواستند نماز بخوانند، تمام اعضا و جوارحشان در مقابل خداوند به لرزه می افتاد. ما در مقابل بعضی از چیزها می گوئیم استرس و اضطراب داریم؛ ولی اضطراب ایشان هنگام نماز بود. همه اعضا و جوارحشان به لرزه می افتاد. «وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ»؛ وقتی که به یاد جهنم و بهشت می افتادند، مانند انسان مارگزیده که به خود می پیچید مضطرب می شدند. «وَسَأَلَ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِهَا مِنَ النَّارِ»؛ بعد از خدای بزرگ تقاضای بهشت می کردند و به درگاه خداوند متعال از آتش جهنم، پناه می بردند.

«وَكَانَ لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»؛ امام حسن ع آیه‌ای از آیات قرآن را که با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع می شود و خطاب به مؤمنان است، نمی خواندند، مگر اینکه بلافاصله حضرت می گفت: «إِلَّا قَالَ: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ».

«وَلَمْ يُرَفِّ فِي شَيْءٍ مِنْ أحوَالِهِ إِلَّا ذَاكِرًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ»؛ حضرت در هیچ یک از احوالاتش دیده نشده مگر اینکه همیشه ذاکر خداوند بودند و ذکر زبانی و قلبی داشتند. اینها برای ما درس است و ما هم باید این گونه رفتار کنیم. «وَكَانَ أَصْدَقَ النَّاسِ هُجَّةً»؛ امام حسن ع صادق‌ترین و راست‌گوترین مردم بودند، «وَأَفْصَحَهُمْ مَنْطِقًا».

امشب شب ولادت با سعادت آن حضرت است. روایات درباره مکارم اخلاق آن حضرت فراوان است؛ ولی به همین قدر اکتفا می‌کنیم. در این شب بسیار عزیز و مبارک که هم شب نیمه ماه مبارک رمضان است، هم شب زیارتی مخصوص امام حسین علیه السلام است؛ عیدی ما را خداوند فرج امام زمان علیه السلام و قبولی طاعات و عباداتمان قرار دهد.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱

درباره شناخت امام زمان عجل الله فرجه و ائمه معصومین علیهم السلام مطالبی را عرضه داشتیم و بیان کردیم که اگر کسی بخواهد خداوند متعال را بشناسد و به معارف دین و مبانی اسلام آگاهی پیدا کند، باید به وسیله وجود مقدس امام حی و حاضر و ناظر باشد. روایات بسیار زیادی در این باره داریم که معلوم می شود بدون معرفت امام زمان عجل الله فرجه، معرفت به خداوند متعال اصلاً امکان ندارد؛ یعنی اگر کسی بخواهد

۱. قصص، ۵. «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی

خدا را بشناسد، راه شناخت فقط از طریق امام علیه السلام است، وگرنه به انحرافات عقیدتی و فکری که متأسفانه امروز در بین جوامع اسلامی زیاد است، مبتلا می‌شوند. با اینکه ادعای اسلام می‌کنند؛ ولی آن قدر انحراف عقیدتی دارند که باعث می‌شود دشمنان اسلام نظر استهزاء به چنین عقایدی داشته باشند. اینها به خاطر دوری از امام زمان علیه السلام است؛ وگرنه اگر کسی امام را قبول نداشته باشد؛ ولی بگوید خدا را در روز قیامت با همین چشمی که داریم می‌شود مشاهده کرد، خدا جسم است و دست، پا، گوش و چشم دارد، اینها مطالب انحرافی است؛ اینها کسانی هستند که روز اول از مسیر ولایت ائمه معصومین علیهم السلام منحرف شدند؛ از این رو اگر کسی بخواهد به گنه معرفت خدا پی ببرد - البته منظور ذات اقدس الهی نیست، همین معرفت ظاهری خداوند - باید ائمه معصومین علیهم السلام را بشناسد.

شناخت خدا از طریق معرفت حجت خدا

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^۱.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۶؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲ - ۳۴۳.

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

خیلی مهم است، می فرماید: خداوندا پیامبرت را به من بشناسان که اگر من پیامبر و رسول عالی قدر اسلام ﷺ را نشناسم، حجت تو را نشناختم؛ اگر حجت تو را نشناسم، از دینم گمراه می شوم. «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ». شناخت خداوند مبتنی بر شناخت پیامبر ﷺ است. اگر پیامبر ﷺ را شناختیم، حجت خدا را می توان شناخت و اگر حجت خدا را نشناسیم، گمراه می شویم. پس معرفت خداوند بسیار اهمیت دارد؛ همان گونه که معرفت امام ﷺ اهمیت دارد. از این رو احادیث در این باره زیاد است که برخی را عرض می کنم تا اهمیت این موضوع بیشتر روشن شود.

روایتی از شیخ صدوق که در کتاب شریف *علل الشرائع*، بیان کرده است.^۱ این عالم بزرگوار به دعای امام زمان عجل الله فرجه به دنیا آمده و خدمات بسیار زیادی را به عالم اسلام و تشیع کرد. یکی از کتاب های بسیار ارزشمند ایشان *علل الشرائع* (حکمت های شرایع) است؛ یعنی شرایعی را خداوند متعال برای ما آورده است. ایشان بعضی از علت ها و حکمت ها را از ائمه معصومین علیهم السلام در این کتاب شریف ذکر کردند. سندش را نقل می کند تا می رسد به امام صادق علیه السلام که می فرمایند:

۱. صدوق، *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۹. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عَلَى أَصْحَابِهِ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ، قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ».

«خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ»؛ روزی امام حسین علیه السلام بر اصحابشان و جمعیتی که جمع شده بودند، وارد شدند و برایشان خطبه خواندند.

«فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ»؛ خداوند متعال بندگان را خلق نکرد مگر برای اینکه خدا را بشناسند. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي»^۱ «أَيُّ لِيَعْرِفُونِي». «فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ»؛ اگر انسان دنبال شناخت واقعی خدا باشد، متوجه مقام والای خداوند می شود، پس عبادت خدا را می کند. «فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ»؛ اگر خداوند متعال را شناخت، بعد هم عبادت و بندگی خدا را کرد، از بندگی دیگران بی نیاز می شود و فقط بندگی خداوند را می کند.

در روایت داریم: «وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»^۲؛ خداوند تو را بنده دیگری قرار نداده، فقط بنده خدا باش و در درگاه خداوند متعال عبادت کن.

«فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟»؛ شخصی خدمت امام حسین علیه السلام عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد، اگر بخواهیم خدا را بشناسیم، چگونه بشناسیم. این سؤال همه ماست. واقعاً می شود خدا را

۱. ذاریات، ۵۶. «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند».

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱ (ص ۴۰۱)؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۷۷؛ مجلسی، بحار

شناخت؟! چگونه باید خدا را بشناسیم؟ «قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»؛ حضرت فرمود: معرفت خداوند این است که اهل هر زمانی، امام را بشناسند. امامی که اطاعت و پیروی از او بر همه واجب است. اگر بخواهیم خدا را بشناسیم باید امام زمان علیه السلام را بشناسیم؛ اگر امام زمان علیه السلام را شناختیم، به حقیقت معرفت خداوند می‌رسیم؛ وگرنه کسی که امام حی و زنده را نشناسد، مسلم است که خدا را نمی‌شناسد، ادعای توحید می‌کند، اما می‌بینید که موحدان را چگونه شهید می‌کنند، معلوم است که امام زمان علیه السلام را نشناختند. اگر امام زمان علیه السلام را بشناسند، کسی که کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌گوید و کسی که به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهادت می‌دهد چرا اینها را می‌کشند. اینها به خاطر دوری از امام زمان علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. از این رو می‌فرماید: خدا را فقط از یک راه می‌شود شناخت آن‌هم: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمْ». اگر می‌خواهید خدا را بشناسید، امامت را بشناس که چه کسی است.

در روایت است که: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^۱ اگر کسی امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. مانند کفار از دنیا می‌روند؛ این گونه است. در روایت دیگر است: «فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا»؛^۲ اگر

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۹۶.

۲. فخر رازی، المسائل الخمسون، ص ۷۱.

امام زمانش را نشناسد یا باید به حالت یهودی از دنیا برود یا نصرانی. دینی که خداوند متعال قبول نخواهد کرد. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛^۱ دینی که خدا از ما قبول می‌کند اسلام است. اسلام نیز فقط از طریق شناخت معرفت امام در هر عصری به دست می‌آید. معرفت امام زمان اهمیت بسیاری دارد.

باید سال‌ها در حوزه‌های علمیه فقط موضوع شناخت امام زمان علیه السلام را بحث کنیم. عرض کردم رسالت واقعی حوزه‌های علمیه ما شناخت امام است؛ آن‌هم شناخت امام زمان علیه السلام. ما باید بدانیم که مولا و رهبر ما و کسی که همه چیز ما از اوست، امام زمان علیه السلام است. باید از ایشان شناخت واقعی داشته باشیم، در آن صورت است که می‌توان ادعا کنیم که حوزه علمیه‌ای داریم که امام زمان علیه السلام از این حوزه رضایت دارد، وگرنه جدایی از امام زمان علیه السلام فایده‌ای ندارد. کلمات غیر ائمه را در حوزه‌های علمیه آموزش دهیم؛ ولی کتاب شریف کافی را مطالعه نکنیم. آیا تابه حال کتاب کافی و بحار الانوار را مشاهده و مطالعه کردید؟ این همه مجلسی رحمته الله علیه این عالم بزرگوار و علمای دیگر مثل شیخ صدوق رحمته الله علیه، کتاب‌هایی از قبیل توحید، اعتقادات و این همه کتاب برای ما نوشته‌اند. اینها را مطالعه نکنیم، اما شبانه‌روز درباره کلمات غیر ائمه بحث کنیم. این دوری از امام زمان علیه السلام است. از این رو می‌فرماید که در آن موقع در اعتقادات ما مشکل پیش می‌آید. باید این را

۱. آل عمران، ۱۹. «دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.»

بدانیم اگر ما اعتقاداتمان را از غیر امامان علیهم السلام بگیریم، مشکل اعتقادی پیدا می‌کنیم. کسی هم که مشکل اعتقادی پیدا کند، معلوم نیست عاقبت به‌خیر شود یا نه. مهم این است ما بالاخره در این چند روزی که در این دنیا هستیم یک عقیده صحیح و سالم پیدا کنیم و با عقیده صحیح و سالم از دنیا برویم، وگرنه عالم قبر و آخرت برای ما مشکل می‌شود. خیلی برای ما مهم است. روزها و شب‌ها بر ما می‌گذرد؛ ولی اعتقادات صحیحی از ائمه معصومین علیهم السلام نداشته باشیم. این است که می‌فرماید: اگر می‌خواهید خدا را بشناسید، «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمْ»؛ این فرمایش امام حسین علیه السلام، سیدالشهدا است. «الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»؛ برای همه مردم اطاعت امام زمان علیه السلام واجب است. امام زمان علیه السلام را بشناسیم و از آن حضرت پیروی کنیم. اینکه قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛^۱ انسان باید عبادت در چه مسیری کند. «إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ»، عرفان و عبادت خدا از طریق ائمه معصومین علیهم السلام است؛ وگرنه عبادت ناقص است. عبادتی که بدون شناخت امام زمان علیه السلام و بدون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، پیش خداوند متعال ارزشی ندارد، فقط زحمت بیخودی کشیده است.

مرحوم صدوق در یکی از کتاب‌های شریف خود به نام *توحید* این مطالب را بیان می‌کند.^۲ *توحید* صدوق را مطالعه کنید. ترجمه فارسی آن موجود است.

۱. ذاریات، ۵۶. «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند».

۲. صدوق، التوحید، ص ۲۹۰. «لَوْلَا اللَّهُ مَا عَرَفْنَا، وَلَوْلَا نَحْنُ مَا عَرَفَ اللَّهُ».

می توانیم اعتقادات صحیح را در آن کتاب پیدا کنیم. ایشان می فرماید: اگر خدا نبود ما شناخته نمی شدیم: «لَوْ لَا اللَّهُ مَا عُرِفْنَا». خداوند ما را به مردم شناخت. «وَلَوْ لَا نَحْنُ مَا عُرِفَ اللَّهُ». خیلی کلام عجیبی است! اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد. خدایی را به ما معرفی می کردند که صفات الوهیت را نداشته باشد. همان گونه که در مسیحیت مشاهده می کنید که چگونه خدا را معرفی می کنند. ادیان دیگر چگونه خدا را معرفی می کنند، حتی مذاهبی که اسلامی هستند چگونه خدا را معرفی می کنند. خدا را به گونه ای معرفی می کنند که نه عقل سلیم قبول دارد، نه فطرت پاک انسانی. حالا نمی خواهیم وارد این مطالب شویم، وگرنه آن قدر عقاید باطلی هست که عقل صحیح و فطرت پاک انسانی آنها را قبول نمی کند و بر این اعتقادات خنده می کند؛ زیرا مسیرشان از امام جدا شده است؛ از این رو می فرماید: «وَلَوْ لَا نَحْنُ مَا عُرِفَ اللَّهُ»، اگر ما نبودیم، خداوند شناخته نمی شد. بله خدا که هست. الحمد لله رب العالمین خدا خالق آسمانها و زمین است؛ اما شناخت خدا که بخواهیم این خدا را عبادت بکنیم باید از طریق اهل بیت علیهم السلام باشد.

عبادت و شناخت خداوند از طریق معرفت اهل بیت علیهم السلام

یکی از کتاب های علامه مجلسی *مرآة العقول* است. کتاب معتبر، بااهمیت و باعظمتی است. ایشان در این کتاب حدیثی از برید عجلی نقل می کند.^۱ «سَمِعْتُ

۱. مجلسی، *مرآة العقول*، ج ۲، ص ۱۲۱. «عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: بِنَا عِبْدَ

اللَّهُ، وَبِنَا عُرِفَ اللَّهُ، وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، وَمُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.»

أَبَا جَعْفَرٍ ع»، برید عجل می گوید از امام محمد باقر ع شنیدم، «يَقُولُ: بِنَا عَبْدَ اللَّهِ، وَبِنَا عُرْفَ اللَّهِ». اینها اهمیت مسئله امامت و شناخت امام زمان را می رساند. «بِنَا عَبْدَ اللَّهِ»؛ به وسیله ما خدا عبادت می شود؛ یعنی عبادت واقعی شناخت امام زمان است. در روایت دارد آن قدر نماز و روزه می گیرند که مانند یک مشک خشکیده می شوند، اما اگر از امامت و اهل بیت ع دور باشند، سودی ندارد.^۱

«بِنَا عَبْدَ اللَّهِ»؛ عبادت واقعی باید از طریق اهل بیت ع باشد. ما باید به دیگران یاد بدهیم چگونه نماز بخوانند. عبادت‌ها چگونه باشد. همه اینها را باید پیامبر ص و ائمه معصومین ع بیان کنند. «وَبِنَا عُرْفَ اللَّهِ»، به وسیله ما خدا شناخته می شود، معرفت واقعی خدا نزد ماست. «وَبِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»؛ توحید خداوند به وسیله ما شناخته شده است. اگر ما نباشیم مردم نمی دانند توحید به چه معناست. «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»^۲، یعنی چه؟ ما باید برای مردم بیان بکنیم که بفهمند یگانه پرستی، توحید و خداشناسی یعنی چه؟

پیامبر اکرم ص واسطه فیض الهی

بعد می فرماید: «وَمُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»؛ پیامبر اکرم ص حجاب خداوند است و واسطه است میان خلق و خالق است. همان گونه که نگهبان

۱. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۷۱؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۱۵.

۲. اخلاص، ۳ - ۴.

واسطه بین یک شخصیت و مردم است، پیامبر اکرم ﷺ نیز حجاب هست؛ یعنی ایشان واسطه است بین خداوند متعال و فیضی که خدا به مردم می‌رسانند. پیامبر اکرم ﷺ واسطه فیض الهی است؛ بعد از ایشان نیز ائمه معصومین ﷺ هستند. از این رو مسئله ولایت و شناخت و معرفت خداوند متعال بسیار اهمیت دارد و باید توجه کنیم که اگر از آنها - خدای نکرده - قدمی دور شویم، منحرف می‌شویم و خلاف چیزی که خداوند متعال خواست، انجام دادیم. انحراف عقیدتی از هر چیزی بدتر است. گاهی وقت‌ها بدن انسان مریض می‌شود، فوراً نزد طبیب می‌رود که مریض شدم، سرما خوردم، فلان ناراحتی را پیدا کردم، اما گاهی وقت‌ها انحراف عقیدتی پیدا می‌کند. انحراف عقیدتی مشکل‌تر است؛ یعنی ممکن است انسان پس از هفتاد یا هشتاد سال، کمتر یا بیشتر زندگی کند و با عقیده باطل از دنیا برود، باید بینیم کجا برویم؟ در خانه چه کسانی باشیم که برای ما شناخت خداوند را بیان کنند، بفهمیم که ائمه معصومین ﷺ صراط مستقیم‌اند و راهی که اهل بیت ﷺ به ما نشان می‌دهند، راه راست است. به غیر از صراط مستقیم خداوند، راه دیگری پیدا نخواهیم کرد. ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۱ روایت داریم صراط مستقیم راه امیرالمؤمنین ﷺ است.^۲

۱. فاتحه، ۶.

۲. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۶ - ۸۵.

شکر نعمت‌های الهی

این روایت در کتاب شریف *منتخب الاثر* است. ایشان از کتاب *کفایة الاثر* نقل می‌کنند؛^۱ البته اسنادش مفصل است، تا به اینجا می‌رسند که می‌گویند:

۱. خزاز قمی، *کفایة الاثر*، ص ۲۹۸ - ۳۰۱؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۳، ص ۱۸۵ - ۱۸۶،

ح ۵۸۸. «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ بُكَيْرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ صَالِحُ بْنُ بَشِيرٍ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الْعِرَاقِ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنِي بِشَيْءٍ سَمِعْتَهُ مِنْ أَبِيكَ. فَقَالَ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ اسْتَبَطَّ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ، وَمَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ فَلْيُقِلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

فَقُلْتُ: زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، قَالَ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَرْبَعَةٌ أَنَا شَفِيعٌ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي، وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ، وَالسَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ إِلَيْهِ، وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ، وَلِسَانِهِ.

قَالَ: فَقُلْتُ: زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ فَضْلِ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ.

قَالَ: نَعَمْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي اللَّهِ حُبًّا مَعْنَا، وَأَدْخَلَنَا مَعَنَا الْجَنَّةَ، يَا ابْنَ بُكَيْرٍ مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا فَهُوَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى، يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اضْطَفَى مُحَمَّدًا ﷺ، وَاخْتَارَنَا لَهُ ذُرِّيَّةً، فَلَوْلَا نَا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ تَعَالَى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، يَا ابْنَ بُكَيْرٍ بِنَا عُرِفَ اللَّهُ، وَبِنَا عَبْدَ اللَّهِ، وَنَحْنُ السَّبِيلُ إِلَى اللَّهِ، وَمِنَّا الْمُصْطَفَى وَالْمُرْتَضَى، وَمِنَّا يَكُونُ الْمُهْدِيُّ، قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ عَهْدَ إِلَيْكُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَتَى يَقُومُ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ: يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنَّكَ لَنْ تَلْحَقَهُ، وَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ تَلِيهِ سِتَّةٌ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ هَذَا، ثُمَّ يَجْعَلُ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا.

«حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْفُوظِ الْبَلْوِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَلَاءِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ بُكَيْرٍ دَخَلْتُ عَلَى زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ؛ مُحَمَّدُ بْنُ بَكِيرٍ مَيَّيٌّ: بر زید بن علی وارد شدم. زید بن علی را همه می‌شناسند. ایشان فرزند امام زین‌العابدین علیه السلام است که در راه خداوند شهید شد. ایشان می‌گوید که بر زید بن علی بن الحسین داخل شدم. «وَعِنْدَهُ صَالِحُ بْنُ بَشِيرٍ»، یکی دیگر از اصحاب به نام صالح خدمت ایشان بود. «فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ»، بر زید بن علی سلام کردم. «وَهُوَ يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الْعِرَاقِ»؛ ایشان می‌خواست به عراق بروند. «يُرِيدُ الْخُرُوجَ»، منظور این است که می‌خواست آنجا قیام کند که در آن قیام شهید شد. «فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدَّثَنِي بِشَيْءٍ سَمِعْتَهُ مِنْ أَبِيكَ»؛ به زید بن علی بن الحسین عرض کردم برای من حدیثی بگویند که از پدر بزرگوارتان امام زین‌العابدین علیه السلام شنیدید.

→ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَسْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: أَنَا مِنَ الْعِتْرَةِ ...».

ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ:

نَحْنُ سَادَاتُ قُرَيْشٍ	وَقَوْمُ الْحَقِّ فِينَا
نَحْنُ أَنْوَارُ النَّبِيِّ مِنْ	قَبْلِ كَوْنِ الْخَلْقِ كُنَّا
نَحْنُ مِنْهُ الْمُصْطَفَى الْمُخْتَارُ	وَالْمُهْدِيُّ مِنْنَا
فِينَا قَدْ عُرِفَ اللَّهُ	وَبِالْحَقِّ قُمْنَا
سَوْفَ يَصَلَاهُ سَعِيرًا	مَنْ تَوَلَّى الْيَوْمَ عَنَّا

«فَقَالَ: نَعَمْ»، فرمود بله، این حدیث را برای ایشان بیان کردند. «حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ؛ پدر من علی بن الحسین علیه السلام، سیدالساجدین این حدیث را از امیرالمؤمنین علیه السلام برای من بیان کرد. «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»، امیرالمؤمنین علیه السلام هم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند. «مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»؛ این روایت، روایت اخلاقی است؛ در ابتدا می فرماید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به هرکس نعمتی داد، باید خدا را بر این نعمتی که به او عنایت کرد، حمد کند. از این رو امام رضا علیه السلام نیز می فرماید که اگر دیدید که خداوند نعمت‌ها را به شما عنایت کرده، به خداوند دو کلمه عرض کنید. «اللَّهُمَّ سَلِّمْ وَتَمِّمْ». ^۱ خدایا این نعمت‌ها را برای من سالم نگه دار و این نعمت‌ها را بر من کامل کن. هر نعمتی که خدا به شما داد، همیشه، هر روز، هر شب، شکر خداوند متعال را به جای بیاورید.

ایشان نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کردند: «مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»؛ خدا را حمد بکند بر نعمتی که خدا به ایشان داده است. بزرگ‌ترین نعمتی که خداوند به ما عنایت کرده، نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام است. «وَمَنْ اسْتَبَطَّ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ»؛ هرکس رزق و روزی‌اش کم شده و می بیند که وضع مالی‌اش بد شده و گرفتاری دنیوی زیادی دارد، خدا را استغفار کند. از

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۸؛ طبرسی، اعلام السوری، ج ۲، ص ۶۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۱۱؛ ج ۶۸، ص ۴۶.

امیرالمؤمنین علیه السلام روایت داریم که می فرماید: «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ»؛^۱ رزق را به وسیله صدقه از خدا بگیرید. همچنین در روایات داریم که با استغفار رزق را از خدا بخواهید.^۲ هرکس بیشتر استغفار کند، خداوند روزی او را بیشتر می کند؛ از این رو می فرماید که «وَمَنْ اسْتَبَطَّ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ»؛ هرکس که شرایط مالی او بد شد و زندگی برایش سخت گردید، خداوند را استغفار کند. «وَمَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ فَلْيَقُلْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». هرکس برایش مشکلی پیش آمد و محزون و غصه دارد، این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگویند تا خداوند مشکلش را حل کند.

شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله از دوستداران اهل بیت علیهم السلام در روز قیامت

«فَقُلْتُ: زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ» به زید بن علی بن الحسین عرض کردم برای من بیشتر بیان کنید. «قَالَ: نَعَمْ»، فرمود: بله. «حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ»؛ فرمود که پدرم، امام زین العابدین علیه السلام از جد بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَرْبَعَةٌ أَنَا شَفِيعٌ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ چهار دسته

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۳، ۱۰؛ اشعث کوفی، الجعفریات، ص ۵۷؛ صدوق، من لا یحضره

الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۱؛ لثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۸۹

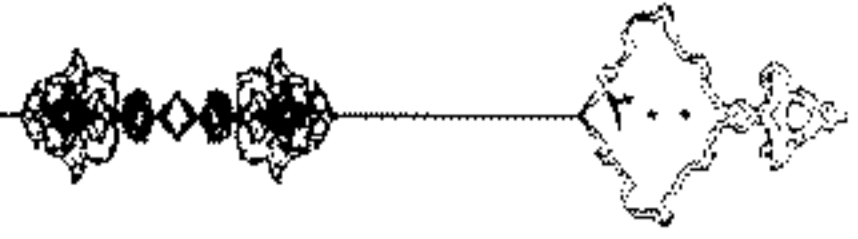
۲. «أَكْثَرُوا الِاسْتِغْفَارَ فَإِنَّهُ يَجْلِبُ الرِّزْقُ». ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۰۶؛ کراچکی، کنز

الفوائد، ج ۲، ص ۱۹۷. «الِاسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ». صدوق، الخصال، ص ۵۰۵؛ شعیری، جامع

الاخبار، ص ۱۲۴؛ طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۱۲۹.

هستند که روز قیامت من آنها را شفاعت می‌کنم. «الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي»، هر کس ذریه مرا اکرام کند، روز قیامت شفیع آنها می‌شوم. هر سید بزرگواری که فرزند حضرت زهرا علیها السلام است، وظیفه ماست که ایشان را اکرام و احترام کنیم. نه اینکه بخواهیم - خدای نکرده - بر آنها متی بگذاریم. به خاطر اینکه فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. کسی که فرزندانم را اکرام کند، روز قیامت شفیع آنها هستم. «وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجُهُمْ»؛ کسی که حوائج فرزندانم را برآورده بکند، اگر حاجتی دارد، برآورده می‌کنم. ممکن است کسی این امکان برایش فراهم نباشد، اما کسی که این امکان برایش فراهم است و قضا و حوائج فرزندان من را برآورده کند، من روز قیامت شفیع آنها می‌شوم. «وَالسَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ إِلَيْهِ»؛ گاهی وقت‌ها اینها مضطر هستند، اگر کسی سعی باشد برای اینکه مشکلشان را برطرف کند و حاضر باشد که هر کاری دارند برای خشنودی خدا و برای خشنودی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام انجام دهند، خداوند شفیع آنها می‌شود.

«وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ»؛ کسی که فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست بدارد، هم با دل، هم با زبان، چیزی نمی‌گوید که ناراحت شوند. اگر کسی با زبانش حرفی بزند که فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله را ناراحت کند، مثل اینکه خود پیامبر صلی الله علیه و آله را ناراحت کرده است. کسانی بودند که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را اذیت کردند؛ اذیت حضرت صدیقه علیها السلام، اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله و اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اذیت خداوند است. ما آنها را دوست داریم. هم با دل آنها را دوست داریم، هم با زبان. می‌فرماید: من محب آنها را هم روز قیامت شفاعت می‌کنم.



دوستدار اهل بیت علیهم السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله محشور می شود

«قَالَ: فَقُلْتُ: زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ فَضْلِ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكُمْ؛ كُفْتُمْ كَمَا كُنْتُمْ تَكُونُونَ. قَالَ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي اللَّهِ حُشِرَ مَعَنَا؛ هَرَكَسَ بِه خَاطِرَ خَدَاوَنَدِ مَتَعَالٍ مَا أَهْلَ بَيْتِ رَا دُوسْتِ بَدَارَد، بَا مَا مَحْشُورِ مِي شُود. «وَأَدْخَلْنَاهُ مَعَنَا الْجَنَّةَ»؛ پِيَامْبَرِ خَدَاوَنَدِ فَرَمُود: مَن أَنهَارَا بَا خُودِمِ دَاخِلِ بَهْشْتِ مِي بَرَم. مَحْبِ أَهْلِ بَيْتِ علیهم السلام دَرِ رُوزِ قِيَامَتِ پِيَشِ مَنِ اسْت؛ اِگَرِ مِي خُوَاهِيدِ بَدَانِيدِ دُوسْتِدَارَانِ أَهْلِ بَيْتِ علیهم السلام دَرِ قِيَامَتِ كَجَا هَسْتِنْد، هِمَانِ جَايِي كِه پِيَامْبَرِ اَكْرَمِ صلی الله علیه و آله تَشْرِيفِ دَارِنْد. «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ». ^۱ مَحْبِ أَهْلِ بَيْتِ علیهم السلام رَا بَا خُودِمِ وَارَدِ بَهْشْتِ مِي كَنَم.

تمسک به اهل بیت علیهم السلام راه شناخت و تقرب به خدا

«يَا ابْنَ بُكَيْرٍ، مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا فَهُوَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى؛ كَسِي كِه بَه مَا تَمَسَّكَ بَكُنْد، دَرِ وَاقِعِ بَا مَاسْت. «يَا ابْنَ بُكَيْرٍ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اصْطَفَى مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله وَاخْتَارَنَا لَهُ ذُرِّيَّةً»؛ خَدَاوَنَدِ مَتَعَالٍ، پِيَامْبَرِ اَكْرَمِ صلی الله علیه و آله رَا بَرِگَزِيدِ وَ مَا رَا نِيَزِ ذَرِيَّةً پِيَامْبَرِ صلی الله علیه و آله قَرَارِ دَاد.

۱. قمر، ۵۵. «در جایگاه صدق، نزد خداوند مالک مقتدر جای دارند».



فرزندان پیامبر ﷺ ما هستیم. «فَلَوْلَا نَا لَمْ يَخْلُقِ اللهُ تَعَالَى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ»؛ اگر فرزندان پیامبر ﷺ نبودند، خداوند متعال دنیا و آخرت را خلق نمی کرد. خلقت جهان به خاطر ائمه معصومین علیهم السلام بود. «يَا ابْنَ بُكَيْرٍ، بِنَا عُرِفَ اللهُ»؛ به وسیله ما خدا عبادت می شود. اگر می خواهید خدا را بشناسید، باید به سراغ ما بیایید. اگر از ما دور باشید، خدا را نشناختید. روایت داریم حتی اگر سالها به اندازه عمر نوح روزه بگیرند، روزها و شبها قیام کنند؛ اما ولایت اهل بیت علیهم السلام را قبول نداشته باشد، هیچ فایده‌ای ندارد.^۱ بدون ولایت که فایده ندارد؛ از این رو می فرماید: «بِنَا عُرِفَ اللهُ وَبِنَا عُبِدَ اللهُ»، به وسیله ما خدا عبادت می شود. «وَنَحْنُ السَّبِيلُ إِلَى اللهِ»؛ اگر می خواهید راهی به طرف خدا پیدا کنید، این راه، ائمه معصومین علیهم السلام هستند.

حضرت مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله

«وَمِنَّا الْمُصْطَفَى، وَالْمُرْتَضَى، وَمِنَّا يَكُونُ الْمُهْدِيُّ قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ پیامبر مصطفی صلی الله علیه و آله از ما بود، علی مرتضی علیه السلام از ماست، حضرت مهدی علیه السلام قائم امت نیز از ماست. می فرماید: «وَمِنَّا تَكُونُ الْمُهْدِيُّ قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ امام زمان علیه السلام از ماست. «قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ هَلْ عَهْدٌ إِلَيْكُمْ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله مَتَى يَقُومُ قَائِمُكُمْ؟»؛ چه زمانی امام زمان علیه السلام ظهور می کند؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله این را به شما فرموده که ما هم بدانیم؟

۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۹۱؛ طوسی، الامالی، ص ۱۳۲؛ طبری، بشارة المصطفی، ج ۲، ص ۷۱.

«قَالَ: يَا ابْنَ بُكَيْرٍ، إِنَّكَ لَنْ تَلْحَقَهُ»؛ تو نمی توانی به امام زمان علیه السلام ملحق شوی. «وَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ تَلِيهِ سِتَّةٌ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ هَذَا»؛ بعد از امام محمد باقر علیه السلام شش نفر دیگر از اوصیای الهی می آیند، بعد از آن شش نفر، هفتمین آنها، حضرت مهدی علیه السلام است. «ثُمَّ يَجْعَلُ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا»؛ بعد از اینکه نوبت به حضرت می رسد، خروج می کنند. «فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا».

«فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَسْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ؟»؛ به زید بن علی عرض کردم که شما صاحب این امر نیستید؟ «فَقَالَ: أَنَا مِنَ الْعِثْرَةِ»؛ من از عترت هستم، ولی صاحب امر نیستم. بعد این چند شعر را حضرت خواندند.

اشعار زید بن علی در وصف خاندانش

نَحْنُ سَادَاتُ قُرَيْشٍ وَقَوَامُ الْحَقِّ فِينَا

ما سادات قریش هستیم. بزرگان قریش ما هستیم. و قوام و پایداری دین حق به واسطه وجود مبارک ائمه معصومین علیهم السلام و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

نَحْنُ أَنْوَارُ النَّبِيِّ مِنْ قَبْلِ كَوْنِ الْخَلْقِ كُنَّا

ما انواری بودیم قبل از اینکه تمام مخلوقات عالم خلقت بشود. انواری بودیم که قبل از خلقت آدم وجود داشتیم؛ قبل از خلقت دنیا بودیم.

نَحْنُ مِنَ الْمُصْطَفَى الْمُخْتَارُ وَالْمُهْدِيُّ مِنَّا

پیامبر صلی الله علیه و آله از ماست، حضرت مهدی علیه السلام نیز از ماست.

فَبِنَا قَدْ عَرِفَ اللَّهُ وَبِالْحَقِّ قُمْنَا



اگر کسی می خواهد حق را بشناسد، باید به سراغ اهل بیت علیهم السلام برود. اگر کسی بخواهد خدا را بشناسد باید از اهل بیت علیهم السلام یاد بگیرد.

سَوْفَ يَضَلُّهُ سَعِيرًا مَنْ تَوَلَّى الْيَوْمَ عَنَّا

کسی که امروز از ما جدا شود، فردا جایگاهش جهنم است.

ان شاء الله بتوانیم آن طور باشیم که خودشان فرمودند. ولایت اهل بیت علیهم السلام را به معنای واقعی - ان شاء الله - در آینده بحث خواهیم کرد. عبادت خداوند متعال در گرو معرفت امام علیه السلام است.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾^۱.

شب هفدهم ماه مبارک رمضان مصادف است با شبی که پیامبر اکرم ﷺ اصحابش را آماده می‌کردند برای اینکه با کفار قریش در روز هفدهم و در سرزمین بدر مبارزه کنند و اولین جنگ بین اسلام و کفر در روز هفدهم ماه مبارک رمضان به نام جنگ بدر اتفاق افتاد. همان‌گونه که می‌دانید یکی از فضائل بسیار مهمی که برای امیرالمؤمنین ﷺ اتفاق افتاده در این شب بود؛ زیرا عدد ۳۱۳

که یاران پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بدر همراه پیامبر ﷺ بودند، با تعداد اصحاب خاص امام زمان علیه السلام، یکی هستند. از این رو مطلب را با همدیگر وفق می‌دهیم و درباره عدد سیزده مطالبی را عرض خواهیم کرد.

جنگ بدر و یاری فرشتگان از پیامبر ﷺ

شب بسیار سرد و تاریکی در مدینه بود. پیامبر اکرم ﷺ آمده بودند نزدیک چاه بدر با اصحاب صحبت کردند و فرمودند که آیا کسی هست که برای ما آب بیاورد؟ هیچ‌کس از اصحاب جواب نداد، به غیر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام، که بلند شدند، مشک آبی را گرفتند و به طرف چاه آب رفتند. چاه از جمعیت فاصله زیادی داشت. امیرالمؤمنین علیه السلام در این هوای سرد و تاریک رفتند و نزدیک چاه شدند. دلوی پیدا نکردند که آب را از چاه بیرون بیاورند؛ از این رو خود امیرالمؤمنین علیه السلام وارد چاه شدند و از آنجا مشک را پر از آب کردند و بیرون آمدند.

وقتی به سوی پیامبر ﷺ آمدند، ناگهان باد بسیار شدیدی آمد که حضرت مجبور شد روی زمین بنشیند. بعد از مدتی دوباره بلند شدند، مقداری که راه رفتند، باد بسیار شدید دیگری آمد، باز امیرالمؤمنین علیه السلام روی زمین نشستند. بار سوم باز هم بادی آمد و حضرت روی زمین نشستند، بلند شدند و آمدند به طرف پیامبر علیه السلام، مقداری طول کشید. وقتی که خدمت ایشان رسیدند، حضرت فرمودند: یا علی! چرا دیر کردی؟ عرض کرد که یا رسول الله! چنین وقایعی

برایم اتفاق افتاد. وقتی از چاه بیرون آمدم، بادهای بسیار شدیدی آمد، مجبور شدم سه مرتبه بنشینم.

در روایات آمده پیامبر اکرم ﷺ فرمودند یا علی! آیا می‌دانی این بادها چه بود؟ گفتند نه، شما بهتر می‌دانید، بیان بفرمایید. پیامبر ﷺ فرمود که باد اولی که آمد و شما مشاهده کردید به صورت باد، جبرئیل بود که با هزار ملک الهی آمدند؛ هم جبرئیل و هم هزار ملک بر تو سلام کردند و در جایگاه بدر خودشان را جای دادند؛ برای اینکه فردا به یاری ما بیایند. همچنین بار دوم که آن باد آمد، میکائیل با هزار ملک دیگر آمدند و بر تو سلام کردند. مرتبه سوم اسرافیل با هزار ملک آمدند و بر تو سلام کردند. خداوند متعال سه هزار ملک را فرستاده، برای اینکه شما را یاری کند.^۱

سه هزار منقبت در جنگ بدر برای امیرالمؤمنین ﷺ

روایت هست که امشب سه هزار منقبت برای امیرالمؤمنین ﷺ نازل شد.^۲ سه هزار ملک به همراه جبرئیل و میکائیل و اسرافیل؛ از این رو بعضی از شعرا در این باره اشعاری به عربی و فارسی سرودند. این مطلب را به صورت بسیار جالب به

۱. طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۷۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۲؛

مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۸۶، ۲۹۳.

۲. صدوق، الامالی، ص ۵۵۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷.

شعر در آوردند. فردا که روز بدر بود، تعداد اصحاب حضرت رسول ﷺ سیصد و سیزده نفر بودند که با ایشان بودند و اولین جنگی بود که بین مسلمانان و کفار اتفاق افتاد و مسلمانان در این جنگ - البته با رشادت و شجاعت امیرالمؤمنین ﷺ - به پیروزی رسیدند.

تعداد یاران امام زمان ﷺ به تعداد اصحاب پیامبر ﷺ در جنگ بدر

در روایات داریم درباره امام عصر ﷺ (بحث ما نیز در این باره است) که عدد اصحاب امام زمان ﷺ به تعداد اصحاب حضرت رسول ﷺ در روز بدر بود؛ همان طور که آنها ۳۱۳ نفر بودند، تعداد اصحاب حضرت ولی عصر ﷺ هم ۳۱۳ نفر هست. روایات در این باره زیاد است. عدد ۳۱۳ عدد مهمی است. واقعاً اگر کسانی بتوانند تحقیق کنند که چرا ۳۱۳ انتخاب شد، چرا ۴۱۴ نیست؟! چرا کمتر یا بیشتر نیست؟! اینها اهمیت خاصی دارد. امروز از حضرت آیت الله و الدم پرسیدم که این عدد ۳۱۳ به چه مناسبتی است؟ ایشان فرمودند: یکی از اسرار الهی است که به تعداد ۳۱۳ است و باید بیشتر در این عدد تحقیق شود. می توانند پانصد نفر یا چهارصد نفر باشند؛ اما عدد اصحاب خاص امام زمان ﷺ ۳۱۳ است. اینها مسئله‌ای است که باید در مورد آن تحقیق کرد. اگر کسانی در این باره تحقیقی کردند بقیه را از تحقیقات محروم نکنند تا از آن استفاده کنند.

ویژگی های امام زمان علیه السلام

در کتاب شریف منتخب الاثر در این باره احادیث زیادی داریم؛ از جمله این حدیث که ایشان از کتاب نصیبت فضل بن شاذان، نقل کردند.^۱ همان طور که

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۱۵، ح ۱۱۱۵. «الْغَيْبَةُ لِلْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمُرَانَ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ كُلُّهَا، وَيُظْهِرُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَيَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِّرَ، وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ.

قَالَ: ابْنُ حُمُرَانَ: قِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ: إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ، وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَاکْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، وَرَكِبَ ذَوَاتُ الْقُرُوجِ الشُّرُوحَ، وَقَبِلَتْ شَهَادَةَ الزُّورِ، وَرُدَّتْ شَهَادَةُ الْعُدُولِ، وَاسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالِدَّمَاءِ، وَارْتَكَبَ الزُّنَا، وَأَكَلِ الرَّبَا، وَالرِّشَا، وَاسْتِيْلَأَ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَبْرَارِ، وَخُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ، وَالْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ، وَخَسَفَ بِالْبَيْدَاءِ، وَقَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَلَقَبُهُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ، وَجَاءَتْ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا، فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ، وَاجْتَمَعَ عِنْدَهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا، أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ، وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، فَإِذَا اجْتَمَعَ الْعِقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ، فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَوَتْنٍ وَغَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ، وَذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ.»

می‌دانید فضل بن شاذان از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهما السلام است و قبر مطهر ایشان نیز در نیشابور است. کتاب غیبت را آن موقع نوشته است. مهم این است که قبل از تولد حضرت حجت علیه السلام کتاب غیبت را نوشته است. اهمیت کتاب به این خاطر است که روایاتی را برای غیبت امام زمان علیه السلام آورده که هنوز خود امام زمان علیه السلام به دنیا نیامده بود.

«حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُهْرَانَ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ

مُحَمَّدٍ علیه السلام: إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا». ایشان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: حضرت

مهدی علیه السلام از ما هستند. «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ»، خداوند حضرت را با رعب یاری

می‌کند؛ یعنی یکی از چیزهایی که به وسیله آن مسلمانان می‌توانند پیروز شوند، این

است که رعب مسلمانان در دل دشمن قرار بگیرد؛ همان‌گونه که در جنگ بدر

همین مسئله پیش آمد. خداوند متعال رعب مسلمانان را در دل کفار قرار داد و آنها

فرار کردند. امام زمان علیه السلام هم منصور به رعب است؛ یعنی خداوند کاری می‌کند

که دشمنان و کفار وحشت‌زده شوند و سپاه آنها نابود می‌شود؛ از این رو می‌فرماید

که مهدی علیه السلام منصور به رعب است. یکی از لشکرهایی که برای ایشان خیلی

اهمیت دارد، رعب است. دشمن به وسیله امام زمان علیه السلام مرعوب و ترسان می‌شود.

«مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ»، حضرت تأیید شده به نصر است. نصر الهی، «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ»^۱

مصدق اتم این رعب امام زمان علیه السلام است.

۱. صف، ۱۳. «یاری خداوند و پیروزی نزدیک است».



«تَطْوِي لَهَا الْأَرْضُ»، زمین برای امام زمان علیه السلام پیچیده می شود که معنا کردند به طی الارض. همان گونه که خداوند متعال به اولیای الهی طی الارض داد، امام زمان علیه السلام نیز طی الارض دارد. برای ایشان که مسئله ای نیست. الآن اگر اراده کند از کربلا به مکه معظمه می روند یا از مکه معظمه به مشهد مقدس می روند. «وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ كُلُّهَا»، و تمام گنج ها برای امام زمان علیه السلام ظاهر می شود. در روایات زیادی داریم که وقتی حضرت تشریف می آورند، آنچه در دل زمین از اشیای گران بها و از گنج ها است، همه بیرون می آیند و خودشان را به وجود مقدس امام زمان علیه السلام عرضه می کنند.

«وَيُظْهِرُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ همان گونه که در آیات شریفه داریم، خداوند متعال به وسیله امام زمان علیه السلام دین اسلام را بر تمام ادیان دیگر ظاهر و غالب می کند. «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛^۱ گرچه مشرکان نخواهند و برایشان سخت باشد. اما خداوند متعال دین خود را بر تمام ادیان ظاهر خواهد کرد. «وَيَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»؛ سلطنت و حکومت امام زمان علیه السلام، تمام مشرق و مغرب عالم را فرا خواهد گرفت. چقدر لذت دارد که در آن زمان باشیم و محضر شریف امام زمان علیه السلام را درک کنیم.

«فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِّرَ»؛ در زمین هر چه خرابی باشد، به وسیله امام زمان علیه السلام و یارانش تعمیر و آباد می شود. خرابی اصلاً وجود ندارد. «وَيُنزِلُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عليها السلام فَيَصَلِّيَ خَلْفَهُ»؛ حضرت عیسی عليه السلام که الآن زنده هستند، هنگامی که امام زمان علیه السلام ظاهر شوند، ایشان نیز تشریف می آورند و در نماز به امام زمان علیه السلام اقتدا می کند.

نشانه‌های زمان خروج امام زمان علیه السلام

«قَالَ ابْنُ حُمْرَانَ: قِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ؟»؛ ابن حمران می‌گوید که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم حضرت مهدی علیه السلام چه موقع خارج می‌شود؟ زمانش را برای ما بیان کنید تا ما بدانیم. حضرت زمان را بیان نمی‌کند. از بعضی روایات می‌توانیم استفاده کنیم که برای خود امام زمان علیه السلام نیز آن ساعت به‌خصوص معلوم نیست.

امام صادق علیه السلام نشانه‌هایی را از قیام حضرت برای ما بیان می‌فرماید: «قَالَ: إِذَا تَشَبَهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ»؛ وقتی که مردها شبیه زنان شوند، دوست دارند نوع لباسشان، وضعیت زندگی‌شان، مانند زنان باشد. «وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ»؛ برعکس زنها نیز دوست دارند مانند مردها لباس بپوشند. متأسفانه حتی در کشورهای اسلامی، بسیاری از زنان خودشان را شبیه مردان کردند. «وَاکْتَفَى الرَّجَالُ، بِالرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ». این موضوع از هر دردی بدتر و از هر گناهی بیشتر است. مردها به مردها اکتفا کنند، نعوذ بالله عمل قوم لوط را انجام دهند. «وَرَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ»؛ زنان، زمانی می‌رسد که سوار اسب بشوند و در ملأ عام در بین مردم اسب‌سواری کنند.

«وَقَبِلَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ»؛ زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند، هنگامی است که شهادت ظالم و فاسق قبول است، اما شهادت عادل قبول نیست. وقتی در دادگاه می‌رویم، مشاهده می‌کنیم. «وَرُدَّتْ شَهَادَةُ الْعُدُولِ»؛ شهادت فرد عادل را قبول



نمی‌کنند؛ ولی کسی که فاسق است و یا به وسیله پول یا مسائل دیگر تطمیع شده، شهادتش مورد قبول است. اینها از نشانه‌هایی است که اگر پیش بیاید، ظهور امام زمان عجل الله فرجه نزدیک می‌شود.

«وَاسْتَحَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ». برای مردم ارزشی ندارد که خون بی‌گناهان را بریزند، مثل اینکه حشره‌ای یا حیوان کوچکی را می‌کشند؛ مردم را همین‌طوری می‌کشند. «وَأَرْتَكَبِ الزَّنَا»، به خدا پناه می‌بریم. اینها در آن زمان زیاد می‌شود. «وَأَكَلِ الرَّبَا»، مشاهده می‌کنید، همه مراجع بزرگوار تقلید، همه علما داد می‌زنند که این بانک‌داری اسلامی نیست. وقتی که ربا علنی شده باشد، دیگر نمی‌شود اینها را اسلامی بگوییم، همه هم می‌خورند. «وَأَكَلِ الرَّبَا»، بین مردم ربا زیاد شد. اگر ربا زیاد شود، قرآن می‌فرماید اگر کسی وارد مسئله ربا شود، مثل اینکه با خداوند متعال به جنگ آمده است: «فَأَذِنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۱. خیلی مهم است. «وَالرِّشَا»، و رشوه زیاد می‌شود. متأسفانه می‌بینیم که رشوه زیاد شده است. اگر در اداره‌ای کاری یا مشکلی داشته باشید، اگر رشوه ندهید، کارتان حل نمی‌شود. امروز حلال مشکلات پول است، از طریق طرف را راضی کن. مثلاً این هدیه‌ای برای شماست و به یاد ما باشید. این هدیه را قبول کنید. ایشان نیز فوراً کار شما را انجام می‌دهد و مشکل را حل می‌کند؛ اما اگر کسی پول نداشته باشد، بدبخت و بیچاره است.

۱. بقره، ۲۷۹. «بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد».

«وَاسْتِيْلَاءُ الْأَشْرَارِ عَلَى الْأَبْرَارِ»؛ از نشانه‌های ظهور حضرت این است که اشرار و بدها بر خوب‌ها مسلط می‌شوند. خوب‌ها کنار می‌روند، اشرار و بدها سر کار می‌آیند.

«وَخُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ»؛ اینها جزو علایم حتمی است که در روایات نیز بیان شده است. «وَالْيَمَانِيُّ مِنَ الْيَمَنِ»؛ اینها بحث مفصلی دارد که فقط به آنها اشاره مختصری می‌کنیم. «وَخَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ»؛ هنگامی که ظهور حضرت نزدیک شود، خداوند متعال در سرزمینی به نام بیداء، تمام لشکر سفیانی را از بین خواهد برد و آنها به زمین فرو می‌روند. «وَقَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَلَقَبُهُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ». یکی از علامات ظهور این است که نفس زکیه کشته می‌شود. نفس زکیه یکی از فرزندان اهل بیت علیهم‌السلام است که قبل از ظهور امام زمان علیه‌السلام قیام می‌کند. «وَجَاءَتْ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ»؛ اینجا ظهور نزدیک شده که - ان شاء الله - آن صیحه حق را همه ما بشنویم. صیحه و صدایی از آسمان بلند می‌شود. «بِأَنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ»؛ منادی صدا می‌زند که حق در امیرالمؤمنین علیه‌السلام و شیعیان ایشان است، حق با آنهاست. این صدا را همه می‌شنوند. «فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا»؛ این موقع زمان خروج حضرت مهدی علیه‌السلام است، بعد از این صیحه.

«فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ»؛ وقتی حضرت ظاهر بشوند، به خانه خدا، کعبه معظمه، تکیه می‌کنند. «وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثِيَّةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا»؛ در این هنگام ۳۱۳ نفر با امام زمان علیه‌السلام بیعت می‌کنند. این نخستین کسانی هستند که خدمت

حضرت وارد می‌شوند و خداوند متعال همه اینها را از تمام نقاط دنیا و سرزمین‌های مختلف به وسیله طی الارض جمع می‌کند، همه را در کعبه معظمه می‌آورند. ممکن است یکی از قم، طالقان، اصفهان یا شهرها و کشورهای دیگر باشد. این ۳۱۳ نفر همه جمع می‌شوند و با حضرت بیعت می‌کنند.

اولین سخن امام زمان علیه السلام پس از ظهور

«أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ»؛ اولین چیزی که امام زمان علیه السلام به آن نطق می‌کند و می‌فرماید، این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». صدای مبارک حضرت را تمام عالم می‌شنود. «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ یادگار خداوند متعال، آن خلیفه الهی برای شما بهتر است، اگر شما ایمان دارید. «ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ»، بعد از اینکه آیه را تلاوت فرمودند، حضرت می‌فرماید: من بقية الله هستم، من حجت خدا و خلیفه خداوند بر شما هستم. «فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ»، برخی می‌گویند اینجا «مُسَلِّمٌ» است، ولیکن معروف این است که «مُسَلِّمٌ» است. هیچ‌کسی بر ایشان سلام نمی‌کند. اگر بگوییم مُسَلِّمٌ؛ یعنی هیچ مسلمانی بر او سلام نمی‌کند، مگر به این عنوان که به امام زمان علیه السلام می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ». ما هم همیشه با این سلام خدمت آقا عرض ادب داشته باشیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ». وقتی نام مبارک حضرت را خدمت امام رضا علیه السلام بردند، حضرت قیام کردند، سپس دست مبارکشان را روی سر گذاشتند، سپس بلافاصله دعا کردند و فرمودند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ»^۱.

۱. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲۳، ص ۲۴۷؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۲۰۶ - ۲۰۷، ح ۱۲۵۵.

«فَإِذَا اجْتَمَعَ الْعِقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ»؛ وقتی که عقد (به معنای ده هزار نفر) جمع شدند. ابتدا ۳۱۳ نفر جمع می‌شوند، بعد معلوم می‌شود این ۳۱۳ نفر از اصحاب خاص هستند؛ فرماندهان واقعی لشکر امام زمان عجل الله فرجه اینها هستند. بعد ده هزار نفر از یاران حضرت جمع می‌شوند. انشاءالله اگر جزء ۳۱۳ نفر نیستیم، حداقل جزء ده هزار نفر باشیم. «خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ»؛ اینها با امام زمان عجل الله فرجه از مکه خروج می‌کنند. وقتی این لشکر الهی راه می‌افتد و خروج می‌کند، دیدن آنها چه صفایی دارد، امام زمان عجل الله فرجه در جلو و بقیه پشت سر حضرت راه می‌افتند و با سلام و صلوات وارد می‌شوند، شهرها را می‌گردند.

بعد می‌فرماید: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَوَتْنٍ وَغَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ». هر معبودی غیر از خدا بود، بت‌ها، بتکده‌ها، جاهایی که غیر خدا آنجا پرستیده می‌شوند، خداوند در همه آنها آتشی قرار می‌دهند و همه سوزانده می‌شوند و از بین می‌روند؛ از این رو معبودی غیر از خداوند متعال بر روی زمین باقی نخواهد ماند.

تأثیر دعا در تعجیل فرج

این ظهور حضرت چه موقعی است؟ ما نمی‌دانیم. نمی‌توانیم وقت معین بکنیم. اینها نشانه‌های ظهور امام زمان عجل الله فرجه است. امام صادق ع آخر این حدیث می‌فرمایند: «وَذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ»؛ این بعد از یک غیبت طولانی اتفاق می‌افتد. چقدر غیبت حضرت طول می‌کشد؟ ما از خداوند متعال می‌خواهیم که بقیه

غیبتش را به ما ببخشد. واقعاً الآن وضعیت همین گونه است که روایت می‌فرماید. حالا طوری شده که همه انسان‌های پاک، صالح، مؤمن و متدین همه به درگاه خدا، دعا می‌کنند که خدایا مصلح واقعی را برسان! واقعاً این‌طور است، امام زمان عجلتعالیه نیز ناراحت هستند، بارها فرمودند: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ».^۱ آن اشخاصی که خدمت حضرت رسیدند. حضرت می‌فرماید: چرا برای فرج ما دعا نمی‌کنید؟ امروزه وظیفه شیعه این است که برای فرج دعا کند.

از این روایت ما متوجه شدیم که عدد ۳۱۳ همان عددی است که اصحاب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر، در روز هفدهم ماه مبارک رمضان با ایشان بودند و آنها اصحاب خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند. هرکسی توفیق پیدا نکرد که در جنگ بدر در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. شهدای بدر هم در درگاه خدا بسیار ارزش و منزلت دارند. بدر جایی اطراف مدینه است. متأسفانه الآن نمی‌گذارند حاجی‌ها و ایرانی‌ها به آنجا بروند. شهدای بدر پیش خداوند متعال ارزش و منزلت فراوانی دارند. روز هفدهم رمضان به این بزرگواران تعلق دارد، به یادشان باشیم. آیات قرآنی را که تلاوت می‌کنید، برای شهدای بدر هدیه بفرستید؛ آنها حق بزرگی به عالم اسلام و انسانیت و معنویت دارند.

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۹۲ - ۲۹۳؛ طبرسی، اعلام السوری،

حدیث بیانگر ۳۱۳ یار امام مهدی علیه السلام

این حدیث از جمله احادیثی است که ۳۱۳ را بیان کرده است. از این احادیث زیاد است. حدیث دیگری باز منتخب الاثر از کتاب شریف اثبات الرجعة أو الغیبة، نقل می‌کند.^۱ این عالم بزرگوار بعد از اینکه سندها را می‌گوید: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُيَسَّرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ النَّخَعِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام». امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِذَا أذِنَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ؛ زَمَانِي كَمَا خَدَّوْنَا بِرَأْيِ خُرُوجِ حَضْرَتِ مَهْدِي علیه السلام اذِنَ دَادَ، اِمَامَ زَمَانٍ علیه السلام مَتَظَرَّ اِذْنَ خَدَّاهُ، هَرَّاهُ خَدَّاهُ بِاِشْطَانِ اِذْنِ دَادَ، فَوْرًا خُرُوجِ مِي كَنْدُ وَ ظَاهِرِ مِي شُودُ.

سیره امام زمان علیه السلام، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

سپس امام زمان علیه السلام بالای منبر تشریف می‌برند «صَعِدَ الْمُنْبَرَ وَدَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ؛» به تمام عالمیان اعلام می‌کند که ظهورش واقع شده است. «وَنَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَدَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ؛» و همه مردم را به طرف خدا می‌خوانند.

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۲۱، ح ۱۱۲۵. «إِثْبَاتُ الرَّجْعَةِ أَوْ الْغَيْبَةِ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُيَسَّرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ النَّخَعِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا أذِنَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ صَعِدَ الْمُنْبَرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ، وَنَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ، وَدَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ، وَأَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَيَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جِبْرَائِيلَ عليه السلام حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيَنْزِلُ الْحَطِيمَ، فَيَقُولُ لَهُ: إِلَى أَيِّ شَيْءٍ تَدْعُو؟ فَيُخْبِرُهُ الْقَائِمُ عليه السلام، فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ عليه السلام: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ، ابْسُطْ يَدَكَ، فَيَمْسَحُ عَلَى يَدِهِ، وَقَدْ وَاوَاهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، فَيُبَايِعُونَهُ، وَيَقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ آلَافِ نَفْسٍ، ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ.»



«وَأَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»؛ از مردم می خواهد که اگر می خواهید با من باشید، باید بر طبق سیره پیامبر ﷺ باشید. روش من روش پیامبر اکرم ﷺ است. «وَيَعْمَلُ فِيهِمْ بِعِلْمِهِ»؛ آنچه که امام زمان ﷺ انجام می دهد، همانی است که جد شریفشان، پیامبر اکرم ﷺ انجام دادند. «فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَبْرَائِيلَ ﷺ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيُنزِلَ الْحُطِيمَ»؛ در این هنگام خداوند متعال جبرئیل را برای امام زمان ﷺ می فرستد و می آیند به حطیم. حطیم جایی نزدیک خانه خداست، بین رکن یمانی و حجرالاسود، کنار دیوار خانه خدا قرار داد. «ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: إِلَى أَيِّ شَيْءٍ تَدْعُو؟»؛ گفته می شود برای امام زمان ﷺ به چه می خوانید و دعوت می کنید؟ ظهور و خروج شما برای چیست؟ «فَيُخْبِرُهُ الْقَائِمُ ﷺ»؛ حضرت به جبرئیل می فرماید: من برای این قیام کردم، برای قیام من از طرف خداوند متعال اذن آمد.

جبرئیل اولین بیعت کننده با امام زمان ﷺ

«فَيَقُولُ جَبْرَائِيلُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ»؛ جبرئیل می گوید: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، لذا آنجا همه دنیا می بینند، اولین کسی که با امام زمان ﷺ بیعت می کند، جبرئیل است. «أَبْسُطْ يَدَكَ»؛ سپس به حضرت عرض می کند که دستت را جلو بیاور. «فَيَمْسَحُ يَدَهُ عَلَى يَدِهِ»؛ دست جبرئیل بر روی دست امام زمان ﷺ قرار می گیرد و با حضرت بیعت می کند. بعد می فرماید: «وَقَدْ وَاَفَاهُ ثَلَاثًا مِائَةً وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيُبَايِعُونَهُ»؛ در این هنگام ۳۱۳ نفر می آیند و با حضرت بیعت می کنند و خدمت حضرت می رسند. این ۳۱۳ نفر با امام زمان ﷺ بیعت می کنند.

«وَيُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ آلَافِ نَفْسٍ»؛ و در مکه می مانند تا اینکه ده هزار نفر کامل شوند. هنگامی که ده هزار نفر کامل شد، امام زمان عجل الله فرجه قیام می کند. «ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ»؛ سپس حضرت به طرف مدینه می آیند و حوادث بعدی اتفاق می افتد که ان شاء الله بعداً خواهیم گفت.

این آیه شریفه: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» به مناسبت عدد ۳۱۳ بود که عدد خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همین طور عدد اصحاب امام زمان عجل الله فرجه ۳۱۳ نفر است. این عدد از اسرار الهی است که باید بیشتر در این مسئله دقت شود. امیدواریم که همه ما از یاران و انصار واقعی امام زمان عجل الله فرجه قرار بگیریم و مشمول لطف و دعای آن حضرت باشیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾^۱

علل غیبت امام زمان علیه السلام

یکی از علل غیبت امام زمان علیه السلام - همان گونه که از این آیه شریفه استفاده می شود - امتحان مردم و آزمایش مؤمنان در عصر غیبت است. البته نسبت به غیبت امام زمان علیه السلام حقیقتش را ما نمی توانیم بیان کنیم؛ همان طور که از روایات استفاده می شود از اسرار الهی است. اگر هم حکمتی بیان می شود، به عنوان یکی از حکمت های غیبت است، و گرنه علت اصلی غیبت بعد از ظهور حضرت معلوم می شود. در هر صورت این آیه شریفه در

۱. آل عمران، ۱۴۱. «و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند و کافران را به تدریج نابود سازد».

سوره آل عمران می فرماید: ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾؛ خداوند برای اینکه کسانی که ایمان آورده‌اند را امتحان کند و آنها را خالص گرداند که آیا به آنچه ایمان آورده‌اند پابرجا هستند و در احکام و دستورات شرع مقدس مشکلاتی که برای آنها در زمان‌های مختلف پیش می‌آید، آیا می‌توانند دینشان را حفظ کنند یا اینکه با یک ناراحتی که پیدا می‌شود خدا، پیامبر و امام و کتاب خدا را فراموش می‌کنند، مثل اینکه مقصر اصلی تمام مشکلاتی که برای انسان پیش آمده، خدا یا پیامبر یا امام است.

لذا خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: باید مردم ممحَّص و آزمایش شوند و بتوانند از امتحان سربلند بیرون بیایند. اگر مؤمنان توانستند از امتحان سربلند بیرون بیایند، در آن هنگام می‌توانند ادعا بکنند که منتظر امام زمان عجل الله فرجه و سرباز امام زمان عجل الله فرجه هستند.

درباره این آیه شریفه، روایاتی نقل شده که بر وجود شریف امام زمان عجل الله فرجه دلالت می‌کند. جوینی - از علمای بزرگ اهل سنت - در کتاب *فرائد السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطين*، درباره امیرالمؤمنین ع و حضرت صدیقه طاهره ع، امام حسن و امام حسین ع فضائلی را بیان می‌کند. در ضمن، فضائل سایر ائمه ع را نیز در کتابش آورده است. ایشان نقل می‌کند، بعد از اینکه اسناد را ذکر می‌کند تا می‌رسد به سعید بن جبیر از ابن عباس.

مقام سعید بن جبیر مفسر بزرگ قرآن

سعید بن جبیر یکی از مفسران بزرگ عالم اسلام است و کسی است که در راه امیرالمؤمنین ع شهید شده است و مرقدش نزدیک شهر کوفت عراق است و بسیار



مورد توجه مردم است و از او حاجت می‌گیرند. کسانی که گرفتار بودند یا فرزند پیدا نمی‌کردند، به این شهید راه ولایت متوسل شدند و حاجاتشان را از ایشان می‌خواستند و خداوند به آنها فرزند داده، یا مشکلات دیگرشان را به واسطه ایشان برآورده می‌کرد. خداوند به خاطر اینکه به دست حجاج ملعون مظلومانه شهید شد، مقام بسیار بزرگی به این شهید عنایت کرد. اگر از سمت مهران به طرف کربلای مقدس رفتید، به شهر کوت که رسیدید، نزدیک شهر کوت (حدود چهل و پنج کیلومتری شهر کوت) مرقد مطهر سعید بن جبیر قرار گرفته است. کسی که به کربلای معلی برای زیارت می‌رود، ارزش دارد که قبر این شهید را نیز زیارت کند.

روایت سعید بن جبیر درباره جانشینی پیامبر ﷺ

«عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ إِمَامٌ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِي»^۱. سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند که

۱. جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۵۸۹؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۵۰۹. «عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ إِمَامٌ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِي، وَمِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ».

فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلِلْقَائِمِ مِنْ وُلْدِكَ غَيْبَةٌ؟ قَالَ: إِي وَرَبِّي، وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ بِهِ الَّذِينَ آمَنُوا، وَيَمَحَقَ الْكَافِرِينَ. يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ، عِلْمُهُ مَطْوِيُّ عَنْ عِبَادِهِ، فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فِيهِ، فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ كُفْرٌ».

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب ﷺ، امام و خلیفه مردم، بعد از من است. جانشین واقعی پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ است. بعد می فرماید: «وَمِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ»؛ از فرزندان حضرت امیرالمؤمنین ﷺ وجود مقدس امام زمان ﷺ، مهدی منتظر است. «الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا»، کسی که خداوند متعال زمین را به وسیله او پر از عدل و داد می کند. «كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ بعد از اینکه تمام زمین را ظلم و فساد فرا گرفته باشد، خدای متعال امام زمان ﷺ را به فریاد مردم مظلوم خواهد رساند.

یاران امام زمان ﷺ ثابت قدم در دین

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ»؛ سپس پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: قسم به خداوند؛ قسم به خدایی که من را فرستاد؛ یعنی پیامبر را به عنوان بشیر برای مردم فرستاد. قسم به این خدا به کسانی که بر قول خود به امام زمان ﷺ ثابت بمانند؛ یعنی بر ولایت ایشان ثابت قدم باشند؛ در زمان غیبت امام زمان ﷺ ثابت قدم بمانند، این گونه نباشد که انحراف پیدا کنند، غیبت حضرت که طولانی شود، مشکل پیدا بکنند و اعتراض کنند چرا حضرت قیام نکرده است، «لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ»؛ از کبریت احمر نایاب ترند. کبریت احمر به معنای طلای سرخ یا گوگرد سرخ است. همان طور که معلوم است، طلای سرخ بسیار نایاب است. طلای ۲۴ عیاری که ارزش بسیاری دارد. می فرماید: مؤمنانی که

در زمان غیبت ایشان ثابت قدم باشند و منحرف نشوند و اعتراض نکنند، مثل کبریت احمر می مانند؛ یعنی بسیار نایابند. هرکسی نمی تواند ادعا کند منتظر امام زمان علیه السلام است.

غیبت طولانی بعضی از انبیای گذشته

گاهی اوقات ممکن است در اذهان عده ای چیزهایی خطور کند، خدایا چرا امام زمان علیه السلام را نمی فرستی؟ اگر واقعاً امام زمان علیه السلام زنده هستند، چرا غیبتش این قدر طولانی شده است؟ اگر کسی تاریخ انبیای سلف را ببیند و قرآن را مطالعه کرده باشد. متوجه می شود که انبیای سلف هم غیبت داشتند، آنها هم غیبت های طولانی داشتند. این طور نبوده که غیبت فقط برای امام زمان علیه السلام باشد. بسیاری از انبیای سلف عمر طولانی داشتند. حتی از عمر امام زمان علیه السلام - که تا به حال نزدیک هزار و دویست سال گذشته - طولانی تر می باشد. پس معلوم می شود این طور نیست که اعتراض کنیم، چرا غیبت طولانی شد؟ مگر می شود چنین شخصی این همه عمر طولانی داشته باشد؟ همه اینها جواب علمی دارد. این طور نیست که جواب نداشته باشد؛ ولی انسانی که منتظر است باید این اعتراض ها را نداشته باشد.

امتحان مردم یکی از سنت های الهی

«فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِلْقَائِمِ مِنْ وَوَلَدِكَ غَيْبَةٌ!؟»

جابر بن عبدالله انصاری نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشرف بود، بلند شد و عرض

کرد: آیا برای حضرت مهدی علیه السلام هم غیبت است؟ آنها نمی دانستند که ائمه معصومین علیهم السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله خواهند آمد و چند صباحی چند سالی هستند و سپس امام زمان علیه السلام می آید و ظهور می کند. بلافاصله سال دویست و پنجاه و پنج هجری چند سالی حضرت زنده هستند و بعد قیام می کنند. لذا از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد، یا رسول الله! آیا برای ایشان غیبت است؟ «قَالَ: إِي وَرَبِّي»؛ حضرت فرمود: بله، قسم به پروردگارم. طبق آیه شریفه: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»؛ خداوند متعال به وسیله غیبت امام زمان علیه السلام باید همه کسانی که ایمان آوردند، را امتحان کند که آیا در زمان غیبت می توانند منتظر باقی بمانند یا نه. روایت داریم کسی از خدا نخواهد که او را امتحان نکند. امتحان یکی از سنت های الهی است. در هر عصری برای هر مؤمن و مسلمانی امتحان پیش می آید. این است که انسان باید همیشه آمادگی داشته باشد و از خدا بخواهد که از این امتحانات سخت، سربلند بیرون بیاید. به ویژه امتحان در دین؛ از همه مهم تر است. خدای نکرده اعتقادات انسان سست نشود. اکنون دزدانی در صدد این هستند که عقیده بچه ها و جوان های ما را بدزدند. واقعاً این طوری است. امروزه در فضای مجازی، ببینید چه خبر است؟ گذشته این گونه نبود. سی سال پیش این گونه نبود، ولی امروزه از هر راهی برای منحرف کردن مسلمانان وارد شدند و خیلی عادی و راحت در دین بچه ها و جوان های ما انحراف انداختند؛ از این رو انسان باید به اعتقاد صحیح توجه کند. نخست اعتقادات صحیح داشته باشد، بعد از خدا بخواهد که بر این اعتقادات ثابت قدم بماند.

توصیه به خواندن دعای غریق در عصر غیبت

در روایات آمده در عصر غیبت دعای غریق را زیاد بخوانید. «یا الله، یا رَحْمَانُ، یا رَحِيمُ، یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».^۱ این دعا را انسان همیشه بخواند. هر روز، هر زمان، در نماز، غیر نماز، از خدا بخواهد که بر دینش ثابت بماند. خدایا دین مرا حفظ کن! «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»؛^۲ خدایا بعد از اینکه ما را هدایت کردی، نکند از دینت برگردیم، بر دینمان ثابت قدم باشیم. گاهی اوقات به واسطه قدرت، مقام، تطمیع و پولی که به انسان می دهند، ممکن است انسان دینش را از دست بدهد و خدا و امام زمان علیه السلام را فراموش کند. ما امام زمان داشته باشیم، ولی خودمان را به دیگران بفروشیم! آیه شریفه می فرماید: «وَلِيْمَحْصَ اللَّهُ الَّذِينَ

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۳۸؛ ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۳۳۲ - ۳۳۳. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: سَتَصِيْبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِلاَ عِلْمٍ يَرَى، وَلاَ إِمَامٍ هُدَى، وَلاَ يَنْجُو مِنْهَا إِلاَّ مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ. قُلْتُ: كَيْفَ دُعَاءِ الْغَرِيقِ؟ قَالَ: يَقُولُ: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. فَقُلْتُ: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ: يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

۲. آل عمران، ۸. «پروردگارا! دل هایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، از راه حق، منحرف

مگردان و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده ای».

آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ». یکی از علل غیبت امام زمان علیه السلام این است که خداوند می خواهد مردم را امتحان کند. این طور نیست که هر کس گفت که ما ایمان آوردیم، رها شود، خیر، همه باید در درگاه الهی امتحان بدهند.

غیبت امام زمان علیه السلام از اسرار الهی

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود. این امر، امر امام زمان علیه السلام، امر غیبت امام زمان علیه السلام امری از امور خداوند است. «يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ» امر بسیار مهمی است. سرّی از اسرار الهی است. ما نمی توانیم بفهمیم که این سرّ چیست؟ «مَطْوِيٌّ عَنْ عِبَادِهِ»؛ علم و حکمت غیبت امام زمان علیه السلام از بندگان خدا پوشیده است. هیچ کس نمی تواند بفهمد غیبت امام زمان علیه السلام برای چیست؟ ما نمی توانیم فلسفه غیبت را درک کنیم. «فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فِيهِ»؛ بر تو باد، حذر کن از اینکه در امر امام زمان علیه السلام شک کنی. «فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ كُفْرٌ»؛ زیرا غیبت امام زمان علیه السلام، امر خداست. اگر کسی که در امر خدا شک کند، به خداوند متعال کفر ورزیده است. پناه می بریم به خدا از اینکه انسان کافر شود. یکی از راه های کفر این است که منکر امام زمان علیه السلام بشویم. یکی از راه های کفر این است که به تأخیر مؤجل و تعجیل مؤخر اعتراض کنیم. این همه گرفتاری در عالم اسلام هست؛ این همه مظلومین و شهدا هستند؛ اگر قرار بود امام زمان علیه السلام ظهور کند، اگر تابه حال مصلحتی بود، چرا ظهور نکرده است؟ باید مواظب این حرف ها باشیم.

می فرماید: «وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ عِلْمُهُ مَطْوِيٌّ عَنْ عِبَادِهِ»؛ این سری از اسرار الهی است که از بندگان خدا پنهان و مخفی است. «فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فِيهِ، فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ كُفْرٌ».

تواتر روایات مربوط به امام زمان علیه السلام

این روایت را این عالم سنی در کتاب *فرائد السمطين* نقل می کند. وضعیت به گونه ای شده که حتی خود علمای اهل سنت برای ما نقل می کنند و هنوز هم ما می بینیم بعضی ها متحیر و سرگردانند، عده ای در حالت تردید به سر می برند. اصلاً در مسئله غیبت امام زمان علیه السلام - با این همه روایات و احادیثی که وجود دارد - جای تردید نیست. در بعضی از مسائل دین یک روایت داریم، در بعضی از مسائل دو یا ده تا روایت داریم؛ ولی ما آن را به عنوان یک ضروری دین قبول داریم. شیعه و سنی آن را به عنوان ضروری دین قبول دارند؛ ولی در مسئله امامت حضرت مهدی علیه السلام حدود سه هزار الی چهار هزار روایت به خصوص داریم. بسیاری از روایات در موضوعات مختلف متواترند که اصلاً جای شک نیست. چگونه شک کنیم، چگونه تردید کنیم.

درباره هیچ موضوعی در اسلام تا به حال به اندازه غیبت امام زمان علیه السلام این همه روایت و حدیث نیامده است از اهل بیت علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کتب اهل سنت و شیعه تا به حال این قدر حدیث بیان نشده است. با این حال شیطان قوی است، آنهایی که مغرض هستند، برای اینکه مردم را از راه صحیح منحرف کنند، منکر

امام زمان علیه السلام می شوند. از این آیه شریفه استفاده می شود که بالاخره باید همه در این زمان امتحان بدهند و خودشان را برای ظهور حضرت آماده بکنند.

در کتاب شریف *کمال الدین* که *منتخب الاثر*، از ایشان نقل می کند.^۱ کتاب *کمال الدین* از کتاب‌های معتبر و بسیار ارزشمند ماست. این کتاب‌ها را باید بالای سر گرفت و بوسید. سراسر روایات اهل بیت علیهم السلام است. کتاب *کمال الدین* کتابی است که به امر امام زمان علیه السلام نوشته شده، پس خیلی احترام دارد. شیخ صدوق رحمه الله این کتاب را به امر امام زمان علیه السلام درباره غیبت نوشته است. خود مرحوم شیخ صدوق به دعای حضرت به دنیا آمده و مقام بالایی در میان علمای ما دارد.

غیبت امام زمان علیه السلام سنت الهی

شیخ صدوق در کتاب شریف *کمال الدین* نقل می کند بعد از اینکه اسناد را که ذکر می کند از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت می فرماید: «إِنَّ لِصَاحِبِ

۱. صدوق، *کمال الدین*، ج ۲، ص ۴۸۲؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۳، ص ۲۲۶، ح ۶۳۹. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا، يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ. فَقُلْتُ: وَلِمَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: لِأَمْرٍ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ، قُلْتُ: فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ؟ قَالَ: وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ، وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، إِنَّ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ، كَمَا لَمْ يَنْكَشِفْ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِيهَا أَنَّهُ الْخَضِرُ مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ، وَقَتْلِ الْغُلَامِ، وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عليه السلام إِلَّا وَقْتُ افْتِرَاقِهَا. يَا ابْنَ الْفَضْلِ، إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى، وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ، وَعَيْبٌ مِنْ عَيْبِ اللَّهِ، وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ، وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ».

هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا». امام صادق علیه السلام فرمود صاحب این امر، یعنی امام زمان علیه السلام دارای غیبتی است که حتماً اتفاق می افتد. این واقعه از سنت های الهی است که باید امام زمان علیه السلام غایب باشند. «يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ»؛ در مسئله غیبت به اشتباه می افتند و راه را گم می کنند، هر انسانی که باطل باشد، منحرف می شود. کسی که دنبال باطل باشد، به اشتباه می افتد و راه را گم می کند، اعتراض می کند.

«فَقُلْتُ: وَلِمَ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟»؛ چرا چنین مسئله ای پیش می آید؟ چرا مردم گمراه می شوند؟ «قَالَ: لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ»؛ خیلی مهم است. حضرت می فرماید که دلیل غیبت امام زمان علیه السلام و اینکه عده ای گمراه می شوند، به خاطر موضوعی است که ما اجازه نداریم بیان بکنیم.

حکمت غیبت امام زمان علیه السلام

«قُلْتُ: فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ؟»؛ حکمتی از اینها برای ما بیان کن، وجه حکمتش چیست؟ «قَالَ: وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غِيَّاتٍ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجْبِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ». می فرماید: وجه غیبت امام زمان علیه السلام همان علت و وجه غیبت پیامبران پیشین است. آنها چگونه غیبت داشتند و کارهای آنها چگونه بود، کسی متوجه نمی شد. حکمت هر کاری که انجام می دادند، بعد معلوم می شد. می فرماید: حکمت این غیبت نیز مانند آنهاست.

بعد می فرماید: «إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ». خیلی مهم است. اگر فلسفه غیبت را برای آقایان بیان می کنیم، این یک حکمت‌هایی است که می‌گوییم؛ ولی حقیقت آن را نمی‌فهمیم. حقیقت آن هنگامی که حضرت ظهور کند، معلوم می‌شود. از این رو می‌فرماید: «لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمْ يَنْكَشِفْ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِيمَا أَتَاهُ الْخَضِرُ ﷺ مِنْ حَرْقِ السَّفِينَةِ، وَقَتْلِ الْغُلَامِ، وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى ﷺ إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا».

عدم آگاهی انبیا از حکمت الهی

همان‌طور که می‌دانید حضرت خضر ﷺ با حضرت موسی ﷺ مصاحب شد. با همدیگر همسفر شدند. سپس خضر ﷺ کارهایی انجام می‌دهد که سبب اعتراض حضرت موسی ﷺ می‌شود. لذا امام صادق ﷺ می‌فرماید: خضر ﷺ آمد - همان‌طور که قرآن می‌فرماید - سفینه یا کشتی‌ای که داشتند را سوراخ کرد. موسی ﷺ اعتراض کرد اگر کشتی را سوراخ کنی، کشتی غرق می‌شود. برای چی این کار را می‌کنی؟ تو از انبیای الهی هستی. خضر ﷺ از این قبیل کارها زیاد انجام داده است. این چند مورد را فقط حضرت موسی ﷺ دیدند، وگرنه هنوز حضرت خضر ﷺ زنده است. ممکن است چنین کارهایی انجام بدهد؛ ما اطلاعی نداریم. «وَقَتْلِ الْغُلَامِ»، خضر جوانی را گرفت و کشت. موسی ﷺ اعتراض کرد، برای چه او را کشتی؟ قتلی انجام دادید، بدون اینکه علتی داشته باشد. دوباره اعتراض کرد. «وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ»، حضرت موسی ﷺ دوباره اعتراض



کرد که چرا این دیوار شکسته را درست کردی؟ تمام این مطالب را آیات شریفه قرآن بیان کرده است.^۱ مگر این مردم برای ما چه کردند. مردمی که در آن شهر بودند؛ توجهی به حضرت خضر^ع و موسی^ع نداشتند؛ اما خضر^ع دیوار را برای آنها درست کرد. حضرت می‌فرماید اینها معلوم نشد، «إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا»، بعد از اینکه حضرت فرمود: «هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ»،^۲ خضر^ع برای موسی^ع علت کارها را بیان کرد. «أَمَّا السَّفِينَةُ...»،^۳ سپس فرمود: اما کشتی برای کسانی است که وضعیت مالی خوبی ندارند؛ مردم بی‌گناهی هستند که پادشاه دنبال سفینه‌ها و کشتی‌هایی هست که سالم باشد. من کشتی را سوراخ کردم تا پادشاه نتواند از آنها بگیرد. اما غلام به خاطر اینکه پدر و مادرش مسلمان‌اند و ممکن است که بزرگ بشود، مشکلی برای پدر و مادرش ایجاد کند، من او را کشتم. مسئله دیوار برای اشخاصی بود که ضعیف و یتیم بودند و زیر این دیوار گنجی پنهان بود. من این دیوار را درست کردم تا این گنج برای این فقرا و یتیم‌ها باقی بماند. زمانی که این‌ها را بیان کرد، حضرت موسی^ع تعجب کرد. پس معلوم می‌شود حکمتی دارد که حتی موسی^ع پیامبر آن زمان این حکمت را نفهمید.

۱. کهف، ۷۱ - ۷۷.

۲. کهف، ۷۸. «اینک زمان جدایی من و تو فرا رسیده است».

۳. کهف، ۷۹ - ۸۲.

از این رو امام صادق علیه السلام می فرماید که غیبت امام زمان علیه السلام ما هم دارای همین حکمت است. نمی توانیم آن را درک کنیم تا بعد از اینکه ظهور کردند. همه، ما متوجه می شویم که چرا خداوند امام زمان علیه السلام را حفظ کرده بود و در غیبت نگه داشت؛ شاید اگر حضرت می آمدند و ظهور می کردند، همان روزهای اول ایشان را از بین می بردند.

از بعضی از روایات می توانیم استفاده کنیم. آیه سیام سوره یس می فرماید: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ»^۱ وای بر این مردم بدبخت، هر پیامبری را که برایشان فرستادیم، استهزاء کردند. پیامبرانی که برای هدایت آنها آمده بودند، برای اینکه آنها را از گمراهی نجات بدهند و دنیا و آخرت را برای آنها بیاورند؛ استهزاء کردند. اگر امام زمان علیه السلام غیبت نمی کردند نیز همین گونه بود. استهزاء تنها که نیست، بعضی از پیامبران، بعضی از اولیا و بعضی از ائمه معصومین علیهم السلام ما را هم شهید کردند. به همین دلیل خداوند امام زمان علیه السلام را حفظ کرد.

اسرار نهفته الهی در غیبت امام زمان علیه السلام

«يَا ابْنَ الْفَضْلِ، إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى»؛ سپس آخر حدیث امام صادق علیه السلام می فرماید که این امری از امر خداوند متعال است. کاری از کارهای خداوند است.

۱. یس، ۳۰. «افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را

استهزا می کردند».

«وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ»؛ مسئله غیبت امام زمان علیه السلام از اسرار الهی است. سرّ یعنی مستور، چیزی که فاش نشده باشد. اگر پوشیده نبود که به آن سرّ (راز) نمی گفتند. پس باید چیزی باشد که مستور باشد. «وَعَيْبٌ مِنْ عَيْبِ اللَّهِ»؛ غیبی از غیب‌های خداوند که باید پنهان باشد و ما هم به این غیب ایمان داشته باشیم. «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛^۱ روایت داریم «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ یعنی امام زمان علیه السلام خود غیب هستند.^۲ غائب هستند و اکنون هم غیبت دارند؛ از این رو می فرماید: «وَعَيْبٌ مِنْ عَيْبِ اللَّهِ».

غیبت امام زمان علیه السلام حکمت الهی

«وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ». این روایت دیگر زبان را برای همه می بندد. دهان همه را می بندد که اعتراض نکنیم. انسان‌هایی که متوجه هستند، فهمیده و روشن هستند، نباید اعتراض کنند، می فرماید: وقتی ما بدانیم خداوند متعال حکیم است. آیا خداوند حکمت دارد یا نه؟ حکیم همه کارهایش درست است؛ یکی از صفات خداوند متعال صفت حکمت است. به همین خاطر خدا حکیم است. اگر ما بدانیم خدا حکیم است، تصدیق می کنیم تمام افعال خداوند متعال، از روی حکمت است، دیگر نمی توانیم اعتراض بکنیم؛ زیرا مثل داستان حضرت خضر علیه السلام و

۱. بقره، ۳. «کسانی که به غیب ایمان می آورند».

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۷ - ۱۸؛ ج ۲، ص ۳۴۰.



حضرت موسی علیه السلام می شود. اگر حکیم دستور داده این کار را بکنید، باید بگوییم سمعاً و طاعةً و تسلیم امر خداوند متعال باشیم که حکیم است. لذا امام صادق علیه السلام می فرماید: «وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَّقْنَا بِأَنَّ أَفْعَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ». اگرچه شما علت غیبت را نمی دانید، مثل سایر عبادات است. مثلاً نماز صبح دو رکعت است، چرا دو رکعت است؟ بعضی علتی آوردند؛ اما چون این نماز را حکیم برای ما واجب کرده، از این-رو می گوییم، امر خداوند متعال است. چرا هفت شوط خانه خدا را باید طواف کرد؟ چرا بیشتر یا کمتر نیست؟ اینها دستوراتی است که خداوند متعال برای ما واجب کرده است. ما نیز می دانیم کار حکیم از روی حکمت است؛ بنابراین باید قبول کنیم امر امام زمان علیه السلام نیز حکمت خداوند متعال است. در اختیار حضرت نیست، همان گونه که دست بشر نیست. وقتی از امام زمان علیه السلام سخن می گوییم، منظورمان سلطنت کل جهان است که - ان شاء الله - در آینده حضرت به وسیله خداوند حاکم آن می شود. ما گمان می-کنیم سلطنت امام زمان علیه السلام مثل این پادشاهان این حکومت هاست. اصلاً قابل قیاس نیستند. تمام این حکومت ها، همه رؤسا و همه بزرگان به اندازه ذره ناچیزی از مقام امام علیه السلام نیستند. مگر مقام امام چیست که خداوند متعال به او داد. «أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» است، یک امری از امر خدا است. «وَعَيْبٌ مِنْ عَيْبِ اللَّهِ» است. کاری کنیم که به این امر و به این غیب نزدیک شویم و به آن ایمان



بیاوریم. اگر کسی به غیب ایمان بیاورد، همیشه شاداب است، همیشه نشاط دارد و در حالت امید و انتظار به سر می‌برد. ناراحتی و غصه ندارد، اگر مشکلی هم برای مردم پیش می‌آید، امیدوار هستیم ان شاء الله تعالی خداوند این مشکلات را به وسیله خلیفه الله، به وسیله یادگار خود بر روی زمین، برطرف خواهد کرد.

لذا می‌فرماید: «وَإِنْ كَانَ وَجْهًا غَيْرَ مُنْكَشَفٍ». اگرچه وجه آن برای ما روشن نیست، اما ما باید او را قبول کنیم که یکی از دلایل غیبت امام زمان علیه السلام که از این آیه شریفه استنباط می‌شود، تمحیص است؛ تمحیص به این عنوان که ما از علت غیبت امام زمان علیه السلام خبر نداریم؛ اما باید از این آزمایش سربلند بیرون بیاییم و اعتراضی نداشته باشیم، اگر مشکلی پیش آمد، همه را به خداوند متعال واگذار کنیم؛ «وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^۱.

حکمت و فایده غیبت امام عصر علیه السلام

در حدیثی آمده که از امام زمان علیه السلام سؤال می‌شود. «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - فِي آخِرِ التَّوْقِيعِ الْوَارِدِ فِي جَوَابِ كِتَابِهِ الَّذِي سَأَلَ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَرَ الْعَمَرِيِّ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ عليه السلام».

۱. غافر، ۴۴. «من کار خود را به خدا واگذارم که خداوند نسبت به بندگانش بینا است».

این حدیث در کتاب *منتخب الاثر*، از *کمال الدین* نقل شده است.^۱ در آخر توقیعی که وارد شده «*فِي جَوَابِ كِتَابِهِ الَّذِي سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ أَنْ يُوصِلَ إِلَيْهِ*». محمد بن عثمان عمری - یکی از وکلای حضرت - سؤال کرده و حضرت جواب دادند که صادر شده از طرف امام زمان عجلت الله فرجه و در آنجا نوشته‌اند: «*أَمَّا عَلَّةٌ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ*». علت آنچه که از غیبت واقع می‌شود، «*فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ»*»^۲ حضرت می‌فرماید: این آیه شریفه قرآن است که می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهایی نپرسید که اگر برایتان آشکار شود، ناراحتان می‌کند. چیزهایی را می‌پرسیم، اگر علتش برای ما آشکار شود، از آنها

۱. صدوق، *کمال الدین*، ج ۲، ص ۴۸۳ - ۴۸۵؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۳، ص ۲۲۶ - ۲۲۷، ح ۶۴۰. «*عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - فِي آخِرِ التَّوْقِيعِ الْوَارِدِ فِي جَوَابِ كِتَابِهِ الَّذِي سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ الْعُمَرِيُّ أَنْ يُوصِلَ إِلَيْهِ، أَمَّا عَلَّةٌ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ»، إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي عليه السلام إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيَّةَ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي، وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غِيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ، وَإِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ، وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُفَيْتُمْ، وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ، وَعَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى».*

۲. مائده، ۱۰۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می‌کند».

ناراحت می شویم. غیبت امام زمان علیه السلام نیز همین گونه است. از این رو از غیبت امام زمان علیه السلام سؤال نکنید. «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيَةٌ زَمَانِهِ». بعد حضرت می فرماید: هر کدام از پدران من، ائمه معصومین علیهم السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام در زمان هایی زندگی می کردند که حکومت جائر و پادشاه ستمگر زندگی می کرد. از این رو آنها در ظاهر بیعتی از این طاغوت ها داشتند؛ یعنی ساکت بودند و نمی توانستند قیام کنند. امام حسین علیه السلام مسئله اش جداگانه است، اما سایر ائمه معصومین علیهم السلام نمی توانستند قیام کنند. «وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي»؛ امام زمان علیه السلام می فرماید: باید یک روزی بیایم که بیعت هیچ طاغوتی در گردن من نباشد و همه طاغوت ها باید از بین بروند.

چگونگی بهره‌مندی از امام علیه السلام در عصر غیبت

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي»؛ اما چگونه مردم در غیبت از من انتفاع و استفاده می‌برند؟ هزار سال است که در غیبت به سر می‌برد، ما شیعیان از او استفاده می‌کنیم یا نه؟ «فَكَأَلَا تُنْفَعُ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»؛ چگونه ابر جلوی نور خورشید را می‌گیرد، ولی مردم از نور خورشید باز هم استفاده می‌کنند. روزهای ابری خورشید را نمی‌بینیم، اما باز روز، روشن است. می‌فرماید که غیبت من نیز همانند خورشیدی است که پشت ابر است؛ ولی همه مردم از همین نور خورشیدی که پشت ابر است، استفاده می‌کنند. تمام بشریت امروز، تمام انسان‌ها، همه خلایق روی زمین و کرات آسمانی، همه از وجود مقدس امام

زمان عَلَيْهِ السَّلَام استفاده می‌کنند و منفعت می‌برند. خود ایشان می‌فرمایند: «وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»؛ من برای اهل زمین امان هستم؛ یعنی اگر من نباشم، مردم در امنیت نیستند: «لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»؛^۱ زمین هرچه دارد را فرو می‌برد و از بین می‌برد. به خاطر وجود امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است که زمین و زمان و آنچه روی کرات آسمانی است پابرجاست. «كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»؛ همان‌گونه که ستاره‌ها برای اهل آسمان‌ها امانند، من نیز برای اهل زمین امان هستم. بعد می‌فرماید: «فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ»؛ از چیزهایی که به درد شما نمی‌خورد، سؤال نکنید، از چیزهایی که به نفع شماست، سؤال پرسید. اما از چیزی که به نفع شما نیست، سؤال نکنید که: «إِنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْؤُكُمْ»، نمی‌توانیم، ما این ظرفیت را نداریم؛ ظرفیت آن را زمانی پیدا می‌کنیم که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام تشریف بیاورند.

در روایات داریم که تمام علوم که تاکنون انبیای الهی آورده‌اند، دو باب است، دو حرف است، اما هنگامی که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام ظهور می‌کنند، ۲۵ حرف دیگر را خواهند آورد.^۲ در آن زمان عقل مردم کامل می‌شود و فهم مردم بالا می‌آید. الآن فهم‌ها، همه ضعیف است؛ «فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ»؛ از

۱. طبری امامی، دلائل الامامة، ص ۴۳۶؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

۲. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ حلی، مختصر البصائر، ص ۳۲۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۱۱۹۲.

چیزهایی که به درد شما نمی خورد، سؤال نکنید. «وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُفِيتُمْ»؛ خودتان را به رنج نیندازید از علم آن چیزهایی را که خواسته‌اید، به درد شما نمی خورد. «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ». آن چیزی که ما از شما می خواهیم، دعا برای تعجیل فرج است. در شب‌های احیا، در شب قدر که ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾؛^۱ شب امام زمان علیه السلام، شب قدر است. آن شب برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا کنید. «فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»؛ فرج امام زمان علیه السلام فرج خود شماست؛ اگر می خواهید گشایشی در امور همه مردم عالم و مسلمانان ایجاد شود، باید برای فرج دعا کرد. بعد می فرماید: «وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَعَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى».

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.

۱. قدر، ۲. «و تو چه می دانی شب قدر چیست؟».



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ *
تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾^۱

درباره تفسیر آیاتی که درباره حضرت حجت علیه السلام است، هم از کتب اهل سنت و هم از منابع معتبر شیعی روایاتی بیان شده است؛ چه آیاتی که مربوط به ظهور موفورالسرور آن حضرت است و چه آیاتی که مربوط به حوادث قبل از

۱. قدر، ۱ - ۵. «ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم؛ و تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است؛ فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند؛ شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده.»

ظهور و اتفاقاتی که بعد از ظهور آن حضرت است. آیات در این باره زیاد است. از جمله، از آنجاکه ایام و لیالی قدر هست؛ از این جهت این آیات شریفه و روایاتی که درباره امام زمان علیه السلام آمده را توضیح خواهیم داد.

آیه شریفه می فرماید که ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. همان طور که می دانید، قرآن هم نزول دفعی داشته، هم نزول تدریجی. نزول دفعی در شب قدر بوده که تمام قرآن بر سینه مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و نزول تدریجی نیز در دوران رسالت آن حضرت نازل شده است.

فضیلت و عظمت شب قدر

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾. شب قدر آن قدر عظمت دارد که می فرماید درک شب قدر واقعاً مشکل است. این طور نیست که هر کس متوجه شود که شب قدر چیست. ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾؛ حدود هشتاد سال - اگر انسان حساب کند می شود هزار ماه - که فضیلت شب قدر از هزار ماه بالاتر است. ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾؛ خداوند متعال در این شب، ملائکه و فرشتگان و روح را نازل می کند. آنچه بناست در یک سال در جهان و همه عالم مخلوقات انجام بگیرد، در این شب بر امام زمان علیه السلام عرضه می شود. ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ﴾؛ شبی است سرشار از سلامت تا طلوع فجر. این ظاهر آیات است. همه ما می دانیم که شب قدر، شب بسیار با عظمتی است و اعمال مخصوصی دارد که الحمد لله موفق بودید و به جا آورده اید.

اما از نظر روایات شب قدر با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تطبیق دارد و آیات سوره قدر را از روایات استفاده می کنیم که درباره امام زمان علیه السلام است و تا زمان قیامت شب قدر اتفاق می افتد و فرشتگان و ملائکه الهی به امر خداوند متعال نازل می شوند و خدمت امام عصر علیه السلام می رسند و مطالبی را که بنا است در یک سال اتفاق بیفتد، بر حضرت عرضه می دارند. این را ما از تفاسیر و روایاتی که در این باره وارد شده، استفاده می کنیم.

نزول تدریجی و نزول دفعی قرآن

علی بن ابراهیم قمی رحمته الله که از بزرگان و مفسران عالم اسلام است، در تفسیر آیات شریفه سوره قدر فرمودند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»: «فَهُوَ الْقُرْآنُ»^۱. این فرمایشات ایشان از روایات گرفته شده است. «فَهُوَ الْقُرْآنُ أَنْزَلَ إِلَى الْبَيْتِ الْمُعْمُورِ فِي

۱. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۴۳۱. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَهُوَ الْقُرْآنُ أَنْزَلَ إِلَى الْبَيْتِ الْمُعْمُورِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ جُمْلَةً وَاحِدَةً، وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي طُولِ ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ سَنَةً؛ «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»، وَمَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَنَّ اللَّهَ يُقَدِّرُ فِيهَا الْأَجَالَ وَالْأَرْزَاقَ، وَكُلَّ أَمْرٍ يَحْدُثُ مِنْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ، أَوْ خِصْبٍ، أَوْ جَدْبٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ، كَمَا قَالَ اللَّهُ: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» إِلَى سَنَةِ؛ قَوْلُهُ: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» قَالَ: تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ، وَرُوحُ الْقُدُسِ عَلَى إِمَامِ الزَّمَانِ، وَيَدْفَعُونَ إِلَيْهِ مَا قَدْ كَتَبُوهُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ؛ قَوْلُهُ: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، قَالَ: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ص فِي نَوْمِهِ كَأَنَّ قُرُودًا تَصْعَدُ مِنْبَرَهُ فَعَمَّهُ ذَلِكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ تَمَلِّكُهُ بَنُو أُمِّيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ قَدْرِ قَوْلُهُ: «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ»، قَالَ: تَحِيَّةٌ يَحْيَا بِهَا الْإِمَامُ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ».



لَيْلَةَ الْقَدْرِ جَمَلَةٌ وَاحِدَةٌ». تمام این آیات یک مرتبه بر پیامبر ﷺ نازل شد. در یک شب همه قرآن به صورت دفعی برای پیامبر ﷺ نازل شد. «وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي طُولِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً»؛ در طول ۲۳ سال نیز به تدریج بر حضرت نازل شد.

منظور از لیلۃ القدر

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾، «وَمَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَنَّ اللَّهَ يُقَدِّرُ فِيهَا الْأَجَالَ وَالْأَرْزَاقَ». شب قدر، شب اندازه است، شب تقدیر است که خداوند متعال در این شب اجلها را تقدیر می کند. ارزاق و روزیها را برای مردم مقدر می فرماید که روزی افراد چقدر است. «وَكُلُّ أَمْرٍ يُحْدِثُ مِنْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ، أَوْ خِصْبٍ أَوْ جَدْبٍ»؛ هر چیزی که برای مردم حادث می شود؛ از زندگی، مردن، زنده بودن، همه اینها معلوم می شود که سال آینده چه کسانی در دنیا هستند و چه کسانی باید از دنیا بروند. «أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ»؛ هر خیری، هر شری، در این شب معلوم می شود. «كَمَا قَالَ اللَّهُ: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾^۱؛ همان گونه که در سوره دخان - یکی از سورههایی است که در شب قدر می خوانند - در آیه چهارم می فرماید: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾. در شب قدر تمام امور محکم و حکمت دار تمییز داده و معلوم می شود. تمام چیزها در این شب معلوم می شود. «إِلَى سَنَةٍ»؛ تا یک سال.

۱. دخان، ۴. «در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد».

بعد می فرماید: ﴿تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا﴾؛ منظور از نزول ملائکه الهی، فرشتگان و روح القدس است که نازل می شوند. «قَالَ: تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَرُوحُ الْقُدُسِ عَلَى إِمَامِ الزَّمَانِ»، در این شب بزرگ همه فرشتگان الهی از طرف خداوند مأموریت پیدا می کنند که بر امام زمان علیه السلام نازل شوند. «وَيَدْفَعُونَ إِلَيْهِ مَا قَدْ كَتَبُوهُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ»؛ تمام کارهایی که بنا است در جهان اتفاق بیفتد، در این شب بر امام عصر علیه السلام عرضه می شود. مانند اینکه بودجه سال را درست می کنند و به مجلس تقدیم می کنند، اینجا نیز امور سال کل جهان، به وسیله ملائکه از طرف خداوند متعال به محضر مبارک امام زمان علیه السلام تقدیم می شود.

بعد می فرماید: «قَوْلُهُ: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾». سپس می فرماید: «قَالَ: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي نَوْمِهِ كَأَنَّ قُرُودًا تَصْعَدُ مِنْبَرَهُ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب دیدند یک بوزینه ها و میمون هایی از منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله بالا می روند و پایین می آیند «فَغَمَّه ذَلِكَ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شدند، چرا میمون بالای منبر ایشان برود و رفت و آمد کند. خداوند متعال برای اینکه غم و ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله را برطرف کند، این سوره را نازل کرد. «فَأَنْزَلَ اللَّهُ: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾؛ تَمَلِّكُهُ بَنُو أُمِّيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ قَدْرٍ». منظور از این آیه، هزار ماهی است که بنی امیه آمدند، حکومت کردند. هزار ماهی که حدود هشتاد سال طول می کشد. از این رو قرآن می فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» تو از آن هزار ماهی که «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» ندارد، برتر است؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله هم و غمش برطرف شد. اگر بنی امیه هشتاد سال به ناحق سلطنت کردند، ما به تو لیلَةُ الْقَدْرِ می دهیم که منزلت و ارزشش از تمام آنها بیشتر است و برای تو هر سال است.

«قَوْلُهُ: «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ»؛ سپس خداوند متعال در این سوره می‌فرماید: «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ»؛ قَالَ: تَحِيَّةٌ يَحْيَا بِهَا الْإِمَامُ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ». تحیتی است که فرشتگان الهی از طرف خداوند متعال بر قلب امام زمان عجل الله فرجه تحیت و تهنیت می‌دهند و درود و سلام می‌فرستند بر امام زمان. در این شب تحیتی است تا زمانی که فجر طلوع کند، خدمت امام زمان عجل الله فرجه هستند.

سپس مرحوم قمی صاحب تفسیر قمی نقل می‌کند که: «قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام تَعْرِفُونَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؟ فَقَالَ: وَكَيْفَ لَا نَعْرِفُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَالْمَلَائِكَةُ يَطُوفُونَ بِهَا فِيهَا»؛^۱ خدمت امام محمد باقر عليه السلام عرض شد «تَعْرِفُونَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؟»؛ آیا شما لیلۃ‌القدر را می‌شناسید؟ ما نمی‌دانیم چه شبی است، اما معروف است که این شب‌های دهه آخر ماه مبارک رمضان است. «فَقَالَ: وَكَيْفَ لَا نَعْرِفُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَالْمَلَائِكَةُ يَطُوفُونَ بِهَا فِيهَا»؛ مگر می‌شود ما شب قدر را شناسیم؟ حال آنکه در آن شب فرشتگان الهی دور ما طواف می‌کنند. پس معلوم می‌شود شب قدر، شبی است که ملائکه الهی وارد زمین می‌شوند و بر زمین نازل می‌شوند؛ خدمت امام زمان عجل الله فرجه تحیت و سلام می‌دهند و بعد از تحیت و سلام، دور ایشان طواف می‌کنند «إِلَى أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ».

تشریح هر ساله ملائکه نزد ائمه معصومین علیهم السلام در شب قدر

از این آیات شریفه استفاده می‌کنیم که برای هر سال لیلۃ‌القدری است که فرشتگان الهی باید روی زمین نازل شوند و خدمت حجت و خلیفه

۱. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۴۳۱ - ۴۳۲.

خداوند متعال بر روی زمین تشریف پیدا کنند. «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، تا روز قیامت و در هر زمانی وجود مقدس امام است. در زمان پیامبر ﷺ، خود حضرت، سپس ائمه دیگر، امیرالمؤمنین ﷺ تا امروز که وجود مبارک حضرت مهدی ﷺ است.

این روایت در تفسیر قمی نقل شده است. تفسیر قمی روایات زیادی درباره ائمه معصومین ﷺ نقل کردند.

همچنین در البرهان فی تفسیر القرآن^۱ و کتاب معروف المحجة فیما نزل فی القائم الحجة ﷺ^۲ درباره آیاتی که در شأن حضرت حجت ﷺ نقل شده است. روایات بسیاری در تفسیر این آیه شریفه آمده است. ذیل آیه شریفه نقل کردند که: «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» را ائمه معصومین ﷺ معنا کرده‌اند. تفسیر دیگری ذیل این آیه شریفه آمده که درباره حضرت حجت ﷺ است.

در تفسیر شریف کنز الدقائق^۳ نیز آمده است که این آیات شریفه، درباره امام عصر ﷺ است.^۴

۱. بحرانی، البرهان، ج ۵، ص ۱۲.

۲. بحرانی، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة ﷺ، ص ۳۰۳.

۳. اخیراً درباره این تفسیر تحقیق کرده‌اند و بسیار عالی چاپ کرده‌اند.

۴. مشهدی، کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۵۸ - ۳۷۲.

نزول ملائکه و جبرئیل بر ائمه علیهم السلام و امام زمان علیه السلام در شب قدر

در همین باره روایت بسیار مهمی است.^۱ «عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنَعَانِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ لِي أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام، إمام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارشان امام محمد باقر عليه السلام نقل می‌کند که می‌فرماید: «قَرَأَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾، وَعِنْدَهُ الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ». روایتی است که آدم از شنیدن آن احساس شادی و معنویت خاصی پیدا می‌کند. وقتی که امیرالمؤمنین علیه السلام این آیه شریفه را خواندند، امام حسن و امام حسین علیهم السلام نیز آنجا بودند. «فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ: يَا أَبَتَاهُ كَأَنَّ بَهَا مِنْ فَيْكِ حَلَاوَةٌ»؛ امام حسین علیه السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: مثل اینکه در دهان مبارک شما حلاوت و شیرینی پیدا است که من این شیرینی را می‌بینم و درک می‌کنم. امام حسین علیه السلام

۱. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۹۳ - ۷۹۴. «عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنَعَانِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ لِي أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام: قَرَأَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾، وَعِنْدَهُ الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ، فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ: يَا أَبَتَاهُ كَأَنَّ بَهَا مِنْ فَيْكِ حَلَاوَةٌ؛ فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنِّي أَعْلَمُ فِيهَا مَا لَا تَعْلَمُ، إِنَّهَا لَمَّا نَزَلَتْ بُعِثَ إِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَقَرَأَهَا عَلَيَّ، ثُمَّ ضَرَبَ عَلَيَّ كَتِفِي الْأَيْمَنِ، وَقَالَ: يَا أَخِي وَوَصِيِّي وَوَلِيِّ أُمَّتِي بَعْدِي، وَحَرْبَ أَعْدَائِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، هَذِهِ السُّورَةُ لَكَ مِنْ بَعْدِي، وَلَوْ لِدِكَ مِنْ بَعْدِكَ، أَنَّ جَبْرَائِيلَ أَخِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَحْدَثَ إِلَيَّ أَحْدَاثَ أُمَّتِي فِي سُنَّتِهَا، وَإِنَّهُ لَيَحْدُثُ ذَلِكَ إِلَيْكَ كَأَحْدَاثِ النَّبُوَّةِ، وَلَهَا نُورٌ سَاطِعٌ فِي قَلْبِكَ، وَقُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ عليه السلام».

فرمود: مثل اینکه در دهان شما یک شیرینی خاصی است. «فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِي!» حضرت به او اول فرمودند: ای پسر رسول خدا! به امام حسین علیه السلام فرمودند. چون که ایشان از حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و دختر رسول خدا است. بعد هم فرمودند: ای فرزند من! «إِنِّي أَعْلَمُ فِيهَا مَا لَا تَعْلَمُ»، من در این آیه شریفه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، چیزهایی را می بینم که شما نمی دانید. سپس حضرت توضیح می دهند. «لَمَّا نَزَلَتْ بُعِثَ إِلَيَّ جَدُّكَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم؛ وقتی که این آیه شریفه نازل شد، پیامبر صلى الله عليه وسلم شخصی را به سوی من فرستادند. فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام را نزد من بیاورید. من هم خدمت جد شما، پیامبر صلى الله عليه وسلم رفتم. «فَقَرَأَهَا عَلَيَّ»؛ حضرت آیه شریفه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، را بر من خواندند. «ثُمَّ ضَرَبَ عَلَيَّ كَتِفِي الْأَيْمَنِ»؛ سپس پیامبر صلى الله عليه وسلم دست مبارکشان را روی شانه راست امیرالمؤمنین علیه السلام زدند. «وَقَالَ: يَا أَخِي وَوَصِيِّي وَوَلِيَّ أُمَّتِي بَعْدِي». فرمودند: ای برادر من! ای وصی من! ای والی امت من! بعد از من کسی که ولایت را در دست دارد، تو هستی. «وَحَرْبَ أَعْدَائِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»؛ ای کسی که با دشمنان من دشمن هستی و در مقابل دشمنان من جنگجو هستی، تا روز قیامت. آن کسی که با دشمنان من می جنگد، امیرالمؤمنین، علی علیه السلام است. سپس پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هَذِهِ السُّورَةُ لَكَ مِنْ بَعْدِي وَلَوْلَدِكَ»؛ این سوره برای تو و فرزندان توست. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» در زمان پیامبر صلى الله عليه وسلم نازل شده، اما فرمود این سوره بعد از من، برای توست؛ یعنی «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ»، بعد از من، ملائکه بر تو نازل می شوند، می فرمایند این سوره بعد از من برای فرزندان توست.

عرضه رویدادها و حوادث امت بر پیامبر ﷺ و امامان ﷺ در شب قدر

«أَنَّ جَبْرَائِيلَ أَخِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ»؛ بعد فرمود: جبرئیل از ملائکه الهی که برادر من است. «أَخَذَتْ إِلَيَّ أَحْدَاثَ أُمَّتِي فِي سُنَّتِهَا»؛ جبرئیل مأمور است هر ساله آنچه که در امت من اتفاق می افتد را برای من حدیث کند. همه آنها را برای من بیان می کند. جبرئیل در شب قدر همه مطالب را خدمت پیامبر اکرم ﷺ بیان می کند. «وَإِنَّهُ لَيَحْدُثُ ذَلِكَ إِلَيْكَ»؛ بعد از من این مطالب را خدمت شما بیان می کند. یا امیرالمؤمنین، یا علی بن ابی طالب! تا زمانی که من زنده هستم، شب قدر پیش من می آید. بعد از من خدمت امام و وصی من می آید؛ آن کسی که از طرف خداوند متعال بر مردم امام شده است.

«وَإِنَّهُ لَيَحْدُثُ ذَلِكَ إِلَيْكَ كَأَحْدَاثِ النَّبُوَّةِ»؛ همان گونه که جبرئیل آنها را در زمان نبوت برای من بیان می کرد، بعد از من این حوادث را خدمت شما عرضه می دارد. «وَلَهَا نُورٌ سَاطِعٌ فِي قَلْبِكَ وَقُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ»؛ برای این سوره قدر، نوری است که ساطع می شود. این نور درخشندگی خاصی در قلب تو و قلوب اوصیای تو دارد. «إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ ﷺ»، تا زمان امام زمان ﷺ این حادثه اتفاق می افتد و این نور در قلب من، در قلب شما و اوصیای بعد از من هست.

این روایت بیانگر این است که فرشتگان الهی بر وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ نازل می شدند و بعد از ایشان نیز بر ائمه اثنی عشر ﷺ نازل می شوند. ای فرزند

عزیزم! این شیرینی دهان من به خاطر این مقاماتی است که خداوند متعال به ما در سوره قدر عنایت کرده که معلوم می‌شود خداوند آنقدر به اهل بیت علیهم‌السلام فضیلت داده که جبرئیل امین و ملائکه الهی باید در شب قدر همه حوادث عالم - آنچه که در سال اتفاق می‌افتد - را خدمت امام عصر علیه‌السلام عرضه کنند؛ از این جهت است که می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».

منبع این روایت کتاب شریف *تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة*، است. *تأویل الآيات الظاهرة* کتابی است که تأویل آیات قرآن را از ائمه معصومین علیهم‌السلام آورده است. همچنین در کتاب شریف *بحار الانوار*، این روایت نقل شده است.^۱ با روایات اضافه‌ای نیز که در کتاب شریف *بحار الانوار*، نقل شده است. که معلوم می‌شود سوره قدر سوره‌ای است که بیان می‌کند تمام حوادث یک سال در شب قدر بر ائمه اطهار علیهم‌السلام تا امام زمان علیه‌السلام نازل می‌شود.

علم امام زمان به حوادث روی زمین علیه‌السلام

امام زمان علیه‌السلام خلیفه خداوند است و بر روی زمین خلافت دارد. نمی‌شود ایشان از مطالب، حوادث و اتفاقاتی که بر روی اتفاق می‌افتد، بی‌خبر باشد. از این رو امام باید همه مطالب را بداند. در بعضی از روایات آمده است که در شب قدر امام زمان علیه‌السلام دعا می‌کند بعضی از حوادثی که بنا است اتفاق بیفتد به واسطه دعای امام

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۷۰ - ۷۱.

زمان علیه السلام اتفاق نمی افتد یا بعضی از چیزهایی که نباید اتفاق بیفتد، به واسطه دعای حضرت اتفاق می افتد. به همین خاطر امام زمان علیه السلام زمامدار روی زمین است. وقتی امام زمان علیه السلام زمامدار باشد، همه مسائل، امور در دنیا باید به دست ایشان حل و فصل شود. باید ایشان از همه جا خبر داشته باشد. همه امور خدمت ایشان عرضه می شود و حضرت آنها را امضا می کند. اگر حوادثی که در شب قدر نازل شده را امضا کند، آن حوادث اتفاق می افتد. پس همه آنها خدمت امام زمان علیه السلام عرضه می شوند و حضرت باید آنها را ببیند که آیا به این امور راضی می شوند یا نه؟ به همین خاطر است که در شب قدر از ائمه معصومین علیهم السلام حاجت بخواهید و آنها را دعا کنید.

تأثیر دعا در شب قدر

برخی می گویند اگر بناست اتفاقی بیفتد، چرا دعا کنیم؟ زیرا این دعاها مؤثر است؛ زیرا همین دعاها در آینده حوادث را ایجاد می کند. ﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾^۱ خداوند متعال در این شب با دعای شما چیزهایی که حتماً باید انجام شود را محو می کند و چیزهایی که نباید رخ دهد را انجام می دهد. در آن دعای شریف در شب قدر داریم که خدایا اگر من بد هستم، مرا از سعدا قرار بده.^۲

۱. رعد، ۳۹. «خداوند هرچه را بخواهد محو، و هرچه را بخواهد اثبات می کند و ام الكتاب

[لوح محفوظ] نزد اوست».

۲. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۷؛ کفعمی، البلد الامین، ص ۲۰۲؛ مجلسی، بحار الانوار،

ج ۹۵، ص ۱۶۲.

پس معلوم است این دعاها در شب قدر سرنوشت‌ساز است. شبی است که باید امور عوض و بدل شود، آن‌هم به دعای ما که خدمت امام زمان علیه السلام عرضه می‌شود و ایشان نیز برای شیعیان اجابت می‌کند. ایشان رحمة للعالمین است. امام زمان علیه السلام رحمت است برای همه عالمیان و هر اتفاقی می‌افتد باید به امر حضرت و امضای ایشان باشد و هر اتفاقی در آینده رخ می‌دهد، را ایشان می‌داند.

عرضه قرآن بر امام زمان علیه السلام در شب قدر

شب قدر، شب نزول قرآن است. این‌طور نباشد که برای این شب ارزش زیادی قائل نباشیم. سالگرد نزول قرآن کریم، شب قدر است. همان‌طور که برای سالگرد و مراسم‌های مهم چراغانی و تشریفات و جشن داریم، برای شب قدر که شب نزول قرآن کریم که قانون اساسی تمام جهان، و قانون هدایت و دستور هدایت برای همه مردم تا روز قیامت است، باید ارزش قائل شویم. شب قدر، شب سالگرد نزول قرآن است؛ شبی است که باید ملائکه الهی پیش عدل قرآن کریم حاضر شوند؛ یعنی کسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»؛^۱ هم کتاب خدا را داریم، هم عترت را. باید امشب، شب قدر که سالگرد نزول قرآن است، خدمت عدل قرآن کریم باشند. عدل قرآن امام زمان علیه السلام است. فرشته‌های الهی باید همه امور را خدمت حضرت عرضه بدارند.

۱. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۴۵؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۳۷؛ مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱،

ص ۲۸؛ صدوق، الامالی، ص ۴۱۵.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾؛^۱ قرآن در سوره دخان می فرماید: ما قرآن را در شب مبارک نازل کردیم. اولاً: برکت آن به نزول قرآن کریم است؛ ثانیاً: برکتش به این است که ملائکه در هر زمانی خدمت حجت خدا می رسند. برکتش به واسطه این دو امر مهم است؛ هم به واسطه نزول قرآن و هم فرشتگان مقرب درگاه الهی خدمت امام زمان علیه السلام است.

حضرت فاطمه علیها السلام مصداق لیلۃ القدر

روایتی از امام صادق علیه السلام درباره تأویل ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾، نقل شده است.^۲ اما تأویل آیات شریفه از نظر دیگر که این هم مهم است و انسان باید توجه ویژه داشته باشد که آن حضرت، شب قدر را چقدر زیبا تفسیر کردند.

۱. دخان، ۳ - ۴. «به درستی که ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم؛ ما همواره اندازکننده

بوده ایم؛ در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد».

۲. فرات کوفی، تفسیر، ص ۵۸۱ - ۵۸۲، ح ۷۴۷. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ، مُعْتَمِدًا، عَنْ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّهُ قَالَ: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾، اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ، وَالْقَدْرُ اللَّهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ

مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا أَوْ مِنْ مَعْرِفَتِهَا،

الشُّكُّ [مِنْ أَبِي الْقَاسِمِ] وَقَوْلُهُ: ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾، يَعْنِي

خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ، وَهِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ، ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا﴾ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام، وَالرُّوحُ الْقُدُّسُ هِيَ فَاطِمَةُ علیها السلام؛ ﴿يَا ذُنُوبَهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ

حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾، يَعْنِي حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ علیه السلام.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»؛ شب قدر چیست؟ فرمود: «اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ»؛ «لَيْلَةُ» یعنی وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و قدر یعنی خداوند متعال.

سپس می فرماید: «فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»؛ عالم و هستی به وجود اینهاست که روایت داریم: «وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»؛^۱ همه خلقت بازگشت به حضرت صدیقه طاهره علیها السلام است. می فرماید: «فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ، مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ». شب قدر باید فاطمه را بشناسی. کسانی که می گویند ما شب قدر را درک کردیم، یکی از شبهای آخر ماه رمضان است؛ اما اگر حضرت زهرا علیها السلام را نشناسند، نمی توانند لیلۃ القدر را بشناسند یا کسانی که حضرت زهرا علیها السلام را اذیت کردند، مگر می توانند شب قدر را بشناسند. کسانی که به حضرت زهرا علیها السلام جسارت کردند یا کسانی که به این جسارتی که بر حضرت صدیقه طاهره علیها السلام وارد شده است، راضی هستند، کسانی که حضرت زهرا علیها السلام را شهیده کردند، آنها شب قدر را نمی فهمند. شب قدر مختص حضرت زهرا علیها السلام و فاطمه شناسان است. اگر فاطمه را شناختند، لیلۃ القدر را هم می شناسند.

فلسفه نام گذاری حضرت فاطمه علیها السلام

«وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخُلُقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا»؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: چرا حضرت را فاطمه می نامند؟ به خاطر اینکه مردم از معرفت فاطمه علیها السلام محروم

۱. بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم ۱، ص ۴۴.

شدند. «فَطْمُوا»؛ یعنی نتوانستند حقیقت فاطمه علیها السلام را بشناسند. همان گونه که «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ وَمَا أَدْرَاكَ فَاطِمَةُ» ما نشناختیم. لذا می فرماید: «وَقَوْلُهُ: وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»؛ امام علیه السلام می فرماید: «يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ وَهِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ یعنی حضرت فاطمه علیها السلام از هزار مؤمن برترند و ایشان ام المؤمنین است.

«تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا»؛ از یک دریچه دیگر حضرت دارند معنا می کنند. «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ»؛ ملائکه چه کسانی هستند؟ «وَالْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام»؛ منظور از ملائکه، مؤمنین هستند؛ ائمه معصومین علیهم السلام که مصداق اتم مؤمن در هر زمانی هستند. آن کسانی که علم آل محمد علیهم السلام را دارند.

روح القدس که می فرماید: «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»، روح کیست؟ «وَالرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فَاطِمَةُ علیها السلام»؛ روح القدس همان فاطمه علیها السلام است. «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ». بعد امام صادق علیه السلام می فرماید: «يَعْنِي حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ علیه السلام»؛ تا زمان خروج امام عصر علیه السلام. منظور از شب قدر در این آیه شریفه، فاطمه علیها السلام است و منظور از قدر نیز خداوند است. هرکس فاطمه را به درستی بشناسد؛ لیلۃ القدر را درک می کند و ملائکه الهی نیز در خدمت مؤمنانی هستند که علوم اهل بیت علیهم السلام را دارند و از تبار آل محمد علیهم السلام هستند تا امام زمان علیه السلام ظهور کنند، این حوادث باید اتفاق بیفتد. منبع این روایت تفسیر فسرات کوفی، است. همچنین در کتاب شریف بحار الانوار، این روایت را نقل کرده است. در

بحار الانوار تا اینجا می آید که «لِأَنَّ الْخُلُقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا»^۱ مردم از شناخت حقیقت حضرت صدیقه فاطمه علیها السلام باز ماندند و نمی توانند حقیقت حضرت را درک بکنند. این معنای لیلۃ القدر است. این معنای سوره مبارکه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» است. اگر فاطمه علیها السلام را درک کردیم و این افتخار را داشتیم که جزء شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام باشیم، مسلم است که لیلۃ القدر را درک کردیم. از خداوند بخواهیم که در تمام اوقات زندگی از اهل بیت علیهم السلام و از صدیقه طاهره علیها السلام جدا نباشیم. اگر به آنها نزدیک باشیم، لیلۃ القدر را درک کردیم.

امیدواریم که بتوانیم در این مدت باقی مانده ماه مبارک رمضان، آن طور که آنها می خواهند انجام وظیفه کنیم و از برکات این ماه بهره مند شویم.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾^۱

قسم‌های قرآن

در بعضی از آیاتی که در قرآن کریم است، خداوند متعال به بعضی از مخلوقاتش قسم خورده است. مثل اینکه به آسمان، به ستارگان، به زمین، به بعضی از شهرها یا به بعضی از حیوانات قسم خورده است؛ حتی به بعضی از میوه‌ها و گیاهان، مثل: ﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾^۲ قسم‌های مختلفی در قرآن کریم وجود دارد. بعضی از این قسم‌ها به ائمه معصومین علیهم‌السلام و امام زمان علیه‌السلام تفسیر شده است.

۱. بروج، ۱. «سوگند به آسمان که دارای برج‌های بسیار است».

۲. تین، ۱.

ظاهر قسم‌ها همان مخلوقات خدا و آفریده‌های خداوند متعال است؛ اما در تأویل این قسم‌ها، آیات و روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده که به ائمه علیهم‌السلام تعبیر می‌شود؛ از جمله آیه شریفه‌ای که در سوره بروج است. اولین آیه می‌فرماید: ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾؛ قسم به آسمان‌ها که دارای برج‌های مختلف و زیاد و ستارگان است. ظاهر آیه شریفه این است که خداوند متعال قسم می‌خورد به آسمان و به برج‌ها و ستارگانی که در آسمان است. همه اینها دارای عظمت هستند. این‌گونه نیست که آسمان عظمت نداشته باشد، ستارگان عظمت نداشته باشند. آسمان و ستارگان عظمت بسیاری دارند که امروزه مراکز علمی جهان متوجه می‌شوند چه شگفتی‌هایی در خلقت آسمان‌ها و زمین وجود دارد؛ ولی مسئله از این بالاتر و مهم‌تر است که ما می‌توانیم از روایات آنها را استفاده کنیم.

ذکر خدا، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام عبادت است

درباره این آیه شریفه روایتی از ابن عباس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است.^۱

۱. مفید، الاختصاص، ۲۲۳ - ۲۲۴؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۰۹ - ۱۱۰، ح ۱۵۹. «عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ذَكَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةَ، وَذِكْرِي عِبَادَةَ، وَذَكَرُ عَلِيٍّ عِبَادَةَ، وَذَكَرُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةَ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ، وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّ وَصِيِّي لِأَفْضَلِ الْأَوْصِيَاءِ، وَإِنَّهُ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَخَلِيفَتُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَمِنْ وُلْدِهِ الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ بَعْدِي، بِهِمْ يُجْبَسُ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَبِهِمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِهِمْ يُمَسِّكُ الْجِبَالُ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ، وَبِهِمْ يُسْقَى خَلْقَهُ الْغَيْثَ، وَبِهِمْ يُخْرِجُ النَّبَاتَ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا، وَخُلَفَائِي صِدْقًا، عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ، وَهِيَ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا، وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نَقَبَاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، ثُمَّ تَلَا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾، ثُمَّ قَالَ: أَتَقْدِرُونَ يَا



ابن عباس یکی از مفسران بزرگ عالم اسلام است. ایشان معمولاً تفسیر قرآن را یا از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند، یا از امیرالمؤمنین ﷺ. ابن عباس می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةٌ». یکی از عبادت‌هایی که خداوند متعال دوست دارد، ذکر خداست. انسان همیشه به یاد خدا باشد و ذکر خدا را بگوید. همچنین پیامبر ﷺ می‌فرماید: اگر به یاد من هم باشید، آن نیز عبادت است: «وَذِكْرِي عِبَادَةٌ»؛ هم ذکر زبانی و هم قلبی. انسان گاهی وقت‌ها با قلب به یاد خداست. گاهی وقت‌ها با زبان به یاد خداست. اسم مبارک پیامبر ﷺ را می‌آورد و همچنین صفات ایشان را ذکر می‌کند. فضائل ائمه ﷺ را ذکر می‌کند. همه اینها عبادت است.

سپس پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ»؛ یکی از عبادت‌های بزرگ، یاد امیرالمؤمنین ﷺ است. انسان فضائل امیرالمؤمنین ﷺ را در مجلسی ذکر بکند. اینها همه عباداتی است که پیش خداوند متعال بسیار باارزش است. «وَذِكْرُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةٌ»؛ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید. ذکر ائمه معصومی که فرزندان امیرالمؤمنین ﷺ هستند، عبادت است. یاد امام حسن، امام حسین، سایر ائمه ﷺ تا وجود مقدس امام زمان ﷺ عبادت است. عبادت یعنی یاد آنها، همیشه در فکر آنها باشیم و فضائل آنها را نقل کنیم، از آنها جدا نباشیم و با آنها باشیم.

→ ابن عباسٍ إِنَّ اللَّهَ يُقْسِمُ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ، وَيَعْنِي بِهِ السَّمَاءَ، وَبُرُوجَهَا؟ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: أَمَّا السَّمَاءُ فَأَنَا، وَأَمَّا الْبُرُوجُ فَالْأَئِمَّةُ بَعْدِي، أَوْهُمْ عَلَيٌّ، وَأَخْرَهُمُ الْمُهَدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

وصی پیامبر اکرم ﷺ برترین اوصیا

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الرِّيَاسَةِ»؛ بعد می فرماید: قسم به خداوندی که من را به نبوت مبعوث کرد و مرا بهترین بشر روی زمین قرار داد. پیامبر اکرم ﷺ بهترین مخلوقات خداوند متعال بر روی زمین است. «إِنَّ وَصِيَّيَ لَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ»؛ قسم به خداوند متعال وصی من امیرالمؤمنین ﷺ، افضل اوصیا است؛ یعنی در بین اوصیای پیامبران وصی ای برتر از امیرالمؤمنین ﷺ پیدا نمی شود. «وَإِنَّهُ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ»؛ امیرالمؤمنین ﷺ که وصی من است، حجت خدا بر بندگان است «وَخَلِيفَتُهُ عَلَى خَلْقِهِ»؛ امیرالمؤمنین ﷺ خلیفه خداوند است. «وَمِنْ وُلْدِهِ الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ»؛ و فرزندان امیرالمؤمنین ﷺ پیشوایانی هستند که بعد از من، ائمه هدایت هستند. آنها باعث هدایت و ارشاد مردم می شوند. اگر کسی بخواهد راه صحیح و راه هدایت را بیاید، باید به طرف ائمه معصومین ﷺ برود و از آنها جدا نباشد. «الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ بَعْدِي»؛ یعنی هادیان امت فرزندان امیرالمؤمنین ﷺ هستند.

ثمرات وجود اهل بیت ﷺ

«وَبِهِمْ يَجْبَسُ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ»؛ بعد می فرماید: یکی از ثمرات وجود اهل بیت ﷺ این است که خداوند به وسیله ائمه معصومین ﷺ عذاب را از روی زمین بر می دارد. عذاب‌هایی که بر امت‌های گذشته وارد شده بود؛ با وجود پیامبر ﷺ و ائمه معصومین ﷺ آن عذاب‌ها برداشته شد؛ از این رو می فرماید: «وَبِهِمْ يَجْبَسُ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ»؛ خداوند به وسیله آنها عذاب

را از روی زمین برمی دارد. «وَبِهِمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»؛ به واسطه وجود اینهاست که خداوند آسمان را سرپا نگه داشته است. میلیاردها ستاره‌ای که قابل احصا و شمارش نیستند، آن‌هم در آسمان اول. اصلاً ما نمی‌فهمیم. ذهن ما چگونه می‌تواند تصور کند که خداوند متعال این‌همه ستارگان که بیشتر آنها حتی از خورشید بزرگ‌تر، نورانی‌تر و درخشان‌ترند را آفریده است. تمام اینها به واسطه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام است که خدا آنها را سرپا نگه داشته است.

«وَبِهِمْ يُمْسِكُ الْجِبَالُ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ»؛ اگر اینها نبودند، تمام کوه‌ها در هم آمیخته می‌شد و از بین می‌رفت. به خاطر وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام است که حالت خودشان را حفظ می‌کنند، وگرنه تمام اینها ذره‌ذره و متلاشی می‌شدند و به روی اهل زمین می‌افتادند. این‌همه کوه‌هایی که سر به فلک کشیده، به واسطه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام است که خداوند آنها را حفظ کرده است. «وَبِهِمْ يَسْقِي خَلْقَهُ الْغَيْثَ»؛ و به واسطه اینهاست که خداوند متعال خلق را آب می‌دهد، باران می‌دهد، رحمت الهی به واسطه وجود مبارک اینها بر بندگان نازل می‌شود. اگر اینها نبودند آب، حیات و زندگی نداشتند. حیات، زندگی و آب به واسطه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام است. «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۱.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ طبری امامی، دلائل الامامة، ص ۴۳۶؛ ابوالصلاح حلبی، تقریب المعارف، ص ۴۱۹؛ طوسی، الغیبة، ص ۱۳۹ (با اندکی تغییر در عبارات).

«وَبِهِمْ يُخْرِجُ النَّبَاتَ»؛ و به واسطه اینها است که گیاهان از روی زمین روئیده می شود، و گرنه این زمین از بین می رود. گیاه به این زیبایی و خوشبویی و میوه به این زیبایی و رنگارنگ را تحویل جامعه نمی داد. غیر از اینکه یک خاک و یک آب است و یک خورشید. تمام به واسطه وجود مقدس امامان معصوم علیهم السلام در هر عصری است که می تواند گیاهان از این زمین بالا بیاید و مردم از او استفاده کنند، به واسطه امام زمان علیه السلام است.

«أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا»؛ ائمه معصومین علیهم السلام، اولیای حق خداوند هستند. حق را اگر می خواهید نزد اینهاست. باطل بر خلاف اینهاست. هر کس دنبال حق است، باید با اینها باشد. «وَأَخْلَفَانِي صِدْقًا»؛ خلفای صادق من اینها هستند. «عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ، وَهِيَ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»؛ بعد می فرماید: آنها به تعداد ماه های سال هستند. «وَهِيَ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»؛ سال دوازده ماه است و تعداد این بزرگواران نیز دوازده نفر است. «وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نُقَبَاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ»؛ تعداد آنها به اندازه نقبای حضرت موسی علیه السلام است. نقبای موسی علیه السلام از بهترین یاوران حضرت بودند. آنها دوازده نفر بودند. اولیای من نیز دوازده نفر هستند. «ثُمَّ تَلَا اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾»؛ بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمودند: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»؛ قسم به آسمان که صاحب برجها و ستارگان است.

منظور از سوگند به آسمان دارای برجها

«ثُمَّ قَالَ: أَتَقْدِرُ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ إِنَّ اللَّهَ يُقْسِمُ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ، وَيَعْنِي بِهِ السَّمَاءِ وَبُرُوجَهَا؟».

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: ای پسر عباس! آیا تو خیال می کنی خداوند به آسمانی قسم

می خورد که دارای برج‌ها و ستارگان است؛ یعنی خدا به آسمان قسم خورده است؟! اگر این گونه باشد، خداوندی که تمام مخلوقات را خودش خلق کرده، آسمان‌ها را خودش خلق کرده، به آسمان قسم بخورد؟ این همه آسمان پیش درگاه خداوند اهمیت دارد؟

«قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا ذَاكَ؟»؛ آنکه ما متوجه می شویم بله خدا به آسمان قسم خورده: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ». اما آسمانی که خداوند قسم خورده، یعنی چی؟ «قَالَ: أَمَا السَّمَاءُ فَأَنَا»؛ آسمانی که خدا به آن قسم خورده، یعنی من، یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم ص. «وَأَمَا الْبُرُوجُ فَأَلِئِمَّةٌ بَعْدِي»؛ اما اینکه خداوند قسم خورده به بروج؛ آسمانی که دارای بروج است. منظور ائمه بعد از من است. «أَوَّلُهُمْ عَلِيٌّ وَآخِرُهُمُ الْمُهَدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»؛ که اولین آنها امیرالمؤمنین ع و آخرین آنها نیز امام زمان ع است.

پس این آیه که می فرماید: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»، تأویل این آیه این است که آسمان، یعنی پیامبر اکرم ص و بروج هم، یعنی ائمه اثنی عشر ع؛ اولین آنها امام علی ع و آخرین آنها نیز حضرت مهدی ع است. این است که باید در قرآن تأمل و تدبر کنیم. ای ابن عباس! آیا همین که خدا به آسمان قسم می خورد، آن را قبول کردی؟ یعنی خدا قسم خورده به آسمان؟ حقیقت آسمان چیست؟ حقیقت بروج چیست؟ آنهایی که خدا قسم می خورد، ارزش بالاتری از خلقت آسمان و زمین و ستارگان دارند. آنها وجود مقدس امیرالمؤمنین ع و ائمه دیگر، به خصوص حضرت حجت ع است.

این روایت را شیخ مفید در کتاب شریف *الاختصاص*، از شیخ صدوق رحمتهما نقل کرده است.

همچنین کتاب *البرهان فی تفسیر القرآن* نیز این روایت را بیان کرده است.^۱

حکمت قسم خوردن در قرآن

در قرآن مجید خداوند متعال به آیات دیگر هم قسم خورده؛ آیات یعنی مخلوقات خداوند و نشانه‌های دیگری که دارد و ما از روایات متوجه می‌شویم، هنگامی که خداوند به این شگفتی‌های آفرینش قسم می‌خورد، علت و حکمت خاصی دارد. اگر در قرآن تدبر کنیم، متوجه می‌شویم؛ نه اینکه فقط ظاهر قرآن را بخوانیم - آن‌هم ثواب و اجر دارد - اما حقیقت قرآن چیز دیگری است.

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^۲ قفل‌ها را باید از دل‌ها بیرون بیاوریم تا بفهمیم و در قرآن تدبر کنیم. چرا مردم تدبر نمی‌کنند؟ خدا می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾؛ آیا بر دل‌هایشان قفل زده‌اند؟ کلید این قفل‌ها روایات اهل بیت علیهم‌السلام و احادیثی است که در تفسیر آیات وارد شده است. تفسیر این آیات الحمد لله هم به عربی، هم به فارسی در دسترس است. در تفاسیر روایی که از اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده، مقداری مباحثه و مطالعه کنیم، به

۱. بحرانی، البرهان، ج ۵، ص ۶۲۲.

۲. محمد، ۲۴. «آیا آنها در قرآن تدبر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است».

این تفاسیر مراجعه کنیم تا حکمت‌های بزرگی از این آیات الهی بیاموزیم. آیاتی که می‌توانیم درباره ظهور موفور السرور امام زمان علیه السلام استفاده کنیم، از طریق این روایات که وارد شده است.

یکی دیگر از قسم‌هایی که در قرآن ذکر شده، قسمی است که در سوره شمس آمده است. در سوره شمس قسم‌های زیادی هست، تفسیر برخی از آنها در روایات هست. ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾؛^۱ قسم به خورشید و تابندگی اش: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»؛ وقتی که خورشید بر روی زمین، درخشان و تابنده می‌شود، خداوند در ظاهر قسم می‌خورد به این خورشید، ولی خورشید واقعی از ستاره‌های با عظمتی است که هنوز تمام اسرار آن کشف نشده است؛ قسم به این خورشید و تابندگی اش. ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا﴾؛ خداوند متعال قسم می‌خورد به ماه، چون در پی خورشید درآید. اول خورشید، سپس ماه ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾؛ قسم به روز، وقتی که روشن گردد؛ یعنی خورشید او را روشن می‌کند و قسم به روز چون که روشن گرداند. خورشید روز را روشن می‌کند یا روز که وقتی می‌آید، درخشندگی خورشید معلوم می‌شود، البته درخشندگی روز هم به خاطر خورشید است. ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾؛ قسم به شب وقتی که تاریکی او را فرا می‌گیرد.

۱. شمس، ۱ - ۴. «به خورشید و گسترش نور آن سوگند؛ و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید؛

و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد؛ و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند».



روایات زیادی در این باره داریم، بعضی از روایات، تمام آیات را تا آخر
سوره شمس معنا کرده‌اند، اما بعضی از آنها که به حضرت حجت علیه السلام مربوط
می‌شود، را بیان خواهیم کرد.

امامان معصوم علیهم السلام مصداق بارز شمس و ضحی

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام؛^۱ امام باقر علیه السلام می‌فرمایند که
حارث اعور خدمت امام حسین علیه السلام عرض کرد: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ
أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾؛ مرا آگاه کن از اینکه قرآن
می‌فرماید: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»؛ منظور از شمس و ضحی؛ خورشید و
درخشندگی خورشید چیست؟ امام حسین علیه السلام فرمودند: «قَالَ: وَيُحْكُ يَا حَارِثُ، ذَلِكَ
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله»؛ حضرت به حارث فرمودند: نمی‌دانی این را؟ اینکه قرآن
می‌فرماید: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»؛ شمس یعنی جود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛
پس خداوند به وجود پیامبرش قسم خورده است. شمس یعنی وجود نازنین
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۹۸، ح ۶۰۳. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ الْحَارِثُ
الْأَعْوَرُ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَالشَّمْسِ
وَضُحَاهَا﴾، قَالَ: وَيُحْكُ يَا حَارِثُ، ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُهُ:
﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾، قَالَ: ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام يَتْلُو مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله، قَالَ: قُلْتُ:
﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَاهَا﴾، قَالَ: ذَلِكَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا».

«قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ» بعد می فرماید: عرض کردم قول خداوندی که می فرماید: «قَوْلُهُ: ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾»، یعنی چه؟ قسم به ماه وقتی که در پی خورشید درآید، امام حسین علیه السلام فرمودند: «قَالَ: ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام»؛ به ماه قسم می خورد؛ یعنی امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، آن قمری که درخشندگی دارد، تمام اقمار عالم، همه خورشیدهای عالم، همه ماههای عالم، از نور امیرالمؤمنین علیه السلام نور می گیرند؛ او امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است. «قَالَ: ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام». ایشان می فرماید: «﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾» «يَتْلُو مُحَمَّدًا عليه السلام». یعنی پشت سر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درآید. «قَالَ: قُلْتُ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾»؛ قرآن دوباره به روز قسم می خورد. اینکه به روز قسم می خورد، آیا منظور همین روز است؟ منظور از قسم در این آیه همین است؟ شاهد عرض ما این است. «قَالَ ذَلِكَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام»؛ کسی که قیام می کند، او از آل محمد صلی الله علیه و آله است. «﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾»؛ یعنی هنگامی که روز روشنایش را به واسطه امام زمان علیه السلام پیدا می کند. «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»؛ چگونه خورشید، ماه و وجود نازنین امام زمان علیه السلام می توانند دنیا را درخشنده و منور کنند؟ به واسطه عدالتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و امروز به واسطه وجود نازنین امام زمان علیه السلام آورده است. امام زمان علیه السلام زمین را مملو از عدل و قسط خواهد کرد. این قسمها اهمیت بسیاری دارد. خورشید اهمیت دارد، اما خورشید واقعی، وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ همچنین نهار و قمر



اهمیت دارد، ماه درخشندگی دارد. تمام فصل‌ها و ماه‌ها از خورشید و ماه معلوم می‌شود. این همه خواص برای خورشید و ماه گفتند که اصلاً قابل احصا نیست. آن ماه تابان امیرالمؤمنین علیه السلام، «وَالنَّهَارِ» هم یعنی وجود نازنین امام زمان علیه السلام است که خداوند به آنها قسم می‌خورد. این مطالب در تفسیر فترات کوفی و بحار الانوار^۱ و بعضی از کتب دیگر تفسیری نیز آمده است.

بنی‌امیه مصداق بارز «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»

در بعضی از این تفاسیر آمده که منظور از «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»؛ بنی‌امیه است. در تفسیر می‌فرمایند که شب که تاریکی‌اش همه‌جا را فرا بگیرد، آن شب منظور بنی‌امیه است. در بعضی از روایات بیان شده منظور اولین کسانی هستند که حق امیرالمؤمنین علیه السلام را غصب کردند، کسانی که حق امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفتند آیه شریفه بیان می‌کند که آنها تاریکی را در تمام جهان آوردند. ظلمت واقعی با آنها است. نور واقعی با امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. حالا دنیا است که هر کدام را می‌خواهد از آنها انتخاب کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر شمس، قمر و نهار را می‌خواهید، وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده فرزندش است؛ اگر تاریکی را می‌خواهید، «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»، کسانی بودند که حق امیرالمؤمنین علیه السلام را غصب کردند و بنی‌امیه که این همه ظلم و جنایت کرده‌اند؛ از این رو می‌فرماید:

۱. فترات کوفی، تفسیر، ص ۵۶۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸۹.



«وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»، تا آخر آیات شریفه که در این باره روایات دیگری آمده است که به خاطر اهمیت این موضوع برخی از آنها را بیان می‌کنیم.

روایت دیگر درباره «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ طَلْحَةَ الْخُرَّاسَانِيِّ، مُعْتَمِنًا، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ۞ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»؛^۱ ایشان از حضرت امام صادق ۞ نقل می‌کند که خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»؛ یعنی رَسُولَ اللَّهِ ۞؛ قسم به خورشید و روشنایی اش یعنی رسول الله ۞؛ خداوند به شمس وجود مقدس پیامبر ۞ قسم یاد و پیامبر اکرم ۞ را قصد کرد. «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»؛ یعنی عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ۞؛ یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ۞. سپس به قمر قسم می‌خورد، خداوند حضرت علی ۞ را قصد کرد. «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»؛ خداوند با نهار ائمه ۞ را قصد کرد؛ «يَعْنِي الْأئِمَّةَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»، که اینها مالک زمین می‌شوند. سلطنت تمام جهان در آخر الزمان به دست آنهاست. «فَيَمْلِكُونَهَا عَدْلًا وَقِسْطًا»؛ این طور نیست که بر مردم منت بگذارند و به آنها ظلم و

۱. فرات کوفی، تفسیر، ص ۵۶۳. «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ طَلْحَةَ الْخُرَّاسَانِيِّ، مُعْتَمِنًا، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ۞ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»، يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ۞؛ «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ۞؛ «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، يَعْنِي الْأئِمَّةَ أَهْلَ الْبَيْتِ، يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، فَيَمْلِكُونَهَا عَدْلًا وَقِسْطًا، الْمُعِينُ هُمْ كَمُعِينِ مُوسَى عَلَى فِرْعَوْنَ، وَالْمُعِينُ عَلَيْهِمْ كَمُعِينِ فِرْعَوْنَ عَلَى مُوسَى».

ستم کنند؛ نه، سلطنت آنها سلطنت عدل و داد است که همه مردم در زمان آنها در راحتی، نشاط و شادی هستند.

دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام مانند یاران موسی علیه السلام و فرعون

«المُعِينُ لَهُمْ كَمُعِينِ مُوسَى عَلَى فِرْعَوْنَ» امام می فرماید: هرکس ائمه اثنی عشر علیهم السلام را یاری کند، مانند کسانی هستند که حضرت موسی علیه السلام را علیه فرعون کمک کردند. معین ائمه معصومین علیهم السلام هم مانند معین موسی علیه السلام هستند. «وَالْمُعِينُ عَلَيْهِمْ كَمُعِينِ فِرْعَوْنَ عَلَى مُوسَى»؛ «عَلَيْهِمْ»، یعنی بر ضرر آنها. کسانی که به آنها کمک نکنند و با اهل بیت علیهم السلام دشمنی کنند؛ مانند کسانی هستند که فرعون را کمک کردند؛ اینها خیلی مهم است، باید در آنها تدبیر کرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را مقایسه می کند، با موسی علیه السلام و یارانش و از طرف دیگر دشمنان آنها را با فرعون و فرعونیان. فرعونیان زمان امیرالمؤمنین علیه السلام چه کسانی بودند؟ کسانی که در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفتند. هرکس موسی علیه السلام را کمک کرد، کسانی بودند که بر ضد فرعون بودند، کسانی که امیرالمؤمنین علیه السلام را کمک می کنند، در مقابل فرعون زمان امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفتند. همیشه در زمین همین طور بوده، همیشه موسی و فرعون وجود داشته، یک مظلومی داشتیم، یک ظالمی. امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل فرعون قرار داشت.

می فرماید: «المُعِينُ لَهُمْ كَمُعِينِ مُوسَى عَلَى فِرْعَوْنَ وَالْمُعِينُ عَلَيْهِمْ كَمُعِينِ فِرْعَوْنَ عَلَى مُوسَى». سپس به این آیه شریفه: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا» می رسد. حضرت باز معنا

می فرمایند: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»؛ یعنی رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، می فرمایند که منظور از «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، ائمه اهل بیت ﷺ هستند.

وقتی که رسول گرامی اسلام حضرت ختمی مرتبت ﷺ به پیامبری مبعوث شدند رسالت خویش را به بنی امیه (فرزندان امیه) که در زمان پیامبر ﷺ نیز حضور داشتند ابلاغ نمودند و فرمودند که من از جانب پروردگار به عنوان هادی و راهنمای هدایت به سوی معبود یکتا برای شما فرستاده شده‌ام، لیکن آنها سر باز زدند و گفتند تو دروغ می گویی و منتخب و فرستاده خداوند نیستی.

پس از تکذیب بنی امیه و نپذیرفتن آنها بود که نبی مکرم اسلام ﷺ نزد بنی هاشم رفتند و فرمودند من از جانب خداوند متعال به سوی شما مبعوث شده‌ام تا مسیر هدایت را برایتان هموار سازم، اینجا بود که امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ به محض شنیدن این پیام الهی نخستین کسی بود که با رغبت و اشتیاق وصف ناشدنی رسالت فرستاده خداوند عزوجل را گردن نهاد و به عنوان اولین مؤمن به رسول الله ﷺ این افتخار را از آن خود نمود، که الآن پس از گذشت قرن‌ها از وقوع آن واقعه هنوز نام علی ﷺ به عنوان اولین مؤمن بر تارک تاریخ اسلام می درخشد و تا قیام قیامت نیز این گونه باقی خواهد ماند.

بله، انسان والایی که در تمام عرصه‌ها به‌خصوص در جنگ‌ها آن‌چنان خوش درخشید که مایه افتخار اسلام و مسلمین شد، در جنگ احزاب و خندق فارس یل یل (عمر بن عبدود) - جنگ جویی که یک‌تنه با هزار سوار برابری می کرد - را به زیر

کشید و بر خاک مذلت نشانید، در عظمت کار آن حضرت همین بس که زمانی که حضرت علی علیه السلام با عمر بن عبدود در حال نبرد بود پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند تمام اسلام با تمام کفر و شرک در حال نبرد است و نیز فرمودند ضربه علی علیه السلام در روز خندق افضل از عمل امت من تا روز قیامت است.^۱ و به شکرانه این پیروزی بود که غریو و بانگ تکبیر مسلمین بلند شد و قلب نازنین پیامبر صلی الله علیه و آله به وجد آمد و یاد در جنگ خیر آن شهامت و شجاعت و غیرت و مردانگی را از خود به ثبت رساند، آری این شخصیت لیاقت اولین مؤمن بودن را دارد نه بنی امیه. این است که **﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾**؛ یعنی اینکه از نسل همین امام علیه السلام در آخرالزمان زعامت و حکومت زمین را در دست می گیرند.

ائمه حق و ائمه جور در قرآن و روایات

روایت دیگری از سلیمان دیلمی نقل شده است.^۲ **﴿قَالَ سَأَلْتَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ﴾**؛ سلیمان می گوید. از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: **﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾**،

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۶۷.

۲. مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۰۱. **﴿عَنْ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: سَأَلْتَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾، قَالَ: الشَّمْسُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، أَوْضَحَ لِلنَّاسِ دِينَهُمْ، قُلْتُ: ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا﴾، قَالَ: ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، تَلَا رَسُولَ اللَّهِ. قُلْتُ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾، قَالَ: ذَلِكَ الْإِمَامُ مِنْ ذُرِّيَّةِ فَاطِمَةَ نَسْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَيَجَلِّي ظِلَامَ الْجُورِ وَالظُّلْمِ فَحَكَى اللَّهُ عَنْهُ، فَقَالَ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾، يَعْنِي بِهِ الْقَائِمَ علیه السلام. قُلْتُ: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾، قَالَ: ذَلِكَ أَيْمَةُ الْجُورِ الَّذِينَ اسْتَبَدُّوا بِالْأُمُورِ دُونَ آلِ الرَّسُولِ وَجَلَسُوا مَجْلِسًا كَانَ آلُ الرَّسُولِ، أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ، فَغَشَّوْا دِينَ اللَّهِ بِالْجُورِ وَالظُّلْمِ، فَحَكَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِعْلَهُمْ، فَقَالَ: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾.»**



سؤال کردم. «قَالَ: الشَّمْسُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؛ شمس وجود نازنین پیامبر خدا ﷺ است. «أَوْضَحَ لِلنَّاسِ دِينَهُمْ»؛ پیامبری که مردم را هدایت کردند و دینشان را برای مردم توضیح داده‌اند و بیان فرمودند.

«قُلْتُ: ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾. قَالَ: ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ تَلَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؛ امیرالمؤمنین ﷺ که پشت سر پیامبر ﷺ آمد و وصی ایشان است. «قُلْتُ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَاهَا﴾، قَالَ: ذَاكَ الْإِمَامُ مِنْ ذُرِّيَّةِ فَاطِمَةَ نَسْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ اینها فرزندان پیامبر ﷺ که از ذریه فاطمه ﷺ هستند. سپس می‌فرماید: «فَقَالَ: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَاهَا﴾، يَعْنِي بِهِ الْقَائِمَ»؛ یعنی وجود نازنین امام زمان ﷺ.

«قُلْتُ: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾»؛ سپس خداوند به شب قسم می‌خورد، وقتی که تاریکی اش همه جا را فرا گرفت. «قَالَ ذَاكَ أَيْمَّةُ الْجُورِ»؛ آنها فقط بنی‌امیه را در آن روایت فرمودند؛ درحالی که تمام ائمه جور را بیان می‌کند. «قَالَ ذَاكَ أَيْمَّةُ الْجُورِ الَّذِينَ اسْتَبَدُّوا بِالْأُمُورِ دُونَ آلِ الرَّسُولِ»؛ ائمه جور پیشوایان ظالمی هستند که استبداد دارند. هرکسی در رأی و اظهارنظر مستبد باشد، آنها ائمه جور هستند. اگر با رسول خدا ﷺ بود، نظر پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ و ائمه ﷺ را بیان می‌کرد، زیرا آنها ائمه عدل هستند، غیر از آنها ائمه جور هستند. آنها کسانی هستند که: «اسْتَبَدُّوا بِالْأُمُورِ»؛ در امور استبداد کردند. «وَجَلَسُوا مَجْلِسًا كَمَا كَانَ آلُ الرَّسُولِ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ»؛ جایی نشستند که باید پیامبر خدا ﷺ و فرزندان پیامبر آنجا بنشینند. جایگاه امیرالمؤمنین ﷺ و ائمه معصومین ﷺ را گرفتند و آنها را کنار زدند. آنها مصداق

بارز: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» هستند. «فَغَشُّوا دِينَ اللَّهِ بِالْجُورِ وَالظُّلْمِ»؛ آنها دین خدا را، با ظلم و جور تاریک کردند، غشاوه و پرده تاریکی روی دین خدا قرار دادند. دین ظاهری را ما می بینیم، اما این دین ظاهری تاریک است. وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام در آن دین نباشد، دین نیست. هرچند هزاران بار - از شب تا صبح - نماز بخوانند، فایده ای ندارد.

روز عاشورا نماز خواندند.

وَيُكَبِّرُونَ بِأَنْ قُتِلَتْ وَإِمَامًا قَتَلُوا بِكَ التَّكْبِيرَ وَالتَّهْلِيلًا^۱

روز عاشورا وقتی که امام حسین علیه السلام را شهید کردند، همه آنها تکبیر می گفتند. «وَيُكَبِّرُونَ بِأَنْ قُتِلَتْ»؛ تکبیر گفتند که امام حسین علیه السلام را کشتند. بر کشته هایشان نماز خواندند. آنها کسانی بودند که فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را شهید کرده بودند. پس به نمازشان نگاه نکنید، به روزه آنها نگاه نکنید، نگاه کنید آیا صدق حدیث دارند؟ آیا اینها ادای امانت دارند؟ امانت بزرگی که روایت می فرماید: «انظروا إلى صدق الحديث وأداء الأمانة»^۲؛ ادای امانت واقعی یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام؛ امانتی که خداوند نسبت به آنها داشت، دارند یا نه؟! خدا چه امانتی را داد. «إِنَّا عَرَضْنَا

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۹۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴،

ص ۱۱۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۹.

۲. صدوق، الامالی، ص ۳۰۳؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۱؛ مفید، الاختصاص،

ص ۲۲۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۹؛ ج ۷۲، ص ۱۱۴.

الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ»،^۱ آن امانت، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و گرنه می فرماید: نگاه نکنید که از شب تا صبح مشغول رکوع و سجود هستند. اگر صدق حدیث ندارند و اگر امانت الهی، یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول ندارند، عبادت آنها پیش خداوند متعال هیچ ارزشی ندارد. بنابراین می فرماید: آنها اشخاصی هستند که: «فَغَشُّوا دِينَ اللَّهِ بِالْجُورِ وَالظُّلْمِ فَحَكَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِعْلَهُمْ، فَقَالَ: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»؛ خداوند متعال این گونه می فرماید: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»، خدا از آنها این گونه نام می برد که کسانی هستند که پرده تاریکی را بر روی دین خدا انداختند.

منبع این روایات، کتاب تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب است. از این آیات و روایات ما استفاده می کنیم که منظور از «وَالشَّمْسُ» و «وَالْقَمَرُ» وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت مهدی علیه السلام است.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. احزاب، ۷۲. «ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم».



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾^۱

در محضر قرآن کریم هستیم. خدا را شاکر هستیم که در این شب‌های ماه مبارک رمضان که ربیع‌القرآن و بهار قرآن است، از آیاتی که درباره حضرت بقیةالله الاعظم - روحی و ارواح العالمین له الفداء - وارد شده، بهره‌های فراوانی

۱. عصر، ۱ - ۳. «به عصر سوگند، که انسان‌ها همه در زیانند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند».

را از روایات اهل بیت علیهم السلام، از کتب علمای شیعه و همچنین از راویان اهل سنت در این باره بردیم. ان شاء الله تعالی ثواب قرائت قرآن را خداوند متعال به ما عنایت بفرماید که در روایات داریم هر کس در ماه مبارک رمضان یک آیه از آیات قرآن را تلاوت کند، ثواب یک ختم قرآن را برده است،^۱ آن هم ختم قرآنی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند. ثواب ختم قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله قابل احصا نیست. اگر کسی یک آیه در این ماه مبارک تلاوت کند، ثواب یک ختم قرآن دارد از قرآن‌هایی که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاوت می فرمودند. ما هم در محضر قرآن هستیم و ان شاء الله استفاده خواهیم کرد.

از آیات شریفه‌ای که درباره حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است، آیات سوره عصر است. قرآن کریم در این سوره می فرماید: «وَالْعَصْرِ» قسم به عصر. این عصر چیست که قرآن به آن قسم می خورد، توضیح خواهیم داد. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»؛ انسان، نوع انسان، جنس انسان، تمام انسان‌ها در خسران و زیان هستند. «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند. حالا اینکه عمل صالح و ایمان چیست، در تفسیر آیه بیان شده است. «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ به یکدیگر توصیه به حق و توصیه به صبر نمودند.

ظاهر آیه شریفه قرآن این است که همه انسان‌ها در خسران هستند. مهم‌ترین خسران عمر انسان است که کوتاه می شود. هر نفسی که انسان می کشد به مرگ

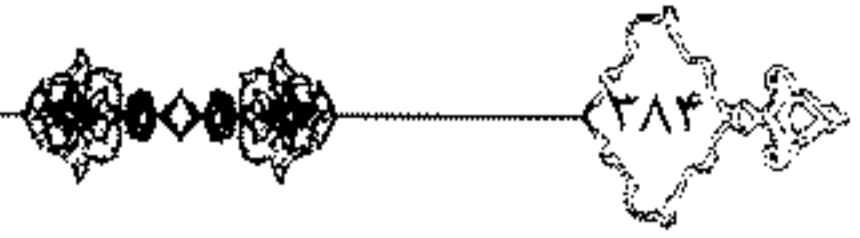
۱. صدوق، فضائل الا شهر الثلاثة، ص ۹۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۱.

نزدیک می‌شود. از این جهت انسان خسران می‌بیند. همچنین کارهایی که انسان انجام می‌دهد، ممکن است باعث خسران انسانیت و حقیقت انسان شود و بحث مفصلی دارد که چه چیزهایی باعث می‌شود که انسان از آن شأن و مقامی که خداوند متعال برایش قرار داده است، پایین بیاید و در خسارت واقعی قرار گیرد، مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و آنهایی که توصیه به حق و توصیه به صبر داشتند.

منظور از عصر در قرآن

کتاب شریف المحجة فیما نزل فی القائم الحجة از مرحوم محدث جلیل، سیدهاشم حسینی بحرانی است. ایشان آیاتی که درباره امام زمان عجل الله فرجه است را با روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام وارد شده در این کتاب جمع‌آوری کردند. از جمله ایشان نقل می‌کند - بعد از اینکه اسناد را ذکر می‌کند - تا به این سند می‌رسد: «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۱.» از قول خداوند متعال در این سوره شریفه عصر: «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» از حضرت سؤال

۱. بحرانی، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ص ۲۵۸. «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ». قَالَ عليه السلام: الْعَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»، يَعْنِي أَعْدَاءَنَا، «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا»، يَعْنِي بِآيَاتِنَا؛ «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، يَعْنِي بِمُؤَاَسَاةِ الْإِخْوَانِ؛ «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ»، يَعْنِي بِالْإِمَامَةِ؛ «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ يَعْنِي فِي الْفِتْرَةِ.



کردم، معنای این آیه چیست که خداوند به عصر قسم خورده است؟ آیا منظور عصر بعد از ظهر است یا عصر به معنای زمان است یا یک عصر مخصوصی که خداوند متعال به آن قسم می خورد. حضرت می فرماید: «قَالَ: الْعَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ ۝»؛ عصر خروج حضرت مهدی علیه السلام است؛ یعنی خداوند متعال به زمان ظهور حضرت قسم می خورد. پس معلوم می شود زمان و عصر ظهور حضرت، پیش خداوند متعال بسیار ارزشمند است، زمان بسیار ارزنده ای است که خدا به آن قسم می خورد؛ برای اینکه مردم را آگاهی دهد و به یاد آن زمان بیفتند. «وَالْعَصْرِ»، قسم می خورم به زمانی که زمان ظهور حضرت است.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ»؛ قسم به زمانی که همه انسان ها در خسران هستند. آیا انسان شامل مؤمنان و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام می شود؟ آیا آنها نیز در خسران هستند؟ امام صادق علیه السلام برای اینکه بشارتی برای دوستان اهل بیت علیهم السلام باشد، می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ»؛ کسانی که در خسران هستند، «يَعْنِي أَعْدَاءَنَا»، اعداء و دشمنان ما اهل بیت علیهم السلام هستند؛ وگرنه شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام چرا در خسران باشد. آنها بهترین راه را انتخاب کردند و باید پیش خداوند متعال شاکر این نعمت بزرگ الهی باشند؛ از این رو شیعه هرگز در خسران نخواهد بود.

توصیه به مواسات با برادران دینی

بعد حضرت می فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا»؛ «يَعْنِي بِآيَاتِنَا»؛ یعنی کسانی که ایمان آورند، به پدران ما ایمان آورند؛ یعنی به اهل بیت علیهم السلام ایمان بیاورند؛ «يَعْنِي بِآيَاتِنَا».

البته در اینجا «آیاتنا» است؛ در بعضی جاهای دیگر «بِآبَائِنَا» هم هست. به آیات ما ایمان بیاورند؛ یعنی به نشانه‌های بزرگ الهی ایمان بیاورند.

آیات و نشانه‌های خداوند، انبیا و اولیای الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند. کسانی که به ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان بیاورند، «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ و عمل صالح انجام بدهند. عمل صالح را در این روایت باز امام صادق علیه‌السلام توضیح می‌دهند؛ «يَعْنِي بِمُؤَاَسَاةِ الْإِخْوَانِ»؛ با برادران دینی‌شان مواسات داشته باشند. آنچه که خودتان می‌خواهید برای دیگران هم بخواهید، آنچه که برای خود نمی‌پسندید برای برادران دینیتان نیز نپسندید. این مواسات حقیقی است.

«بِمُؤَاَسَاةِ الْإِخْوَانِ»؛ اخوان هم در اینجا به معنای اخوان در ایمان است، کسانی که ایمان آورده‌اند، مؤمنان و برادران دینی ما، یعنی کسانی که به ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام ایمان آورده‌اند را برادر می‌دانیم، کسی که به ائمه معصومین علیهم‌السلام تا ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام ایمان آورده باشد را برادران خودمان می‌دانیم، چه بهتر از اینکه با آنها مواسات داشته باشیم. امام علیه‌السلام می‌فرماید: عمل صالح یعنی با برادران دینی خود مواسات داشته باشید. آنچه که برای خودتان می‌خواهید برای آنها نیز بخواهید. خوبی را برای آنها بخواهید؛ اگر برای خودتان بدی نمی‌خواهید، برای برادران شیعه و مؤمن نیز نخواهید.

توصیه به حق یعنی توصیه به امامت

«وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ»، اینکه به حق توصیه بکنند. حق چیست؟ امام در یک جمله می‌فرماید: «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ، يَعْنِي بِالْإِمَامَةِ»، کسانی که توصیه به امامت کنند. بنده

توصیه به امامت می‌کنم، شما هم توصیه به امامت کنید. به برادر دینی خودتان؛ یعنی ای مردم اگر می‌خواهید دنبال حق باشید و خسران نداشته باشید به حق توصیه کنید که این آیه می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ»؛ همه در خسران هستند، همه زیان می‌بینند، مگر کسانی که توصیه به امامت بکنند. اگر می‌خواهید دیگران را ارشاد و هدایت کنید، باید توصیه به امامت داشته باشید. «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ»؛ یعنی امامتی که درباره آنها روایت داریم، امامت امیرالمؤمنین علیه السلام که «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ» است، اصلاً حق، در روایات به وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام تفسیر شده است. حق از امیرالمؤمنین علیه السلام جدا نیست و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از حق جدا نیست.^۱

توصیه به صبر در برابر مشکلات در عصر غیبت

«وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ سپس همدیگر را توصیه به صبر می‌کنند. در زمان غیبت مشکلات زیاد است، ولی دوستان، موالیان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان همدیگر را به صبر توصیه می‌کنند. بعد امام علیه السلام می‌فرماید: «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ يَعْنِي فِي الْفِتْرَةِ»؛ در زمان فترت، فترت یعنی اینکه در غیبت امام زمان علیه السلام همدیگر را به صبر توصیه می‌کنند. پس «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ حق یعنی امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و صبر هم یعنی در غیبت امام زمان علیه السلام که مشکلات زیاد می‌شود، ناراحتی‌های

۱. مفید، الفصول المختارة، ص ۹۷، ۲۱۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ابن ابی‌الحدید،

شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۲۹۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۵۰ - ۴۵۱. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ».

مردم زیاد می شود، همدیگر را به صبر توصیه می کنند، باید همدیگر را به زمان ظهور حضرت امیدوار کنیم تا این مشکلات تمام شود. باید صبر کنیم؛ زیرا روزی خواهد آمد که حکومت و سلطنت زمین به دست مستضعفان و کسانی باشد که با اهل بیت علیهم السلام بودند و ایمان به امام زمان علیه السلام دارند. روایاتی دربارهٔ سورهٔ عصر نقل شده که می فرماید: عصر یعنی زمان ظهور، «وَتَوَاصَّوْا بِالصَّبْرِ»، یعنی در زمان غیبت امام زمان علیه السلام مردم همدیگر را به صبر توصیه می کنند. این روایت از کتاب شریف المحجة از امام صادق علیه السلام نقل گردید.

مفهوم صاحب العصر و صاحب الزمان

مسئلهٔ عصر چیست، همان طور که می دانید یکی از القاب امام زمان علیه السلام صاحب العصر است. صاحب العصر یعنی چه؟ یا می گوئیم امام عصر؟ آیا می توانیم از صاحب العصر و یا از ولی عصر که در روایات داریم، خصوصیات امام زمان علیه السلام را استفاده کنیم؟

یکی از معانی امام عصر علیه السلام این است که امام زمان هستند؛ یعنی در این زمان وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام، امام زمان ما هستند. هر زمانی، هر انسانی باید یک امامی داشته باشد. «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱؛ پس ما باید امام زمان خودمان را بشناسیم؛ وگرنه مرگ ما مرگ جاهلیت است. یک معنا اینکه امام عصر یعنی امام زمان در هر زمانی، ما امام داریم؛ اما بالاتر از این را بعضی از علما و اهل معنا

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۹۶.



بیان کردند؛ امام زمان یعنی پیشرو زمان، امام زمان حتی از خود زمان نیز جلوتر است. امام یعنی کسی که جلو هست، یعنی مقتدا. زمان و زمانیات همه مأموم امام زمان علیه السلام می شوند؛ یعنی حتی اختیار زمان نیز با امام زمان علیه السلام است. امام زمان، ولی عصر است؛ یعنی ولایت عصر با اوست. همه قرون و اعصار یک ولی دارد، آن هم ولی عصر علیه السلام که زمان در اختیار اوست، او امام زمان است؛ حتی از زمان جلوتر است و زمان به او اقتدا می کند. خورشید و ماه زمان را به وجود می آورند؛ روز و شب را به وجود می آورند. همین خورشید و ماه نیز در اختیار امام زمان علیه السلام هست. اکنون که زمان در اختیار امام زمان علیه السلام است، این زمان مردم را پیر می کند؛ جوان را پیر می کند؛ کودک را جوان می کند و چهره ها عوض می شوند؛ کودک جوان می شود؛ جوان پیر می شود؛ همان گونه که مشاهده می کنید. اما اگر کسی زمان در اختیارش باشد، دیگر نمی تواند بر او اثر بگذارد. همین مطالب را از روایات استفاده می کنیم.

اختیار این جهان با امام زمان علیه السلام است. آن وقت ما اشکال می گیریم که چرا هزار و دویست سال از عمر حضرت می گذرد - کمتر یا بیشتر - ولی زمان بر او تأثیر نگذاشته و وقتی حضرت را می بینند، مثل یک جوانی که «شاب المنظر» است. در روایات داریم ایشان را به صورت جوانی حدود سی و پنج تا چهل ساله مشاهده می کنند؛ زیرا زمان نمی تواند بر ایشان اثر بگذارد. ایشان مربی زمان است، ایشان والی زمان است. آن کسی که بر تمام مخلوقات عالم به امر خداوند متعال حکومت می کند، امام زمان علیه السلام است. از این رو در روایت می فرماید: «صاحب العصر»، «صاحب الزمان»؛ حضرت مهدی علیه السلام صاحب زمان است. چرا می گوئیم صاحب الزمان؟! زیرا زمان در هر عصری یک

صاحب دارد، صاحب و مالک آن امام زمان علیه السلام است. روایت می فرماید: «ولی عصر»؛ یعنی کسی که بر خود عصر ولایت دارد.

اینکه قرآن می فرماید: ﴿وَالْعَصْرِ﴾؛ قسم به عصر می خورد، منظور چه عصری است؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: یعنی عصر امام زمان علیه السلام. پس معلوم می شود که معانی بالاتری دارد، اگر آن معانی را درک کنیم، امام زمان را شناختیم. بعد مسئله غیبت برای ما راحت می شود، مسئله طول عمر حضرت برای ما راحت می شود. فلسفه طولانی شدن عمر حضرت برای ما با شناخت این مطالب کاملاً روشن می شود.

فلسفه عمر طولانی امام عصر علیه السلام

از این رو در بعضی روایات داریم، از جمله در کتاب شریف *منتخب الاثر* از *کمال الدین صدوق* علیه السلام نقل شده است،^۱ که کتابی است که به امر مبارک امام زمان علیه السلام نوشته شده و شیخ صدوق با دعای آن حضرت به دنیا آمد. بسیار کتاب با عظمتی است. ایشان از امام صادق علیه السلام نقل می کنند: «إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيَّامَةِ»؛ غیبت برای ششمین نفر از فرزندان من است

۱. صدوق، *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۴۲؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۳، ص ۲۰۹، ح ۶۱۹. «قَالَ علیه السلام: إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي، وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيَّامَةِ الْهُدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، أَوْهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَصَاحِبُ الزَّمَانِ، وَاللَّهُ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ، لَمْ يُخْرَجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

و برای دوازدهمین نفر از ائمه اثنی عشر علیهم السلام است. «وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ ایشان دوازدهمین ولی و امام زمان بعد از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند. «أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ»؛ نخستین آنها امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنها نیز حضرت مهدی علیه السلام است. «بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ»؛ یکی از صفات حضرت این است که بقیة الله بر روی زمین است، ایشان یادگار خداوند بر روی زمین هستند و صاحب زمان هستند؛ یعنی ملک واقعی زمان مال ایشان است. صاحب و مالک زمان است و زمان در اختیار ایشان است. خورشید، ماه، ستارگان و هرچه در آسمان و زمین مشاهده می کنید، مالک واقعی و صاحب واقعی آن به اذن، و به امر و به افاضه خداوند، از آن حضرت مهدی علیه السلام است که ایشان صاحب عصر هستند. وقتی که امام، صاحب العصر باشد، آیا عصر می تواند بر ایشان اثر بگذارد؟! آیا زمان می تواند بر ایشان اثر بگذارد؟! زمان در اختیار ایشان است، چگونه زمان می تواند بر ایشان اثر بگذارد؟! در روایتی داریم که: «وَقَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ، وَيُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ، وَيَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ»؛^۱ کار خورشید و ماه این است که هر جدیدی را کهنه می کنند؛ «وَيُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ»؛ و هر بعیدی را نزدیک

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۸. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي دَارِ هُدْنَةٍ، وَأَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ، وَالسَّيْرُ بِكُمْ سَرِيعٌ، وَقَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَيُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ، وَيَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ، فَأَعِدُّوا الْجُهَازَ لِبُعْدِ الْمَجَازِ...».

می‌کنند. ما نمی‌دانیم که اجل ما الآن بعید است یا نه. شاید ده سال دیگر، کمتر یا بیشتر؛ اما ماه و ستارگان و خورشید کارشان این است که اجل دور ما را نزدیک کنند. امروز ما یک روز به اجل خود نزدیک شدیم. الآن که یک دقیقه گذشت ما به اجلمان نزدیک‌تر شدیم. «وَيَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ»؛ آنچه وعده داده شده به وسیلهٔ شمس و قمر می‌آید. مثلاً وعده داده شده که یک ماه دیگر چکار کنیم. این وعده‌ها را خورشید و ماه می‌آورند. یک ماه یا یک سال دیگر یا اول سال تحصیلی فرزندانمان را به مدرسه بفرستیم، اینها به وسیلهٔ زمان است و وظیفه‌شان این است که هر جدیدی را کهنه کنند، هر دوری را نزدیک کنند و این وظیفه را امام زمان علیه السلام به آنها داده است. از این روایات استفاده می‌کنیم که صاحب اختیار زمان امام عصر علیه السلام است. در این باره روایات فراوانی داریم.

داستان حاج میرزا احمد کفایی

اشخاصی بوده‌اند که این‌گونه مسائل برایشان روشن شده است. از مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفایی فرزند آخوند خراسانی رحمته الله علیه نقل شده است که مادر ما کسالت و بیماری شدیدی پیدا کرده بود به طوری که دکترها نتوانستند او را مداوا کنند. شنیدیم در نجف اشرف شخصی هست که از نیت‌های مردم خبر می‌دهد و مطالبی را در مورد آینده بیان می‌کند و می‌گوید که الآن شما چه نیتی دارید. بعضی‌ها ممکن است به این مقام و مرتبه برسند. به دلیل اینکه این مسئله

واقعیت دارد آن را نقل می‌کنیم، و گرنه برخی افراد مسائلی را نقل می‌کنند که ما آنها را قبول نداریم. اگر می‌خواهند برای علما کرامت بگویند، باید مستند و معتبر باشد.

مرحوم حاج میرزا احمد کفایی فرزند مرحوم آخوند خراسانی می‌فرماید: من و برادرم مرحوم حاج میرزا محمد کفایی خراسانی (ایشان از اساتید بزرگ خراسان بودند و بسیاری از علمای بزرگ و فحول علما شاگرد ایشان بودند. معروف بودند به مرحوم آقازاده) در نجف بودیم، رفتیم این شخص را پیدا کنیم. گفتند فلان شخص است، چهره‌اش این‌گونه است و این‌گونه لباس می‌پوشد و در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف می‌شود. چند روزی به نجف آمده، در صحن ایوان طلای امیرالمؤمنین علیه السلام نشستیم تا این شخص بیاید. ان‌شاءالله قسمت من و شما شود. ایوان نجف عجب صفایی دارد! ان‌شاءالله این صفا را درک کنیم. هنگامی که به ضریح امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه می‌کنیم، لذتی بالاتر از این در این دنیا نیست. کنار ایوان نشسته بودیم که بعد از مدتی شخصی با مشخصاتی که به ما گفته بودند، وارد ایوان امیرالمؤمنین علیه السلام شد. ما هم نزد ایشان رفتیم و سلام کردیم، دید دو تا آقازاده و بزرگوار آمدند. ایشان نیز ایستاد و فرمود کارتان چیست؟ گفتیم مادرمان مریض است، حالش بد است، دوست داریم اگر ممکن است ایشان را مداوا کنید، یک دعایی کنید که مادرمان خوب شود. ایشان مدتی فکر کرد، بعد گفت که نه همه بدن مادران را مرض گرفته و خوب‌شدنی نیست، دو سه روز دیگر نیز از دنیا خواهد رفت. مایوس شدیم.



برادرم، مرحوم میرزا محمد، گفت که سؤالی دیگر دارم. من در دلم نیتی کردم، برای من بیان کن، چه نیتی کردم؟ مدتی فکر کرد. نگاه کرد، گفت عجب! چیز عجیبی را می بینم. شخصی را می بینم که الآن در لبنان است، سپس تسبیح انداخت. الآن در خانه خدا در کعبه است، بعد از مدتی گفت، الآن در مدینه است. بعد از مدتی گفت نه، شخصی را می بینم که خورشید به دور سر او می چرخد و من دیگر بیشتر از این نمی فهمم. شما چه کسی را نیت کرده بودید؟ ما گفتیم که امام زمان علیه السلام را نیت کردیم. بله، همین است. ایشان هست که خورشید به دورش می چرخد. ماه و فلک همه به دور ایشان می چرخند، خورشید، زمین و همه در اختیار اوست. اوست که جمله افلاک در مقابلش باید سر تعظیم فرود بیاورند.

سجده فرشتگان بر آدم به خاطر انوار ائمه معصومین علیهم السلام

در روایات نقل شده اگر خداوند به ملائکه امر کرد در مقابل آدم علیه السلام سجده کنند، به خاطر انوار مقدسه ائمه معصومین علیهم السلام، به ویژه امام زمان علیه السلام بود که در صلب آدم بود، خداوند به این دلیل امر کرد که فرشتگان سجده کنند. هرچه هست باید در مقابل امام زمان علیه السلام سر تعظیم فرود آورند. از این رو عصر در اختیار ائمه علیهم السلام است. ولی عصر به این معناست. اگر امام زمان علیه السلام را شناختیم، می توانیم بگوییم که یک روز بر ما گذشت و با امام زمان علیه السلام در ارتباط بودیم؛ وگرنه نزدیک یک ماه از رمضان است که در حال اتمام است، ببینیم چقدر توانستیم خودمان را به امام زمان علیه السلام برسانیم؟ آیا آن وظایفی را که حضرت از ما می خواهند، توانستیم انجام دهیم یا نه؟

امام زمان علیه السلام صاحب امر

در روایتی دیگر قندوزی حنفی در کتاب *ینابیع المودة*، حدیثی را به واسطه یکی از راویان از امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام نقل می‌کند،^۱ که قسمت آخر حدیث این گونه است: «حَتَّى يَنْتَهِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ الْمُهْدِيِّ علیه السلام»؛ امر امامت آن قدر ادامه پیدا می‌کند تا به حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام منتهی می‌شود که ایشان را به عنوان صاحب‌الزمان معرفی می‌کند. می‌فرمودند امام مهدی علیه السلام، اسم شریف حضرت را می‌آوردند، القاب دیگر را می‌آورند، ولی می‌فرمایند: صاحب‌الزمان. چرا صاحب‌الزمان؟ علتش چیست؟ «حَتَّى يَنْتَهِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ الْمُهْدِيِّ علیه السلام».

مرحوم شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین* از ریان بن صلت نقل می‌کند،^۲ خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم شما صاحب این امر هستید؛ «قُلْتُ لِلرَّضَاءِ: أَنْتَ

۱. قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۵۰. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ، عَنِ الْبَاقِرِ وَالصَّادِقِ وَالْكَاظِمِ علیهم السلام، قَالُوا: ... حَتَّى يَنْتَهِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ الْمُهْدِيِّ علیه السلام».

۲. صدوق، *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۶؛ صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۵۶۲. «عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَاءِ: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، وَلَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمَلُوهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا، وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي، وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ، وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ، قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ، حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى، وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ علیهم السلام ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، يُغَيِّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟»، یعنی صاحب قیامی که همه انبیای الهی در انتظار آن هستند و همه انبیا به آن وعده داده‌اند، مهدی موعود شما هستید؟ «فَقَالَ: أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ»؛ من هم صاحب این امر هستم، در هر عصری، هر امامی صاحب امر است. «وَلَكِنِّي لَسْتُ»؛ اما من با حضرت مهدی فرق دارم. «لَسْتُ بِالَّذِي أَمَلُوها عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا»؛ من کسی نیستم که زمین را پر از عدل بکنم، بعد از اینکه زمین پر از جور شده باشد. «وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي»؛ چگونه شما گمان می‌کنید من صاحب عصر هستم؟ من کسی هستم که زمین را پر از عدل و داد بکنم؟ من از نظر بدنی ضعیف هستم.

سن و چهره مبارک امام زمان عجل الله فرجه

سپس می‌فرماید: «وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ»؛ قائم کسی است که وقتی خارج شد و ظهور کرد، سن مبارکشان به اندازه پیرمردهای اعصار گذشته است. سن ایشان بیش از هزار سال است تا به حال، کسی ظهور می‌کند، خدا می‌داند؟ ما نمی‌توانیم وقت تعیین کنیم. شاید یک سال دیگر، شاید صد سال دیگر، شاید هزار سال دیگر، با خدای متعال است. می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ»؛ منظر و چهره‌شان مثل جوانان است. «قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ»؛ قوتشان آنقدر زیاد است که: «حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا»؛ اگر بخواهد، می‌تواند درخت بسیار بزرگی که ریشه‌اش زیر زمین است را با دست‌های مبارکش از جا درآورد. «وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ

لَتَذَكَّرَكُنَّ صُخُورُهَا»؛ اگر بخوانند بین جبال و بین کوه‌ها صیحه‌ای بزنند، به خاطر صدای حضرت همه کوه‌ها از همدیگر پاشیده می‌شوند. این قدرت را خداوند متعال به حضرت داده و وقتی که ظهور می‌کنند، شاب المنظرند. علتش این است که زمان بر ایشان اثر نمی‌گذارد. هرگز خورشید و ماه و زمان نمی‌تواند بر ایشان اثر بگذارد.

در روایت داریم: «يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ»؛ خداوند متعال عمرش را در زمان غیبت طولانی می‌کند. «ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ»؛ کسی نمی‌تواند قدرت خدا را درک کند. وقتی خداوند در زمان سلیمان عليه السلام می‌تواند به مورچه‌ای قدرت دهد تا با حضرت صحبت کند،^۱ آیا نمی‌تواند این قدرت را به خلیفه خود بر روی زمین بدهد؟!

در روایتی دیگر آمده است: «يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابِّ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً»؛^۲ ایشان را به صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می‌کند. در بعضی از روایات داریم که حضرت مثل انسان‌های چهل ساله بین من و شما رفت و آمد دارند. شاید در مجالس متعدد ما شرکت کند و ما ایشان را ببینیم، ولی نشناسیم. ان شاء الله وقتی ظهور می‌کنند در آن هنگام باشیم. وقتی ظهور می‌کنند، می‌گویند این آقای بزرگوار همان شخصیتی بودند که بارها خدمتشان رسیده بودیم،

۱. نمل، ۱۸ - ۱۹.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵ - ۳۱۶؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۳۶ -

ولی ایشان را نشناختیم. صورتشان مثل جوانان است در سن چهل سالگی یا کمتر از چهل سال و ممکن است در بین من و شما رفت و آمد کنند. روایت داریم در بین اجتماعات و مسلمانان شرکت می‌کنند؛ ولی ما ایشان را نمی‌شناسیم.

می‌فرماید: «يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ»؛ خداوند متعال عمرش را در غیبتش طولانی می‌کند. «ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابٍّ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً»؛ سپس با قدرت خداوند او را ظاهر می‌کند به صورت یک جوان کمتر از چهل سال؛ همان‌گونه که انسان‌های چهل‌ساله را می‌بینیم که جوان خوش‌سینما، خوش‌رو، خوش‌قیافه، هستند، امام زمان عجلتعالیه نیز همین حالت را دارند.

از این جهت از سوره شریفه عصر مطالبی را استفاده کردیم که مربوط به آیات مهدوی است. ان‌شاءالله روایات را ببینید و مطالعه کنید. به خیلی از رموز و اسرار غیبت امام زمان عجلتعالیه و اسرار طول عمر آن حضرت تا اندازه‌ای پی می‌برید، البته روایت می‌فرماید که تا خود امام زمان عجلتعالیه ظهور نکنند، حقیقت فلسفه غیبت آن حضرت معلوم نخواهد شد. بعد از اینکه غیبت تمام شد و حضرت ظهور کردند، اسرار غیبت را می‌فهمیم. اما می‌توانیم با استفاده از روایات به حکمت‌هایی از غیبت برسیم.

ان‌شاءالله در این ماه مبارک همه ما مورد نظر خاص امام زمان عجلتعالیه و مشمول ادعیه ایشان باشیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

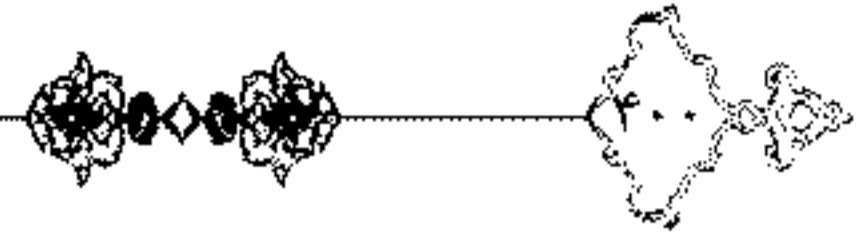


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْحُسْنِ * الْجَوَارِ الْكُنَّسِ﴾^۱

در محضر شریف قرآن هستیم و خدا را شاکریم که این توفیق را به ما عنایت فرموده تا از آیاتی که درباره اهل بیت علیهم السلام به خصوص وجود مقدس حضرت بقیة الله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - نازل شده، از روایات و احادیث استفاده کردیم و مطالبی را بیان کردیم. یکی از آیات شریفه‌ای که درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام وارد شده، در سوره تکویر است. روایات و احادیثی در تفسیر و تبیین این آیات آمده که درباره حضرت مهدی علیه السلام است.

۱. تکویر، ۱۵ - ۱۶. «سوگند به ستارگانی که باز می‌گردند، حرکت می‌کنند و از دیده‌ها پنهان می‌شوند».



آیات مربوط به غیبت امام زمان علیه السلام

آیات پانزدهم و شانزدهم سوره تکویر می فرماید: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾؛ قسم به ستارگانی که پنهان می شوند و ستارگانی که همچون شهابی در تاریکی شب درخشندگی دارند.

روایات درباره امام زمان علیه السلام زیاد است. بعضی از آنها را صاحب کتاب شریف *المحجة* نقل کرده که این آیات درباره ظهور حضرت است.

منتخب الاثر درباره این آیات شریفه روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل می کند.^۱ «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أُمِّ هَانِيٍّ قَالَتْ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾؛ از امام باقر علیه السلام سؤال کردم معنای آیات شریفه سوره تکویر چیست؟ «قَالَتْ: فَقَالَ: إِمَامٌ يُخْنَسُ سَنَةً سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ؛ حضرت فرمود: درباره امامی است که سال دویست و شصت غایب و پنهان می شوند. دویست و شصت همان سالی بود که امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسیدند و بلافاصله هشتم ربیع الاول امام زمان علیه السلام به امامت می رسند و بعد از آن دیگر هرکسی نمی توانست وجود مقدس ایشان را ببیند. فقط این توفیق نصیب عده خاصی می شد، لذا غیبت کردند.

۱. صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۳، ص ۲۰۹ - ۲۱۰، ح ۶۲۱. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أُمِّ هَانِيٍّ، قَالَتْ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾، قَالَتْ: فَقَالَ إِمَامٌ يُخْنَسُ سَنَةً سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ؛ ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشَّهَابِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، فَإِنْ أَدْرَكْتَ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ».

بعد امام ع می فرمایند: «ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشَّهَابِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ فَإِنْ أَدْرَكْتَ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ». حضرت می فرماید: مانند ستاره و شهابی که در شب تاریک می درخشد. گاهی وقتها مشاهده می کنید که شهابی بالای آسمان است و این شهاب به روی زمین می آید. عده زیادی این شهابها را دیده اند. امام باقر ع می فرمایند: وجود مقدس امام زمان ع نیز پس از این غیبت مانند شهاب درخشان در شب تاریک است؛ یعنی هنگامی که ظلم و ستم، تاریکی، جهل و فساد همه جهان را فرا گرفته، ستاره درخشان که خداوند متعال برای آن زمان حفظ کرده، را می فرستد که آن نور وجود امام زمان ع می باشد؛ از این رو آیات شریفه: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾، معنایش این است: «إِمَامٌ يَخْنُسُ سَنَةً سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشَّهَابِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، فَإِنْ أَدْرَكْتَ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ»؛ اگر زمان او را شما درک کردی، چشمت به وجود مبارک امام زمان ع روشن می شود. از خدا می خواهیم چشمان ناقابل و گنه کار ما را هرچه زودتر به وجود مقدس آن حضرت روشن بفرماید. از این رو امام می فرماید: «فَإِنْ أَدْرَكْتَ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ»؛ اگر آن زمان را درک کردی، چشم تو روشن می شود.

سپس دو حدیث از امام صادق درباره زمان ظهور حضرت نقل می کند. البته ابتدای حدیث دوم با حدیث اول تفاوت دارد.

از امام صادق ع نقل می کند که فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ»؛^۱ صاحب این امر غیبتی دارد که مردم باید در این غیبت تقوای

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵ - ۳۳۶؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۳؛ صافی گلپایگانی،

منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۱۰ - ۲۱۱، ح ۶۲۳، ۶۲۴.



الهی را پیشه کنند. اگر این تقوا را پیشه کردند، خداوند این افتخار را به آنها خواهد داد و این سعادت نصیب آنها خواهد شد که وجود مقدس امام زمان علیه السلام را درک کنند. «وَلْيَتَمَسَّكَ بَدِينِهِ»، باید به دین امام زمان علیه السلام چنگ بزنیم و در آن مسیری که ایشان می‌خواهد، قدم بگذاریم.

امام زمان علیه السلام صاحب فضائل و کمالات تمام انبیا و ائمه علیهم السلام

در بعضی از روایات داریم که امام زمان علیه السلام صاحب کمالات همه انبیای سلف هستند؛ یعنی خداوند هرچه فضائل و کمال برای انبیای گذشته قرار داده است را برای امام زمان علیه السلام نیز قرار داده است. ایشان عصاره خلقت و عصاره فضائل همه انبیای گذشته و ائمه معصومین علیهم السلام است.

روایات بسیاری در این باره آمده است که اگر بخواهیم این روایات را نقل کنیم یا بخواهیم مطالعه بکنیم، مدت زیادی طول می‌کشد تا آنچه واقعیت دارد و در این روایات آمده را بیان کنیم، ولی از طرفی باید خدا را شاکر باشیم که این توفیق نصیب ما شد که توانستیم از این روایات استفاده‌هایی بکنیم و از طرفی هم باید تأسف بخوریم که ماه مبارک رمضان در حال اتمام است. به قول شاعر که می‌گوید عید در حال آمدن است و باید خوشحال باشیم و از آن طرف هم باید غمگین باشیم که ماه مبارک رمضان تمام می‌شود.^۱

۱. عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت
صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت

مقام و منزلت امام زمان علیه السلام نزد اهل بیت علیهم السلام

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب شریف بحار الانوار درباره کمالات امام زمان علیه السلام مطالب بسیار زیادی را نقل کرده است. جلد پنجاه و سوم کتاب بحار الانوار درباره کمالات و فضائل امام زمان علیه السلام است. ایشان حدیث مفصلی را از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که قسمتی از آن را بیان می کنیم. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «وَسَيِّدِنَا»، امام صادق علیه السلام از امام زمان علیه السلام به «سَيِّدِنَا» تعبیر می کنند. سید ما، آقای ما اهل بیت امام زمان علیه السلام است. امام زمان علیه السلام چه مقام و منزلتی دارند! آنها مقام امام زمان علیه السلام را می شناسند. امام صادق علیه السلام می شناسد که می گوید وقتی خدمت امام صادق علیه السلام رفتم، حضرت نشسته بودند و از فراق امام زمان علیه السلام گریه می کردند. ^۱ یا در روایت دیگر می فرماید: «وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛ ^۲ اگر زمان امام زمان علیه السلام را درک می کردم، ایشان را خدمت می کردم. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَخَدَمْتُهُ»، من ایشان را خدمت می کردم. این چیست که ما متوجه نمی شویم. این مطلب را امام صادق علیه السلام نقل می کند. لذا در اینجا می فرماید: «وَسَيِّدِنَا الْقَائِمُ علیه السلام مُسْنِدٌ

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲ - ۳۵۳؛ طوسی، الغیبة، ص ۱۶۷ - ۱۶۸؛ مجلسی، بحار

الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۱۳، ح ۶۲۶.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۴۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ»؛^۱ یعنی تکیه گاهش به کعبه معظمه است. حضرت بر کعبه معظمه تکیه می کنند.

امام زمان علیه السلام عصارة انبیا و ائمه علیهم السلام

«وَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ»؛ وقتی که حضرت ظهور می کنند، حضرت اینچنین می فرمایند: «يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ»؛ ای تمام مردم عالم! بدانید. «أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَشَيْثٍ فَهِيَ أَنَا ذَا آدَمَ وَشَيْثٌ»؛ هر کس که می خواهد به آدم و شیث علیهم السلام نگاه کند، به من امام زمان علیه السلام نگاه کند. «أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَوَلَدِهِ سَامٍ فَهِيَ أَنَا ذَا نُوحٍ وَسَامٍ»؛ هر کس می خواهد به نبی خدا حضرت نوح علیه السلام و فرزندش سام علیه السلام نگاه کند، به من نگاه بکند. کمالاتی که در آدم علیه السلام است، در وجود مقدس امام زمان علیه السلام نیز هست. فضائلی که در وجود نوح علیه السلام است، در وجود مقدس امام زمان علیه السلام نیز وجود دارد.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹. «وَسَيِّدُنَا الْقَائِمُ علیه السلام مُسْنِدُ ظَهْرِهِ إِلَى الْكَعْبَةِ، وَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَشَيْثٍ فَهِيَ أَنَا ذَا آدَمَ وَشَيْثٌ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَوَلَدِهِ سَامٍ فَهِيَ أَنَا ذَا نُوحٍ وَسَامٍ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ فَهِيَ أَنَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُوسَى وَيُوشَعَ فَهِيَ أَنَا ذَا مُوسَى وَيُوشَعَ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَشَمْعُونَ فَهِيَ أَنَا ذَا عِيسَى وَشَمْعُونَ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - فَهِيَ أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ علیه السلام وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ فَهِيَ أَنَا ذَا الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ، أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَيَّمَةِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ علیهم السلام فَهِيَ أَنَا ذَا الْأَيَّمَةِ علیهم السلام، أَجِيبُوا إِلَى مَسْأَلَتِي فَإِنِّي أَنْبِئُكُمْ بِمَا نُبِّئُكُمْ بِهِ، وَمَا لَمْ تُنَبِّئُوا بِهِ...».

بعد می فرماید: «أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ فَهَذَا أَنَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلُ»؛ هر کس می خواهد ابراهیم، خلیل الله و اسماعیل، ذبیح الله را ببیند، به من نگاه کند. من ابراهیم هستم، من اسماعیل هستم. همه کمالات ابراهیم و اسماعیل در وجود مقدس امام زمان است. ان شاء الله روزی وجود مقدسش را ببینیم که به خانه خدا تکیه می دهد و این فرمایشات را دارد.

«أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُوسَى وَيُوشَعَ فَهَذَا أَنَا ذَا مُوسَى وَيُوشَعَ»؛ هر کس می خواهد به موسی و وصی او یوشع نگاه کند، به من امام زمان نگاه کند. آنچه موسی دارد، در وجود مقدس حضرت مهدی است. آنچه یوشع دارد، در وجود مقدس امام زمان جمع شده است.

سپس در این روایت از امام صادق می فرماید: «أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَشَمْعُونَ فَهَذَا أَنَا ذَا عِيسَى وَشَمْعُونَ». اینها را باید به مسیحیان گفت. اگر می خواهید عیسی و شمعون را ببینید، به وجود مقدس امام زمان نگاه کنید. آنچه موسی، عیسی و شمعون دارند، همه در وجود مقدس امام زمان جمع شده است.

بعد می فرماید: «أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - فَهَذَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ هر کس می خواهد به وجود مقدس حضرت محمد و وصی ایشان امیرالمؤمنین نگاه کند، به چهره مبارک امام زمان

بنگردد. در روایت داریم که: «أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خُلُقًا وَخُلُقًا»؛^۱ وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه شبیه‌ترین مردمان از جهت خلقت و اخلاق به رسول خدا صلی الله علیه و آله است. بعد می‌فرماید: «أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ﷺ فَهَا أَنَا ذَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ»؛ هر کس دوست دارد به امام حسن و امام حسین علیهما السلام نگاه کند به امام زمان عجل الله فرجه نگاه کند. «أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ فَهَا أَنَا ذَا الْأَئِمَّةِ ﷺ»؛ هر کس می‌خواهد به دیگر امامان معصوم علیهم السلام نگاه کند، به امام زمان عجل الله فرجه بنگردد. هر فضیلت، کمال و منقبتی که در وجود ائمه معصومین علیهم السلام است، در وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه جمع شده است و امروز به وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه نگاه کند. بعد می‌فرماید: «أَجِيبُوا إِلَيَّ مَسْأَلَتِي»؛ جواب بدهید ای مردم! «يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ»؛ امروز بیایید جواب من را بدهید و بیایید به طرف من. «فَإِنِّي أَنبِئُكُمْ بِمَا نَبِئْتُمْ بِهِ وَمَا لَمْ تَنْبِئُوا بِهِ»؛ من به شما از آنچه که می‌دانید و از آنچه که نمی‌دانید خبر می‌دهم. همه چیزهایی که شما می‌دانید و نمی‌دانید را امام زمان عجل الله فرجه با علمی که خداوند به او عنایت کرده، می‌داند.

امام زمان عجل الله فرجه صاحب کمالات انبیا

خداوند همه کمالات و مناقبی که در وجود ائمه معصومین علیهم السلام و انبیای گذشته است را در عصارة خلقت جمع کرده است. یعنی فشرده همه انبیای الهی،

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶ - ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۶۷،

۲۹۵؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۰۵، ح ۴۹۶ و ۴۹۷؛ ج ۴، ص ۱۰۱، ح ۷۹۹.

بقیة الله است. چرا بقیة الله می گوئیم، زیرا خدا همه کمالات و فضایل انبیای گذشته را به یادگار خود روی زمین، یعنی امام زمان علیه السلام داده است. هرچه انبیا از علوم، کمالات و معارف آورده‌اند، فقط دو حرف از علوم است. در روایات آمده است هنگامی که امام زمان علیه السلام تشریف می آورند، ۲۵ حرف دیگر از علوم را نیز خواهند آورد. 'دو حرف علم است که دنیا از نظر علوم و فنون گوناگون این همه پیشرفت کرده است که می تواند به فضا برود و کارهای عجیب و غریب را انجام بدهد، اما اگر امام زمان علیه السلام ۲۵ حرف دیگر و ۲۵ علم واقعی را بیاورد، دنیا غوغا می شود. آیا مشکلی باقی می ماند؟! ناراحتی باقی می ماند؟! بیماری باقی می ماند؟! مردم دیگر نگرانی دارند؟! نه، همه اینها از بین خواهد رفت. از این رو تمام آنچه انبیای گذشته آوردند، همه دو حرف است؛ اما خداوند آنقدر این عزیز کرده خودش، این دُرْدانه خلقت و این آخرین را دوست دارد، همان گونه که انسان فرزند آخرش را بسیار دوست دارد؛ امام زمان نیز بقیة الله است و محبوب ذات اقدس الهی است که خداوند متعال هرچه داشت، به امام زمان علیه السلام بخشیده است و ایشان را برای رشد و هدایت بشر و نجات آنها از منجلاب پستی و دنیاپرستی فرستاده است و به مرحله کمال رسانده است. ما به مرحله کمال واقعی که تقرب به ذات اقدس الهی است و به آنجایی که به مرحله عبودیت واقعی است،

۱. قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ حلی، مختصر البصائر، ص ۳۲۰؛ مجلسی،

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۱۱۹۲.

نرسیده‌ایم. کمال واقعی در زمان امام زمان علیه السلام است. پس همه کمالات را امام زمان علیه السلام دارد. بلکه، بالاتر از اینها را دارد. خدا آنچه خواسته به ایشان عنایت کرده است.

در کتاب شریف *منتخب الاثر* روایتی نقل شده است.^۱ سند را ذکر می‌کند تا می‌رسد به: «عَنْ سَلْمَانَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْأُئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ شُهُورِ الْحَوْلِ؛ ائمه علیهم السلام، دوازده نفر هستند؛ به اندازه تعداد ماه‌های سال. «وَمِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، لَهُ هَيْبَةُ مُوسَى، وَبَهَاءُ عِيسَى؛ مهدی امت از خاندان ماست. هیبت موسی علیه السلام و بهای عیسی علیه السلام را به حضرت مهدی علیه السلام دادیم. «وَحُكْمُ دَاوُدَ»، حکم داوود علیه السلام را به ایشان دادیم. «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ، فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ، وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ». خداوند حکمی را که به حضرت داوود علیه السلام عنایت کرده تا به واسطه علمش با آن حکم کند را به امام زمان علیه السلام داده است. «وَصَبْرُ أَيُّوبَ» خداوند صبر ایوب را هم به او عنایت کرده است. یا در لوح حضرت زهرا علیها السلام که قبلاً خواندیم فرمود که امام زمان علیه السلام دارای کمال موسی،

۱. صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۱، ص ۵۱، ح ۶۹. «عَنْ سَلْمَانَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْأُئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ شُهُورِ الْحَوْلِ، وَمِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، لَهُ هَيْبَةُ مُوسَى، وَبَهَاءُ عِيسَى، وَحُكْمُ دَاوُدَ، وَصَبْرُ أَيُّوبَ».

۲. ص ۲۶. «ای داوود! ما تو را خلیفه و (جانشین خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد».

بهای عیسی و صبر ایوب علیه السلام است. خداوند کمالاتی که به انبیای الهی داده بود، همه را به وجود مقدس امام زمان علیه السلام داده است.

منظور از کمال موسی علیه السلام

علامه مجلسی رحمته الله کتابی به نام *مرآة العقول* دارند که به فارسی هم ترجمه شده است. این کتاب را حتماً مطالعه کنید. ایشان نقل می‌کند که کمال موسی علیه السلام چیست که خداوند به امام زمان علیه السلام عرضه داشته است. در *مرآة العقول* منظور از کمال موسی را بیان کرده است. «وَكَمَالُ مُوسَى عِلْمُهُ وَأَخْلَاقُهُ أَوْ قُوَّتُهُ عَلَى دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ»^۱. خداوند متعال به موسی علیه السلام علم داد. علم موسی علیه السلام را مسلم خداوند به امام زمان علیه السلام نیز داده است، بلکه بالاتر از آن را به حضرت عطا کرده است. خداوند همان علمی را که به حضرت موسی علیه السلام داده است، به امام زمان علیه السلام نیز عطا کرده است. بعد می‌فرماید: «وَأَخْلَاقُهُ»، موسی علیه السلام اخلاق پسندیده و حمیده‌ای داشت که پیروان حضرت مثل پروانه دور شمع وجود ایشان می‌گشتند و آن‌قدر به حضرت موسی علیه السلام علاقه داشتند، به خاطر اخلاق پسندیده‌شان بود. خداوند آن اخلاق را نیز به امام زمان علیه السلام عنایت کرده است؛ یعنی همان‌گونه که اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بالاتر از اخلاق موسی علیه السلام و انبیای گذشته است، «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۲؛

۱. مجلسی، *مرآة العقول*، ج ۶، ص ۲۱۵، ح ۳.

۲. قلم، ۴. «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری».

امام زمان علیه السلام نیز وارث اخلاق همه پیامبران، به ویژه اخلاق جد بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. از این رو می فرماید: **إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ**. خلق عظیمی را که به پیامبر صلی الله علیه و آله داد، به امام زمان علیه السلام نیز داده است. علامه مجلسی رحمته الله نقل می کند که خداوند می فرماید: ما قوتی را به ایشان دادیم که به حضرت موسی علیه السلام دادیم که کید اعداء را از بین ببرد. **«أَوْ قُوَّتُهُ عَلَى دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ»**. تمام نیرنگ اعداء و حیلله-هایی را که دشمنان حضرت موسی علیه السلام برای از بین بردن ایشان درست کرده بودند، همه را به وسیله این خدادادی آنها از بین برده است.

یکی از کیدهای دشمنان، هنگامی بود که برای اینکه حضرت موسی علیه السلام را از بین ببرند، شکم هزاران زن را دریدند؛ ولی خداوند متعال حضرت موسی علیه السلام را از کید آنها حفظ کرد. **«يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ»**؛ خداوند همان گونه که کیدشان را از بین برد و حضرت موسی علیه السلام را حفظ کرد؛ امام زمان علیه السلام را نیز حفظ کرده است. امام زمان علیه السلام را هنگام ولادت و زمانی که بر جنازه مطهر پدر بزرگوارشان نماز می خواندند و در زمان غیبت صغری و غیبت کبری حفظ کرده است. خداوند متعال آنچه به موسی علیه السلام داده بود را به امام زمان علیه السلام عطا کرده است؛ از این رو در روایت **«وَكَمَالُ مُوسَى»**؛ آنچه خداوند به وسیله آن موسی علیه السلام را کامل کرد، آن را به امام زمان علیه السلام داده است.

۱. بقره، ۴۹. «پسران شما را سر می بریدند و زنان شما را زنده نگه می داشتند».

منظور از بهای عیسی علیه السلام

«وَبَهَاءُ عَيْسَى»؛ خداوند بهای عیسی علیه السلام را نیز به امام زمان علیه السلام داد. در مجمع البحرین و مصباح المنیر از کتاب‌های لغت آمده است: «الْبَهَاءُ: الْحُسْنُ وَالْجَمَالُ»؛^۱ از معانی بهاء: حُسن، نیکویی، زیبایی و جمال است. حضرت عیسی علیه السلام پیامبری بسیار زیبا بود. از نظر ظاهری بسیار زیبا بود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز بسیار زیبا بودند. امام زمان علیه السلام نیز وارث این پیامبر علیه السلام است. خداوند متعال هرچه از حسن و جمال به عیسی علیه السلام، یوسف علیه السلام و پیامبران دیگر داد، همه آنها در وجود مبارک امام زمان علیه السلام است. بنابراین در لغت دارد: «الْبَهَاءُ: الْحُسْنُ وَالْجَمَالُ؛ وَبَهَاءُ اللَّهِ تَعَالَى: عَظَمَتُهُ»؛ بهاء خدا، یعنی عظمت خدا؛ عظمتی که به عیسی علیه السلام داد، آن را نیز به حضرت مهدی علیه السلام داد.

علامه مجلسی در جمله «وَبَهَاءُ عَيْسَى»، مطلبی دارد خیلی جالب که می‌فرماید: «وَالْبَهَاءُ: الْحُسْنُ؛ أَيْ حُسْنُ الصُّورَةِ وَالسَّيْرَةِ مَعاً مِنَ الزُّهْدِ وَالْوَرَعِ وَتَرْكِ الدُّنْيَا وَالْإِكْتِفَاءِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْمَطْعَمِ وَالْمَلْبَسِ»؛^۲ بهاء یعنی حسن و زیبایی، هم حسن صورت و هم حسن سیرت و باطن. حسن صورت به تنهایی فایده ندارد، اگر انسان زیبا باشد؛ اما سیرت پلیدی داشته باشد، و سینه‌اش مملو از کینه باشد، دیگر حسن نیست،

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۶۹؛ فیومی، مصباح المنیر، ص ۶۵.

۲. مجلسی، مرآة العقول، ج ۶، ص ۲۱۵، ح ۳.

بلکه مذمت و شر است؛ از این رو می‌فرماید: «الْبَهَاءُ: الْحُسْنُ؛ أَيُّ حُسْنِ الصُّورَةِ وَالسَّيْرِ مَعًا»؛ بلکه حسن عبارت از حسن صورت و سیرت است. «مِنَ الزُّهْدِ»، زهد داشته باشد؛ «وَالْوَرَعَ وَتَرَكَ الدُّنْيَا». خداوند همه این فضائل و جمالات را به حضرت عیسی علیه السلام داده بود. اگر بخواهند کسی را به عنوان تارک دنیا مثال بزنند، حضرت عیسی علیه السلام تارک دنیا بود. «وَالْإِكْتِفَاءُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْمَطْعَمِ وَالْمَلْبَسِ»؛ یعنی کسی که سیرتش به گونه‌ای است که به قلیلی از طعام و لباس اکتفا می‌کند. این گونه نیست که شکمش را پر کند و بخواهد وارد اجتماع شود. نه، اینها کسانی هستند که با گرسنگی خو کرده‌اند. کسانی هستند که لباسشان با دیگران فرق دارد. بهای واقعی به لباس ظاهری و حسن صورت نیست؛ بلکه به حسن سیرت است. لذا علامه مجلسی رحمته الله این گونه معنا می‌فرمایند. این بها را تمام آن را به امام زمان علیه السلام دادیم.

امام زمان علیه السلام دارای صبر ایوب علیه السلام

سپس می‌فرماید: «وَصَبْرُ أَيُّوبَ». مگر صبر ایوب چیست؟ حدود هفت سال آن قدر مشکلات بر حضرت ایوب علیه السلام وارد شد که برای هیچ‌کس قابل تحمل نیست. کسی نمی‌تواند آن را متحمل شود. آن قدر برای ایشان ناراحتی و مشکلات به وجود آمد، باین حال خدا را شاکر بود. قرآن می‌فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ



صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ^۱؛ ما ایوب را صابر یافتیم. این همه مشکلات و ناراحتی داشت، اما خدا را شکر کرد. «نِعْمَ الْعَبْدُ»؛ ایوب بهترین عبد خدا است. «إِنَّهُ أَوَّابٌ»، او بازگشتش به سوی خدا بود و همیشه خدا را می خواند. از خدا دور نشد. با خدا بود. در مشکلات خدا را فراموش نکرد. هنگامی که در ثروت و راحتی بود، نیز با خدا بود. شاکر خدا بود. همه صبر ایوب را به امام زمان علیه السلام دادیم.

الآن بیش از هزار سال است که امام زمان علیه السلام در غیبت به سر می برند. این همه مشکلات را تحمل کردند. این همه ناراحتی ها و گرفتاری های شیعیان را تحمل می کند. شیعیان در طول این هزار سال چقدر مصیبت دیدند. امام زمان علیه السلام همه را تحمل می کند. مسلم است که امام زمان علیه السلام ناراحت می شوند. این گونه نیست که غصه نداشته باشند. یک حادثه کوچکی که اتفاق می افتد، از بینی کسی به ناحق خون بریزد، اولین کسی که ناراحت می شوند امام زمان علیه السلام است. اگر می بینند که شیعیان مظلوم هستند، امام زمان علیه السلام ناراحت می شود؛ اما صابر هستند؛ صبر ایوب و بالاتر از آن را دارند. شاکرند و از خدا هم می خواهند که مشکلات را هرچه زودتر برطرف کند. اینها چیزهایی است که در این روایات نقل شده که به امام زمان علیه السلام اعطا شده است. چقدر حضرت صبر کردند. چقدر پدران بزرگوارش صابر بودند.

۱. ص، ۴۴. «ما او را شکیباً یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت کننده (به سوی خدا) بود».

امام زمان علیه السلام وارث صبر تمام ائمه گذشته است. این جمله خیلی ناراحت کننده است. آدم باید غصه بخورد و گریه کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «فَصَبْرَتْ وَفِي الْعَيْنِ قَدِّي وَفِي الْحُلُقِ شَجًّا»؛^۱ صبر کردم گویی خاشاکی در چشمم فرو رفته است. اگر خاشاکی در چشمتان فرو رود، می توانید چشمتان را بالا و پایین ببرید یا روی هم بگذارید؟ اصلاً نمی شود. چگونه بیست و پنج سال صبر کردند. «فِي الْعَيْنِ قَدِّي وَفِي الْحُلُقِ شَجًّا»، مثل اینکه استخوانی توی گلویم مانده باشد. کسی که الان استخوانی در گلویش گیر کند، چه می شود؟ اصلاً نمی تواند نفس بکشد و غذا بخورد؛ اما امیرالمؤمنین علیه السلام صابر بودند. این صبر را خداوند به امام زمان علیه السلام عنایت کرده است.

خواندن دعای عهد و یاد امام زمان علیه السلام در همه احوال

آنچه که انبیای سلف و ائمه معصومین علیهم السلام از کمالات، فضائل و مناقب دارند، خداوند متعال همه را به وجود مقدس امام زمان علیه السلام ارزانی داشته است. به خاطر این هاست که ما باید برای فرج آن حضرت بیش از پیش دعا کنیم. زیرا امام زمان علیه السلام ناراحت هستند و غصه دارند، اگر غصه نداشتند، ما راحت بودیم. ولی وقتی می بینیم امام زمان علیه السلام غصه دار است، چطور خوشحال باشیم. پس باید در همه مواقع از خدا بخواهیم و همیشه به یاد ایشان باشیم.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳ (ص ۴۸)؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۶۱.

در احوالات بعضی از علما آمده است که صبح و شام برای امام زمان علیه السلام گریه می کردند. دعای عهد را اصلاً فراموش نمی کردند. به خاطر دارم که آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه از مراجع بسیار موفق و مؤید من عندالله بوده که هنوز هم آثار و برکات ایشان در شهر مقدس قم، در حوزه علمیه و در شهرهای دیگر، حتی در اروپا باقی است. ایشان را دیده بودم بعد از نماز صبح، هر روز می نشستند و دعای عهد را می خواندند. با بیش از نود سال سن، امام زمان علیه السلام را فراموش نمی کردند.

تأکید مراجع به مبلغین بر یاد امام زمان علیه السلام در مجالس و منابر

حضرت آیت الله والد ما نقل می فرمودند که آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه خیلی از اوقات به آقایان طلاب و فضایی که می خواستند تبلیغ بروند، سفارش می کردند و می گفتند به یاد امام زمان علیه السلام باشید و مردم را هم به یاد ایشان بیاورید. ما هم نباید فراموش کنیم. ما باید اسم امام زمان علیه السلام را بر منابر و مجالس بیاوریم، از این طرف و آن طرف، از شرق، غرب، بالا و پایین بگوییم؛ ولی اسم امام زمان علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام را بیاوریم، از یاد مردم خواهد رفت. ایشان می فرمود: وظیفه طلاب و مبلغین این است که در منابر و در سخنرانی ها همیشه به یاد امام زمان علیه السلام باشند و مردم را به یاد آن حضرت بیاورند. اگر این گونه عمل کردیم، می توانیم از سربازان امام زمان علیه السلام باشیم، مانند علامه حلی، مقدس اردبیلی، سید بحر العلوم که سعادت پیدا کردند و امام زمان علیه السلام را درک کنند.

ملاقات علامه حلی با امام زمان علیه السلام

درباره علامه حلی در کتاب شریف *منتخب الاثر* نوشته شده است،^۱ جاهای دیگر نیز نقل شده است. همیشه برای مردم اتفاقات و حوادثی را بگویید که معتبر باشد. مثلاً تشریفاتی را بیان کنید که از نظر سند قوی و محکم باشد. بعضی از اینها در کتاب *منتخب الاثر* نقل شده است. نوشته‌اند علامه حلی علیه السلام برای زیارت امام حسین علیه السلام عازم کربلا شدند و بر مرکبش سوار بودند. همین‌طور که می‌رفتند ناگهان دیدند شخصی نزد ایشان آمده و پیاده راه می‌رفت. علامه سوار مرکب بود، ایشان نیز همزمان با علامه راه می‌رفتند. سپس از هر جایی، مطلبی و علمی صحبت می‌کردند.

علامه حلی تعجب کردند. شخصی که از نظر ظاهر عادی است، اما دریای علم است. مانده بودم که ایشان کی هستند. سپس مشکلات علمی و مطالبی که برای من در این چند سال مشکل شده بود، از نظر مسائل فقهی و ... از ایشان سؤال کردم، ایشان نیز همه را به بهترین وجه جواب داد تا رسیدم به سؤالی که اخیراً در آن مانده بودم، از حضرت سؤال کردم و حضرت جواب دادند. (البته ایشان نمی‌دانست که امام زمان علیه السلام است). سپس گفتم که چنین روایتی در این باره نداریم. شما از کجا این را می‌فرمایید؟ فرمودند: بله در کتاب شریف

۱. صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۴، ص ۲۴۸ - ۲۴۹.

تهدیب شیخ طوسی رحمته الله علیه در جلد چند، صفحه چند، سطر چند، این حدیث آنجا ذکر شده است. تعجب کردم؛ ایشان از کجا اینها را می‌داند و آدرس دقیق را به من می‌دهد. سپس پیش خودم گفتم نکند این شخص با دیگران فرق می‌کند. شخصی نباشد که ما دنبالش هستیم و دنیا تشنه زیارت ایشان است. همین‌طور که داشتم پیش خودم فکر می‌کردم، به ایشان گفتم آیا در زمان غیبت ممکن است خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه برسیم؟ همین‌طور که داشتم صحبت می‌کردم، چوب‌دستی و تازیانه کوچکی که در دستم بود، افتاد. سپس این آقا تازیانه را برداشتند و در دست من گذاشتند. و دست روی دستم گذاشتند و فرمود: بله، همان‌گونه که دستش الآن روی دست شماست، می‌توانید خدمت ایشان برسید. این را گفت، افتادم روی پای ایشان و بی‌هوش شدم. بعد از مدتی که به هوش آمدم، کسی را ندیدم. سپس وارد منزل شدم. همان آدرس کتاب تهدیب را که امام زمان عجل الله تعالی فرجه به من فرمودند، مشاهده کردم و روایت در آنجا نوشته شده بود. این علما چه ارتباطی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشتند! وجودشان، زندگیشان برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه بود. ان شاء الله ما هم از سربازان و یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشیم و در این ماه پربرکت مشمول دعای خالصانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه قرار بگیریم.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الَّذِينَ إِِنْ مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

یکی از آیاتی که بر ظهور موفورالسرور حضرت بقیةالله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - دلالت می کند، آیه چهل و یکم سوره حج است که خداوند متعال در این آیه می فرماید: کسانی را که ما به آنها حکومت و قدرت می دهیم، اینها چند نشانه دارند: اقامه نماز دارند، نماز را برپا می دارند، در راه خداوند

۱. حج، ۴۱. «همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خدا است.»

متعال زکات می دهند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند و برای خدا است عاقبت همه امور.

معنای آیه از نظر ظاهر همین بود، ولی از نظر تأویل، روایاتی از اهل بیت علیهم السلام در توضیح این آیه شریفه نقل شده است که بر وجود مقدس امام زمان علیه السلام دلالت می کند.

امام زمان علیه السلام وارث حکومت الهی

در کتاب شریف منتخب الاثر روایتی نقل شده است، البته حدیث سی و پنجم، سی و شش و چند حدیث دیگر نیز در همین باره است. حدیث سی و هفتم نقل می کند با اسنادی که ذکر می کنند.^۱

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ از امام باقر عليه السلام درباره اینکه خداوند متعال چنین می فرماید: «الَّذِينَ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۲ کسانی که در زمین به آنها مکنت،

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۶ - ۲۷. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»، قَالَ: هَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ، وَالْمُهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ يُمْلِكُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا، وَيُظْهِرُ الدِّينَ، وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يَرَى أَتْرَمَ مِنَ الظُّلْمِ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

حکومت و قدرت دادیم، نماز را برپا می‌دارند، زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. اینها چه کسانی هستند که قرآن می‌فرماید ما حکومت را به آنها خواهیم داد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «قَالَ: هَذِهِ لآلِ مُحَمَّدٍ وَالْمُهَدِيِّ وَأَصْحَابِهِ»؛ این حکومت و مکتب برای آل محمد علیهم السلام و حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب ایشان است. «يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»؛ خداوند متعال مُلک زمین، یعنی آنچه در روی کره زمین هست، در اختیار حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب ایشان قرار می‌دهد. حکوت زمین و شرق و غرب آن تحت سیطره امام زمان علیه السلام است. «وَيُظْهِرُ الدِّينَ»؛ اینها کسانی هستند که دین را ظاهر می‌کنند. اگر دین خدا تابه حال مخفی بوده و آنطور که باید نتوانسته در تمام جهان ظاهر شود، به وسیله حضرت و اصحاب خاص ایشان در سراسر گیتی ظاهر می‌شود.

زدودن بدعتها با ظهور امام زمان علیه السلام

«وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ»؛ بعد می‌فرماید خداوند متعال به وسیله وجود نازنین امام زمان علیه السلام و به وسیله اصحاب ایشان بدعتها و باطل را از بین می‌برد و نابود می‌کند. به وسیله ائمه معصومین علیهم السلام آنچه بر روی زمین بدعت است و به دین خدا اضافه کردند، از بین می‌روند.

امروزه مشاهده می‌کنیم نماز خواندن بسیاری از افراد به شکل و شیوه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند، نیست. بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله حتی نماز را تغییر دادند. این نمازی که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواندند، نیست. یا روزه‌ای که می‌گیرند یا عبادتی که

می‌کنند، تماماً با آنچه پیامبر اکرم ﷺ عرضه داشت، مغایرت دارد و بدعت‌هایی را در دین خدا ایجاد کردند. خودشان می‌گویند که در زمان پیامبر ﷺ حلال بوده، اما ما آنها را حرام کردیم.^۱ شما نمی‌توانید حلال پیامبر ﷺ را حرام کنید. آنها دین خدا را از بین بردند. در دین خدا بدعت گذاشتند. امام زمان ﷺ که ظهور کند - ان شاء الله - تمام این بدعت‌های باطل را از بین خواهد برد. «كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةُ الْحَقَّ»؛ آنها انسان‌های سفیهی بودند که حق را از بین بردند. چند روزی حکومت ظاهری پیدا کردند و دین خدا را عوض کردند.

باغبانان به هم غرض کردند	جوهر باغ را عرض کردند
نیست این باغ، باغ پیغمبر	باغبانان باغ را عوض کردند

امامان معصوم ﷺ ناهیان و منکران واقعی

آنها باغی را که پیامبر اکرم ﷺ درست کرده بود، از روی اغراض شخصی عوض کردند. سپس می‌فرماید: «كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةُ الْحَقَّ حَتَّى لَا يَرَى أَثْرَ مِنَ الظُّلْمِ» هنگامی که امام زمان ﷺ ظهور کردند، کاری می‌کنند که دیگر اثری از ظلم و فساد بر روی زمین نماند. «وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ همان‌گونه که آیه شریفه می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾؛ اینکه می‌گوید:

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۲۵؛ بیهقی، السنن الكبرى، ج ۷، ص ۲۰۶؛ ابن عبدالبر،

الاستذکار، ج ۵، ص ۵۰۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۱۹، ۵۲۱.

«أَقَامُوا الصَّلَاةَ»، مهم است، مگر تاکنون اقامه صلاة نبوده است؟! از این روایت استفاده می‌کنیم که اقامه صلاة واقعی نبوده، آن طوری که پیامبر ﷺ فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛^۱ آن گونه که من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید، آن گونه نبود. روایت داریم که همه چیز را - حتی نماز پیامبر ﷺ را - تغییر دادند.^۲ «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»؛ یعنی نماز واقعی. «وَأَتُوا الزَّكَاةَ»؛ یعنی زکات واقعی، «وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ این اشخاص امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. تاکنون معروف منکر شده بود. آنها واقعاً جلوی منکرات را می‌گیرند. تا قبل از ظهور حضرت ولی عصر ﷺ منکر، معروف شده بود؛ ولی به واسطه وجود مقدس امام زمان ﷺ، امر به معروف واقعی و نهی از منکر واقعی اتفاق می‌افتد.

در روایات نقل شده است که برای امر به معروف و نهی از منکر ثواب و فضیلت بسیاری قائل شدند و یکی از وظایف مهم مسلمانان و شیعیان، امر به معروف و نهی از منکر است. چرا امر به معروف از بین رفته؟ چرا در جامعه ما آن گونه که قرآن می‌فرماید امر به معروف و نهی از منکر نیست. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛^۳ باید از میان

۱. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ج ۳، ص ۸۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹.

۲. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳. آل عمران، ۱۰۴. «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند».

شما اشخاصی باشید که امر به معروف و نهی از منکر کنید. آنها کسانی هستند که رستگار شدند. کسی که امر به معروف و نهی از منکر دارد، رستگار است.

امام زمان علیه السلام احیاء کننده امر به معروف و نهی از منکر

روایت بسیار مهمی از امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه نقل شده که می فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفُتُهُ فِي بَحْرِ الْجُحِيِّ»؛^۱ خیلی عجیب است امیرالمؤمنین علیه السلام برای اهمیت امر به معروف می فرماید: تمام اعمال و خوبی ها مانند نماز، روزه، زکات و جهاد در راه خدا که این همه ثواب دارد که در روایت آمده است: «فَتَحَّهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ»؛^۲ خداوند باب جهاد را برای اولیای خاص خود گشوده است؛ در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند آب مختصری از دهان است در مقابل اقیانوس بی کرانی که پر از آب است. انسان در مقابل اقیانوس اطلس، هند یا در مقابل دریای مازندران قرار بگیرد و مقداری از کف دستش را خیس کند، سپس به او بگوید اگر تو آب داری، من نیز آب دارم. اصلاً به حساب نمی آید. همه اعمال نیک، خوبی ها و جهاد در راه خدا در نزد امر به معروف و نهی از منکر، مثل

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۸۰ (ص ۵۴۳). ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۳۰۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السَّلْمِيِّ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - : أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَسَوَّغَهُمْ كَرَامَةً مِنْهُ لَهُمْ، وَنِعْمَةً دَخَرَهَا، وَالْجِهَادُ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى، وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ، وَجُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ...».

همین آب دهانی است که در مقابل دریا قرار گرفته است. اگر ما امر به معروف را ترک بکنیم، امام زمان علیه السلام این معروف واقعی را که ترک شده می آید احیا می کند؛ منکر که در جامعه رواج پیدا کند، امام زمان علیه السلام جلوی این منکر را می گیرد. از این رو می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ». نماز واقعی که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بود، دوباره برمی گردد. زکاتی که دوران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، دوباره برمی گردد. «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ»؛ معروف واقعی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. آن زمان امر به معروف واقعی انجام می شود. امر به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و رسالت تمام انبیای الهی، که همه رسالتشان برای نشان دادن ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بود. «وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ از ایجاد حکومت های فاسد جلوگیری می کند. فساد که مفسدین روی زمین ایجاد کرده اند، به وسیله امام زمان علیه السلام و اصحاب ایشان از بین می رود. مفسدین جلوی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفتند، امام زمان علیه السلام نیز جلوی آنها را خواهد گرفت. «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ به شما هم این امید را می دهد که ناراحت نباشید و غصه نخورید. عاقبت امور برای خدا و برای متقین است. «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱. کسانی که با خدا و ائمه معصومین علیهم السلام باشند. عاقبت دنیا و حکومت دنیا و آنچه که انسان را به سعادت واقعی می رساند، در دست ائمه معصومین علیهم السلام است.

امام زمان علیه السلام مرابط و واسطه خداوند بر روی زمین

این آیه شریفه بر وجود مقدس امام زمان علیه السلام دلالت می‌کند که حکومت و سلطنت واقعی در دوران امام زمان علیه السلام اتفاق می‌افتد. وظیفه مهمی که ما در عصر غیبت داریم و باید همیشه به فکر این وظیفه باشیم و آن را به خوبی انجام دهیم، ارتباطی است که باید با امام زمان علیه السلام داشته باشیم، آن هم ارتباط دائمی و همیشگی؛ خودمان را در اختیار امام قرار دهیم و آنچه از ما می‌خواهد، انجام دهیم. آیه شریفه که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»^۱ روایت داریم که مرابط، امام زمان علیه السلام است. «مِنَّا»، می‌فرماید از ماست مرابط واقعی که امام زمان علیه السلام است. مرابط یعنی کسی که ثغور و حدود مسلمانان را حفظ کند. ما دو جور حد و مرز داریم؛ یکی مرزهای زمینی و جغرافیایی؛ یکی مرزهای دینی و عقیدتی است. ما باید همیشه با امام زمان علیه السلام در ارتباط باشیم و بتوانیم ارتباطمان را حفظ کنیم. به ایشان توسل داشته باشیم. شیعه در دوران غیبت تنها نیست. امام و مولا دارد، چقدر اشخاص گرفتاری در دوران غیبت بودند که به امام زمان علیه السلام توسل پیدا کردند. توسل این‌گونه نیست که برخی متأسفانه می‌گویند اگر شما به وسیله امام زمان علیه السلام یا به وسیله ائمه معصومین علیهم السلام به خدا متوسل شوید، شرک

۱. آل عمران، ۲۰۰. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (در برابر مشکلات و هوس‌ها)، استقامت

کنید؛ و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا

پرهیزید، شاید رستگار شوید».

است. اینها خنده دارد. آیات قرآن کریم را نخوانده‌اند. مگر از امام زمان علیه السلام چه می‌خواهیم؟! ما در دعای توسل چه می‌گوییم؟ «إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»^۱ نزد خداوند از ما شفاعت کن. آیا این‌گونه توسل شرک است؟ آیا از غیر خدا خواستن است؟ «إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ؛ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» همه‌اش عندالله است. در دعای توسل چندین مرتبه «عِنْدَ اللَّهِ» می‌گوییم. همه‌جا همین است. «يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ»، این است. اینها پیش خدا مقام دارند؛ به خاطر اینکه شأن و مقامشان آنقدر بالاست، ما آنها را نزد خدا واسطه قرار می‌دهیم؛ از این‌رو باید به حضرت توسل داشته باشیم و در مقابل کسانی که این شبهه را ایجاد کردند و اشکال کردند، جواب دهیم.

شفاعت پیامبران علیهم السلام

آیات شریفه قرآن بیان می‌کند که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام، بعد از اینکه فهمیدند کارهای زشتی انجام دادند و پدرشان را اذیت کردند و یعقوب علیه السلام را آنقدر اذیت کردند که «وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ»^۲ چشم مبارک پیامبر نابینا شد. یوسف علیه السلام را این‌همه اذیت کردند. یوسف علیه السلام سال‌ها در زندان افتاد. بعد متوجه شدند و نزد پدر بزرگوارشان گفتند: «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»^۳ ای پدر بزرگوار!

۱. ر.ک: محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای توسل.

۲. یوسف، ۸۴ «چشمان او سفید شد».

۳. یوسف، ۹۷: «گفتند: پدر از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم».

برای ما استغفار کن از گناهانمان! مگر خودشان نمی‌توانستند استغفار کنند، آنها می‌دانستند، زیرا فرزندان پیامبر ﷺ بودند. قرآن نیز نقل می‌کند که باید واسطه بزرگی را خدمت خداوند متعال قرار بدهند تا به وسیله آن واسطه، توبه آنها را قبول کند؛ از این رو حضرت یعقوب ﷺ هم فرمود: ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ﴾؛ به زودی برای شما طلب آمرزش می‌کنم. حضرت یعقوب فرمود: ﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ﴾؛^۱ در روایت داریم فرمود تا شب جمعه بیاید.^۲ مثل چنین شبی (شب جمعه) برای شما استغفار می‌کنم. پس هم زمان مهم است، هم شخص، مثل شب جمعه، شب قدر و شب‌هایی که مبارک است. با توسل به ائمه معصومین ﷺ - کسانی که پیش خداوند متعال ارزش و منزلت دارند - از آنها بخواهیم که برای ما شفیع شوند.

شفاعت پیامبر اکرم ﷺ از گناهکاران

در آیه شریفه دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛^۳ می‌فرماید: ای پیامبر! مردم گناهکار

۱. یوسف، ۹۸. «گفت به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم».

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۰۳؛ بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۲۰۷؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳. نساء، ۶۴. «و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذارند)، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند».

نزد تو می آیند، برای اینکه واسطه بین خدا و خلق بشوی و تو را شفیع قرار می دهند. «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ»؛ اگر به خودشان ظلم کردند، سپس پیش تو آمدند و گفتند که از خدا بخواه که ما را بیامرزد، به ما رحم کند و ما را مورد لطف و مرحمتش قرار دهد. «فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ»؛ و خدا را استغفار کردند. «وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ»؛ و پیامبر خدا ﷺ نیز برای آنها استغفار کرد. «لَوْ جَدُّوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»؛ خدا توبه آنها را، به واسطه اینکه نزد پیامبر اکرم ﷺ آمدند، قبول می کند.

جواز توسل به پیامبر ﷺ و امامان ﷺ بعد از حیاتشان

این آیه شریفه را در روزهای شنبه در زیارت حضرت رسول اکرم ﷺ می خوانید.^۱ اگر هر روز زیارت را می خوانید، روز شنبه به رسول اکرم ﷺ تعلق دارد. پیامبر اکرم ﷺ هزار و سیصد سال پیش از دنیا رفتند؛ ولی مسلمانان هر روز به ویژه روز شنبه این آیه شریفه را می خوانند. اینها می گویند مرده اند. نه، مردن نداریم. اولاً؛ اولیای خدا زنده و مرده ندارند. مگر قرآن نفرموده است که شهید زنده است؟! غیر از این است؟! «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛^۲ ولیکن ما به جسم توسل نداریم، بلکه به مقام امامان معصوم ﷺ توسل داریم؛ همان گونه که آن زمان در

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۰ - ۵۵۱؛ ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۵ - ۱۶؛ صدوق،

من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۶۵ - ۵۶۸.

۲. آل عمران، ۱۶۹. «و هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند؛ بلکه آنان

زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند».

نزد خداوند مقام و منزلت داشتند، این مقام و این منزلت اکنون نزد خداوند متعال باقی است، چه فرقی دارد؟ چگونه زمانی که زنده هستند، می‌توانیم توسل پیدا بکنیم؟! اگر توسل شرک است، زمان زنده بودن نیز شرک است. اگر توسل شرک است، هنگامی که نزد پیامبر ص می‌آمدند یا هنگامی که فرزندان یعقوب ع از ایشان خواستند که از خدا بخواهد که آنها را بیامرزد، نیز شرک است. فرق نمی‌کند. چه زمان حیات باشد، چه زمان مماتشان باشد، به خاطر مقام و منزلتی که خداوند به ائمه ع داده است، آنها را واسطه فیض قرار می‌دهیم و می‌گوییم خدایا ما که مقامی نداریم، و گنهکار هستیم و پیش تو ارزشی نداریم؛ به واسطه وجود مبارک ائمه معصومین ع ما را مورد لطف و مرحمت خودت قرار بده و ما را بیامرز. این است که ما باید همیشه به امام زمان ع توسل بجوییم. ما باید به امام زمان ع توسل داشته باشیم و همه آنها را قبول داریم. می‌دانیم در نگاه خدا ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^۱ وسیله ما چهارده معصوم ع هستند. زیرا انبیای گذشته مثل آدم ع، نوح ع، موسی ع، عیسی ع و همه انبیاء ع برای رفع مشکلات به چهارده نور پاک متوسل می‌شدند که اولین آنها حضرت محمد ص و آخرین آنها نیز امام زمان ع است. همه انبیاء، هنگام مشکلات به آنها متوسل می‌شدند. اگر خدا توبه آدم را قبول کرد، اگر خداوند موسی و عیسی را از این همه مشکلات نجات داد، بنی اسرائیل را از این همه مشکلات نجات داد، به خاطر انوار مقدس ائمه معصومین ع بود.

۱. مائده، ۳۵. «و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید».

امام زمان علیه السلام مشتاق دیدار و ملاقات با شیعیان

ما باید به آنها توسل داشته باشیم. نه اینکه منتظر باشیم که شب جمعه‌ای بیاید، ماه رمضان بیاید. نه، دعای افتتاح را همیشه بخوانیم. دعای عهد را همیشه بخوانیم. بدانیم که امام زمان علیه السلام دوست دارد با ایشان صحبت کنیم. امام زمان علیه السلام لذت می‌برد، وقتی شیعیانش به درگاهش می‌آیند. با آنها صحبت می‌کند.

قضیه انار را که می‌دانید. بحرینی‌ها نزد امام زمان علیه السلام رفتند، سپس به حضرت گفتند چرا شب سوم جواب ما را دادید. امام فرمود: شما سه شب مهلت خواستید. اگر همان شب اول مهلت نخواستید بودید، من مشکل شما را حل می‌کردم. شما سه شب خواستید. پس ما باید مشتاقانه به طرف امام زمان علیه السلام بشتابیم. به امام رئوف و مهربان، توسل داشته باشیم. یکی از راه‌های ارتباط با امام زمان علیه السلام عریضه‌نویسی است.

عریضه‌نویسی

علمای سلف برای امام زمان علیه السلام عریضه می‌نوشتند. در کتاب شریف *نجم الثاقب* و در کتب دیگر مثل *منتهی الآمال* و دیگر کتب صورت عریضه را نوشته‌اند. زمانی که خود امام زمان علیه السلام بودند و به ایشان دسترسی داشتند، مردم می‌رفتند به نوآبشان عریضه می‌دادند و امام زمان علیه السلام نیز جواب می‌دادند. الآن که حضرت در غیبت هستند، چگونه عریضه بنویسیم؟ واقعاً اگر ما از همه جا انقطاع

واقعی پیدا کنیم و خدمت امام زمان علیه السلام عرض ادب کنیم، حتماً حضرت جواب ما را خواهد داد.

عریضه نویسی آخوند ملا محمد جواد صافی و جواب آن

درباره عریضه نویسی شواهد و قرائن بسیاری داریم. از جمله: حضرت آیت الله جد ما آخوند ملا محمد جواد صافی رحمته الله، ایشان می دانید از کسانی بودند که به امام زمان علیه السلام علاقه بسیاری داشت و بسیاری از کتاب هایی که نوشتند، درباره امام زمان علیه السلام بوده؛ همچنین چند هزار بیت شعر فارسی و عربی در مدایح اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام زمان علیه السلام نوشته اند. در حالات ایشان خود حضرت آیت الله والد معظم ما نقل می کردند که زمانی سردرد بسیار شدیدی گرفته بودند و اطبا از سردرد ایشان عاجز شده بودند و نمی توانستند ایشان را معالجه کنند. مدت ها این سردرد طول کشید. بعد نوشته اند روزی همسر ایشان گفت که شما که این همه به امام زمان علیه السلام اظهار علاقه می کنید، خدمت حضرت عریضه ای بنویسید، شاید امام علیه السلام نظر لطفی بفرمایند.

ایشان با اینکه دستشان می لرزید، ولی با همان دست لرزان عریضه را نوشتند. جلوی منزل ایشان مسجدی بود، معروف به مسجد قطب. البته مسجد را خراب کردند، دوباره از نو ساختند. مسجد قدیمی اش را ما دیده بودیم. در داخل مسجد چاه آبی بود. معمولاً قدیم در مساجد و منازل چاه زیاد بود، به خاطر اینکه آب



لوله‌کشی نبود، اکثر مردم چاه آب داشتند. ایشان می‌گویند که از منزل بیرون آمدند و زیر بغلش را گرفتند، با آن حالی که داشتند و این عریضه را داخل چاه انداختند. خدمت امام زمان علیه السلام عرض ادب کردند. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»، عریضه را انداخت و برگشت.

نوشته‌اند (آنجا نوشته‌اند تردید از ماست یا به خانه نرسیده بودند، یا وسط کوچه. از مسجد تا خانه حدود شش متر است)، به وسط کوچه که رسیدند، دردسرش کاملاً برطرف شد. به خاطر عریضه‌نویسی خدمت امام زمان علیه السلام دیگر تا آخر عمر به سردرد مبتلا نشده بود. درحالی که بعضی منکر می‌شوند. ما گاهی وقت‌ها فقط با قلب می‌توانیم با امام زمان علیه السلام صحبت کنیم و به وصال برسیم.^۱

شب جمعه، شب رحمت و آمرزش

امشب، شب جمعه هست و به یاد همه بزرگان، علما، فقها و مراجع گذشته باشیم. از خداوند متعال می‌خواهیم که در این شب عزیز ارواح همه مؤمنین و مؤمنات را قرین رحمت کند. شب جمعه آخر ماه رمضان است. احادیث بسیاری درباره شب‌های جمعه نقل شده است که چگونه اموات منتظر هستند. روایت داریم که ارواح مرده‌ها به درب خانه‌ها می‌آیند و داد می‌زنند که به ما کمک کنید و ما را نجات دهید. به هر وسیله‌ای که می‌توانید ما را نجات دهید. یا

۱. این مطالب در احوالات آیت‌الله العظمی، حاج آقا علی صافی رحمته الله علیه است.

به وسیله خیرات، یا به وسیله قرآن.^۱ همه اموات منتظر هستند. خداوند متعال در این شب عزیز اموات مؤمنین و مؤمنات را مورد رحمت و غفران بی کران خودش قرار دهد.

عریضه جهت درخواست حاجت

ایشان می گفتند وقتی که به قم آمده بودیم (زمان مرحوم حاج شیخ بود) طلاب در گذشته سختی هایی زیادی می کشیدند. این سختی ها از نظر اقتصادی همیشه بوده؛ ولی گاهی وقت ها خیلی در مضیقه بودند، ایشان می فرمود که گاهی اوقات پدرمان مدت ها چیزی برایمان نمی فرستادند. ما نیز معذب بودیم که از کسی عرض حال بکنیم و شهریه هم نمی گرفتیم. ایشان می فرمود مدت سه سالی که قم بودم، شهریه آیت الله العظمی حائری رحمته الله را نگرفتم. بعد از مدتی که در سختی بودم و نتوانستم دیگر زندگی کنم، عریضه ای خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه نوشتم. در کنار مسجد اعظم رودخانه بسیار بزرگی بود و آب از رودخانه جاری بود. عریضه را در رودخانه انداختم. به طرف حرم مطهر آمدم. هنوز به صحن اتابکی نرسیده بودم که وسط صحن شخصی به من گفت که مبلغی پول دارم و می خواهم به شما تقدیم کنم. شاید پنج دقیقه از این قضیه نگذشته بود.

۱. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۶۹؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۸۴.

توجه امام زمان علیه السلام به شیعیان و وظیفه شیعیان

از این موارد در زندگی علما و فقهای ما زیاد است. اینها چیزهای آسانی برایشان بود. مشکلات شیعیان را حل می‌کردند. امام زمان علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام مشکلات بزرگ شیعیان را به راحتی حل می‌کردند. البته مشکلات زیاد است؛ ولیکن ما باید با مشکلات بسازیم. امام زمان علیه السلام به شیعیانش نظر دارد. بالاخره وضعیت اقتصادی امروز بسیار سخت است، اما اگر صابر باشید، امام زمان علیه السلام نیز در حق شما دعا می‌کند. ما هم برای ایشان دعا کنیم و با هر وسیله‌ای با ایشان ارتباط داشته باشیم. یکی می‌تواند درباره امام کتاب بنویسد، مثل کتاب شریف *منتخب الاثر، کمال الدین* و دیگر کتاب‌ها. یکی می‌تواند سخنرانی می‌کند و مردم را به یاد امام زمان علیه السلام بیندازد. هرکس به هر وسیله‌ای. الآن در فضای مجازی طلاب و جوانان عزیز می‌توانند وارد شوند. شبهات را جواب بدهند. امروزه دشمنان امام زمان علیه السلام به ویژه بهایی‌ها می‌کوشند عقاید شیعیان و جوانان ما را از بین ببرند. ما باید وارد شویم و با هم مشغول شویم؛ به صورت گروهی در فضای مجازی شروع کنیم؛ بلکه بتوانیم به این شبهات پاسخ دهیم. چقدر تأثیرگذار است. چقدر انسان از زندگیش لذت می‌برد.

پاسخ به شبهات اعتقادی توسط مراجع

مرجع بزرگوار آیت‌الله بروجردی علیه السلام نقل می‌کردند که حضرت آیت‌الله والد ما می‌فرمودند: ایشان گفتند من یک سال به بروجرد رفتم. دیدم که مردم درباره امام زمان علیه السلام از من سؤال‌هایی می‌پرسند که قبلاً چنین سؤال‌هایی نکرده بودند.

بالاخره پرسیدم، چه خبر است؟ فهمیدم که بهایی‌ها آمدند و دارند سم‌پاشی می‌کنند. وظیفه خودم دانستم، آنجا یک ماه تمام درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای مردم صحبت کنم و مردم را از این گمراهی نجات دادم.

عین همین مطلب را آیت‌الله حائری رحمته الله دارند که ایشان نیز می‌فرمودند: وقتی به اراک رفته بودند، به خاطر اینکه فرقه‌های بهایی همه‌جا بودند و اکثر شهرهای ایران را گرفته بودند. ایشان فرمود که وقتی آنجا رفتم، دیدم سؤالاتی می‌کنند و متوجه شدم که بهایی‌ها آنجا مشغول انحراف مردم هستند. ایشان فرمودند که یک ماه درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه صحبت کردم. این افتخار برای ماست. اینها فقیه و مجتهد بودند. اینها اصولی بودند، اما در آن بزنگاه باید وظیفه اصلی خودشان را انجام دهند.

وظیفه اصلی حوزه‌های علمیه تبلیغ امر ولایت

وظیفه اصلی همه حوزه‌ها امر ولایت است، به‌ویژه ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه. وظیفه ما رساندن ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه به صورت شفاف، واضح و روشن به همه دنیا است. نباید گروهی - نعوذ بالله - گمراه شوند. اینها ولایت را نمی‌فهمند، مطالعه ندارند، احادیث را نخوانده‌اند، وگرنه برای چه گمراه شوند. روایاتی درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه است که می‌فرماید چند نفر به عنوان مهدی امت وارد می‌شوند، اینها بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. آنها مثلاً به عنوان نواب امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌آیند. هنوز امام زمان عجل الله تعالی فرجه ظهور نکرده، ادعا می‌کنند ما مهدی امت هستیم که بعد از امام زمان عجل الله تعالی فرجه آمدیم. جوابش خیلی راحت است. وقتی اجازه می‌دهید مهدی بیاید، بعد

ادعا نکنید. درحالی که هنوز امام زمان علیه السلام ظهور نکرده، اعلام می کند ما فرزند امام زمان علیه السلام هستیم و برای هدایت مردم آمدیم. آن روایات هم اگر صحیح باشد، برای بعد از ظهور حضرت است، نه اینکه الآن ادعا کنیم. چرا بدون مطالعه وارد می شوید. باید اینها را بدانیم، صحبت کنیم و از بزرگان بپرسیم. اگر اشکالی بود، همین طوری رد نشویم. بزرگان ما به ویژه بزرگان حوزه علمیة قم همه آمدند و جوابشان را دادند. خیلی از علما جواب این اشکالات را دادند. بیاییم اینها را بخوانیم. پاسخ آنها خیلی روشن و راحت است. درهرحال باید با امام زمان علیه السلام ارتباط داشته باشیم و آن را حفظ کنیم، به خصوص روزهای جمعه که به امام زمان علیه السلام تعلق دارد در دعای ندبه و دعاهای دیگر به امام زمان علیه السلام عرض ادب کنیم.

«لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تُرَى، أِبْرَضُوى أُمِّ غَيْرِهَا
أُمِّ ذِي طُوًى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَلَا تُرَى»^۱ همه را بینم تو را نبینم.

خدایا همه ما را از سربازان واقعی امام زمان علیه السلام قرار بده.

به حقیقت محمد و آل محمد فرج ایشان را نزدیک بگردان.

به حقیقت محمد و آل محمد این ماه مبارک رمضان را ماه ظهور آن حضرت

قرار بده.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۸؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان (بخشی از

دعای ندبه).



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۱

در این آیه می فرماید: خداوند کلمه و امر کسانی را که کافر شدند به صورت سفلی و در حد پایین قرار می دهد و آنها را نابود خواهد کرد و از طرفی کلمه الله را خداوند در مرتبه بسیار بلند و با عظمتی قرار می دهد، و خدا است که دارای عزت است و توانا و حکیم است.

۱. توبه، ۴۰. «و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد (و آنها را با شکست مواجه ساخت)؛

و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است.»

بحث ما درباره آیات شریفه مهدویت است، روایاتی از اهل بیت علیهم السلام درباره این آیه نقل شده است که زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام زمانی است که خداوند کلمه خودش را در مرتبه بالا قرار می‌دهد و دشمنان و کافران را ذلیل و نابود خواهد نمود.

در ذیل این آیه، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از کتاب شریف البرهان فی تفسیر القرآن و کتاب شریف بحار الانوار نقل شده است. ^۱ «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنتَهَى؛ زَمَانِي كَهَ بِيَامِبرِ ﷺ رَا بَه آسْمَانِ هَفْتَمِ عُرُوجِ دَادَنْدِ وَ بَا بَدَنِ خَاكِي بَه آسْمَانِ هَفْتَمِ رَفْتَنْدِ وَ از

۱. بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۴۸۸ - ۴۸۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴۱ - ۳۴۲؛ ج ۲۳، ص ۱۲۸.
 «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنتَهَى، وَمِنَ السِّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ النُّورِ، نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي، وَأَنَا رَبُّكَ، فَبِي فَانْخَضِعْ، وَإِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ، وَبِي فَتَقَوَّ، فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْدًا وَحَبِيبًا وَرَسُولًا وَنَبِيًّا، وَبِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَبَابًا، فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِي وَإِمَامٌ لِحَلْقِي، بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي، وَبِهِ يَمَيِّزُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي، وَبِهِ يُقَامُ دِينِي، وَتُحْفَظُ حُدُودِي، وَتُنْفَذُ أَحْكَامِي، وَبِكَ وَبِهِ وَبِالأَئِمَّةِ مِنْ وَوَلِدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَإِمَائِي، وَبِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَتَقْدِيسِي وَتَهْلِيلِي وَتَكْبِيرِي وَتَمْجِيدِي، وَبِهِ أُظْهَرُ الأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي، وَأُورِثُهَا أَوْلِيَائِي، وَبِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِي السُّفْلَى، وَكَلِمَتِي العُلْيَا، وَبِهِ أُخَيَّرُ عِبَادِي وَبِلَادِي بِعِلْمِي، وَلَهُ أُظْهَرُ الكُنُوزَ وَالدَّخَائِرَ بِمَشِيئِي، وَإِيَّاهُ أُظْهَرُ عَلَى الأَسْرَارِ وَالصَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي، وَأَمِدُّهُ بِمَلَائِكَتِي لِتُؤَيِّدَهُ عَلَى إِنفَازِ أَمْرِي وَإِعْلَانِ دِينِي، ذَلِكَ وَلِيِّ حَقًّا، وَمَهْدِيٌّ عِبَادِي صِدْقًا».

آنجا نیز به سدره‌المنتهی و به مقام بالایی که به جز پیامبر ﷺ کسی نمی‌توانست - حتی ملائکه و فرشتگان الهی - به آنجا برسد. «وَمِنَ السَّدْرَةِ إِلَى حُجُبِ النُّورِ»؛ و بعد از آن نیز از سدره‌المنتهی به حجب نور رسیدند. جایی که تمام حجاب‌ها برداشته می‌شود و خداوند متعال در آنجا با پیامبر ﷺ صحبت کرد و منادی که خداوند متعال بود، ندایی داد. «نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ»؛ خداوند مرا صدا کرد و فرمود: «يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ». ای محمد ﷺ تو بنده من هستی و من هم پروردگار توام. این بزرگ‌ترین افتخار برای پیامبر ﷺ است که: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

توصیه به خضوع، توکل و اعتماد به خدا در معراج

خداوند فرمود: «يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ»؛ تو بنده من هستی و من هم پروردگار تو هستم. «فَلِي فَاخْضَعْ»؛ برای من خاضع و خاشع باش و به درگاه احدیت و ربوبیت و ذات لایزال الهی خضوع کن. «وَأَيَّيَّ فَاغْبُدْ»؛ و مرا عبادت بکن؛ «وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ»؛ و در زندگی و تمام کارها بر من توکل کن و من را پشتیبان واقعی خودت بدان. «وَبِي فَثِقْ»؛ و به من توثیق و اعتماد بکن؛ یعنی کسی که می‌توانی به او اعتماد کنی، من هستم.

«فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْدًا وَحَبِيبًا وَرَسُولًا وَنَبِيًّا»؛ من هم راضی می‌شوم به اینکه تو بنده من و حبیب و دوست من باشی، «وَبِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَبَابًا»؛ و به برادرت امیرالمؤمنین علی ﷺ راضی می‌شوم که خلیفه بعد از تو باشد. همچنین باب باشد.

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا»^۱ «فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِي»، امیرالمؤمنین علیه السلام حجت من بر بندگانم است. «وَأِمَامٌ لِحَلْقِي»؛ و او امام خلق من و پیشوای من است.

ائمه معصومین علیهم السلام معیار شناخت دوست و دشمن

پیشوای تمام خلق من امیرالمؤمنین علیه السلام است. «بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي»؛ به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام، اولیای من از دشمنانم شناخته می‌شوند. هرکس با علی علیه السلام باشد، او از دوستان من است، و هرکس از علی جدا شد و راهی غیر از ایشان را پیش بگیرد، از دشمنان من است. از این رو می‌فرماید: «فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْدًا وَحَبِيبًا وَرَسُولًا وَنَبِيًّا وَبِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَبَابًا؛ فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِي، وَإِمَامٌ لِحَلْقِي، بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي، وَبِهِ يُمَيِّزُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي»؛ به واسطه وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام حزب شیطان از حزب الله تمییز و جدا می‌شود. حزب شیطان کسانی هستند که با امیرالمؤمنین علیه السلام نیستند و از ایشان جدا شدند. شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام حزب من و حزب الله هستند. «وَبِهِ يُقَامُ دِينِي»؛ به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام دین من اقامه می‌شود. حقیقت دین به وجود امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ اگر دیگران بگویند ما دین و احکام را رعایت می‌کنیم، درواقع حقیقت دین را به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام درک نکردند. «وَتُحْفَظُ حُدُودِي»؛ حدود من و حدود دین مقدس اسلام به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام حفظ می‌شود. «وَتُنْفَذُ أَحْكَامِي»؛ احکام من

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۳۰.



به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام نفوذ پیدا می کند و محکم می شود. من احکام را به او دادم و او می تواند در میان مردم نفوذ داشته باشد و نافذ احکام من باشد.

امامان معصوم علیهم السلام واسطه رحمانیت و رحیمیت الهی

«وَبِكَ وَبِهِ وَبِالْأَيُّمَةِ مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَإِمَائِي»؛ خداوند متعال در شب معراج با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت می کند و این مطالب را برای ایشان بیان می کند. و به واسطه تو ای حبیبم! و به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام و به واسطه امامان از فرزندانش به بندگانم رحم می کنم، من که ارحم الراحمین هستم. روزی چند مرتبه در نمازها «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می خوانید. رحمانیت خدا به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام بر ما نازل می شود؛ و گرنه هزاران بار بسم الله هم بگویید، بدون آنها فایده ای ندارد. متأسفانه آنها بسم الله را هم حذف کردند. زیرا می دانند وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول نداشته باشند، از رحمانیت خدا دور هستند؛ از این رو در نماز بسم الله نمی گویند.

«وَبِكَ وَبِهِ وَبِالْأَيُّمَةِ مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَإِمَائِي»؛ خداوند می فرماید: اگر من رحمان و رحیم هستم و به بندگانم رحم می کنم، به خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است.

تطهیر زمین از کافران به واسطه ظهور امام زمان علیه السلام

«وَبِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَغْمُرُ أَرْضِي»؛ به واسطه قائم از شما، زمینم را آباد می کنم. آباد شدن زمین این گونه نیست که مثلاً ساختمان یا خیابان درست شود. خداوند



می فرماید: «بِتَسْبِيحِي وَتَقْدِيسِي وَتَهْلِيلِي وَتَكْبِيرِي وَتَمْجِيدِي»؛ به واسطه وجود امام زمان علیه السلام همه دنیا تسبیح گوی خداوند متعال می شوند. با ظهور موفورالسرور امام زمان علیه السلام همه مردم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گو می شوند و به واسطه وجود مبارک ایشان، خدا را تکبیر، تمجید و تقدیس می کنند.

«وَبِهِ أَطَهَّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي»؛ به واسطه وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام زمین را از دشمنانم تطهیر می کنم و نمی گذارم دشمنی بر روی زمین باقی بماند. وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند، با حکومت ایشان دشمنی بر روی زمین باقی نمی ماند. «وَأُورِثُهَا أَوْلِيَائِي»؛ و هر چیزی که اولیای من دارند به او خواهم داد.

«وَبِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِِي السُّفْلَى»، اشاره به آیه چهل و چهارم سوره توبه: «وَجَعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱ در اینجا خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَبِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِِي السُّفْلَى»؛ به واسطه وجود امام زمان علیه السلام کسانی را که کافر شدند، در مرتبه پایین قرار می دهم و نابودشان می کنم. «وَكَالِمَتِي الْعُلْيَا». قرآن می فرماید: «وَكَالِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا»؛ کلمه خودم را در بلندی و مرتبه بالایی از عظمت قرار می دهم که همان امر خداوند متعال است و امر خداوند نیز ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام است. «وَبِهِ أَحْيِي عِبَادِي»؛ خداوند می فرماید به وسیله وجود حضرت مهدی علیه السلام بندگانم

۱. توبه، ۴۰. «و گفتار و هدف کافران را پایین قرار داد؛ و سخن خدا (و آیین او)، بالا و پیروز

است؛ و خداوند عزیز و حکیم است».

را زنده می‌کنم، بعد از اینکه مرده باشند. خداوند متعال به واسطه وجود مقدس امام زمان علیه السلام آنها را به علم، نور، فهم و حکمت زنده می‌کند. «وَبِلَادِي بِعِلْمِي»؛ بلاد خودم، شهرهای خودم، همه را به واسطه وجود حضرت مهدی علیه السلام زنده می‌کنم. «وَلَهُ أَظْهَرُ الْكُنُوزِ وَالذَّخَائِرِ بِمَشِيَّتِي»؛ و به واسطه وجود مقدس ایشان گنج‌ها را بیرون می‌آورم. چیزهای گران‌بهایی که در زمین وجود دارد، به واسطه ظهور موفورالسرور امام زمان علیه السلام آشکار می‌شود. «وَإِيَّاهُ أَظْهَرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَالضَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي»؛ و به واسطه ایشان چیزهایی که تاکنون جزو اسرار بوده را برای مردم ظاهر می‌کند. اسرار در زمان ایشان برای ما ظاهر می‌شود. «وَأَمْسُدُهُ بِمَلَأَتِكْتِي»؛ خداوند می‌فرماید: فرشتگان را به یاری امام زمان علیه السلام می‌فرستم تا بتواند دنیا را پر از عدل و داد بکند. «لِتُؤَيِّدَهُ عَلَى إِنْفَازِ أَمْرِي وَإِعْلَانِ دِينِي وَذَلِكَ وَلِيِّ حَقًّا وَمَهْدِيٌّ عِبَادِي صِدْقًا»؛ درحقیقت امام زمان علیه السلام ولی و مهدی عباد من از نظر صدق است.

از این آیه شریفه استفاده می‌کنیم که خداوند متعال می‌خواهد به وسیله ظهور حضرت تمام بندگان را از این مشکلات نجات دهد، گرفتاری‌ها را از بین ببرد و زمین را در دست شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و انصار حضرت قرار دهد که همه با خوشی و راحتی زندگی کنند. واقعاً وجود مقدس امام زمان علیه السلام برای عالمیان رحمت است. وجود مقدسش برای اهل زمین، باعث امان است. وجود مقدس امام زمان علیه السلام در هر عصری باعث نزول برکات و رحمت برای زمین

می شود. چقدر بزرگان و علمای ما نزد امام زمان علیه السلام عرض ادب و توسل داشتند. چقدر مشکلات شیعه در عصر غیبت به واسطه وجود مقدس امام زمان علیه السلام برطرف شد.

خدمات علما در احیای آثار مورد توجه امام زمان علیه السلام

علی الظاهر آخرین جلسه‌ای است که ما در خدمت شما هستیم. از این جهت باید مطالبی را برای عزیزان عرض کنم که لازم و ضروری است. بزرگان حوزه‌های علمیه، فقها، اکثر مراجع تقلید، بلکه قریب به اتفاق آنها، از زمان غیبت تاکنون مورد توجه و نظر خاص امام زمان علیه السلام بوده‌اند. آیت‌الله بروجردی رحمته الله علیه که هنوز هم آثار خیر و برکاتش برای جامعه اسلامی و حوزه‌های علمیه باقی ماند. مطلبی را از ایشان برای روحانیون و دوستان امام زمان علیه السلام نقل می‌کنم که بسیار اهمیت دارد.

نقل می‌کردند که در زمان آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه یکی از علمای قم به نام آیت‌الله فقیهی رحمته الله علیه (ایشان قمی الاصل بودند) در حالت بیماری و احتضار بودند. حضرت آیت‌الله والد ما ایشان را دیده بودند. می‌فرمودند: بسیار عالم متدین و صالح و باورعی بود. آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی حاج میرزا مهدی بروجردی رحمته الله علیه (حاج میرزا مهدی بروجردی پدرزن آیت‌الله العظمی گلپایگانی است که قبرش را هم اگر زیارت کرده باشید، در مسجد بالاسر حضرت معصومه رحمته الله علیه هست، سنگش را به دیوار زدند، آنجا نوشته‌اند آیت‌الله

حاج میرزا مهدی بروجردی (رحمته الله علیه)، ایشان و آیت الله العظمی گلپایگانی و حاج میرزا مهدی (رحمته الله علیه) به ملاقات آیت الله فقیهی می روند. وقتی که وارد می شوند، آیت الله فقیهی (رحمته الله علیه) در حالت احتضار بود که گویا فردا یا دو روز بعد از دنیا می رود. ایشان برای این دو بزرگوار نقل کرد که همین چند روزی که من در حالت احتضار بودم، دیدم آقای وارد اتاق من شد. وقتی نگاه کردم دیدم که چهره بسیار نورانی دارد، ولی لباس عربی پوشیده بود. با خودم گفتم من در این حال افتادم، لباس عربی پوشیدم، چطور حالا به ایشان سلام کنم. حالا می خواهد به من سلام کند، من چطور جواب سلامش را بدهم؟ برایم مشکل است. دیدم نه همان طور که جلو می آمد، مثل اینکه محبت ایشان در دلم بیشتر می شد. آن قدر جلو آمدم که خوشحال شدم و حالت خاصی پیدا کردم. انبساط خاطر پیدا کردم. بلند شدم و نشستم و ایشان سلام کردند. من جواب سلام دادم. پس از مدتی که احوال پرسیدم، این نکته را فرمودند: از جانب ما به آقای سیدحسین بروجردی سلام برسانید و بگویید خدمات شما در احیای آثار، منظور نظر ماست، تأییدات خدا و توفیقات شما را از خداوند متعال خواسته ایم. خیلی مهم است. این را گفتند و تشریف بردند. من متوجه شدم این وجود مبارک، امام زمان (عجل الله فرجه) بودند. بلند شدم و از خانواده پرسیدم، شما چنین شخصی را دیدید؟ گفتند نه، کسی را ندیدیم. به هر طرفی رفتم، چنین شخصی را پیدا نکردم. بعد آیت الله گلپایگانی و حاج میرزا مهدی بروجردی (رحمته الله علیه) گفتند:

این را به حاج سیدحسین بروجردی برسانید، این امر است. آیت‌الله حاج میرزا مهدی بروجردی می‌گفتند: من به خاطر اینکه این امر را اطاعت کنم، به و شنوه رفتم. آن موقع تابستان بود و آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله آنجا بودند. خدمت ایشان سلام کردم و این مطلب را خدمت ایشان عرضه داشتم. وقتی شنیدند همین‌طور گریه کردند. معلوم می‌شود خدمات علما، احیای آثار توسط علما، مورد نظر امام زمان علیه‌السلام هست.

این‌طور نیست که امام زمان علیه‌السلام ما را رها کرده باشد. برای ما دعا می‌کند. در توقیعی که برای شیخ مفید رحمته‌الله آمده است، می‌فرمایند که ما هرگز شما را فراموش نمی‌کنیم. ما به یاد شما هستیم و برای شما دعا می‌کنیم.^۱ برای توفیقات شما، برای اینکه شیعیان در راحتی باشند و از فشار و گرفتاری‌ها نجات پیدا کنند، دعا می‌کنیم. اگر کسی با ایشان در ارتباط باشد و به یاد ایشان باشد و خودش را به ایشان بفروشد، از گرفتاری نجات پیدا می‌کند. ما باید ببینیم خودمان را به چه کسی فروخته‌ایم. واقعاً اگر ما امام زمان علیه‌السلام را به عنوان ارباب و مولا قبول داشته باشیم، دیگر نباید غصه‌ای داشته باشیم. غصه‌ها همه از بین خواهد رفت. به ائمه معصومین علیهم‌السلام توسل داشته باشیم، در همه مشکلات به وجود مقدس امام زمان علیه‌السلام توسل داشته باشیم.

۱. قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۰۲ - ۹۰۳؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵ -

۴۹۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.

فضیلت مسجد مقدس جمکران

از آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله علیه نقل شده است، خداوند ارواح طیبه این مردان بزرگ از جمله آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله علیه، آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته‌الله علیه و مراجع بزرگوار تقلید و امام خمینی رحمته‌الله علیه را با ارواح طیبه ائمه معصومین علیهم‌السلام محشور کند. ایشان درباره مسجد مقدس جمکران مطالبی را نقل می‌کند که لازم است گفته شود؛ زیرا متأسفانه برخی سؤال می‌کنند و شبهاتی را درباره مسجد جمکران در اذهان مردم می‌اندازند. متأسفانه برخی از روی غرض‌ورزی درباره مسجد مقدس جمکران شبهاتی ایجاد می‌کنند.

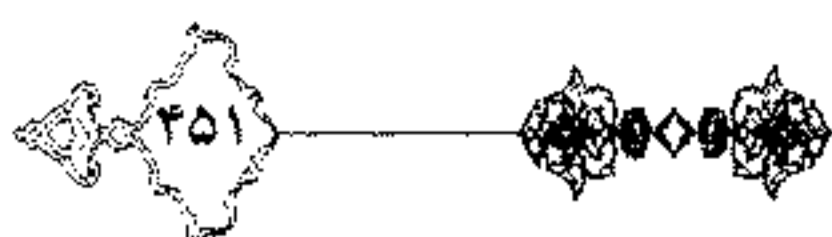
این مسجد مورد عنایت خاصه امام زمان علیه‌السلام بوده و هست. حضرت آیت‌الله، والد ما فرمودند: خدمت آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه بودم، شخصی آمد و از ایشان درباره مسجد مقدس جمکران سؤال کرد که این دو رکعت نمازی را که در مسجد مقدس جمکران می‌خوانیم، به عنوان ورود بخوانیم یا به عنوان رجاء؟ (خوب می‌دانید، گاهی وقت‌ها ما نمی‌دانیم از امام معصوم علیه‌السلام وارد شده است، می‌گوییم رجاءاً می‌خوانیم. از چنین مرجعی که در مسائل فقهی، رجال، فقه و اصول تبحر دارد، سؤال کردند به چه عنوان بخوانیم). ایشان مدتی فکر کردند سپس فرمودند: به عنوان ورود بخوانید؛ یعنی از امام زمان علیه‌السلام وارد شده که این دو رکعت نماز را در مسجد مقدس جمکران بخوانید. معنای ورود همین است؛ یعنی از کلام مبارک امام زمان علیه‌السلام وارد شده است. همان‌گونه که در کعبه و

مسجد کوفه نماز می خوانید، اینجا نیز همان گونه است. ایشان فرمود نماز مسجد مقدس جمکران را به عنوان ورود بخوانید.

جای شبهه باقی نمی ماند که این مسجد چگونه ساخته شد. آیا امام زمان علیه السلام به آن نظر دارد یا نه، این مربوط به اشخاصی است که یا اطلاعی ندارند یا خدای نکرده غرض دارند. اگر اهل علم نباشند از آنها توقع نداریم؛ اما اگر اهل علم و دانش هستند، از علما بپرسند. علما را قبول دارند. مراجع را قبول دارند، چه دلیلی دارد که مراجع بزرگوار ما از اول تا به امروز در مسجد جمکران، تضرع و انابه می کنند. مساجد همه محترم است؛ معلوم می شود مسجد جمکران مزیت خاصی دارد که دیگر مساجد ندارند؛ از این رو دوستان امام زمان علیه السلام به این مسجد می روند و عرض ادب می کنند.

حکایتی در باب شفا گرفتن در مسجد جمکران

شاید تاکنون این مطلب را نشنیده باشید، اما از من بشنوید. زیرا من به گوش خود شنیدم، شخصی از خادمان امام رضا علیه السلام خادم افتخاری و کشیک دوم بود. ایشان حدود دو سال پیش مرحوم شد. اسمش را بیارم، اشکالی ندارد، شاید اون موقع راضی نبود، به نام آقای بلورساز. بسیار آدم متدین، پاک و زاهدی بود. زمانی که آیت الله العظمی گلپایگانی علیه السلام به مشهد مشرف می شدند، روزی ایشان را خدمت آقا آوردند، آیت الله والد ما نیز آنجا بود و این قضیه را برای مرحوم نقل کردند. وقتی این قضیه را شنیدیم، من آنجا نبودم. بعد از چند سال که از این



قضیه گذشته بود به حرم امام رضا^{علیه السلام} مشرف شدم، آقای بلورساز را پیدا کردم. پرسیدم کجا هستند؟ گفتند کشیک دوم. روزی که کشیک دوم خدام بود، ایشان را دیدم و خودم را معرفی کردم و گفتم با شما کاری دارم. آمدند و نشستند و در یکی از رواق‌های مطهر علی بن موسی الرضا^{علیه السلام} و آن جریان را برای من نقل کرد. الان بعضی از دوستان رفتند و فیلم‌برداری هم کردند و عین کلام خودش است. ایشان فرمود که روزی به دندان‌درد مبتلا شدم، از طرف دیگر خانواده‌ام (همسرم) مبتلا بود، رفت پیش دکتر و خوب شد. ما نیز پیش همین دکتر رفتیم؛ ولی تارهای صوتی من گویا به وسیله عمل جراحی یا چیز دیگر از بین رفت، خدا می‌داند دیگر نمی‌توانستم صحبت کنم. همه دوستانش که خدام کشیک دوم بودند، این را قبول داشتند. نوشته بودند که ایشان مدتی نتوانست حرف بزند و لال شده بود. آدمی که صحبت می‌کرد، لال شد. پیش هر دکتری بود رفتم، حتی به من گفتند مثلاً اگر می‌گفتند در شیراز فلان دکتر خوبی هست، می‌رفتم. در تهران معالجه نشدم.

یک روز که در تهران بودم در همین مسجد امام نماز می‌خواندم، یکی از دوستانم مرا دید. آمد و سلام کرد، نمی‌توانستم جواب سلام او را بدهم. گفت: چیزی شده؟ اشاره کردم و متوجه شد که من لال شدم. بعد به من گفت. برای اینکه خوب شوی، تو که همه‌جا رفتی من یک دکتر به تو معرفی می‌کنم. آنجا هم برو، حالا که همه‌جا رفتی خوب نشدی، پیش این طبیب نیز برو.

اشاره کردم که این دکتر کیست؟ حالا که تهران آمدم، آنجا هم بروم. ایشان به من گفت. یکی از علمای تهران است. اسمش را هم گفت، حالا من یادم نیست. فرمود که چهل شب، چهارشنبه‌ها به مسجد مقدس جمکران برو، بلکه از امام زمان علیه السلام شفا بگیری، ایشان نظر دارند. خودش گفت خدا شاهد است، همین‌طور گریه می‌کرد و برای ما می‌گفت؛ از اول تا به آخر، همین‌طور اشک می‌ریخت.

می‌گفت: من از مشهد شب‌های چهارشنبه خودم را به مسجد مقدس جمکران می‌رساندم. نمی‌دانم شب سی‌وهشتم بود یا شب سی‌ونهم، هنوز شب چهارم تمام نشده بود، مشغول نماز بودم، همین‌طور با اشاره نماز می‌خواندم، بعد از نماز به آن صد تا صلواتی که باید در سجده بگویم، رسیدم. مشغول گفتن صلوات هنگام سجده بودم، ناگهان دیدم مسجد نورباران شد، درخشندگی خاصی داشت، دیدم شخصی وارد مسجد شد و مسجد منور گردید و این آقا دارند جلو می‌آیند. خودم می‌دیدم که مردم نیز می‌رفتند خدمت امام زمان علیه السلام عرض ادب و سلام می‌کردند. حضرت نیز جواب سلام می‌دادند. با خودم گفتم اگر نزد من آمدند، چگونه سلام کنم، من که نمی‌توانم سلام کنم، فهمیدم که ایشان امام زمان علیه السلام هستند، امام نزد من آمدند و به من فرمودند سلام کن. بار اول فرمودند سلام کن، چیزی نگفتم. بار دوم با تحکم فرمودند: سلام کن. همین که گفتند سلام کن، من گفتم سلام علیکم. هنگامی که گفتم سلام علیکم، دیگر ایشان را در مسجد ندیدم.

مسجد به حالت اولیه خودش برگشت و دیگر کسی را ندیدم و من داشتم صحبت می‌کردم و حالا هم که می‌بینید، صحبت می‌کنم. این شخص در همین مسجد مقدس جمکران شفا گرفت.

توسل به امام زمان علیه السلام در مشکلات و ناراحتی‌ها

ما نباید توسل به امام زمان علیه السلام را کوچک بشماریم. باید مشکلاتمان را به ایشان عرضه کنیم. مشکلات ما در عالم غیبت زیاد است. امروزه شما می‌بینید که شیعه مظلوم واقع شده است. آن‌کسی که می‌تواند ما را از این همه مشکلات و این همه ناراحتی‌ها نجات دهد، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. تقاضای بنده این است که در طول سال به یاد ایشان باشیم. نه فقط در ماه مبارک یا روز خاصی و به همین اکتفا کنیم. گاهی اوقات کارهای خوبمان را خدمت امام زمان علیه السلام عرضه بداریم و هدیه بکنیم. برای ایشان قرآن بخوانیم. اگر به زیارت ائمه معصومین علیهم السلام مشرف می‌شوید، به نیابت امام زمان علیه السلام نیز زیارت کنید. باید به هر وسیله‌ای شده، به وصال دوست برسیم؛ به وسیله دعا و صدقه؛ انسان برای سلامتی امام زمان علیه السلام صدقه بدهد. از همه مهم‌تر فرمودند: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»؛ 'برای من دعا کنید. دعای برای فرج من، دعا

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۹۲ - ۲۹۳؛ طبرسی، اعلام الوری،

ج ۲، ص ۲۷۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲؛ ج ۵۳، ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

برای فرج خودتان است. اگر می‌خواهید از مشکلات و ناراحتی‌ها رهایی یابید، برای فرج امام زمان علیه السلام دعا کنید.

امیدواریم که ان‌شاءالله شما نیز پیگیر این مسائل و این مطالب باشید. شما می‌توانید درباره این آیات بیشتر تحقیق کنید. کسانی که تحقیق کردند و خیلی بادقت و باتحقیق نوشتند، ان‌شاءالله جوایز ارزنده‌ای را خدمتشان تقدیم خواهیم کرد. فقط به خاطر اینکه ارتباطمان با وجود مقدس امام زمان علیه السلام بیشتر و مستحکم‌تر شود. اگر شبهه‌ای بود، آنها را یادداشت کنید، از دوستان پرسید و به ما بفرمایید، ما نیز از بزرگان می‌پرسیم که این شبهات برطرف شود. در طول زندگی، صبح و شب باید به یاد امام زمان علیه السلام باشیم.

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.

کتاب نامہ

قرآن کریم.

الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی (م. ۵۶۰ق)، تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسانی،

مشهد، نشر المرتضیٰ، ۱۴۰۳ق.

الاختصاص، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر

اسلامی، ۱۴۱۳ق.

ارشاد القلوب، دیلمی، حسن بن محمد (م. ۸۴۱ق)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.

الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق)، بیروت، دار

المفید، ۱۴۱۳ق.

الاستدکار، ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م. ۴۶۳ق)، تحقیق علی محمد بجاوی،

بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق.

إعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسی، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق)، قم، مؤسسة آل البيت ع لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.

اقبال الاعمال، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. ۶۶۴ق)، تحقیق جواد قیومی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۶ش.

الامالی، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ش.

الامالی، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق)، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.

الانصاف فی النص علی الائمة الاثنی عشر ع من آل محمد ع الاشراف، بحرانی،

سیدهاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.

بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق)، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار

احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سیدهاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق)، تهران، بنیاد بعثت،

۱۴۱۶ق.

بشارة المصطفى ع لشیعة المرتضى ع، طبری، محمد بن ابی القاسم (م. ۵۲۵ق)، النجف

الاشرف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ق.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ع، صفار، محمد بن حسن (م. ۲۹۰ق)، تحقیق

میرزا محسن کوچه باغی، تهران، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ق.

البلد الامین والدرع الحصین، کفعمی، ابراهیم بن علی (م. ۹۰۵ق)، بیروت، مؤسسة

الاعلمی، ۱۴۱۸ق.

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین علی (م. ۹۶۵ق)، تحقیق حسین استادولی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.

تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م. قرن ۴)، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.

تفسیر الصافی، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م. ۱۰۹۱ق)، تهران، انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.

تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم (م. ۳۰۷ق)، تحقیق سیدطیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.

التفسیر المنسوب الی الامام العسکری ﷺ، تفسیر منسوب به امام عسکری ﷺ، قم، مدرسه الامام المهدي ﷺ، ۱۴۰۹ق.

تفسیر فرات الکوفی، فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (م. ۳۰۷ق)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.

تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، مشهدی، محمد بن محمدرضا (م. ۱۱۲۵ق)، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

تفسیر نور الثقلین، حویزی، عبدعلی بن جمعه (م. ۱۱۱۲ق)، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.

تقریب المعارف، ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (م. ۴۴۷ق)، تحقیق فارس حسون، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۰۲ق.

تهذیب الاحکام، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق)، تحقیق سیدحسن موسوی
خرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

التوحید، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق سیدهاشم حسینی تهرانی، قم، نشر
اسلامی، ۱۳۹۸ق.

جامع الاخبار، شعیری، محمد بن محمد (م. قرن ۶)، النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة.
الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، سیوطی، جلال السدین (م. ۹۱۱ق)، بیروت، دار
الفکر، ۱۴۰۱ق.

الجغریات (الاشعئیات)، اشعث کوفی، محمد بن محمد (م. قرن ۴)، تهران، مکتبة النینوی
الحدیثة.

الخرائج والجرائح، قطب راوندی، سعید بن هبة الله (م. ۵۷۳ق)، قم، مؤسسة الامام
المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

الخصال، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی،
۱۴۰۳ق.

دعائم الاسلام، مغربی، قاضی نعمان بن محمد تمیمی (م. ۳۶۳ق)، تحقیق آصف فیضی،
القاهرة، دار المعارف، ۱۳۸۵ق.

دلائل الامامة، طبری امامی، محمد بن حریر (م. قرن ۵) قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.
روضه الواعضین وبصیرة المتعظمین، فتال نیشابوری، محمد بن حسن (م. ۵۰۸ق)، قم،
الشریف الرضی، ۱۳۷۵ش.

سنن ابی داوود، ابوداوود سجستانی، سلیمان بن اشعث (م. ۲۷۵ق)، تحقیق سعید محمد
لحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.

سنن الترمذی، ترمذی، محمد بن عیسی (م. ۲۷۹ق)، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف،
عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق.

السنن الکبری، بیهقی، احمد بن حسین (م. ۴۵۸ق)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.

شرح نهج البلاغة، تحقیق ابن ابی الحدید، عزالدین (م. ۶۵۶ق)، محمد ابوالفضل ابراهیم،
قم، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۴ق.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت علیهم السلام، حاکم حسکانی،
عبیدالله بن عبدالله (م. ۵۰۶ق)، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، ۱۴۱۱ق.

صحیح البخاری، بخاری، محمد بن اسماعیل (م. ۲۵۶ق)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق.

صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (م. ۲۶۱ق)، بیروت، دار الفکر.

الصحیفة السجادیة، الامام علی بن الحسین علیه السلام (م. ۹۴ق)، قم، انتشارات الهادی،

۱۳۷۶ش.

الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. ۶۶۴ق)، قم،

مطبعة الخيام، ۱۴۰۰ق.

علل الشرائع، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق سیدمحمدصادق بحر العلوم،

النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.

عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار، ابن بطريق، يحيى بن حسن (م. ۶۰۰ق)،
قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۷ق.

عوالم العلوم والمعارف والاحوال، بحراني اصفهاني، عبدالله نورالله (م. قرن ۱۲)، قم،
مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۲۵ق.

عوالي اللئالي العزيزية في الاحاديث الدينية، ابن ابي جمهور احسائي، محمد بن علي
(م. ۸۸۰ق)، تحقيق مجتبي عراقى، قم، مطبعة سيدالشهداء، ۱۴۰۳ق.

عيون اخبار الرضا عليه السلام، صدوق، محمد بن علي (م. ۳۸۱ق)، تحقيق سيدمهدي حسيني
لاجوردى، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.

عيون الحكم والمواعظ، ليشى واسطى، على بن محمد (م. قرن ۶)، تحقيق حسين حسنى،
قم، انتشارات دار الحديث، ۱۳۷۶ش.

غاية المرام وحجة الخصام، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ۱۰۷ق)، بيروت، مؤسسة
التاريخ العربى، ۱۴۲۲ق.

الغيبة، طوسى، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق)، تحقيق عبادالله تهراني، على احمد ناصح، قم،
مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۲۵ق.

الغيبة، نعماني، محمد بن ابراهيم (م. ۳۶۰ق)، تحقيق على اكير غفارى، تهران، مكتبة
الصدوق، ۱۳۹۷ق.

فرائد السمطين، جوينى، ابراهيم بن محمد خراسانى (م. ۷۳۰ق)، تحقيق محمدباقر
محمودى، بيروت، مؤسسة المحمودى، ۱۴۰۰ق.

الفصول المختارة، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق)، تحقیق سیدعلی میرشریفی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.

فضائل الأشهر الثلاثة، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق غلامرضا عرفانیان، قم، مكتبة الداوری، ۱۳۹۶ق.

الفضائل، شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل (م. ۶۶۰ق)، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۳ش.
الكافی، کلینی، محمد بن یعقوب (م. ۳۲۹ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد (م. ۳۶۷ق)، تحقیق عبدالحسین امینی، النجف الاشرف، دار المرتضویة، ۱۳۹۸ق.

كشف النعمة فی معرفة الائمة ع، اربلی، علی بن عیسی (م. ۶۹۳ق)، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.

کفاية الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر ع، خزاز قمی، علی بن محمد (م. ۴۰۰ق)، تحقیق سیدعبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.

کمال الدین وتمام النعمة، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۵ق.

کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، متقی هندی، علی (م. ۹۷۵ق)، تحقیق بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.

کنز الفوائد، کراجکی، محمد بن علی (م. ۴۴۹ق)، تحقیق عبدالله نعمة، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.

اللهورف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. ۶۶۴ق).

مجمع البحرين، طریحی، فخرالدین (م. ۱۰۸۵ق)، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران،

المکتبة المرتضویة، ۱۳۷۵ش.

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق) تهران، انتشارات

ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.

المحاسن، برقی، احمد بن محمد (م. ۲۷۴ق)، تحقیق سیدجلال الدین حسینی، تهران، دار

الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۰ش.

المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، بحرانی، سیدهاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق).

مختصر البصائر، حلی، حسن بن سلیمان (م. قرن ۹)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.

مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ﷺ، مجلسی، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق)، تحقیق

سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ق.

المزار الكبير، مشهدی، محمد بن جعفر (م. ۶۱۰ق)، تحقیق جواد قیومی، قم، نشر

اسلامی، ۱۴۱۹ق.

المسائل الخمسون فی اصول الدین، فخر رازی، محمد بن عمر (م. ۶۰۶ق)، القاهرة، مکتبة

الثقافی، ۱۹۸۹ق.

مستدرک الوسائل، محدث نوری، میرزا حسین (م. ۱۳۲۰ق)، بیروت، مؤسسة آل

البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.

المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (م. ۴۰۵ق)، تحقیق

يوسف عبدالرحمن مرعشلي، بيروت، دار المعرفة.

مسند ابي داوود الطيالسي، طيالسي، سليمان بن داوود (م. ٢٠٤ق)، بيروت، دار المعرفة.

مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، شيباني (م. ٢٤١ق)، بيروت، دار صادر.

مشكاة الانوار في غرر الاخبار، طبرسي، تحقيق صالح جعفري، النجف الاشرف، المكتبة

الحيدرية، ١٣٨٥ق.

مصباح المتعبد، طوسي، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق)، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة،

١٤١١ق.

المصباح المنير، فيومي، احمد بن محمد (م. ٧٧٠ق)، قم، دار الهجرة، ١٤٠٥ق.

معاني الاخبار، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق)، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر

اسلامي، ١٣٦١ش.

المعجم الكبير، طبراني، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق)، تحقيق حمدي سلفي، بيروت، دار

احياء التراث العربي، ١٤٠٤ق.

مفاتيح الجنان، محدث قمي، عباس (م. ١٣٥٩ق).

مقتضب الاثر في النص على الائمة الاثني عشرية، جوهرى، احمد بن عبيدالله

(م. ٤٠١ق)، تحقيق نزار منصورى، قم، مكتبة الطباطبائي.

الملاحم، ابن منادى، احمد بن جعفر (م. ٣٣٦ق).

من لا يحضره الفقيه، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق)، تحقيق علي اكبر غفاري، قم،

نشر اسلامي، ١٤٠٤ق.

مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق)، قم، انتشارات علامه،

۱۳۷۹ق.

المناقب، خوارزمی، موفق بن احمد (م. ۵۶۸ق)، تحقیق مالک محمودی، قم، نشر

اسلامی، ۱۴۱۱ق.

منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، صافی گلپایگانی، لطف الله، تهران، مرکز فرهنگی

انتشاراتی منیر، ۱۳۹۳ق.

مهج الدعوات و منهج العبادات، ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. ۶۶۴ق)، تحقیق

ابوطالب کرمانی، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

نهج البلاغة، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، الشریف الرضی، تحقیق و شرح محمد عبده،

بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

النوادر، راوندی، فضل الله بن علی (م. ۵۷۰ق)، قم، دار الکتاب.

وسائل الشیعة، حر عاملی، محمد بن حسن (م. ۱۱۰۴ق)، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام

لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.

ینابیع المودة لذوی القربی، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (م. ۲۹۴ق)، تحقیق سید علی

جمال اشرف حسینی، دار الاسوة، ۱۴۲۳ق.